

انجمن مدیران صنایع

کارآفرین

ماهنامه

شماره ۱۶۴ - اردیبهشت ۱۴۰۴ - ۹۲ صفحه



معارضه و
بازدارندگی

اقتصاد ایران در برزخ



حمایت تمام‌قد بخش خصوصی از مذاکرات
و تلاش برای رفع تحریم

گزارش دید و نروزی و انجمن مدیران صنایع



اقتصاد ایران
در پرتو توافق





یک نام و هزار لبخند



WWW.SAHARFOOD.COM



کتابوک محصولات

شرکت منابع غذایی سحر

تلفن: ۰۲۱-۲۲۶۶۹۲۳۶

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۶۶۹۲۴۴



www.takmakaron.com

☎ 1648

انجمن مدیران صنایع برگزار می کند:
سمینار نیم روزه اظهارنامه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی



مدرس: جناب آقای احمد غفارزاده

سرفصلهای دوره:

- آشنایی با ساختار و بخشهای مختلف اظهارنامه مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی
- بررسی تغییرات و اصلاحات جدید در قوانین مالیاتی سال ۱۴۰۴
- نحوه محاسبه درآمد مشمول مالیات و تعدیلات قانونی
- بررسی جرائم مالیاتی مرتبط با تأخیر یا اشتباه در ارائه اظهارنامه
- نکات کلیدی در خصوص هزینههای قابل قبول مالیاتی و معافیتها
- مدیریت ریسکهای مالیاتی و کاهش اختلافات با سازمان امور مالیاتی
- بررسی نمونههای واقعی از خطاهای رایج و راهکارهای اصلاحی

۹۱۲۰۷۰۲۰۳۶ – ۸۸۳۰۴۰۷۰
anjoman.modiran@yahoo.com

هشتم تا دوازدهم خرداد ماه

حضور پررنگ انجمن مدیران صنایع ایران در نمایشگاه ایران اکسپو



بزرگ‌ترین رویداد تجاری
کشور با مشارکت بیش
از ۱۱۰ کشور جهان



در طول ۵ روزنمایشگاه،
پاویون انجمن میزبان
بیش از ۱۵۰۰ نفر از
مدیران، صاحبان صنایع،
بازرگانان و اعضای
انجمن از سراسر کشور
بود که از این میان ۳۰۰
نفر از فعالان اقتصادی
مراجعان اختصاصی
انجمن مدیران صنایع
بودند.

بازدید دبیرکل انجمن از
غرفه‌های شرکت‌های
عضو در نمایشگاه



قدردانی از حامیان پاویون

پاویون اختصاصی انجمن مدیران صنایع

با توجه به تجربه موفق انجمن در نمایشگاه صنعت سال ۱۴۰۳، حضور در ایران اکسپو ۲۰۲۵ با مشارکت ۹ شرکت تولیدی و صنعتی و در فضایی به وسعت ۱۳۰ متر مربع در سالن A۳۱ محقق شد. طراحی مدرن، جانمایی مناسب و برنامه‌ریزی هدفمند موجب شد پاویون انجمن به یکی از غرفه‌های پرت تردد نمایشگاه تبدیل شود.

شرکت‌های حاضر در پاویون انجمن شرکت لوله و پروفیل سپاهان، شرکت پارس مشعل، گروه میکرو صنعت، شرکت رنگسازی پارت فام (سیکلمه)، شرکت اشتعال اراک، شرکت هیرو آسانسور، شرکت کتروا، گروه صنعتی ریابی و شرکت صنایع پخت مشهد. این شرکت‌ها به‌عنوان حامیان ویژه انجمن در برپایی پاویون نقش مؤثری ایفا کردند.

اطلاعات بیشتر: WWW.AMSIRAN.COM



بی‌سان

بانکداری به‌عنوان خدمت (BaaS) بی‌سان؛ بانک شخصی‌سازی‌شده کسب‌وکارها

بی‌سان، متا‌بانک خاورمیانه، با بهره‌گیری از تیمی مجرب و فناوری‌های نوین، امکان ارائه خدمات یکپارچه بانکی در کنار سایر نیازهای کسب‌وکارها را فراهم می‌کند. این پلتفرم با استفاده از هوش مصنوعی و تحلیل رفتار مشتریان، به کسب‌وکارها کمک می‌کند تا تجربه‌ای شخصی‌سازی‌شده و بهینه را برای کاربران خود رقم بزنند. با بی‌سان، کسب‌وکارها نه تنها خدمات مالی را به‌سادگی در اکوسیستم خود ادغام می‌کنند، بلکه با شناخت دقیق‌تر نیازها و رفتار مشتریان، مسیر رشد و نوآوری را با اطمینان بیشتری طی خواهند کرد.



بانک خاورمیانه
Middle East Bank



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir



شیر، تحلیل، آموزشی، پژوهشی و اطلاع رسانی
شماره ۱۶۴ - اردیبهشت ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: احسن مدیران صنایع

مدیرمسئول: دکتر رضاعلی رویایی

سرمدبیر: محمدصادق جنان صفت

اعضای تحریریه:

احسان جنان صفت

مدیر اجرایی و صفحه آرایی:

علی صائمی

ویراستار:

قطمه ابرهیمیان

نشانی: تهران، خیابان استامپتری، روبه روی خیابان میرعماد

پلاک ۲۶۴، طبقه سوم و چهارم

تلفن: ۸۸۸۳۹۶۴۱

نقل مندرجات این نشریه با ذکر مأخذ آزاد است

نظر نویسندگان و شرکت کنندگان در میزگردها و مصاحبه ها

لر و ما نظر این نشریه نیست

مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده آن است

نشریه در انتخاب و ویرایش متون آزاد است

مقالات و نظرات به دختر تحریریه ارسال شود

مقالات رسیده پس دله نخواهد شد

متن اصلی مقالات ترجمه شده به پیوست ارسال شود

مدلات روی یکطرف برگ ۸۴ نوشته و فاصله بین سطرها رعایت شود

برای مرور فهرست مقالات

به آدرس www.amsiran.com مراجعه کنید

چاپخانه:

پیمان نو اندیش

بسم الله الرحمن الرحيم



انجمن مدیران صنایع



اقتصاد در برزخ



محمدصادق جنان صفت

سردبیر

در شرایطی که رشد تولید ناخالص داخلی در زمستان پارسال فرو افتاده بود انتظار می رفت در سال تازه از روند منفی دور شود اما چنین نشد. یک دلیل اصلی از نظر کارشناسان بی ثباتی در تصمیم گیری های کلان به ویژه در سیاست خارجی بوده است. در بهار امسال هم فعالان اقتصادی به ویژه مدیران و صاحبان بنگاه های صنعتی همانند میلیون ها کارگر، پیشه ور و کشاورز و کارمند نگران آینده مذاکرات ایران و آمریکا هستند. آنها نیز می خواهند بدانند سرنوشت کشور چه خواهد شد؟ با توجه به اینکه این مذاکرات در هنگامه کشاکش ایران و آمریکا و نیز رفتارهای غیر عادی اسرائیل همراه شده این نگرانی ها افزایش یافته است. چند سناریو از سوی کارشناسان مسایل جهان در باره آینده گفت و گوهای ایران و آمریکا در میان است: سناریوی اول این است که دو کشور با همه انعطاف هایی که ممکن است نشان دهند اما بر روی خط قرمزها استوار بمانند و در ته خط مذاکرات دستاوردی در مسیر آشتی پیدا نشود. در این صورت مناسبات ایران و آمریکا بدتر از وضع فعلی خواهد شد. پیامد این اتفاق تنش زایی بیشتر از سوی دو کشور است. آمریکا می تواند با افزایش سخت گیری درباره ادامه و تشدید تحریم ها در مسیر راهبرد فشار حداکثری اقتصاد ایران را زیر تیغ بگیرد و اسباب تضعیف جمهوری اسلامی را فراهم کند. سخت ترین تصمیم آمریکا در این صورت فشار بر چین برای خریدن نفت از جمهوری اسلامی است. شاید چینی ها در ظاهر بخواهند مقاومت کنند اما آنها نمی خواهند دست کم به خاطر خرید نفت ارزان از ایران تجارت چند صد میلیارد دلاری با آمریکا را از دست بدهند. با توجه به سازگاری نهایی اتحادیه اروپا با آمریکا در نبرد با چین از دست دادن تجارت

زودی از این وضعیت رها نشود به سوی بن بست کوچ داده می شود.

بزرگترین خطر برای تولید صنعتی در موقعیت امروز کمبود انرژی است در حالی که در زمستان پارسال تولید صنعتی با کمبود گاز روبه رو بود از اول فروردین امسال تا امروز با کمبود فزاینده برق روبه رو شده است. مدیران بنگاه های صنعتی و نیز سیاستگذاران صنعت در هر فرصتی که به دست می آورند به دولت یادآور می شوند استفاده از ظرفیت های نصب شده در بخش هایی از صنایع به ۲۵ درصد رسیده است که تولید را غیر اقتصادی می کند. گلایه های مدیران تولید صنعتی هر روز ابعاد گسترده ای پیدا می کند و تا تعطیل راهی نمانده است.

تولید صنعتی از سوی دیگر با کمبود اعتبارات ریالی برای تامین سرمایه در گردش و نیز با تاخیرهای تخصیص ارز برای واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای رو به رو شده است. در این وضعیت است که به سوی بن بست رفتن در تولید صنعتی را باید ناگزیر دانست. آیا بانک مرکزی و بانک های تجاری برای برطرف کردن این تنگنا با بخش صنعت همراهی خواهند کرد. اگر این تنگنا برطرف نشود استفاده از همین میزان ظرفیت نیز ناممکن می شود. باید راهی برای باز کردن این گره پیدا شود.

کاهش قدرت خرید جامعه ایرانی به دلیل شکاف بزرگ تاریخی رشد مزد و حقوق کارگران و کارمندان و بازنشستگان و نرخ تورم از دیگر گره های کور صنعت شده است که هر سال بر ابعاد آن اضافه می شود. شهروندان ایرانی قدرت خرید کاهنده ای دارند و ترجیح می دهند فقط کالاهای اساسی به ویژه اقلام غذایی خریداری کنند. تورم فزاینده البته قدرت رقابتی تولید صنعتی ایران با دیگر کشورها را تضعیف کرده و کالاهای وارداتی به ویژه کالاهایی که از چین می آیند بیش از کالاهای ایرانی خریداری می شوند. با توجه به گره های کور تولید صنعتی و گلایه و شکایت مدیران دولتی ذیربط و بخش خصوصی باید با تاسف نوشت که تولید صنعتی به سوی بن بست می رود.

با اتحادیه اروپا برای چین دشوارترین تصمیم است. در این سناریو و در صورتی که ایالات متحده آمریکا از نیروی نظامی استفاده نکند جمهوری اسلامی نیز بهانه ای برای استفاده از نیروی نظامی علیه متحدان آمریکا در منطقه را نخواهد داشت. حتی اگر ایران بخواهد به پایگاه های آمریکا در قطر یا عربستان حمله کند کشورهای حاشیه خلیج فارس در مسیر منازعه جدی با جمهوری اسلامی قرار می گیرند و فشار نظامی به جمهوری اسلامی بیشتر خواهد شد.

سناریوی دیگر این است که جمهوری اسلامی و آمریکا هر کدام کمی از خط قرمزهای خود را بازتر کرده و در مسیری که به صلح نزدیک می شود هدایت کنند. در این صورت می توان امید داشت اقتصاد کمی از دوزخ دور شده و روی ریل عادی شدن بیفتد البته این اتفاق به سرعت رخ نمی دهد و باید هفته هایی را منتظر ماند. این بهترین رخداد احتمالی است که البته به انعطاف بیشتر از سوی دو طرف بستگی دارد. سناریوی سوم ادامه همین وضعیت است که به نظر می رسد دوام چندانی نخواهد داشت. وضعیت اقتصاد گونه ای است که شهروندان تاب آوری بیشتری شاید نداشته باشند و بهتر است به سوی گزینه دوم برویم.

صنعت در مسیر بن بست

هنگامی که اقتصاد کلان یک کشور در وضعیت آشفتگی قرار دارد معلوم است که بخش های آن نیز گرفتار خواهند شد. تولید صنعتی در هزاران کارخانه بزرگ و کوچک در رشته های پر شمار علاوه بر اینکه سهم قابل اعتنایی در ارزش افزوده کل کشور دارد در ایجاد و نگهداری سطح اشتغال نیز نقش پررنگی دارد. تولید صنعتی بسیاری از نیازهای مصرف کنندگان را با تولید صدها کالا تامین می کند و سهم آن از صادرات کل غیر از نفت نیز رقم بالایی است. به همین دلایل است که صیانت از تولید صنعتی در هر وضعیت در دستور کار دولت و بخش خصوصی است اما در حال حاضر تولید صنعتی از چند سو در تیررس تیرهای خطرناک قرار گرفته و اگر به

دکتر محمد قاسمی معاونت سیاستگذاری و راهبری توسعه ملی و منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه کشور
با حضور در دیدار نوروزی انجمن مدیران صنایع:

تعهد دکتر پزشکيان به اجرای برنامه هفتم



دکتر محمد قاسمی معاونت سیاستگذاری و راهبری توسعه ملی و منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه کشور با حضور در دیدار نوروزی انجمن مدیران صنایع در تاریخ اول اردیبهشت سال ۱۴۰۴ در سالن اجتماعات انجمن برگزار گردید به تشریح برنامه‌هایی در حال حاضر در دولت در دستور اجرا قرار دارد پرداختند.

ارائه برنامه‌های مختلف

برای سناریوهای گوناگون

ایشان سال ۱۴۰۴ را جهت تصمیم‌گیری‌های مدیریتی بسیار پیچیده معرفی و بیان کردند دولت در حالی برنامه‌های راهبردی باید ارائه دهد که با گزینه‌ها و نتایج متفاوتی و بازیگران مختلف با مجموعه‌ای از توابع هدف به شدت متفاوت روبرو است.

از یک سو برای بدترین حالت برنامه ریزی در حال انجام هست. مانند تجربه ژاپن که زیر شدیدترین بمباران‌های آمریکا، گروهی برای ژاپن بعد از جنگ فکر میکردند و دولت برای تمام گزینه‌ها باید برنامه داشته باشد. برای تشدید تحریم‌ها یا هر احتمالی که احتیاج به یک برنامه شرایط ویژه داشته باشد. بخش‌هایی در مراجع مختلف تصویب شده است. در بحث امروز به موضوع شرایط اضطرار نمی‌پردازیم. در بحث امروز به این گزینه کاری نداریم و موضوعی مورد بحث است که از ابتدای تشکیل دولت چهاردهم در ستاد اقتصادی دولت مطرح شده است که تحریم‌ها و شرایط اقتصادی مانند شرایط حاضر است و برای این شرایط برنامه ریزی صورت گیرد: تحت عنوان برنامه ملی بهبود رشد ثبات، پیشرفت و عدالت

مقدمات اجرای برنامه هفتم

دکتر قاسمی در ادامه صحبت‌های خود با توجه به تعهد دکتر پزشکيان به اجرای برنامه هفتم، مقدمات تهیه برنامه ملی بهبود رشد ثبات پیشرفت و عدالت رو

گذاشتند. بر اساس مدلهای موجود دو نتیجه به دست آمد: این بود که تو این شرایط هیچ ما اگر بخواد کشور بدون اینکه عرض کردم تحریم‌ها تشدید بشه با همین فضایی که مثلاً یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه نفت در روز صادر میشه و غیره و غیره همه اون شرایط سر جاش رشد اقتصادی رو حداکثر حول و حوش ۳ خواهد بود در طول پنج سال تورم هم هیچگاه کمتر از ۳۰ درصد نخواهد شد حالا بقیه برآوردها هم بود که چه اتفاقی می‌خواد طبیعی بود که نتایجشم روشن نشه نتایج ادامه این وضعیت میشه بدتر شدن وضعیت فقر در کشور تضعیف جایگاه اقتصادی ایران در منطقه موقعی که می‌گیم تورم ماندگار میشه در سطوح بالای ۳۰ درصد یعنی آسیب جدی به رفاه خانوارها میرسه دولت بسیار شدید خواهد شد و عملاً که ظرفیت مالی کشور کفاف استهلاك را هم نخواهد داد چه برسه به تقویت بنیان‌های

اینگونه تشریح کردند که برنامه هفتم مجموعه‌ای از احکامی است که نیازمند تهیه برنامه‌های مختلفی است و برای تسریع موضوع دولت سه تا تصمیم گرفت: ابتدایک آسیب‌شناسی از وضعیت موجود کشور انجام شود. برای پاسخ به این سوال فرض را بر این گذاشتیم که اصلاً تحریم‌ها تشدید نشود و در همان موقعیت ۱۴۰۳ بخواهیم کشور را اداره کنیم. وضعیت چگونه خواهد بود؟ سوال دوم این بود برای خروج از این وضعیت چه کار باید کرد و سوال سوم منابع مالی مورد نیاز چیست؟ و بحث چهارم هم این بود اگر قرار شود پارادایم شیفتهی انجام شود، وارد چه فضایی خواهیم شد.

بر این اساس سه دستگاه اقتصادی یعنی سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد دارایی پاسخ این سوالات را به اشتراک



تولیدی کشور و کسری تراز تجاری هم تشکیل خواهد شد و طبیعتاً این فشار میاره بر بازارهایی مثل بازار ارز و غیره خوب با این به هر حال پیش بینی‌ها که در مراجع مختلف به اشتراک گذاشته شد تقریباً همه اون تصمیم‌گیری‌های کشور درگیر شدند و نتیجه اینکه ادامه وضع موجود حتی بدون بحث تشدید تحریم‌ها به نفع کشور نیست و نیاز به تغییرات جدی در سیاستگذاری‌های اقتصادی اجتماعی و سیاسی هست.

اصول، اهداف و برنامه‌ها

سه اصلی که دولت برای هر نوع برنامه ریزی و سیاستگذاری اقتصادی در نظر گرفته است: د تعامل و مشارکت مردم، توجه به خواسته‌های مردم و تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی را شامل می‌شود. ایشان بیان کردند اعضای ستاد اقتصادی ضمن تأکید بر پرهیز از راه‌حل‌های دم‌دستی و همچنین تدریجی بودن اصلاحات ۵ هدف را برای برنامه‌ها انتخاب کردند: بهبود سرمایه

گذاری و تولید، کنترل تورم، حمایت از اقشار محروم، مدیریت کاهش و رفع ناترازی‌ها و اجرای طرح‌های پیشران ملی.

و پنج برنامه برای رسیدن به این اهداف استخراج شد: برنامه تولید و اشتغال که شامل تامین مالی تولید، افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد، حمایت از صادرات و ارزآوری و افزایش سرمایه گذاری خارجی است و وزیر اقتصاد مسئول این کار هستند.

برنامه کاهش و کنترل تورم و ثبات اقتصادی که بحث تحول نظام بانکی، تحول بانک مرکزی، اصلاح نظام قیمت گذاری، بحث کاهش تحریم‌ها و بازگشت به نظام پرداخت بین‌الملل، ارتقا امنیت اقتصادی و کاهش انگیزه خروج سرمایه، ناترازی بودجه و ناترازی بانکی که بانک مرکزی با کمک سازمان برنامه بودجه این برنامه را هدایت می‌کند. برنامه اصلاح

نظام حمایتی کشور و به اصطلاح حمایت از مستمری‌بگیران نهادهای حمایتی و ناترازی صندوق‌های بازنشستگی که وزارت رفاه مسئولیت انجام این مورد را بر عهده دارند. برنامه رفع ناترازی منابع یکی تو حوزه انرژی و یکی در حوزه آب. حوزه انرژی را سازمان برنامه بودجه مدیریت می‌کند و بحث آب را وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی بر عهده دارند. طرح‌های پیشران به عنوان پنجمین برنامه، بحث‌هایی مانند توسعه منطقه مکران، بحث منطقه غرب اروند، توسعه دریا محور هست، توسعه زنجیره‌های نفت و گاز و الحاق ایران به برنامه‌های منطقه‌ای

برای هر کدام از این موارد یکی از وزارت خانه‌ها رئیس کارگروه هست و دستگاه‌های همکار در حال سازگار کردن این سیاست گذاری‌ها هستند و امیدواریم با اقدامات دولت تحرکی در کشور انجام شود.



نشست ادواری دبیران و مدیران اجرایی شعب و دفاتر انجمن

امر مستلزم این است که به جای رقابت یا انزوا، همکاری، تبادل تجربه و تعامل میان مدیران انجمن در سطح کشور ایجاد گردد.

همچنین در این جلسه راه‌های ارتباطی موثر و منظم با شعب به ویژه در قالب کانال‌های ارتباطی در واتساپ و تهیه و ارسال خبرنامه بررسی گردید و پیشنهاد شد تا علاوه بر ارسال نسخه الکترونیکی خبرنامه به شعب انجمن و لزوم اطلاع‌رسانی در سطح کشور، نسخه‌های چاپی نیز برای شعب انجمن ارسال گردد.

در ادامه جلسه، هر یک از دبیران گزارشی از اقدامات انجام‌شده در شعبه خود ارائه کردند و دغدغه‌ها و پیشنهادات اجرایی خود را مطرح نمودند. پیشنهادات عملیاتی در این جلسه به شرح زیر ارائه شد:

- ایجاد یک پلتفرم سراسری اعضای انجمن از تمام شعب، تهیه و به‌روزرسانی فهرست اعضای شعب با همکاری دبیران، بررسی امکان ارسال نسخه فیزیکی خبرنامه، برگزاری سالانه همایش دبیران شعب همراه با بازدیدهای صنعتی و جلسات انتقال تجربه.

نشست ادواری دبیران و مدیران اجرایی شعب و دفاتر انجمن دوشنبه اول اردیبهشت ماه با حضور دبیرکل و مدیران انجمن مدیران صنایع ایران برگزار شد. در این گردهمایی، نمایندگان شعب مختلف (اصفهان، آذربایجان شرقی، قم، فارس، نیشابور و گیلان) به همراه مدیران انجمن حضور داشتند.

در آغاز جلسه، آقای محمدرضا ستوده، دبیرکل انجمن، ضمن تبریک سال نو، از حضور و همراهی فعال دبیران تشکر کرد.

وی با اشاره به تهیه گزارش عملکرد انجمن در سال ۱۴۰۳ و مرور عملکرد انجمن اظهار کردند انجمن با تلاش جمعی توانست وضعیت مالی و اجرایی را در حد معقول حفظ کند. دبیرکل انجمن بر لزوم ایجاد یک شبکه فراگیر اطلاع‌رسانی برای همه اعضای انجمن در سطح کشور تاکید کردند، چرا که در فعالان اقتصادی عضو انجمن در سراسر کشور باید حس تعلقی ایجاد شود که انجمن مسائل را با نگاهی ملی دنبال می‌کند و تفکیکی میان تهران و شعب انجمن وجود ندارد. این



گزارش حضور در نمایشگاه اکسپو

در ایران اکسپو ۲۰۲۵ با پیشنهاد دبیرخانه، مصوبه هیات مدیره و اجرای شرکت هفت رنگ آسمان در قالب پايون مشترک با مشارکت ۹ شرکت تولیدی و صنعتی و در فضایی به وسعت ۱۳۰ متر مربع در سالن A۳۱ محقق شد. طراحی مدرن، جانمایی مناسب و برنامه‌ریزی هدفمند موجب شد پايون انجمن به یکی از غرفه‌های پرتردد نمایشگاه تبدیل شود.

شرکت‌های حاضر در پايون انجمن

شرکت لوله و پروفیل سپاهان، شرکت پارس مشعل، گروه میکرو صنعت، شرکت رنگسازی پارت فام (سیکلمه)، شرکت اشتعال اراک، شرکت هیرو آسانسور، شرکت کتروا، گروه صنعتی ریایی و شرکت صنایع پخت مشهد

هفتمین نمایشگاه بین‌المللی ایران اکسپو ۲۰۲۵، به عنوان بزرگ‌ترین رویداد تجاری کشور، با مشارکت وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت امور خارجه، سازمان توسعه تجارت ایران و سایر نهادهای دولتی و خصوصی، فرصتی ممتاز برای معرفی توانمندی‌های صنعتی و صادراتی کشور فراهم ساخت. این رویداد با حضور شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران و بازرگانان از بیش از ۱۱۰ کشور، بستری مؤثر برای توسعه همکاری‌های تجاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی بود.

حضور فعال انجمن مدیران صنایع ایران

با توجه به تجربه موفق انجمن در نمایشگاه صنعت سال ۱۴۰۳، حضور



الکترونیک افزار آزما)، مهندس میراسرافیل حجازی (مدیرعامل گروه میکرو صنعت)، آرش سپهری (مدیرعامل شرکت خورشیدی پارس)، مهندس هوشمند (مدیرعامل گروه صنعتی ریایی)، مدیران شرکت‌های گروه پارت لاستیک (مانوپارت، مولتی کاوه، سن ایچ و...)، مهندس منوچهر سپهری (مدیرعامل پارس مشعل)، مهناز فخر موسوی (مدیرعامل هیرو آسانسور)، مهندس مجید تکیان (مدیرعامل هامون نایزه)، مهندس علی هوشمند (مدیرعامل گروه صنعتی ریایی)، دکتر علیمردان شیبانی (مدیرعامل صنایع موکت همدان)، فریدون عسگریان دماوندی (مدیرعامل بلور و شیشه کاوه)، مهندس بیژن محبی (مدیرعامل آساد صنعت)، علی پناهی (معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری)، محمدرضا نجفی‌منش (رییس کمیسیون کسب و کار اتاق تهران)، نیره پور ملایی (مدیرعامل شرکت کتروا)، مهندس ابوالقاسم اسحق‌آبادی

این شرکت‌ها به‌عنوان حامیان ویژه انجمن در برپایی پلویون نقش مؤثری ایفا کردند. همچنین در کانتراهای اختصاصی انجمن بسته عضویت شامل فرم عضویت، بروشور معرفی انجمن و کاتالوگ اختصاصی شرکت‌های حاضر، به‌همراه کارت ویزیت انجمن به بازدیدکنندگان ارائه شد و از آنان دعوت شد تا به عضویت انجمن درآیند.

میزبانی از اعضای انجمن و فعالان اقتصادی

در طول ۵ روز نمایشگاه، پلویون انجمن میزبان بیش از ۱۵۰۰ نفر از مدیران، صاحبان صنایع، بازرگانان و اعضای انجمن از سراسر کشور بود که از این میان ۳۰۰ نفر از فعالان اقتصادی مراجعان اختصاصی انجمن مدیران صنایع بودند که برخی از چهره‌های شاخص و میهمانان بازدیدکننده عبارتند از آقایان: گل‌احمد و سیدعلی سجادی‌فر (اعضای هیات ریسه انجمن اصفهان)، مهندس جمشید بردبار (مدیرعامل



بازدید از غرفه‌های شرکت‌های عضو

دبیرکل انجمن با حضور فعال در نمایشگاه، ضمن بازدید از غرفه شرکت‌های عضو مانند: گروه صنعتی زر، داروسازی دکتر عبیدی، تک‌ماکارون، فروسیلیس ایران، پاکنام، پاکشو، یزدتایر، سایپا، الکترونیک افزار آزما، انجمن لوازم خانگی، سیناژن، ایران یاسا تایر و رابر در جریان فعالیت‌ها، توانمندی‌ها و دغدغه‌های این شرکت‌ها قرار گرفتند.

تقدیر از حامیان انجمن

در پایان نمایشگاه با حضور جمعی از اعضای هیات مدیره و مدیران انجمن، از شرکت‌های حامی پویون با اهدای لوح تقدیر و هدایای یادبود قدردانی به عمل آمد.

(مدیرعامل و رئیس هیات مدیره صنایع پخت مشهد)، (دکتر مرتضی طالع ماسوله (رئیس بنیاد ملی توسعه و تعالی گردشگری)، دکتر نورمحمدی (مدیرعامل رنگسازی پارت فام (سیکلمه))، سیدمسعود جمالی (نایب رئیس هیات رییسه انجمن اصفهان و مدیرعامل شرکت نقش جهان)، سیداحمد موسوی (مدیرعامل شرکت ایران توحید)، مدیران شرکت فروسیلیس ایران، مدیران شرکت الکتروتکنوتک، آقای تظهیری، دبیر و مدیر اجرایی انجمن گیلان، احمد محمد نژاد (مدیرعامل شرکت بازرسی فنی پویا پرتو تبریز)، سعید جابرانصاری (رئیس هیات مدیره شرکت دژپاد)، رضایی پور (دبیرکل کانون کارگزاران بورس کشور) و نمایندگانی از بانک‌های رفاه کارگران، اقتصاد نوین و تجارت.





گزارش اولین همایش ملی کسب و کارهای خانوادگی با حمایت اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران و تهران

از غفلت ملی تا تدبیر ملی



در ابتدای همایش، سعید جابرانصاری، رئیس هیأت مدیره انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی با ارائه‌ای با عنوان از غفلت ملی تا تدبیر ملی، گفت: در سراسر جهان کسب و کارهای خانوادگی، ستون فقرات بخش خصوصی هستند تا آن جا که ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص

اولین همایش ملی کسب و کارهای خانوادگی، توسط انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی و با حمایت همه جانبه اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران و تهران در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۴۰۳ در سالن میر محمدصادقی اتاق ایران برگزار گردید.

در این همایش از توافق با رئیس اتاق ایران مبنی بر ایجاد شورای مرکزی کسب و کارهای خانوادگی در اتاق ایران و راهاندازی مراکز استانی آن در اتاق‌های سراسر کشور، صحبت شد. هم‌چنین مقرر شد اتاق تهران به عنوان پیش‌قدم در بین اتاق‌های استانی، اولین مرکز کسب و کارهای خانوادگی را تأسیس کند.

بیان دغدغه‌های هیأت مؤسس و هیأت مدیره انجمن، اعلام آمادگی انجمن مدیران صنایع، بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان، سازمان مدیریت صنعتی، اندیشکده کسب و کارهای خانوادگی دانشگاه تهران، مرکز همکاری کسب و کارهای خانوادگی دانشگاه صنعتی شریف و فدراسیون مدیریت و مشاوران کسب و کار ایران به عنوان جمعی از فعالان اکوسیستم کسب و کارهای خانوادگی، و نیز حضور، اظهار نظر و حمایت روسای پیشین و فعلی اتاق ایران و تهران از این حرکت، از نتایج این همایش بود.

- گروه صنعتی سپاهان (محمدرضا جابرانصاری)
- شرکت کیلا (صدیقه گرامی)،
- شرکت آریا فودان (کمال میثمی)
- بهداشتی عبیدی (علی نقیب)
- دکتر امیر ابراهیم‌نژاد

در این پنل اعضای حاضر ضمن بیان زمینه‌های شکل‌گیری انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی، خلاصه‌ای از تجارب و نیز دغدغه‌های خود را مطرح نمودند.

آقای شاهین خلیلی به مدل جدایی مالکیت (Ownership) از منافع (Benefits) و تجربه موفق گروه بوتان، اشاره کردند و توضیحات مفیدی از مزایای این مدل ارائه کردند.

همچنین در ادامه خانم گرامی به تجربه شخصی‌شان در شکل‌دهی مجموعه کیلا به عنوان یک کسب و کار جدید در کنار کسب و کار خانوادگی شان (مجموعه گلستان) و چالش‌های آن در مسیر رشد اشاره کردند. همچنین تجربه پیوستن به بورس برای کسب و کارهای خانوادگی و مسیر آن توسط آقای محمدرضا جابرانصاری مورد بحث قرار گرفت و موارد مفیدی راجع به نحوه همکاری با مدیران حرفه‌ای خارج از خانواده نیز مطرح کردند.

در ادامه آقای کمال میثمی فرد به تجربیات خود به عنوان نسل سوم کسب و کار اشاره کردند و بر مقوله توجه به نسل جدید در کسب و کارهای خانوادگی و ماموریت کمیته Next Gen در انجمن اشاره نمودند.

آقای نقیب نیز با اشاره به تجربه متفاوت‌شان در خرید یک کسب و کار خانوادگی با سابقه (گروه بهداشتی عبیدی) و تجربه مالکیت و مدیریت جدید آن در قالب یک خانواده جدید اشاره کردند که نمونه موفقی برای الگوهای مشابه در ادغام و تملک (M&A) است.

در انتها مدیریت پنل آقای دکتر ابراهیم‌نژاد نیز با اشاره به سوابق تحقیقات در این زمینه در ایران، به چالش‌های کسب و کارهای خانوادگی در ایران اشاره کردند و مدلی در این باره ارائه نمودند.

در پنل اکوسیستم هم آفرین، با راهبری رضا غیابی، عضو حرفه‌ای انجمن، اکوسیستم میان‌رشته‌ای کسب و کارهای خانوادگی مورد توجه و بررسی قرار گرفت.



اعضای پنل عبارت بودند از:

- مجتبی مالکی، فدراسیون مدیریت و مشاوران کسب و کار ایران
- فوژان صباحی، اندیشکده کسب و کارهای خانوادگی دانشگاه تهران
- رضا کریمی، سازمان مدیریت صنعتی
- فیروزه صابر، بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان
- حسین سلیمی، انجمن مدیران صنایع
- حسین صامعی، مرکز همکاری کسب و کارهای خانوادگی دانشگاه صنعتی شریف

در جریان اولین همایش ملی کسب و کارهای خانوادگی، پنل تخصصی «اکوسیستم هم‌آفرین» به میزبانی رضا غیابی، استراتژیست و مشاور مدیریت، برگزار شد.

می‌دهند. در ایران این رقم به ۲۰ درصد هم نمی‌رسد. ایشان ادامه داد: بالغ بر ۴۰ سال است که موضوع کسب و کارهای خانوادگی جنبه علمی پیدا کردند و وارد دروس دانشگاه‌ها شدند. اتاق‌ها هم در سطح شبکه سازی، مطالبه‌گری و حمایت‌گری وارد عمل شدند و قوانین حمایتی را دنبال می‌کنند. در اتاق کشورهای حوزه خلیج فارس نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته است.

سعید جابرانصاری در بخش دیگری از سخنان خود تصریح کرد: در این سال‌ها جایگاه کسب و کارهای خانوادگی را نادیده گرفتیم و در ابتدای انقلاب بسیاری از آن‌ها را از بین بردیم. نبود اطلاعات و داده‌های لازم نسبت به این بخش، چالش دیگری است که با آن مواجه هستیم.

رئیس هیات‌مدیره انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی تقویت ذاتی خانواده‌های کارآفرین و بهبود محیط کسب و کارهای خانوادگی را ضروری خواند و گفت: نه تنها مطالعات تحقیقاتی در این بخش انجام نشده و دانشگاه‌ها روی آن متمرکز نشدند، حتی اتاق‌ها هم اقدامات حمایتی و آموزشی لازم و کافی را برای معرفی این مدل کسب و کار نداشتند. او اهداف این همایش را افزایش آگاهی عمومی، تبیین اهمیت و ظرفیت‌های این حوزه در فرایند توسعه، ضرورت پرداختن به آن به منظور اصلاح ناهنجاری‌ها و راه‌کاری امکان‌پذیر برای تغییر جهت قطب نمای توسعه کشور به سوی مردمی‌سازی اقتصاد عنوان کرد. ایشان راه‌اندازی شورای مرکزی کسب و کارهای خانوادگی با حمایت اتاق ایران و شکل‌گیری مراکز کسب و کار خانوادگی در اتاق‌های سراسر کشور را یک گام راهبردی برای نشان دادن عزم اتاق‌ها در پرداختن به این موضوع دانست.

همایش با ۳ پنل به کار خود ادامه داد:

۱- پنل خانواده‌های کارآفرین، ۲- پنل اکوسیستم هم‌آفرین و ۳- پنل اتاق امید آفرین.

در پنل خانواده‌های کارآفرین، چالش‌ها و فرصت‌های کسب و کار خانوادگی از نگاه هیأت مؤسس و هیأت مدیره انجمن تبیین گردید.



شرح عکس از راست: علی نقیب، عضو هیات مدیره انجمن ترویج/کمال میثمی فرد، نایب رئیس انجمن ترویج، شاهین خلیلی عراقی، صدیقه گرامی و محمدرضا جابرانصاری، عضو هیئت مؤسس انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی



در این پنل که با راهبری امیر ابراهیم‌نژاد، عضو حرفه‌ای انجمن اجرا شد، جمعی از اعضای هیأت مؤسس انجمن شامل:

- گروه بوتان (شاهین خلیلی)

آموزشی و پژوهشی، مشاوران حقوقی و حقیقی و ... و شناسایی فرصت‌های همکاری با آنان در مسیر تغییر قطب نمای توسعه کشور به سوی مدل کسب و کارهای خانوادگی که مردمی‌ترین هسته بخش خصوصی می‌باشند هستیم. از جمله این بازیگران دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف است که طی نشست‌های متمادی و عقد تفاهم نامه همکاری با هدف خلق اکوسیستم مورد نیاز، آماده همکاری‌های روبه آینده‌ای متمایز خواهیم بود. شروع این مهم با طرح‌های پژوهشی و حمایت از پایان‌نامه‌ها برای شناسایی راه کارهای اجرایی برای رسیدن به دانش کاربردی. ادامه این حرکت با برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران و صاحبان کسب و کارهای خانوادگی و در نهایت نشر دانش کسب شده به اشکال گوناگون خواهد بود. نکته مهم دیگر در این همکاری استفاده از ظرفیت‌های موجود شامل امکان شبکه‌سازی با فارغ التحصیلان داخل و خارج از کشور خواهد بود. نکته ارزشمند دیگر مطالعات در حوزه سیاستگذاری با هدف کمک به سیاست‌های دولت در حمایت از این مدل برتر جهانی.

امیدواریم بتوانیم در آینده‌ای بسیار نزدیک درک عمیقی از مفهوم کسب و کارهای خانوادگی در اذهان جامعه ایجاد نماییم.

فیروزه صابر از بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان به توسعه مشارکت زنان و جوانان در این ساختارها و تأثیر مسئولیت‌های اجتماعی پرداخت و بیان نمودند؛ با توجه به سه مولفه خانواده، مالکیت و مدیریت در کسب و کارهای خانوادگی، نقش خانواده در سیاست‌گذاری این نوع کسب و کارهای بسیار مهم است چرا که خانواده است که به استحکام، پایداری و توسعه کسب و کار می‌اندیشد. بنیاد زنان و جوانان یک موسسه غیر دولتی است که از سال ۸۴ شکل گرفت و مأموریت آن ترویج و توسعه کسب و کار در ۲ جامعه زنان و جوانان است. از سال ۹۲ و به پیشنهاد سعید جابرانصاری که عضو هیات مدیره بودند موضوع ترویج کسب و کارهای خانوادگی با مدیریت علمی دکتر فریدون آذرهوش با تجربه متمادی در بحث آموزش و مشاوره مدیریت، پروژه کارستان که بر الگوهای موفق کارآفرینان متمرکز بود، اولین مستند کارآفرین موفق در

باره زنده یاد علی اصغر حاجی بابا تهیه گردید. اهداف این پروژه به مشارکت گرفتن جوانان خلاق و برخوردار از سرمایه فکری، مالکیتی و مالی و به تحقق ایده‌های آنان و ترویج این تفکر و ادبیات آن از طریق آموزش‌ها و مشاوره برای جوانان بود.

نتایج اقدامات بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان در آن زمان عبارت بودند از:

- شناسایی کسب و کارهای خانوادگی در ایران
- شناسایی مدرسان و پژوهش‌گران حوزه کسب و کارهای خانوادگی
- شناسایی کتب و مقالات مرتبط
- برگزاری ۵ نشست تخصصی با صاحبان کسب و کارهای خانوادگی در ۳ نسل

- تهیه چک لیستی از چالش‌ها و قوت‌ها
- حضور در سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت در دانشگاه شریف (۱۳۹۴) با حضور دکتر فریدون آذرهوش به عنوان سخنران کلیدی و با عنوان ضرورت آموزش، پژوهش و مشاوره در کسب و کارهای خانوادگی با همکاری تیمی از کسب و کارهای خانوادگی و کارشناسان بنیاد در یک پنل جداگانه با موضوع چالش‌ها و راه کارهای مدیریت کسب و کارهای خانوادگی از سه منظر اقتصاد ملی، مدیریت بنگاه و راه کارهای بنیاد برای ورود جوانان به عرصه کسب و کارهای خانوادگی

- ترجمه کتاب تداوم کسب و کارهای خانوادگی توسط دکتر حسین صامعی
 - موضوع تشکیل انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی
- دکتر رضا کریمی مدیر دوره‌های عالی مدیریت از سازمان مدیریت صنعتی اهمیت حرفه‌ای‌سازی و بلوغ مدیریتی را مطرح کرد و خبر ایجاد مرکز کسب



رضا غیایی در ابتدا از تجربه موثر اکوسیستم استارت‌آپی و فناوری در ایران گفت که توانسته است طی یک دهه سهم خود از GDP ایران را از ۱٪ به ۸٪ ارتقا دهد. امید می‌رود که اکوسیستم کسب و کارهای خانوادگی نیز در ارتقای سهم این بخش از اقتصاد به حد میانگین جهانی موفق گردد. ضمناً با ارتباط موثر بین اکوسیستم کسب و کارهای خانوادگی و اکوسیستم فناوری می‌توانیم، علاوه بر جذب استعدادهای برتر و کمک به ماندگاری کسب و کارها، به همراهی نسل جوان خانواده‌های کارآفرین نیز کمک شایانی کند.

غیایی در ادامه پنل با خوشامدگویی به حضار، موضوع «اکوسیستم» و اهمیت آن را در ساختارهای اقتصادی امروز به بحث گذاشت. او اکوسیستم‌های میان‌رشته‌ای را پایه‌های مدنیت اقتصادی معرفی کرد و به نقش اکوسیستم‌های استارت‌آپی ایران در توسعه اقتصاد دیجیتال اشاره داشت. غیایی سپس به معرفی کسب و کارهای خانوادگی به عنوان یک اکوسیستم میان‌رشته‌ای پرداخت و با اشاره به چالش‌های انتقال بین‌نسلی و نقش شبکه‌های بین‌المللی مانند FBN، بر ظرفیت بالای ایرانیان خارج از کشور و خانواده‌های کارآفرین برون‌مرزی برای توسعه اقتصادی تأکید کرد. هدف اصلی این پنل را بررسی پیوند اکوسیستم‌های خانوادگی با اقتصاد ایران و یافتن راه‌حلی برای چالش‌های پیش‌رو اعلام کرد.

سخنرانان پنل از نهادهای مختلف حضور داشتند و هر کدام ابعاد مهمی از موضوع را مورد بررسی قرار دادند.

سید حسین سلیمی از انجمن مدیران صنایع ایران و رئیس انجمن سرمایه‌گذاری خارجی اتاق ایران به عنوان یک کارآفرین موفق بر نقش کسب و کارهای خانوادگی در سرمایه‌گذاری و توسعه صنعتی تأکید کرد و اظهار نمودند با توجه به ۶۹ هزار عضو اتاق ایران پیش‌بینی می‌شود نزدیک به ۹۰٪ آن متعلق به کسب و کارهای خانوادگیست و این میزان از حضور امکان مرجعیت اتاق‌ها در ایران را مهیا می‌کند تا با همکاری همگان و آگاهی لازم در این خصوص، نسبت به تغییر دیدگاه از منظر مدیریت مالکیت بتوانند مسیر پیش‌رو را هموار نمایند چرا که مالکیت می‌تواند در راس هرم کسب و کارهای خانوادگی باشد و مدیریت آن در سطوح سازمان نسل به نسل منتقل شود.

سخنران بعدی پنل آقای دکتر حسین صامعی از مرکز همکاری کسب و کارهای خانوادگی دانشگاه صنعتی شریف و عضو شورای علمی انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی به اهمیت نوآوری و جانشین‌پروری در خانواده‌های کارآفرین اشاره کرد و این که نقطه آغاز حضور در این حوزه برمی‌گردد به زمانی که آماده ارائه پایان‌نامه دکترای خود با رشد و تداوم کسب و کارهای خانوادگی در دانشگاه شریف بودند. ایشان به فعالیت‌های جاری از جمله شکل دهی یک اکوسیستم برای رشد و توسعه کسب و کارهای خانوادگی با پیش‌گامی انجمن ترویج اشاره نمودند و این که هم‌اکنون در حال به مشارکت گرفتن بازی‌گران اصلی (اتاق‌های بازرگانی، مراکز علمی و تحقیقاتی، موسسات

این کسب و کارها، به عنوان رکن مهمی از بخش خصوصی، پتانسیل بالایی برای ارتقای تولید ناخالص داخلی دارند.

آنچه از این پنل آموخته شد، به شش نکته کلیدی قابل تقسیم است.

● نخست، تداوم کسب و کارهای خانوادگی به چگونگی انتقال بین نسلی وابسته است. عدم برنامه ریزی برای این انتقال، زمینه ساز شکافهای مدیریتی و آسیبهای ساختاری خواهد شد. حفظ ارزشها، تجربیات و دانش نسلهای گذشته و ترکیب آن با دیدگاههای نوین نسل جدید، کلید موفقیت در این انتقال است.

● دوم، مشارکت زنان و جوانان نقشی کلیدی در پویایی و نوآوری این نوع از کسب و کارها دارد. ورود این دو گروه به بدنه مدیریتی و اجرایی می تواند نه تنها تنوع فکری و عملیاتی ایجاد کند، بلکه استمرار و رشد کسب و کارها را در شرایط متغیر اقتصادی تضمین نماید.

● سوم، حرفه ای سازی ساختار مدیریتی در کسب و کارهای خانوادگی امری ضروری است. تکیه صرف بر تجربه خانوادگی، هرچند ارزشمند، دیگر پاسخگوی چالشهای پیچیده امروز نیست. ورود مدیران حرفه ای و استفاده از ابزارهای نوین حکمرانی، می تواند به ارتقای کارایی و پایداری این کسب و کارها کمک شایانی کند.

● چهارمین آموزه به اهمیت حفظ ارزشهای خانوادگی بازمی گردد. ارزشها و فرهنگ درونی خانواده به عنوان ستونهای هویتی این نوع از کسب و کارها، نقشی کلیدی در ماندگاری و کاهش تعارضات داخلی دارند. به کارگیری علوم ارتباطات و روانشناسی خانواده در این حوزه می تواند بستری برای تقویت گفت و گوهای بین نسلی و مدیریت بحرانهای درونی فراهم آورد.

● نکته پنجم، توجه به نوآوری و فناوری به عنوان ابزاری برای افزایش بهره وری و جذب نسل جدید است. ارتباط مؤثر با مراکز علمی و تحقیقاتی و سرمایه گذاری در فناوریهای نوین نه تنها جذابیت کسب و کارهای خانوادگی را برای نسل جوان افزایش می دهد، بلکه توان رقابت آن ها در بازارهای داخلی و بین المللی را نیز تقویت می کند.

● در نهایت، بهره گیری از مشاوران تخصصی و صلاحیت دار، ضرورت اجتنابناپذیری است. فرهنگ مشاوره پذیری می تواند ریسک تصمیم گیریهای نادرست را کاهش دهد و به واسطه آن، حکمرانی توسعه محور در کسب و کارهای خانوادگی استقرار یابد. این رویکرد نه تنها به حل مشکلات ساختاری کمک می کند، بلکه مسیر رشد و توسعه پایدار را هموار می سازد.

آنچه در این پنل بیش از همه اهمیت داشت، ضرورت اکوسیستم سازی در کسب و کارهای خانوادگی بود. این ساختارها، به دلیل پیوند عمیق میان هویت خانوادگی و اهداف اقتصادی، نیازمند یک اکوسیستم منسجم و چند وجهی هستند که در آن نهادهای مشاوره ای، مراکز علمی، مدیران حرفه ای و سرمایه گذاران داخلی و بین المللی در کنار هم عمل کنند. اکوسیستم سازی، نه تنها بستری برای حل چالشهای درونی این کسب و کارها فراهم می کند، بلکه به ارتقای سهم آن ها در تولید ناخالص داخلی و توسعه اقتصادی کشور نیز کمک خواهد کرد. در شرایطی که اقتصاد ایران نیازمند ستونهای باثبات و پیشروست، کسب و کارهای خانوادگی می توانند با تکیه بر این اکوسیستم، جایگاه خود را به عنوان یکی از بازیگران اصلی اقتصاد تثبیت کنند

در پنل اتاق امید آفرین، که راهبری آن را حسن فروزان فرد، عضو هیات مدیره انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی، بر عهده داشت، به نقش اتاقهای بازرگانی در تقویت و توسعه کسب و کارهای خانوادگی پرداخته شد.

و کارهای خانوادگی در سازمان مدیریت صنعتی را بر اساس تفاهم منعقد شده فی مابین داد. ما در اولین اقدام و سنجش از دانشجویان دوره های عالی متوجه شدیم بیش از ۷۰٪ آنان از کسب و کارهای خانوادگی هستند. آنان اعلام نمودند که بسیار مشتاق فراگیری موضوعات این حوزه هستند. براساس این اشتیاق و همکاری اولین نشست خانه مدیران پیش رو با عنوان مسیر بلوغ کسب و کارهای خانوادگی را با حضور مشاوران، پژوهشگران، اساتید هیئت علمی، مدیران و مالکان کسب و کارهای خانوادگی برگزار نمودیم.

در نظر داریم با همکاری انجمن ترویج به زودی اولین دوره Post MBA را طراحی و برگزار نماییم. این دوره برای فارغ التحصیلانی است که در دوره های MBA و DBA سازمان شرکت نموده و مشتاق حضور در دوره آتی هستند.

سخنران بعدی پنل خانم دکتر فوژان صباحی از اندیشکده کسب و کارهای خانوادگی بودند که بر نقش ارزشها و فرهنگ خانوادگی در ارتقای ماندگاری این کسب و کارها تأکید داشت. ایشان با اشاره به فلسفه وجودی اندیشکده ها از جمله: انجام تحقیقات بنیادی و کاربردی، توسعه سیاست ها و راهبردها، پیشنهاد راه حل های مبتنی بر شواهد، آموزش و توانمندسازی و همین طور نهادسازی و تقویت زیرساخت ها از طریق اجماع اندیشه و اندیشمندان صاحب نام و توانمند. فعالیت اندیشکده کسب و کارهای خانوادگی دانشگاه تهران زمانی ایجاد شد که دانشکده علوم خانواده در اردیبهشت ماه سال جاری در دانشگاه تهران تاسیس گردید. ما از ابتدای فعالیت مان ۳ موضوع آموزش، پژوهش و ترویج کسب و کارهای خانوادگی را در دستور کار خود داریم. ما امیدوارم با توجه به تاریخچه دانشگاه تهران به عنوان دانشگاه مادر و میراث علمی کشور کانونی باشد برای اندیشه ورزان و علاقمندان به این حوزه. یک تمایز خاص در بین کسب و کارهای خانوادگی و سایر کسب و کارها وجود دارد و آن فرهنگ غنی و با سابقه در میان خانواده های کارآفرین است و موجبات پایداری آنان را فراهم می نماید و هر یک از ما موظف هستیم نسبت به مطالعه، مستندسازی و اشاعه این فرهنگ ارزشمند در جامعه ایران سهم خود را ایفا نماییم. تمایز دیگر، حضور کسب و کارهای خانوادگی در حوزه مسئولیت های اجتماعی و نقش آفرینی آنان در طی زمان است.

در پایان، مجتبی مالکی دبیر کل فدراسیون مدیریت و مشاوران کسب و کار ایران، به نقش و اهمیت حضور مشاوران تخصصی در حکمرانی توسعه محور و موفقیت پایدار کسب و کارهای خانوادگی اشاره نموده و بیان نمودند با عنایت به ایجاد کمیسیون مشترک فی مابین انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی و فدراسیون مدیریت و مشاوران کسب و کار ایران، ضرورت توجه به هم آموزی مشاوران از هم و باهم و اشاعه دانش جهانی از طریق پیاده سازی آن در کسب و کارهای خانوادگی ایران بسیار ضروریست. این امر با درک نیازهای کسب و کارهای خانوادگی و رفع آن در مرحله اول و توانمندسازی شبکه مشاورین با تکیه بر استانداردهای بین المللی میسر خواهد شد. همه ما آمده ایم برای باز تعریف نمودن نقش مان در توسعه این حوزه ارزشمند. در انتها به قصه کسب و کارهای خانوادگی اشاره نمودند که سه مرحله دارد. قصه نسل اول ایجاد رفاه برای خانواده است. قصه دوم رضایتمندی است و زمانی که نسل اول آماده انتقال بین نسلی می شود، قصه معنابخشی آغاز می گردد.

این پنل فرصتی بود تا ابعاد مختلف کسب و کارهای خانوادگی از منظر صنعتی، اجتماعی، نوآورانه و مشورتی مورد بحث و تحلیل قرار گیرد و بر ضرورت همکاری و هم افزایی بین نهادهای مختلف تأکید شود.

پنل تخصصی «اکوسیستم هم آفرین» با هدف بررسی چالشها، فرصتها و ظرفیتهای موجود در کسب و کارهای خانوادگی کشور، تأکید داشت که



شوکه‌های سیاسی و مشکلات اقتصادی بودیم، ایشان ادامه داد: وقفه در رشدهای اقتصادی با همین شوکه‌های سیاسی و توقف اقتصاد خصوصی همزمان است. به تدریج که جلو می‌رویم اقتصاد ایران با خصوصی‌ها مواجه می‌شود که سعی دارد از ویژگی‌های خصوصی بهره ببرد؛ اما این موضوع ممکن نبوده است.

نهادندان نگاه منفی به هزار فامیلی را انتقاد نسبت به انحصار در اقتصاد کشور دانست و نه فامیلی بودن که متأسفانه موجب شد پاسخ اشتباهی به آن داده شود. او ادامه داد: باید برای مقابله با انحصار به سراغ رقابت می‌رفتیم ولی به اشتباه کسب و کارهای خانوادگی را نشانه گرفتیم.

به اعتقاد رئیس پیشین اتاق ایران، ناترازی مالکیتی ناشی از یک تشخیص نادرست بود. به جای اینکه با ملاحظه موردی با امکان بررسی و ارزیابی، رقابت را در اقتصاد کشور جاری کنیم، یک تصمیم سیاسی برای مقابله با این کسب و کارهای خانوادگی اتخاذ شد. به جای رفتار انحصارجویانه با این خانواده‌ها مقابله کردیم و با تشخیص نادرست درمان نادرست را در پیش گرفتیم. او همچنین خاطرنشان کرد: یک کسب و کار خانوادگی در چارچوب رقابت می‌تواند پیشرفت کند و در محیط انحصاری توان پیشرفت ندارد. بنابراین باید اجازه دهیم این کسب و کارها در محیط رقابتی حرکت کنند. در واقع باید اجازه دهیم کسب و کارها بزرگ شوند؛ اما در یک فضای رقابتی فعالیت کنند. کسب و کارهای باید همان‌طور که امکان ورود دارند؛ امکان خروج از چرخه اقتصاد را هم داشته باشند.

نهادندان تأکید کرد: برای مقابله با ناترازی مالکیتی باید عدم توازن بین اختیار و مسئولیت در ساختار مدیریت اقتصاد را از میان برداریم.

کسب و کارهای خانوادگی در محیطی رقابتی امکان فعالیت دارند.



محسن جلال پور، رئیس اسبق اتاق ایران از تشکیل این انجمن در وزارت کشور ابراز تأسف کرد و گفت: محل تشکیل این انجمن باید اتاق ایران باشد و باید این اتفاق از دل اتاق ایران شروع می‌شد.

او ادامه داد: آن‌چه در دهه‌های گذشته رخ داده است نه تنها میدان ندادن به کسب و کارهای خانوادگی بوده بلکه مانع‌تراشی در برابر حرکت آنها بوده است. در واقع فضای رقابت به قدری تنگ شد تا بسیاری از صاحبان کسب و کار، مهاجرت کردند و بسیاری از آنها فعالیت خود را در دیگر کشورها ادامه دادند. از طرفی این کسب و کارها را به افرادی واگذار کردیم که توان مدیریت نداشتند. این واحدها به دست دولت سپرده شد که نه سودی داشتند و حتی زیان‌ده هم شدند. این فعال اقتصادی خاطرنشان کرد: این واحدهای دولتی به فعالیت بنگاه‌های خصوصی و کسب و کارهای خانوادگی آسیب زدند چون امکان رقابت با واحدهایی که دستشان در جیب دولت است، ممکن نیست. جلال پور از کوتاهی اتاق نسبت به کسب و کارهای خانوادگی صحبت و تصریح کرد: می‌توان یک کرسی دائم در شورای



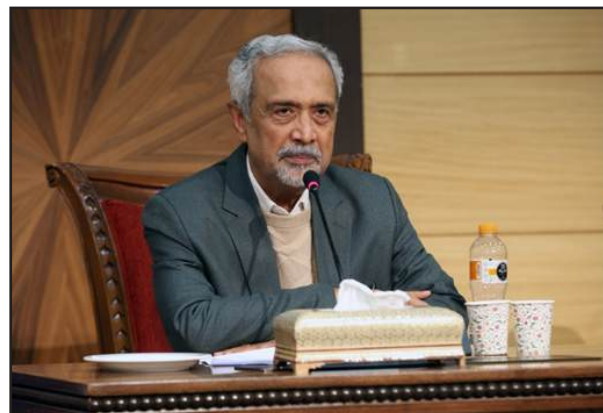
اعضای پنل:

محمود نجفی عرب، حسین سلاح‌ورزی، محمد نهادندان، محسن جلالپور، و مسعود خوانساری



حسن فروزان‌فرد، با تأکید بر لزوم توجه اتاق‌ها به کسب و کارهای خانوادگی، گفت: باید عملکرد اتاق کشورهای پیشرفته، در حال توسعه و اسلامی در حوزه کسب و کارهای خانوادگی را مورد بررسی قرار داده و با هم مقایسه و در نهایت اقدامات اتاق ایران و اتاق‌های سراسر کشور را در این رابطه مطالعه کنیم. ایشان از توافق با رئیس اتاق ایران برای راه‌اندازی نهاد مرکزی کسب و کارهای خانوادگی در اتاق ایران خبر داد.

کسب و کارهای خانوادگی را با هدف حذف انحصار و رانت جویی در اقتصاد از بین بردیم.



پرداختن به موضوع کسب و کارهای خانوادگی را بسیار ارزشمند دانست و توجه امروز به این حوزه را خیلی دیر ارزیابی کرد و گفت:

برای جبران دوران و زمان از دست رفته باید ریشه‌یابی صورت گیرد و آنگاه راه‌حل‌های جبران را پیدا کنیم. او در ادامه به ناترازی مالکیتی که در اقتصاد ایران دیده می‌شود، اشاره و تصریح کرد:

ریشه‌یابی این وقفه در رشد کسب و کارهای خانوادگی برای ادامه مسیر بسیار مهم است. طبق تجربه جهانی بین رشد این نوع کسب و کارها و رشد اقتصادی ارتباط نزدیکی وجود دارد؛ اما در ایران طی چند برهه شاهد

حضور و تصدی‌گری بخش خصوصی در اقتصاد را علت عدم توسعه اقتصادی ایران معرفی کرد و گفت: تا زمانی که حرمتی برای مالکیت قائل نباشیم، موفقیتی در اقتصاد نخواهیم داشت. خوانساری بزرگ‌ترین اقدامی که در این مسیر باید انجام شود را فرهنگ‌سازی عنوان کرد.

رئیس سابق اتاق تهران معرفی هویت بخش خصوصی و شناساندن اقداماتی که فعالان بخش خصوصی و کارآفرینان در طول تاریخ انجام دادند را مأموریت اتاق‌ها عنوان کرد و افزود: سعی کردیم با همایش امین‌الضرب که سالانه برگزار می‌شود این مهم را دنبال کنیم. راه‌اندازی مدرسه تکاپو اقدام دیگری بود که با همکاری دانشگاه امیرکبیر انجام شد. احیای بیمارستان بازرگانان نیز به همت بخش خصوصی صورت گرفت.

او خاطرنشان کرد: مهم‌ترین وظیفه اتاق‌ها، فرهنگ‌سازی و معرفی دقیق و درست فعال اقتصادی و کارآفرین در سطح جامعه است.

تنها ۱۲ درصد صنعت در اختیار بخش خصوصی است



محمود نجفی‌عرب، رئیس اتاق تهران طبق آن‌چه در تاریخ مشاهده شده است، رویکرد و تفکر چپ را بر قوانین اقتصادی کشور حاکم دانست که هم‌چنان همان مسیر ادامه دارد. او تأکید کرد: البته تلاش‌های زیادی شد تا فرمان به دست بخش خصوصی سپرده شود که به حدود ۱۲ درصد در بخش صنعت رسیدیم. این فعال اقتصادی، وضعیت اقتصاد در بخش کسب و کارها را نامناسب ارزیابی کرد و گفت: تنها کشوری که در منطقه شرکت‌های چندملیتی در آن فعالیت می‌کردند، ایران بود که بعد از انقلاب همگی ملی و به تدریج بسیاری از این صنایع نابود شدند. حال با توجه به منویات رهبری که این استراتژی ابتدای انقلاب را نقد می‌کنند، می‌توان فکری کرد و کسب‌وکارهای خصوصی و خانوادگی را تقویت کرد. بنابراین از تاریخ می‌توان درس گرفت و اقتصاد را در مسیر درست قرار داد.

او ضمن تأکید بر این که انجمن ترویج کسب‌وکارهای خانوادگی باید به اتاق ملحق شود، با اعلام خبر انجام مقدمات تأسیس و راه اندازی اولین مرکز کسب‌وکار خانوادگی در اتاق تهران به عنوان گام اول برای پرداختن به این موضوع، اظهار امیدواری کرد که این مرکز زمینه‌های تحقق نیازهای قانونی این حوزه را نیز فراهم آورد. هم‌چنین بیانیه پایانی همایش به عنوان سندی برای عزم و تعهد

گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی به این انجمن بدهیم؛ اگر قرار باشد از کسب‌وکارهای خانوادگی حمایت کنیم، شاید در این بازه زمانی و کاتوه مدت نتوانیم سند قانونی مستقل، تنظیم و تصویب کنیم ولی می‌توان با توجه به ظرفیت قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار، به صورت الحاقیه در مجلس شورای اسلامی تصویب کرد.

او یکی از معضلات بزرگ به ویژه در بخش کشاورزی را خرد شدن مالکیت‌ها دانست و گفت: باید برای حل این چالش جدی، راهکار پیدا کنیم.

صنعتی شدن ایران، رفاه مردم را در پی دارد.



حسین سلاح‌ورزی، رئیس سابق اتاق ایران با بیان این مطلب که مسیر رفاه مردم از صنعتی شدن ایران می‌گذرد و توسعه تشکلهای برای صنعتی شدن و پیگیری حقوق فعالان اقتصادی یک ضرورت است، گفت: بخش عمده مشکلات کسب‌وکارهای خانوادگی با چالش‌های صنعتی شدن ایران، هماهنگ است. در واقع باید اذعان داشت که رشد تفکرات چپ‌گرا، زمینه مصادره و از بین رفتن کسب و کارها را فراهم کرد. او در ادامه یکی از آسیب‌ها را همراه نشدن این کسب‌وکارها با زنجیره ارزش جهانی، دانست و افزود: نبود شفافیت و بی‌توجهی به اصول حاکمیت شرکتی یکی دیگر از چالش‌های کسب‌وکارهای خانوادگی است که باید حل شود. این فعال اقتصادی خلاء مقرراتی و وجود مقررات زائد در بخش کسب‌وکارهای خانوادگی را به عنوان معضلی دیگر مطرح و تأکید کرد: اتاق ایران می‌تواند در شناسایی و رفع این مقررات زائد و خلاءهای قانونی، مؤثر عمل کند.

مالکیت در ایران به رسمیت شناخته نمی‌شود.



مسعود خوانساری، رئیس سابق اتاق تهران مهم‌ترین مشکل را به رسمیت نشناختن مالکیت، عنوان کرد و گفت: این چالش از دیرباز در ایران ریشه داشته و همچنان ادامه دارد. او عدم پذیرش

تحولات و پویایی تعاملات سیستم سه حلقه‌ای کسب و کار، مالکیت و خانواده در کنار تغییرات در چرخه عمر خانواده و کسب و کار و ویژگی میان رشته‌ای موضوعات آن‌ها، ضرورت توجه به اکوسیستم کسب و کارهای خانوادگی اعم از مربیان، محققان و مشاوران و نهادهای مرتبط را به خصوص برای بهره‌گیری از تجربیات برتر سایر کشورها، جهت تغییر نگرش، انتقال دانش، توسعه مهارت‌ها، خلق و انتقال تجربیات برتر محلی و ملی را بیش از پیش نمایان کرده است.

در همین راستا، ما بر این باوریم که توسعه و تداوم کسب و کارهای خانوادگی نیازمند توجه ملی می‌باشد. تصویب قانون کسب و کارهای خانوادگی، بازنگری در الگوهای توسعه صنعتی و ایجاد بسترهای مناسب برای نوآوری و ماندگاری این بنگاه‌ها، شبکه‌سازی و ورود به زنجیره‌های ارزش جهانی همگی اقداماتی هستند که باید به عنوان بخشی از این تلاش در نظر گرفته شوند.

امروز، در این همایش ملی، ما نه تنها این تغافل را برجسته کرده‌ایم، بلکه گامی مهم در مسیر تدبیر ملی برای پاسخ به آن برداشته‌ایم.

تدبیری که نیازمند تقسیم کار ملی و همکاری و پشتیبانی نهادهای مختلف، از جمله خانواده‌های کارآفرین، اکوسیستم هم‌آفرین و اتاق‌های بازرگانی امید آفرین است.

نقش اتاق بازرگانی امید آفرین در این میان، به عنوان یکی از ارکان کلیدی توسعه اقتصادی، حیاتی است. حمایت اتاق نه تنها می‌تواند به پیشبرد این گفتمان در سطح حاکمیتی کمک کند، بلکه بستری قانونی و سیاستی برای حمایت از کسب و کارهای خانوادگی، ترویج و توسعه این حوزه و تقویت امید و زمینه لازم برای ماندگاری، رشد و پایداری این اکوسیستم و کسب و کارهای خانوادگی فراهم می‌آورد. این هم‌افزایی، مسیری به سوی شکوفایی اقتصادی و اجتماعی کشور، کاهش بار تصدی‌گری دولت، اصلاح ناترازی‌های مالکیتی و مدیریتی و بحران‌زا نیز خواهد گشود.

اولین گام بعدی تصمیم به تاسیس شورای مرکزی کسب و کارهای خانوادگی در اتاق ایران، تاسیس و راه اندازی مرکز کسب و کار خانوادگی در اتاق تهران و استان‌ها، تجهیز و تخصیص منابع لازم و همکاری با اکوسیستم کسب و کارهای خانوادگی خواهد بود که منجر به حمایت از خانواده‌های کارآفرین عضو، حرکت در مسیر بلوغ، استقرار حکمرانی خوب «شرکتی، خانوادگی، مالکیتی، بشر دوستی و توسعه پایدار»، جانشین پروری، انتقال موفق بین نسلی، تداوم ارزش آفرینی، حفظ و توسعه سرمایه‌های ملی می‌گردد.

اما این آغاز راه است: ما اعضای خانواده‌های کارآفرین، فعالان اکوسیستم کسب و کارهای خانوادگی و اعضای اتاق‌های بازرگانی تلاش می‌کنیم با همکاری و تعهد جمعی، الگوهای موفق از حکمرانی خوب، هم‌شکوفایی و نیک‌زیستی را به اشتراک بگذاریم و به حاکمیت ایران یاری می‌دهیم تا جهت قطب نمای توسعه ایران را به سوی مدل کسب و کارهای خانوادگی که مردمی‌ترین هسته بخش خصوصی می‌باشند، تغییر داده، نهایتاً سهم آنان از تولید ناخالص داخلی (GDP) را به سطح میانگین جهانی برساند.

با توکل به خداوند متعال برآنیم تا با تحقق شعارمان که همانا خانواده‌ای رستگار، میراثی ماندگار، توسعه‌ای پایدار، نسل در نسل منشأ پیامدهای مثبت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، رونق آبادانی و خیر عمومی باشیم و به ارتقای جایگاه شایسته ایران کمک کنیم. روابط عمومی انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی

جمعی خانواده‌های کارآفرین، فعالان اکوسیستم هم‌آفرین و اتاق‌های امیدآفرین مورد تأیید قرار گرفت.



امضای بیانیه اولین همایش ملی کسب و کارهای خانوادگی توسط جناب آقای صمد حسن زاده ریاست محترم اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی ایران

بیانه اولین همایش ملی کسب و کارهای خانوادگی

خانم‌ها و آقایان، اعضای خانواده‌های کارآفرین، فعالان اکوسیستم کسب و کارهای خانوادگی

ریاست و هیات ریسه محترم اتاق‌های بازرگانی ایران، تهران و استان‌ها، اعضاء و هیات نمایندگان اتاق‌های بازرگانی درود بر شما که امروز با حضور و مشارکت خود، در اولین همایش ملی کسب و کارهای خانوادگی که توسط انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی و با حمایت همه جانبه اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران و تهران در تاریخ ۲۷ آذرماه ۱۴۰۳ در سالن میر محمدصادقی اتاق ایران برگزار گردید، به شایستگی بر اهمیت و ضرورت توجه به کسب و کارهای خانوادگی در ایران تأکید کردید. خانواده‌های کارآفرین، عموماً با مقاصد فراتر از سود و با نگاه بلندمدت و راست‌کرداری بین‌نسلی، اخلاقاً به دنبال حفظ و اعتلای میراث خانواده بوده و در طول تاریخ دلسوزانه به اشتغالزایی، توسعه جوامع محلی و حفظ محیط‌زیست پرداخته‌اند. کسب و کارهای خانوادگی با سهم متوسطی معادل ۷۰٪ از GDP کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، قلب تپنده اقتصاد آن‌ها محسوب می‌شوند. اما در ایران تاکنون این حوزه کمتر از آنچه شایسته است، دیده و شناخته شده است. این غفلت ملی، نه تنها موجب از دست رفتن فرصت‌های بزرگ اقتصادی شده، بلکه رشد پایدار و بلوغ اجتماعی کشور را نیز از ستایی که می‌تواند داشته باشد، بازداشته است.

عکس های خبری:



از غفلت ملی تا تدبیر ملی

در اولین همایش کسب و کارهای خانوادگی ایران



غفلت ملی

از یک دیدگاه، صرفنظر از دلایل و عوامل آن، تا کنون به واقع از شاهراه توسعه به بی راهه ای برخلاف تاریخ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران با محور خانواده ها منحرف شدیم شده ایم و به قول ماهاتیر محمد، در مصادره های انجام شده مرغ هایی که تخم طلا می گذاشتند را سربریدیم و به اذعان مقام معظم رهبری بدان ها جفا و خطا شد.

در نتیجه احساس امنیت مالکیت برای خانواده های کارآفرین تضعیف شد. به تدریج جایگاه آنان در اقتصاد به حاشیه رانده شده و جامعه کسب و کارهای خانوادگی تبدیل به نقطه کور توسعه ملی شد. دلیل این مدعا همان است که در هیچ یک از هفت برنامه توسعه پس از انقلاب توسط نظریه پردازان و کارشناسان توسعه دیده نشدند بدان توجه نشده است، در حالی که دیدگاه مقام معظم رهبری در سال جهش تولید و مشارکت مردم، و تاکید همچنین در برنامه برنامه هفتم توسعه، بر مردمی سازی برای تغییر پارادایم ملی توسعه و اقدامات جبرانی و اعتمادساز تاکید دارند از این رو برخلاف اکثر کشورهای شرقی و غربی، در ایران دچار غفلتی ملی بوده ایم و استعداد این ظرفیت عظیم طبیعی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به درستی نشناخته ایم و برای توسعه ملی از آن بهره مند نشده ایم. این غفلت بزرگ همگی ما از یک طرف در سطح خرد، باعث زمینه ساز مهاجرت بی رویه، عدم جذب سرمایه گذاری، انقطاع بین نسلی و بعضا تضاد و اختلال در روابط خانوادگی و تعطیلی کسب و کارها شده است. از طرف دیگر در سطح کلان موجب عقب نگه داشته شدن از قافله جهانی در استفاده از مواهب کسب و کارهای خانوادگی، این مدل برتر و درونزای توسعه پایین به بالا شده است.

نظام آموزشی و پژوهشی کشور تابحال حتی یک درس هم درباره کسب و کارهای خانوادگی ارائه نداده است، و خروجی تحقیقاتی آن نتوانسته در سطحی شایسته و در خور، این نقصان را واکاوی کند چه برسد که راه حلی برای رفع این عارضه ارائه کند و علی رغم فقدان یک نظام سلامت و حمایت، تنها این اتکا بر نظام خانواده بوده که نتوانسته این سخت جانی را برایمان همراه داشته است.

به تعبیری نمی توان بدون نظام پزشکی متمرکز بر بهداشت و درمان نمیتوان انتظاری جدی برای سلامتی و افزایش امید به زندگی شهروندان داشت. نظام آموزشی و پژوهشی کشور تابحال هیچ درس مصوب وزارت علوم را برای مدیریت کسب و کارهای خانوادگی ارائه نداده است، تا خانواده های کارآفرین در «رعایت بهداشت و حفظ سلامت» خود کفا شوند.

مشاوران داخلی و شکل های مرتبط نیز علیرغم برخی تجربیات خوب خود،

سعید جابرانصاری - کسب و کارهای خانوادگی در سراسر جهان ستون فقرات بخش خصوصی هستند، این نوع کسب و کارها، مدل برتر مشارکت در فعالیتهای اقتصاد شناخته می شوند و سهمی حدود ۷۰ درصد از GDP جهانی را به خود اختصاص داده اند. این خود نشانگر مقبولیت و گستردگی و برتری مدل کسب و کار خانوادگی در رشد اقتصادی جهان به ویژه در کشورهای شرقی و غربی است. درحالی که در کشور ما آن گونه که شایسته چنین جایگاهی می باشد، مورد توجه قرار نگرفته است و حتی آمار دقیقی از کسب و کارهای خانوادگی در ایران نداریم.

طی ۴۰ سال گذشته، معجزه اقتصادی چین با حمایت از کسب و کارهای خانوادگی و افزایش سهم این بخش در GDP کشورشان، از صفر به ۶۰ درصد محقق شد. بر اساس آخرین آمار این سهم هم اکنون در روسیه به ۴۰٪، در هند به ۷۰٪، و در ترکیه به ۷۵٪ رسیده است.

برخی ویژگی های مدل کسب و کارهای خانوادگی از جمله دیدگاه بلند مدت و بین نسلی، چشم اندازی فراتر از سود و توجه به اعتلای میراث خانواده، توجه به رعایت اخلاق کسب و کار برای حفظ نام خانواده، توسعه جامعه محلی، بشردوستی و حفظ محیط زیست، منجر به برتری این مدل نسبت به مدل وال استریت که قرارداد اجتماعی اش بیشینه کردن سود در کوتاه مدت و ارزش سهام می باشد، گردیده است. در سال ۱۹۸۴، مدرسه کسب و کار هاروارد آغاز گر بهره گیری از دانش و رویکرد مدیریت علمی در کسب و کارهای خانوادگی با ارائه مدل سه حلقه ای خانواده، مالکیت و مدیریت بوده است و در حال حاضر پس از ۴۰ سال، اکو سیستم کسب و کارهای خانوادگی فعال و موثری که دارای بیش از صدها دانشگاه برتر در سراسر جهان، مراکز ویژه کسب و کارهای خانوادگی و که مطالعات پژوهشی و برنامه های آموزشی متناسبی را برای اعضای خانواده، مدیران خانوادگی، مدیران حرفه ای غیرخانوادگی، و مشاوران تخصصی این حوزه تا حد دکترا ارائه می دهند. ضمناً شرکت های مشاوره ای همچون PWC, Deloitte, BCG, McKinsey... نیز خدمات تخصصی برای خانواده های کارآفرین در بیش از ۱۴۰ کشور ارائه می نمایند. خانواده های کارآفرین با توجه قوی به مقوله مسئولیت اجتماعی نیز اقدام به تاسیس انجمن ها و تشکلهای مدنی، و مراکز تخصصی متعددی در سراسر جهان کرده اند. بعنوان نمونه شبکه FBN International واقع در لوزان سوئیس، از طریق ۳۲ نهادهای ملی و منطقه ای در ۶۵ کشور با رویکرد «با خانواده ها برای خانواده ها» با بدنه دانشی قوی، توانمندسازی و شبکه سازی کسب و کارهای خانوادگی عضو و بعضا اعضای حرفه ای متمرکز هستند و به شناسایی و انتقال تجارب برتر جهانی، ملی و محلی کسب و کارهای خانوادگی می پردازند تا تداوم موفق و پایدار بین نسلی شان را تسهیل کنند.

همچنین با همکاری اتاق های بازرگانی شان، بعنوان مرجعی ملی و به عنوان ندای مشترک کسب و کارهای خانوادگی، با مطالبه گری و حمایت گری، و توصیه های علمی برای اصلاح سیاست های عمومی خانواده - دوست و یا خانواده - محور، تصویب قوانین حمایتی، به ترویج و توسعه، ماندگاری و پایداری کسب و کارهای خانوادگی کمک می کنند.

بعنوان مثال، اخیراً اتاق بازرگانی دبی نسبت به تاسیس مرکز کسب و کارهای خانوادگی در سال ۲۰۲۳ اقدام نموده است تا و بقول شیخ محمد نخست وزیر دبی: «اطمینان از رشد و پایداری کسب و کارهای خانوادگی یک اولویت استراتژیک و بخش اصلی چشم انداز ماست» آن ها باشد و «افتتاح مرکز دبی یک گام مترقی برای دستیابی به سیستم پشتیبانی قوی است باشد تا با ابتکاراتی همچون تقویت حکمرانی و آموزش راهبران نسل بعدی، با چشم انداز پایداری و رشد، برای آینده آماده شوند و سهم ارزشمند آنها در اقتصاد ملی افزایش یابد». همزمان، با تاسیس دفتر ثروت خانوادگی در DIFC، توانسته اند طی سال های گذشته بیش از یک تریلیون دلار سرمایه جذب کنند.

اتفاق ایران، و ایجاد مراکز کسب و کارهای خانوادگی در تهران و مراکز استان‌ها و حمایت از توسعه اکوسیستم یادشده در جهت تقویت ذاتی و انسجام درونی خانواده‌های کارآفرین و جامعه کسب و کارهای خانوادگی به عنوان ستون فقرات بخش خصوصی می‌باشد.

• حمایت از پژوهش‌های مورد نیاز و هماهنگی و اقدام برای ایجاد اجماع نخبگانی بین راهبران فکری و سیاست‌گذاران بطور خاص و آماده سازی بستر فرهنگی جامعه به طور عام، برای بازشناسی ویژگیها و پذیرش مدل کسب و کارهای خانوادگی به عنوان مردمی ترین هسته بخش خصوصی، و پیشران توسعه درونزا و پایدار.

• بررسی قوانین حمایت از کسب و کارهای خانوادگی در کشورهای منتخب و اسلامی، و تدوین لایحه قانون حمایت از کسب و کارهای خانوادگی ایران و پیگیری از طریق شورای گفتگو تا حصول نتیجه نهایی.

امیدواریم با تقسیم کار در این نظام تدبیر ملی و با تغییر نگرش و تغییر جهت قطب نمای توسعه به سوی مدل کسب و کارهای خانوادگی، سازگار با مبانی اسلامی، فرهنگ ایرانی و میراث تاریخی مان، و فعال سازی استعداد و پتانسیل دست نخورده شان در راه توسعه پایدار، سهم کسب و کارهای خانوادگی را از تولید ناخالص ملی ایران را به سطح میانگین جهانی رسانده و جامعه را از پیامدهای مثبت آن در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قوام نهاد خانواده، که به خیر و برکت عمومی و رونق آبادانی ایران عزیزمان منجر میشود برخوردار سازیم.

امروز ما شاهد چندین دهه برنامه ریزی توسعه متمرکز و بالا به پایین با ذهنیت و محوریت درآمدهای نفتی هستیم. افزایش مستمر تصدی گری دولتی مداخله گرا و ناکارآمد، فقر و فساد و نارضایتی و مستهلک شدن سرمایه اجتماعی و افزایش انواع ناترازی های بحران زا، و از جمله ناترازی مالکیتی را می توان علت اصلی ناترازی مدیریتی که خود ریشه سایر ناترازی های بحران زا دانست.

بدیهی است جامعه کسب و کارهای خانوادگی مقتدر و دارای راست کرداری، خوشنامی و اعتبار اجتماعی، اهلیت و خبرگی، می تواند بار دولت را برای خصوصی سازی واقعی و موثر، شفاف و مسئولانه و اصل سبک سازد. با انتقال موفق بین نسلی و ثروت آفرینی و سرمایه گذاری بیشتر، ضمن کاهش مهاجرت نسل جوان و خروج سرمایه، منجر به افزایش جذب سرمایه گذاری خارجی و توسعه تعاملات و تجارت خارجی نیز گردد. انشالله.

امیدوارم به تلاش ما در هر ظرفیت ممکن، بپیوندید. از همکاری اعضا و هیات موسس و هیات مدیره انجمن، اعضای شورای علمی و اجرایی و کلیه همکاران تمام وقت و پاره وقت و داوطلب انجمن بسیار متشکرم. از ریاست و هیات رییسه و هیات نمایندگی اتاق بازرگانی ایران، تهران و استانها و نیز از همه فعالان اکوسیستمی و خانواده های کارآفرین، کسب و کارهای خانوادگی عضو اتاق و حاضر در جلسه نیز نهایت سپاس را دارم و برای همه شما عزیزان و خانواده های محترم ایشان آرزوی هم شکوفایی و نیک زیستی پایدار دارم.

خدایا چنان کن سرانجام کار

تو خشنود باشی و ما رستگار

با تشکر از توجه و همراهی شما عزیزان

سعید جابرانصاری، رئیس هیات مدیره انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی
اولین همایش ملی کسب و کارهای خانوادگی ۱۴۰۳-۹۲۷

میثاق مشترک انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی

ما اعضای خانوادگی و حرفه ای انجمن، برای تشویق جامعه کسب و کارهای خانوادگی ایران و جلب همراهی شان، تلاش می کنیم الگوهای موفق از حکمرانی خوب، هم شکوفایی و نیک زیستی را به اشتراک بگذاریم، و به حاکمیت ایران یاری می دهیم تا همچون کشورهای پیشرفته، الگوی کسب و کارهای خانوادگی را به عنوان مدلی برتر برای مشارکت مردمی، پیشران توسعه صنعتی، و توسعه پایدار ملی بپذیرند، و پیامدهای مثبت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن منجر به خیر عمومی مردم عزیزمان شود و انشالله تعالی شعار انجمن که همانا «خانواده ای رستگار، میراثی ماندگار و توسعه ای پایدار» می باشد محقق شود.

هم اکنون نیاز داریم تا با ندای مشترک و رسا، از غفلت ملی به سوی تدبیر ملی، حرکتی هماهنگ را آغاز نماییم.

بدلیل عدم اتصال و همکاری با پیشروان صنعت مشاوره و نهادهای ذیصلاح بین المللی و نیز بدلیل عدم کافی نبودن تقاضا از سوی جامعه کسب و کارهای خانوادگی، در این حوزه بصورت تخصصی، میان رشته ای، چند رشته ای و روزآمد وارد نشده اند تا خانواده های کارآفرین امکان «دریافت درمان مناسب» را داشته باشند.

تایحال اتاق های بازرگانی نیز مستقل از حمایت کلی از بخش خصوصی و تلاش برای بهبود محیط کسب و کار که البته بسیار هم ارزشمند است و جای قدرانی دارد، بطور خاص درباره کسب و کارهای خانوادگی، بجز حمایت از چند پروژه پژوهشی مهم ولی محدود، و دو دوره آموزش مدیریت کسب و کارهای خانوادگی در مدرسه تکاپو، هنوز اقدام موثری انجام نداده اند.

تدبیر ملی: کلیات پیشنهاد انجمن ترویج کسب و کارهای خانوادگی در این همایش ملی برای گذر از غفلت ملی به تدبیر ملی:

اولین قدم توسط خانواده های کارآفرین، دارون عجم اوغلو برنده جایزه نوبل اقتصادی رمز موفقیت ملتها را حکومت با کیفیت و نهادهای فراگیر می داند. حکمرانی خوب کسب و کارهای خانوادگی می تواند مکمل حکمرانی حاکمیت ایران باشد. با نگاهی به آنچه که در جهان امروزین می گذرد، خانواده های کارآفرین باید بدانند انقطاع نسلی و انحلال کسب و کارشان، می تواند سرنوشت محتوم آن ها نباشد. در صورت عزم و بهره گیری از علوم روز و تجربیات برتر جهانی، و با پرهیز از انحصار و رانت جویی، با شفافیت و اجرای موثر حکمرانی خوب چندجانبه «خانوادگی، مالکیتی، شرکتی، بشردوستی و توسعه پایدار»، و ارایه فرصتهای برابر می توانند به نهادی فراگیر برای رشد و توسعه پایدار تبدیل شوند.

ارایه فرصتهای برابر در کسب و کار خانوادگی و رویکرد شایسته سالاری (در مقابل خویشاوندگرایی)، به یافتن فرد شایسته (اعم از اعضای خانواده و غیر خانواده) برای مشاغل مورد نیاز، و یافتن کار شایسته برای اعضای خانواده بر اساس علاقه و توانمندی های بالقوه و بالفعل شان بخشی از حکمرانی خوب چندجانبه است.

با بهره گیری از رویکرد علمی و بهره گیری از تجربیات برتر، خانواده های کارآفرین می توانند ضمن دستیابی به انتقال موفق بین نسلی، خانواده ای رستگار داشته باشند و با سرمایه گذاری و همسویی اهدافشان با اهداف توسعه پایدار، میراثی ماندگار را جهت نسل های آتی برای تداوم ارزش آفرینی باقی بگذارند تا همچنان سفره ها گسترده و چراغها روشن بماند. این خود می تواند بهترین عمل صالح و باقیات صالحات خانواده های کارآفرین باشد.

قدم دوم توسط نقش آفرینان اکوسیستم هم آفرین: تشخیص پیچیدگی روانشناختی، مدیریتی، حقوقی، اقتصادی، مالی و ... کسب و کارهای خانوادگی و میان رشته ای و چند رشته ای بودن پویایی متقابل خانواده، مالکیت و کسب و کار ضروری بوده و نیازمند پذیرش تفکر اکوسیستمی است. می بایست برای ایجاد و تسهیل روابط برد-برد و رشد متقابل فعالان اکوسیستم کسب و کارهای خانوادگی، که موفقیت هر یک در گرو موفقیت دیگری است، تلاش کنیم.

بدیهی است نمی توان از خانواده های کارآفرین، بخصوص خانواده های در حال گذار و انتقال بین نسلی، انتظار داشت که مسایل خود را به تنهایی حل کنند و نباید آنها را تنها گذاشت.

حل مسایل این حوزه، و اقدام برای ایجاد نظام موثر آموزش، پژوهش، مشاوره و هدایت اکوسیستم کسب و کارهای خانوادگی و جبران سریع عقب ماندگی ها از سایر کشورها الزامی است. در این راستا نه تنها نیازمند تعهد، تمرکز و مشارکت موثر اعضای حرفه ای انجمن، مشاورین و اساتید محترم، و نقش آفرینی شرکای این اکوسیستم می باشیم، بلکه داشتن تقاضای موثر خانواده های کارآفرین، و حمایت همه جانبه مادی و معنوی اتاق های بازرگانی را نیز الزامی می دانیم. در واقع با فعال سازی تقاضا و عرضه دانش و مشاوره در این بازار نوظهور، به آن عمق و غنا می بخشیم و با انباشتن تجربیات برتر بدنه دانش پایه و کاربردی محلی و ملی مورد نیاز را پایدار نموده و در اشاعه و ترویج آن کوشا هستیم.

قدم سوم توسط اتاق امید آفرین:

• تصمیم و اعلام اتفاق بازرگانی بعنوان پارلمان بخش خصوصی، در ایران و استانها، برای تجدید عهد با کسب و کارهای خانوادگی عضو اتاق، و حمایت همه جانبه از ایشان از طریق ایجاد شورای مرکزی کسب و کارهای خانوادگی در





اقتصاددانان سیاستگذاری‌های پولی در ایران را بررسی کردند

بی‌ثباتی اقتصاد را ناکارآمد کرد

در اقتصاد برجسته می‌کند و افقی‌گرایی که معتقد به درون‌زایی پول و تعیین میزان عرضه آن براساس تقاضای اعتبار در نظام بانکی است، پرداختند. این نشست در زمان حاضر که ایران با مشکلات متعددی در سطوح گوناگون مواجه است، اهمیتی دوچندان می‌یابد چراکه نظام تامین مالی در کشور عمدتاً بانک‌محور است و دولت و بنگاه‌های اقتصادی به منابع بانکی برای تامین مالی خود متکی هستند و اقتصاد کشور نیز از تورم‌های بالا رنج می‌برد و نقش سازوکارهایی که به چنین چالش‌هایی دامن زده‌اند، خود بخشی از برنامه‌ای است که راه برون‌رفت از وضعیت فعلی را هموار می‌سازد. در این نشست تحلیلی، به تمام مکانیسم‌های مختلف براساس این دو دیدگاه رقیب، از نقش و نحوه تعیین سیاست‌های پولی توسط بانک مرکزی تا تحلیل و بحث درخصوص ساختار نظام بانکی با توجه به ساختار اقتصاد ایران پرداخته شد.

نشست تحلیلی «چالش‌های نظری در نظام پولی ایران» با عنوان «عمودی‌گرایی در مقابل افقی‌گرایی» به‌همت پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی و پژوهشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد. در این نشست که با حضور تیمور محمدی، رییس پژوهشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، کوروش پرویزیان، رییس پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی و جمعی از اساتید دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد، سخنرانان به اظهارنظر پیرامون موضوع نشست و محورهای آن، شامل عرضه پول، تورم، نقش نظام بانکی در تورم، مسائل ساختاری نظام بانکی کشور و سیاست‌های بانک مرکزی در این خصوص پرداختند. سخنرانان در این نشست به طرح، بحث، بررسی و اظهارنظر پیرامون دو رویکرد عمده عمودی‌گرایی درخصوص نظام پولی که بیانگر تعیین عرضه برون‌زای پول توسط بانک مرکزی است و نقش برون‌زای پول را

اقتصاد ایران در بزنگاه تاریخی



داوود دانش جعفری، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی، سخنان خود را با تأکید بر وضعیت کلی و پیچیده اقتصاد ایران آغاز کرد و اظهار داشت: اگر ما نمی‌توانیم وضعیت اقتصاد ایران را با فرضیه‌های مناسب مطرح‌شده در نظریه‌های اقتصادی به‌درستی تطبیق دهیم، این امر به‌دلیل وجود شرایط متفاوتی است که بر اقتصاد ایران حاکم بوده و آن را از الگوهای متعارف جهانی متمایز می‌کند. اقتصاد ایران به‌گونه‌ای عمل کرده که سه‌گانه غیرممکن ماندل-فلمینگ که به‌عنوان یک چارچوب نظری کلیدی در اقتصاد کلان شناخته می‌شود، به‌راحتی در این کشور زیر پا گذاشته شده و گرایشی خاص در کشور به نوع خاصی از پول، به‌ویژه پول وابسته به بانک مرکزی و خزانه، وجود دارد که این گرایش، سیاست‌گذاری پولی را به‌شدت پیچیده و دشوار می‌کند. این وابستگی بیش از حد به پول بانک مرکزی و خزانه، نه‌تنها کار سیاست‌گذاران را سخت می‌کند بلکه باعث می‌شود بانک مرکزی، با توجه به رسالت قانونی خود در راستای حفظ ثبات اقتصادی و مقابله با نوسانات مالی، به‌دلیل وجود این محدودیت‌های ساختاری و نهادی، نتواند اقدامات مؤثری در جهت تحقق اهداف خود انجام دهد.

دانش جعفری با طرح مسائل و چالش‌های مالی متعدد حاکم بر اقتصاد ایران، سخنان خود را با ارائه یک تحلیل آماری جامع از وضعیت اقتصادی کشور ادامه داد. او در این بخش اظهار داشت: رشد بخش کشاورزی ما در سال ۱۴۰۲ تنها ۰/۸ درصد بوده، درحالی‌که بخش نفتی، به‌دلیل وابستگی اقتصاد به صادرات نفت و افزایش قیمت‌های جهانی، رشدی قابل توجه به میزان ۲۰ درصد را تجربه کرده است و در بخش صنعت و معدن نیز ما شاهد رشدی ۵/۱ درصدی بوده‌ایم. وی با نگاهی به آینده پیش‌بینی کرد که تمام این مقادیر در سال جاری با کاهش رشد مواجه خواهند شد و تنها بخش نفتی، به‌دلیل پویایی‌های خاص خود و وابستگی به بازارهای جهانی، ممکن است همچنان توانایی حفظ رشد خود را داشته باشد. دانش جعفری با برشمردن چالش‌های ساختاری و عمیق نظام مالی کشور خاطرنشان کرد که در حال حاضر ما در حال نزدیک شدن به بحران‌های مختلفی، به‌ویژه در زمینه کسری بودجه مزمن هستیم که این بحران‌ها می‌توانند ثبات اقتصادی را به خطر بیندازند. ما با عوامل متعددی در زمینه افزایش نقدینگی مواجه بوده‌ایم که از میان آنها می‌توان به تسهیلات تکلیفی تحمیل‌شده توسط دولت، مطالبات انباشته بانک‌ها از بخش دولتی و همچنین عوامل بنیادی مرتبط با افزایش قیمت

ارز در کشور و عدم تعادل ناشی از آن در بازارهای مالی اشاره کرد. متأسفانه ما در شرایط کنونی هیچ راه‌حلی به‌جز افزایش نرخ ارز در بزنگاه‌های حساس اقتصادی نداریم که این خود به تشدید مشکلات ساختاری و افزایش فشار بر طبقات اجتماعی منجر می‌شود.

چالش‌های نظری نظام پولی



کامران ندری، عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق، در ابتدای نشست به طرح مساله دو رویکرد عمده در خصوص نظام پولی پرداخت. او با طرح نظریات مربوط به بحث پول در اقتصاد گفت: به‌صورت کلی ما می‌توانیم این نظریات را در دو گروه طبقه‌بندی کنیم که نگرش پول‌گرایان و نگرش دوم که نسبت به اولی ارجحیت دارد، نگرش مکتب نئوکینزی است که در کشور ما هم نگرش‌های این مکتب در آموزش عالی تدریس می‌شود و نگرش غالب ما هم در سیطره همین نگرش در حوزه اقتصاد پولی است.

ندری در ادامه با اشاره به رابطه رشد حجم نقدینگی و تورم در ایران و تحلیل نظری آن در این باره گفت: رابطه تنگاتنگی میان این دو متغیر در اقتصاد ایران وجود دارد، به‌عنوان مثال، میانگین نرخ رشد نقدینگی قبل از سال ۹۷ حدوداً ۲۷ درصد بوده و نرخ تورم نیز ۱۹ درصد و بعد از تحریم‌ها میانگین نرخ رشد نقدینگی و نرخ تورم مجدداً باهم افزایش پیدا کرده است. وی تأکید کرد: اگر به این رابطه نگاهی به متغیرهای پولی هم بیندازیم، رشد پایه پولی هم همزمان با این جهش‌ها همراه بوده است که این موضوع ما را به‌لحاظ نظری وادار می‌کند به‌صورت علمی و نظری چند فرضیه را درخصوص آن مطرح کنیم. فرضیه اول در این خصوص می‌تواند این باشد که کمیت‌های پولی علت تورم بالا در اقتصاد ایران است و با کنترل رشد کمیت‌های پولی می‌توانیم تورم را کنترل کنیم و این مدیریت در اختیار بانک مرکزی است اما فرضیه دوم قائل به آن است که اگرچه رشد بالای کمیت‌های پولی که علت تورم بالا در اقتصاد است و با کنترل کمیت‌های پولی می‌توان تورم را کنترل کرد اما کنترل رشد آنها توسط بانک مرکزی میسر نیست و فرضیه سوم هم برخلاف هر دو فرضیه را می‌توان این‌گونه صورت‌بندی کرد که رشد بالای کمیت‌های پولی معلول تورم‌های بالاست و با کنترل رشد کمیت‌های پولی نمی‌توان تورم را کنترل کرد.

این اقتصاددان بر پایه این فرضیه‌ها این سوال را مطرح کرد که ما بر پایه دیدگاه‌های نظری در مورد عرضه پول، نقش بانک مرکزی در مدیریت پولی و کنترل تورم چه می‌توانیم بگوییم؟ در پاسخ به این سوال، این عضو هیات علمی دانشگاه اضافه کرد: ما چیزی جز همبستگی میان حجم نقدینگی و تورم نمی‌توانیم بگوییم

رییس پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی با اشاره به اتخاذ سیاست‌های تثبیتی از سوی بانک مرکزی که با هدف ایجاد ثبات در متغیرهای کلان اقتصادی طراحی شده‌اند، تصریح کرد: نوع این سیاست‌های اتخاذشده، صرف‌نظر از میزان اثرگذاری سیاست پولی توسط بانک مرکزی، از این واقعیت اساسی عبور می‌کند که نقدینگی و تورم پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند و چه بانک مرکزی در این زمینه اثرگذار باشد یا نباشد، این سیاست ایجاد می‌کند که بانک مرکزی هدف‌های مشخص اعلام‌شده خود را با جدیت و استمرار ادامه دهد. برای مثال، در سال گذشته هدف‌گذاری حجم نقدینگی ما رشد ۲۳ درصدی بود اما در نهایت اقتصاد کشور با رشد ۲۷ درصدی نقدینگی مواجه شد که این انحراف از هدف‌گذاری نشان‌دهنده چالش‌های موجود در اجرای سیاست‌های پولی است. درخصوص تورم نیز، یک تغییر قابل‌توجه در شاخص تورم اتفاق افتاد اما بعد از آذرماه، با توجه به سیاست‌های جدید درخصوص مدیریت بازار ارز و تعیین نرخ توافقی، ما شاهد تحولاتی در شاخص تورم بودیم که تا حدی به تثبیت نسبی این شاخص کمک کرد. پرویزیان ادامه داد: ما باید از انحرافات نسبت به مقادیر میانگین که می‌توان آن را عدم تعادل یا هر اصطلاح دیگری نامید، دوری کنیم و سیاستگذار باید به این مساله توجه ویژه‌ای داشته باشد و بتواند آن را به‌صورت موثر مدیریت کند زیرا این انحرافات می‌توانند به بی‌ثباتی اقتصادی منجر شوند. اتخاذ سیاست‌های تثبیتی معمولاً پس از وقوع عدم تعادل در اقتصاد اجرایی می‌شود و این سیاست‌ها توانایی پیش‌بینی و پیشگیری از رخداد عدم تعادل‌های آینده را به طور کامل ندارند. بانک مرکزی نیز در این زمینه دو سیاست اصلی را دنبال کرده است: نخست، سیاست‌های کنترلی شبکه بانکی که در قالب مدیریت ترازنامه‌ای بانک‌ها صورت گرفته است و دوم، سیاست هدایت اعتبار که با هدف تخصیص بهینه منابع مالی طراحی شده است. در این راستا، یک هماهنگی میان ارکان مختلف، اعم از دستگاه‌های دولتی و دیگر نهادهای اجرایی، ایجاد شده است که پروژه‌های پيشران اقتصادی را در بر می‌گیرد. این هماهنگی به‌گونه‌ای است که اگر کنترل کمتری توسط سیاستگذار درخصوص نقدینگی وجود داشته باشد، این همگرایی میان مسوولان می‌تواند تضمین کند که منابع مالی و نقدینگی به‌سمت این پروژه‌های کلیدی هدایت شود. وی در ادامه سخنان خود، با اشاره به نقش حیاتی بانک مرکزی به‌عنوان آخرین قرض‌دهنده در نظام مالی، تصریح کرد: در شبکه بانکی، اعتباراتی وجود دارد که بانک‌ها می‌توانند برای مدیریت منابع مالی کوتاه‌مدت خود از آن استفاده کنند. اما در این زمینه، ما شاهد دو اتفاق نامیمون بوده‌ایم که این مساله به یک مشکل دائمی تبدیل شده است، به‌گونه‌ای که برداشت‌های شبانه بانکی که در اصل باید به صورت موقت و اضطراری باشند، به یک عدد ثابت و روال عادی تبدیل شده‌اند که چنین پدیده‌ای در هیچ‌جای دنیا امکان‌پذیر نیست. او تأکید کرد که اگرچه سیاستگذار در این جهت تلاش‌هایی کرده اما ما شاهد اتفاق خاص و تحول چشمگیری در این حوزه نبوده‌ایم.

رییس پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی در بخش پایانی سخنان خود عنوان کرد: بانک مرکزی باید به بازیگران جدید در نظام مالی اجازه ورود دهد و استانداردهایی که تاکنون به‌طور کامل به کار گرفته نشده‌اند را با جدیت بیشتری دنبال کند تا ساختار نظام بانکی کارآمدتر شود. ابزارها و ظرفیت‌های موجود در اقتصاد ایران، امید بیشتری برای ما ایجاد می‌کند که بتوانیم با اصلاحات اساسی در ساختارهای عملیاتی کشور، فضای بهتری برای توسعه اقتصادی فراهم کنیم.

و جهت و مسیر این علیت را نمی‌توانیم به صرف داده‌ها دریابیم و نیازمند درک عمیق نظری از این مبحث هستیم. به‌طور کلی دو نظریه درخصوص عرضه پول داریم، رویکرد جریان اصلی و پساکینزی یا رویکردی که به آن هترودوکس یا پادمتعارف می‌گویند. ندی در توضیح این دو نظریه مهم گفت که رویکرد پساکینزی بیشتر متمایل به افقی‌گرایی یا تطبیق‌گرایی است و نگرشی ساختاری در این خصوص محسوب می‌شود و نظریه دوم همان منشا طرح بحث عمودی‌گرایی درخصوص مباحث پولی محسوب می‌شود و طرفداران این رویکرد را هم در دنیا به پول‌گرایی که البته دیگر منسوخ شده می‌شناسند. این اقتصاددان در ادامه سخنان خود درخصوص معضلات اقتصادی ایران با نگاهی به مساله سلطه مالی گفت: این مکتب درخصوص چنین سیاستی می‌گوید که ابتدا وقتی ما با چنین وضعیتی مواجه هستیم، باید ابتدا به سراغ انضباط مالی برویم و از دست‌اندازی دولت به منابع جلوگیری کنیم تا بتوانیم اصلاً بحثی از سیاست پولی و امکان آن را به میان بیاوریم. رویکرد دیگر که تطبیق‌گرایی نام دارد، معتقد است که پول را بانک‌ها ایجاد می‌کنند و تقاضای وام‌ها پول را ایجاد می‌کند و خلق پول مطلقاً در این نگاه درون‌زاست و زمانی ما بر این اساس می‌توانیم تورم را کنترل کنیم که تقاضا برای وام را مدیریت کرده و بانک مرکزی باید ذخایر خود را با این سطح از تقاضا برای اعتبارات و وام‌های بانکی هماهنگ کند. ما برای تشریح وضعیت موجود نیاز داریم که بدانیم بانک مرکزی دقیقاً کدام رویکرد را دنبال می‌کند یا به کدام نزدیک‌تر است.

امید، مهم‌ترین روزه خروج از وضعیت فعلی



کوروش پرویزیان، رییس پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، در ادامه نشست تخصصی چالش‌های نظام پولی ایران اظهار داشت: ما نیازمند به‌کارگیری رویکردی جامع و موثر هستیم که بتواند اقتصاد ایران را با مدیریت دقیق‌تر و کارآمدتری کنترل کند، به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد کشور با چالش‌های متعددی مواجه است. اقتصاد ایران، به‌طور همزمان، هم با چالش‌های ساختاری و نهادی عمیق مواجه است و هم با مساله‌ای پیچیده به‌نام تحریم‌های بین‌المللی که اثرات گسترده‌ای بر عملکرد اقتصادی کشور دارند. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد در دوره‌هایی که شدت تحریم‌ها رو به افزایش بوده است، ما شاهد افزایش قابل‌توجه هزینه‌های مبادلاتی در اقتصاد بوده‌ایم، به‌گونه‌ای که در شرایط فعلی، این هزینه‌ها به‌طور تخمینی بین ۳۰ تا ۳۵ درصد از کل مبادلات اقتصادی را شامل می‌شود که این امر فشار مضاعفی بر نظام مالی کشور وارد می‌کند.

بدترین سناریو این است که ایران و آمریکا به سوی جنگ پیش بروند

تصویرهای ناروشن از اقتصاد ایران

دلار در ۲۰۰۲ به ۹۲ هزار ریال در بازار آزاد در سال ۲۰۲۵ سقوط کرده (کاهش بیش از ۹۹ درصد) که نتیجه چاپ پول برای جبران کسری بودجه و تحریم‌ها بوده است.

۲. وابستگی شدید به نفت

با وجود تلاش برای کاهش وابستگی، درآمدهای نفتی همچنان حدود بین ۳۰ تا ۴۰ درصد بودجه دولت را در ۲۰۲۵ تشکیل می‌دهند. کاهش تولید و صادرات نفت (از ۴ میلیون بشکه در روز به بین یک تا ۲ میلیون بشکه) به دلیل تحریم‌ها، اقتصاد را شکننده کرده است. ناکامی در متنوع‌سازی پایدار اقتصاد، ایران را در برابر نوسانات قیمت نفت آسیب‌پذیر نگه داشته است.

۳. تحریم‌های بین‌المللی



آمریکا و اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۲ به بعد، دسترسی ایران به سیستم مالی جهان (SWIFT)، سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری پیشرفته را قطع کرده است. در سال ۲۰۲۵، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی احتمالاً زیر یک میلیارد دلار در سال باقی مانده است. این انزوا باعث کاهش تجارت بین‌المللی و محدود شدن صادرات به چند کشور همسایه شده است.

۴. بیکاری و بحران اشتغال



نرخ بیکاری رسمی در ۲۰۲۵ حدود بین ۱۲ تا ۱۵ درصد است اما بیکاری واقعی (با احتساب بیکاری پنهان و مشاغل کم‌کیفیت) ممکن است به ۲۵ تا ۳۵ درصد برسد. بیکاری جوانان (۱۵-۲۹ سال) به ۳۰-۳۵ درصد رسیده است. فرار مغزها تشدید شده و سالانه ده‌ها هزار نفر از متخصصان و تحصیلکرده‌ها مهاجرت کرده‌اند.

سناریوهای اقتصاد سیاسی ایران در هفته‌ها و ماه‌های نزدیک در آینده با سه سناریوی احتمالی روبه‌رو است. سناریوی نخست این است که صلح یا جنگی میان ایران و آمریکا رخ ندهد و سیاستگذاری و حکمرانی اقتصادی همین باشد که هست. در این صورت چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ آمارهای نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهند رشد اقتصاد ایران روندی کاهنده را تجربه می‌کند و نرخ تورم برعکس در مسیر افزایشی خواهد بود. در این صورت شهروندان با یک ضربه میانگین فقیرتر می‌شوند. سناریوی دوم این است که ایران و آمریکا به سوی صلح بروند و از روزهای تنش‌زا دوری کنند. در این صورت بالاترین خواسته ایران از آمریکا رفع تحریم‌ها و عادی کردن اقتصاد ایران خواهد بود. با لحاظ کردن این نکته که بازار جهانی نفت اجازه می‌دهد ایران با شتاب مناسب سهمیه پیشین در بازارهای جهانی را به دست آورد، در این صورت نه تنها درآمد صادرات نفت ایران با شتاب لازم به سوی افزایش می‌رود بلکه برگشت دلارهای حاصل از صادرات نیز با شتاب بیشتری ممکن می‌شود. افزایش درآمدهای صادرات نفت راه سرمایه‌گذاری برای دیگر فعالیت‌های اقتصادی را هموار می‌کند. بدترین اتفاق برای جامعه ایرانی در این دوره دور شدن از صلح و رفتن به سوی تنش بیشتر و احیاناً جنگ با آمریکا است. در این صورت فضای اقتصادی و سیاسی ایران و مناسبات با آن با آمریکا ناشناس است. در این وضعیت میزان صادرات نفت از این هم که هست کمتر شده و در دسرهای تازه برای اقتصاد کلان درست می‌شود. در وضعیت سوم جمهوری اسلامی باید راهبردی داشته باشد که اقتصاد فلج نشود در این صورت زیرساخت‌های موجود نیز به فروپاشی بیشتر نزدیک می‌شود.

با این همه اما باید نخست چهره‌ای از اقتصاد ایران کشیده شده و عیب‌ها و نارسایی‌های آن در عبارات کوتاه بیان شود. تصویری که برخی نهادها از اقتصاد کلان ایران کشیده‌اند تا نقاط آسیب‌پذیر آن بیشتر نشان داده شوند. آنچه در ادامه می‌خوانید ۱۰ تصویر از اقتصاد ایران برای دوره‌ای است که در آن هستیم:

۱. تورم مزمن و کاهش ارزش پول ملی



نرخ تورم ایران که در سال ۲۰۰۲ حدود ۱۵ درصد بود، در دوره‌های مختلف به بالای ۵۰ درصد رسید و در سال ۲۰۲۵ احتمالاً در محدوده بین ۳۰ تا ۴۰ درصد باقی مانده است. این تورم مزمن قدرت خرید مردم را به شدت کاهش داده است. ارزش ریال از حدود ۸ هزار ریال به ازای هر

۵. ناکارآمدی زیرساخت‌ها

رسیده که نشان‌دهنده وخامت اوضاع است. سوءمدیریت منابع در پروژه‌های بزرگ (مانند تاخیر در تکمیل فازهای پارس جنوبی یا طرح‌های نیمه‌تمام عمرانی) هزینه‌های بسیاری به اقتصاد تحمیل کرده است.

۸. نابرابری و فقر



ضریب جینی (شاخص نابرابری) از ۰/۴۳ در ۲۰۰۲ به حدود ۰/۴۵ در ۲۰۲۵ رسیده که نشان‌دهنده افزایش نابرابری درآمدی است. مناطق محروم (سیستان و بلوچستان) از توسعه عقب مانده‌اند. نرخ فقر مطلق (درآمد کمتر از خط فقر جهانی) از ۱۲ درصد در ۲۰۰۲ به حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد در ۲۰۲۵ افزایش یافته و تورم، معیشت خانوارها را به شدت تحت فشار قرار داده است.

۹. افت سرمایه‌گذاری و بهره‌وری



نرخ تشکیل سرمایه ثابت (سرمایه‌گذاری در زیرساخت و تولید) از ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی در اوایل دهه ۲۰۰۰ به زیر ۲۰ درصد در ۲۰۲۵ کاهش یافته است. فرسودگی ماشین‌آلات و کمبود فناوری بهره‌وری را پایین نگه داشته است. بخش خصوصی به دلیل بوروکراسی، ناامنی اقتصادی، و تحریم‌ها تضعیف شده و سهم آن در اقتصاد به زیر ۳۰ درصد رسیده است.

۱۰. آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی و داخلی

اقتصاد ایران در برابر بحران‌های طبیعی (خشکسالی و زلزله) و شوک‌های خارجی (کاهش قیمت نفت یا تشدید تحریم‌ها) بسیار شکننده است. ذخایر ارزی خالص در ۲۰۲۵ احتمالاً به زیر ۲۰ میلیارد دلار رسیده که نیازهای وارداتی را پوشش نمی‌دهد. اعتراضات اقتصادی (۱۳۹۶ و ۱۳۹۸) نشان‌دهنده نارضایتی عمومی از وضعیت معیشتی است که می‌تواند ثبات را به خطر بیندازد. در جمع‌بندی این مطلب عنوان شده که کاستی‌های اقتصادی ایران در این ۲۲ سال به‌طور عمده نتیجه ترکیب تحریم‌های خارجی، سوءمدیریت داخلی و عدم اصلاحات ساختاری است. با وجود دستاوردهایی در خودکفایی و زیرساخت‌ها، ناکامی در کاهش وابستگی به نفت، مدیریت تورم و بهبود فضای کسب‌وکار، اقتصاد ایران را در سال ۲۰۲۵ در موقعیتی بحرانی قرار داده است. این نقاط ضعف، ظرفیت بالای منابع انسانی و طبیعی ایران را تحت‌الشعاع قرار داده و مانع از رشد مناسب می‌شود.



فرسودگی شبکه برق (قطعی‌های مکرر با ضرر سالانه ۵-۱۰ میلیارد دلار)، کمبود سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل (مانند عقب‌ماندگی خطوط ریلی و بندر) و بحران آب (خشکسالی و مدیریت ضعیف منابع) از مشکلات اصلی هستند. سرمایه‌گذاری سالانه در زیرساخت‌ها به دلیل تحریم‌ها و کسری بودجه به ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار محدود شده، درحالی‌که نیاز واقعی بیش از ۵۰ میلیارد دلار است.

۶. کسری بودجه و بدهی داخلی



کسری بودجه مزمن (حدود بین ۷ تا ۸ درصد تولید ناخالص داخلی در ۲۰۲۵) دولت را به چاپ پول و استقراض داخلی (بدهی دولت به بانک‌ها حدود ۱۰۰ میلیارد دلار) وابسته کرده. این سیاست‌ها تورم را تشدید کرده و فشار بیشتری بر اقتصاد وارد آورده است.

۷. فساد و سوءمدیریت



فساد گسترده در نهادهای دولتی و شرکت‌های عمومی (مانند اختلاس‌های بانکی و رانت در تخصیص ارز) شفافیت اقتصادی را کاهش داده است. رتبه ایران در شاخص ادراک فساد (CPI) از ۲۵ در ۲۰۰۲ به حدود ۲۳ در ۲۰۲۴



یافته‌های مدیران نشان می‌دهد

نظام بانکی بیمار است

مجلس و بانک‌ها درباره اینکه چرا وام‌ها پرداخت نشده‌اند هستیم.

آمارهای عجیب

محاسبات و تخمین‌ها نشان می‌دهد در پایان سال ۱۴۰۳ حدود ۷۰۰ هزار نفر در صف تسهیلات ازدواج و فرزندآوری باقی خواهند ماند. با توجه به حدود ۲ میلیون نفر متقاضی جدید در سال ۱۴۰۴ و در نظر گرفتن ۲۷۵ همت سهمیه برای پرداخت تسهیلات ازدواج، فرزندآوری و سایر وام‌های قرض‌الحسنه، در سال ۱۴۰۴ حدود ۶۰۰ هزار فقره وام ازدواج و ۶۰۰ هزار فقره وام فرزندآوری پرداخت خواهد شد. با ادامه روند فعلی، در پایان سال جاری به احتمال زیاد حداقل ۷۰۰ هزار نفر در صف وام ازدواج و ۸۰۰ هزار نفر در صف وام فرزندآوری خواهند بود؛ لذا مجموع صف وام ازدواج و فرزندآوری در انتهای این سال به بیش از ۱/۵ میلیون متقاضی خواهد رسید که تبعات اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی خواهد داشت. جهت کاهش صف هریک از تسهیلات ازدواج

و نظام بانکی هستند. شهروندان خرده‌پای ایرانی که میلیون‌ها میلیون شهروندان، منابع کوچک خود را برای روز مبادا یا برای امنیت بیشتر به بانک‌ها می‌دهند و بانک‌ها نیز از آنها خود و حکومت را از نظر مادی چاق و از نظر سیاسی محبوب می‌کنند.

وام‌های اجتماعی

در حالی که نظام سیاسی جمهوری اسلامی اجازه نداده است حزب‌های نیرومند، دارای کادرهای ورزیده و هواداران سفت و سخت و آینده‌نگر تاسیس شوند دو نهاد انتخاباتی مجلس و دولت به دست کسانی افتاده که سلیقه سیاسی خود را دارند و در بهترین حالت یک فرد شناخته‌شده محلی و ملی در یک جبهه سیاسی‌اند. این‌گونه شده است که این دو نهاد برای رای آوردن و برای اینکه از نظام سیاسی صیانت کنند منابع بانک‌ها را به ثمن‌بخش به بخش‌های خاص می‌دهند. در سال‌های اخیر تسهیلات اجتماعی تکلیف بزرگی بر دوش بانک‌ها گذاشته است که این روزها شاهد مجادله

همه مدیران اداره‌کننده ایران بدون اینکه تردیدی به خود راه دهند باور و اصرار دارند که سپرده‌های شهروندان ایرانی اعم از پولداران یا تهیدستان یا طبقه متوسط در بانک‌ها متعلق به دولت و مجلس است؛ به این معنی که دولت و مجلس می‌توانند با قانونگذاری به بانک‌های کشور دستور دهند که منابع شهروندان را آنطور که آنها می‌خواهند هزینه کنند. از طرف دیگر مدیران و سهامداران بانک‌ها نیز هوشمندتر از آن هستند که با این همه تکلیف‌های سنگینی که از طرف دولت به آنها داده می‌شود هنوز پابرجا هستند و سود می‌دهند و هنوز گروه‌هایی هستند که در صف ایستاده و می‌خواهند بانک داشته باشند. واقعیت این است که داستان بانک و بانکداری در جمهوری اسلامی بیشتر از هر چیز به یک معما و یک شعبده‌بازی شبیه شده است؛ بانک‌های ایران در حال حاضر به دور از نظارت‌های کارآمد و به دور از هرگونه رقابت با رقبای خارجی کار خود را ادامه می‌دهند و شهروندان ایرانی تنها زبان‌دیدگان این رفتار راهبردی بانک‌های ایران

با افزایش نااطمینانی خروج سرمایه رخ می‌دهد، نمی‌توان به سمت تک‌رنخی شدن ارز برویم زیرا همواره بازار غیررسمی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی باید به سمت بازار رسمی برویم و نیازها را در بستر بازار رسمی تامین کنیم. در حال حاضر بانک‌ها تامین مالی بنگاه‌ها، تامین مالی دولت و تامین نیازهای مالی مردم را انجام می‌دهند.

وی گفت: ۹۰ درصد بار تامین مالی کشور بانک محور است و تامین مالی بانک‌محوری که منجر به تشدید ناترازی شود، تامین مالی با کیفیتی نخواهد بود. این نحوه تامین مالی در کوتاه‌مدت بنگاه‌ها را تامین مالی می‌کند اما در بلندمدت تورم را به همراه خواهد داشت. بانک‌ها به محلی برای تخلیه ناترازی‌های بخش‌های دیگر تبدیل شده‌اند و این مساله موجب افزایش تورم می‌شود. معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی ادامه داد: متأسفانه با توجه به شرایط اقتصاد ایران نمی‌توان از همه ابزارها از جمله ابزار نرخ بهره به درستی استفاده کرد. در چنین شرایطی که نرخ بهره پایین است، تقاضای بنگاه‌ها برای تسهیلات بانکی افزایش پیدا می‌کند و تخصیص بهینه مشکل خواهد شد. وی با اشاره به افزایش سهم خانوار از تسهیلات بانکی در سال‌های اخیر اظهار داشت: تا سه سال گذشته سهم خانوار از تسهیلات بانکی حدود ۱۱ درصد بود اما الان به ۲۳ درصد رسیده است. این مساله تامین مالی بنگاه‌ها را نیز با مشکل همراه می‌کند. در حال حاضر شبکه بانکی تسهیلات تکلیفی با سررسید بلندمدت و با نرخ پایین می‌دهد که مشکلاتی را برای نظام بانکی ایجاد می‌کند. شیرجیان گفت: علاوه بر خانوارها در سال‌های اخیر سهم دولت نیز از اقتصاد و تامین مالی بانک‌ها افزایش یافته است. سهم بانک‌ها از اوراق دولتی در سال‌های اخیر حدود ۴۰ درصد بود اما در سال گذشته از ۴۵۰ همت اوراق دولتی منتشر شده، ۳۱۷ همت را بانک‌ها خریداری کرده‌اند. یعنی مقدار انتشار اوراق دولتی ۱۷۶ درصد رشد کرده و علاوه بر این افزایش سهم بانک‌ها نیز از ۴۶ درصد به حدود ۷۰ درصد رسیده است. این مساله منجر به خلق نقدینگی و تورم می‌شود. حجم ریبو نیز افزایش یافته و به ۴۲۲ همت رسیده که نسبت به سال پیش از آن ۱۰۷ درصد رشد کرده است.

وی اظهار داشت: تسهیلات تکلیفی منجر به تشدید ناترازی می‌شود. بانک مرکزی باید به سمت تامین مالی غیرتورمی برود و از سوی دیگر برای بنگاه‌ها نیز به سمت تامین مالی زنجیره‌ای برود تا فشار به رشد نقدینگی کاهش پیدا کند و بتوانیم شاهد کاهش تورم باشیم.

دارد باید مورد توجه قرار گیرد. باید این الزامات و چارچوبی که لازم است منابع را جهت‌دهی کنیم بشناسیم.

نادعلی گفت: چیزی که در اقتصاد ایران یک مقدار مغفول مانده متولی توسعه است. مثلاً نهاد توسعه‌ای ما که سازمان برنامه و بودجه است مشغولیات دیگری دارد و به دنبال تامین هزینه‌های جاری و صندوق‌های بازنشتگی است. در حال حاضر برنامه توسعه داریم اما نهاد متولی توسعه در گیر مسائل روزمره است.

وی تصریح کرد: نقش نهادهای نظارتی باید به سمت کنترل انحراف منابع پیش رود. این منابع و تسهیلات اگر منحرف شود به کجا می‌رود؟ مطرح می‌شود اینها به خودشان و شرکت‌های خودشان تسهیلات می‌دهند. مطالعه‌ای در مورد روسیه نشان می‌داد در این کشور اگر بانک تسهیلاتی می‌دهد، بانک مرکزی رصد می‌کند که این تسهیلات به حساب آن شخص رفت و در نهایت از کجا سر در آورده است و این را تا چند مرحله پایش می‌کند. به محض اینکه ببیند آن پول باید جایی می‌رفته که نرفته است، سریع پول را به حساب بانک برمی‌گرداند. این برای ما بسیار جالب بود.

حکایت شیرجیان

محمد شیرجیان معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی که از دیگر اعضای این نشست بود اظهار داشت: در یک دهه‌ونیم اخیر به دلیل شوک‌های بیرونی بر اقتصاد و تحمیل سلطه‌های مختلف دچار تورم بالا بوده‌ایم. این مسائل موجب شده که بانک مرکزی استقلال کافی در استفاده از ابزارهای مختلف را نداشته باشد. وی افزود: باید به بازارهای رسمی مرجعیت بدهیم. در شرایطی که با تحریم مواجه هستیم و

و فرزندآوری به ۲۰۰ هزار متقاضی در پایان سال ۱۴۰۴، نیاز به تامین منابع و سهمیه جدید و مازاد بر میزان تعیین شده در قانون بودجه ۱۴۰۴ به میزان حدود ۲۴۰ هزار میلیارد تومان است که با توجه به رسوبات و رشد مانده سپرده‌های قرض‌الحسنه شبکه بانکی و استفاده از راهکارهای مکمل پیشنهادی، قابل دستیابی است. نکته دیگر نرخ نکول بسیار پایین تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج و فرزندآوری است یعنی این تسهیلات عموماً در شبکه بانکی وصول می‌شوند و مشکلی از جهت بازپرداخت برای بانک‌ها به وجود نخواهد آمد. این در حالی است که تا پایان سال ۱۴۰۲، حجم تسهیلات غیرجاری در شبکه بانکی به رقم ۶۳۹ هزار میلیارد تومان رسیده که معادل سه برابر کل تسهیلات اجتماعی پرداخت شده به حدود یک میلیون و ۵۰۰ نفر متقاضی در این سال است. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد عدم بازگشت تسهیلات غیرجاری به شبکه بانکی، تاثیر به مراتب بیشتری بر ناترازی بانک‌ها دارد.

بانک‌ها در چاه تکلیف

یک مقام بانک مرکزی گفته است: در حال حاضر در وضعیتی قرار داریم که مشکلات ما به هم تنیده شده و در این فضا ضرورت دارد که حتماً این منابع و اعتبارات را رها نکنیم و با توجه به سالی که سال سرمایه‌گذاری برای تولید است به سمت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد برویم. ما چاره‌ای جز این نداریم که منابع را به سمت زیرساخت‌های صنایع مورد نظر ببریم. باید استراتژی صنعتی کشور مشخص باشد و یک مقدار بی‌ثباتی در وضعیت تورم داریم که سرمایه‌گذاری را دچار چالش می‌کند و مسائل دیگری که در نظام گزینش بنگاه‌ها و اعتبارسنجی و نظارت بر مصرف تسهیلات وجود



Capital Gains Tax – CGT

چالش‌های یک اتفاق
در حال انجام بررسی شد

مالیات بر عایدی سرمایه

این نوع مالیات از سود حاصل
از فروش دارایی‌هایی مانند
زمین، ملک، خودرو، سکه، طلا،
سهام و سایر سرمایه‌گذاری‌ها
اخذ می‌شود و هدف اصلی آن
کنترل سوداگری و کمک به
توزیع عادلانه‌تر ثروت است



اجتماعی این مالیات، شرایط اجرای موفق آن و چالش‌های نهادی و
تورمی در ایران می‌پردازد.

دلایل تئوریک

در نظام‌های مالیاتی کارآمد، مالیات بر عایدی سرمایه‌ای به‌عنوان ابزاری
برای کاهش رفتارهای سوداگرانه، کنترل تورم دارایی‌ها و ایجاد توازن در توزیع
درآمد و ثروت نقش ایفا می‌کند. با این حال، در کشوری مانند ایران که ساختار
اقتصادی آن با نرخ بالای تورم، ضعف شفافیت و چالش‌های نهادی همراه
است، اجرای این مالیات نیازمند طراحی نهادی دقیق است. از منظر نظری،
مالیات بر عایدی سرمایه‌ای باید بر پایه اصل عدالت مالیاتی و ایجاد تعادل میان
درآمدهای مختلف اعمال شود. یکی از نظریه‌پردازان الهام‌بخش در این حوزه،
جیمز توبین است که در چارچوب سیاست‌های کینزی، مالیات بر عایدی
سرمایه‌ای را به‌عنوان ابزاری برای کنترل نوسانات بازارهای مالی و همچنین
بازتوزیع جهانی درآمد معرفی می‌کرد.

سود حاصل از فروش دارایی‌ها که در نتیجه نوسانات قیمتی و بدون اتکا
به تلاش واقعی به‌دست می‌آید، مشمول مالیات می‌شود تا ضمن بازتوزیع
ثروت، از رفتارهای سفته‌بازانه نیز جلوگیری شود. این سیاست در کشورهای
مختلف با اهدافی همچون تنظیم بازار مسکن، تامین مالی دولت و جلوگیری
از شکل‌گیری حباب‌های قیمتی دنبال می‌شود.

ضرورت اجرای مالیات بر عایدی سرمایه‌ای در ایران: در کشورهای مختلف
ضرورت‌های متعددی برای مالیات بر عایدی سرمایه‌ای شناسایی شده است.
در کانادا، نیمی از سود عایدات سرمایه‌ای افراد از مالیات معاف است. در آن
کشور زیرساخت اطلاعاتی دقیق برای تطبیق گزارش‌های پرداخت‌کنندگان و
نهادهای مالی فراهم است. در آلمان، نرخ مالیات بر عایدی سرمایه‌ای با گذر
زمان کاهش می‌یابد تا انگیزه نگهداری بلندمدت دارایی افزایش یابد و به‌جای

دولت‌های ایران تا پیش از اینکه دستشان از درآمد حاصل از صادرات نفت
کوتاه شود بدون اینکه نگاهی به نیازهای بلندمدت کنند چشم بر دریافت
انواع مالیات از شهروندان و به‌ویژه دریافت مالیات از نقل و انتقال دارایی‌ها بسته
بودند. در سال‌های تازه سپری‌شده و پس از آنکه تیغ تحریم‌ها کند شد دریافت
مالیات بیشتر و افزودن بر سهم مالیات از کل درآمدهای دولت در دستور کار
قرار گرفت. با این همه معافیت‌های مالیاتی گسترده و نیز فرارهای مالیاتی راه
را بر دریافت مالیات از شمار بیشتری از دارندگان درآمدهای مشمول مالیات
بسته بود. اما در دهه تازه‌سپری‌شده افزایش دریافت مالیات روندی فزاینده را
تجربه کرده و نیز دریافت مالیات از انتقال دارایی‌ها در دستور کار قرار گرفت.
با این همه به دلیل فقدان تجربه و نیز به دلیل اینکه مالیات‌دهندگان ایرانی
به لحاظ ذهنی آماده پرداخت مالیات نبودند این اتفاق با درنگ در حال انجام
است. در هفته‌های پیش اما مجلس مالیات بر عایدی سرمایه را در دستور
تصویب قرار داد و انتظار می‌رود این نوع مالیات در دستور کار دولت قرار گیرد.
هفته قبل، گروه واتس‌آپی «هاما» یکی از پرمناقشه‌ترین موضوعات
اقتصادی ایران را به بحث گذاشت: مالیات بر عایدی سرمایه. این گفت‌وگو
با مشارکت کارشناسان مالی، مدیران بانکی، اقتصاددانان و صاحب‌نظران
حوزه سیاست‌گذاری، به بررسی ابعاد گوناگون موضوع پرداخت. مقاله حاضر،
جمع‌بندی موضوعات مورد بررسی در این گفت‌وگوها بوده است.

مالیات بر عایدی سرمایه‌ای (Capital Gains Tax – CGT)
یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در تحول نظام مالیاتی ایران
است که ابزار مهمی برای تنظیم بازار دارایی‌ها و افزایش عدالت مالیاتی
شناخته می‌شود. این نوع مالیات از سود حاصل از فروش دارایی‌هایی
مانند زمین، ملک، خودرو، سکه، طلا، سهام و سایر سرمایه‌گذاری‌ها
اخذ می‌شود و هدف اصلی آن کنترل سوداگری و کمک به توزیع
عادلانه‌تر ثروت است. این نوشته به بررسی ضرورت‌های اقتصادی و

و ثبت دقیق اطلاعات دارایی ضروری است. اجرای مالیات بر عایدی سرمایه‌های بدون داشتن زیرساخت‌هایی مانند سامانه مودیان یا ثبت معاملات، باعث افزایش فرار مالیاتی می‌شود.

۳- اعمال نرخ‌های پلکانی براساس مدت‌زمان نگهداری دارایی‌ها: اعمال نرخ‌های کاهنده برحسب زمان نگهداری دارایی‌ها در ایران الگویی مشابه کشورهای اروپایی است که در آن مالیات بر عایدی با افزایش مدت‌زمان نگهداری دارایی کاهش می‌یابد.

۴- مستثناسدن دارایی‌های مصرفی مانند مسکن شخصی و خودروهای استفاده‌شده: استثناسدن دارایی‌های مصرفی در شناسایی عایدات ضروری است. املاک شخصی یا خودروهایی که برای استفاده فردی است، نباید مشمول مالیات بر عایدی سرمایه‌ای شود.

۵- اختصاص درآمد حاصل به سیاست‌های اجتماعی: اختصاص درآمدهای مالیات بر عایدی سرمایه‌ای به اهداف اجتماعی مشخص مانند تامین مالی مسکن برای خانواده‌های، به‌منظور مشروعیت‌بخشی به این سیاست ضروری است. برخی اقتصاددانان با ارجاع به نظریه «تودرتویی نهادی» (Institutional Embeddedness Theory) تاکید می‌کنند که اجرای مالیات بر عایدی سرمایه‌ای بدون اصلاح حکمرانی و مهار نهاد‌های بودجه‌خوار ممکن نیست. در کنار آن، گروهی از اقتصاددانان و حسابداران نیز بر لزوم عبور از نظام ممیزسالار و حرکت به‌سوی نظامی شفاف و دیجیتال تاکید دارند. فراتر آنکه اکثریت مدیران و اقتصاددانان کشور معتقدند که مالیات بر عایدی سرمایه‌ای نباید به ابزاری برای جبران کسری بودجه تبدیل شود بلکه باید بخشی از یک سیاست جامع رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی باشد. چالش‌های اجرای مالیات بر عایدی سرمایه‌ای: اجرای سیاست اخذ مالیات عایدی سرمایه‌ای در ایران با چالش‌هایی روبه‌رو است. از جمله آنها می‌توان به ساختار بودجه‌ای وابسته به نهاد‌های غیرپاسخ‌گو، ضعف در شناسایی دقیق مالکیت دارایی‌ها، مقاومت‌های سیاسی و اجتماعی و بی‌اعتمادی عمومی نسبت به عدالت مالیاتی اشاره کرد. در صورتی که این نوع مالیات بدون اصلاح سایر جنبه‌های نظام مالیاتی وضع شود، نه تنها اثرگذاری مطلوب نخواهد داشت بلکه ممکن است فشار بیشتری بر اقشار شفاف اقتصادی وارد کند و زمینه خروج سرمایه‌ها را فراهم آورد.

جمع‌بندی: اجرای مالیات بر عایدی سرمایه‌ای در ایران، گرچه از نظر کارشناسان امری ضروری تلقی می‌شود اما در شرایط کنونی بدون اصلاحات نهادی و شفاف‌سازی اطلاعات، ممکن است نه تنها اثربخش نباشد بلکه پیامدهایی چون رکود و تورم بیشتر را به‌دنبال داشته باشد. بدون اصلاح ساختارهای اقتصادی و نهادی، اخذ مالیات بر عایدی سرمایه‌ای اثری منفی به‌همراه خواهد داشت. بدون فراهم کردن شرایط اجرا، این مالیات نه تنها اثربخش نخواهد بود بلکه به تشدید بی‌ثباتی اقتصادی می‌انجامد؛ به‌جای آنکه باعث کنترل سوداگری و افزایش عدالت شود، ممکن است به فرار سرمایه هم دامن بزند. اگر این مالیات با هدف بازتوزیع منصفانه ثروت، کاهش سوداگری و تامین مالی خدمات اجتماعی اخذ شود، یکی از موثرترین ابزارهای سیاست مالی در دهه آینده خواهد بود.

پیشنهاد کلی این است که برنامه اخذ مالیات بر عایدی سرمایه‌ای تنها در شرایط زیر اجرا شود:

- ۱- نرخ تورم به سطوح تک‌رقمی برسد
- ۲- اطلاعات دارایی‌ها به‌طور کامل در سامانه‌ها ثبت و قابل رهگیری باشد
- ۳- نظام مالیاتی نسبت به تمامی گروه‌ها (اعم از نهادها و افراد) به شکلی برابر اعمال شود
- ۴- و منابع حاصل به‌طور شفاف صرف اهداف اجتماعی مانند تامین مسکن و آموزش شود.

درآمدزایی صرف، هدف تنظیم بازار دنبال شود. در کشورهای اسکندیناوی چون سوئد و نروژ، مالیات بر عایدی سرمایه‌ای بخشی از نظام جامع مالیاتی و اجتماعی است که در کنار خدمات عمومی باکیفیت، عدالت را تامین می‌کند. این تجارب نشان می‌دهد که موفقیت مالیات بر عایدی سرمایه‌ای وابسته به هماهنگی نهادی و هدف‌گذاری‌های اجتماعی است.

بحث مالیات بر عایدی سرمایه‌ای در ایران از اواسط دهه ۶۰ مطرح شده اما تاکنون صورت اجرایی به خود نگرفته است. همانطور که گفته شد، اجرای مالیات بر عایدی سرمایه‌ای به‌دلیل ویژگی‌های اقتصاد تورمی، ساختار نهادی پیچیده و ضعف شفافیت در ایران، همواره با چالش مواجه بوده است. در شرایط فعلی اقتصاد ایران که بازارهایی چون مسکن، ارز و طلا به محل امنی برای فرار از تورم تبدیل شده‌اند، مالیات بر عایدی سرمایه‌ای به‌سختی ابزاری بازدارنده در برابر سوداگری تلقی می‌شود. شاید دولت‌ها در ایران که به‌دنبال اخذ این مالیات هستند، با کاهش درآمدهای نفتی، این مالیات را جزو منابع پایدار درآمدی می‌شناسند که می‌تواند بخشی از نیازهای بودجه را تامین کند. استدلال‌های موافقان و مخالفان

موافقان مالیات بر عایدی سرمایه‌ای دلایل زیر را برمی‌شمرند:

۱- کاهش سوداگری: مالیات بر عایدی سرمایه‌ای با هدف کاهش انگیزه‌های سوداگرانه در بازار مسکن، خودرو و ارز به تعادل در بازارها و کنترل افزایش قیمت‌ها کمک می‌کند.

۲- افزایش عدالت مالیاتی: سود حاصل از فعالیت‌های سوداگرانه باید مانند سایر اشکال درآمد مشمول مالیات باشد.

۳- تقویت منابع مالی دولت: با جایگزینی درآمدهای نفتی، مالیات بر عایدی سرمایه‌ای منبع مالی پایدار تلقی می‌شود.

۴- تجربیات بین‌المللی: اکثر کشورهای توسعه‌یافته مالیات بر عایدی سرمایه‌ای را اجرا می‌کنند (به‌جز مواردی خاص مانند موناکو، سوئیس یا نیوزیلند) و آن را یکی از ابزارهای موثر تنظیم بازار می‌دانند.

در مقابل، مخالفان مالیات بر عایدی سرمایه‌ای دلایل زیر را برمی‌شمرند:

۱- تورم ساختاری: در اقتصاد ایران، بخش عمده‌ای از افزایش قیمت دارایی‌ها ناشی از تورم عمومی است، نه عملکرد سرمایه‌گذار بنابراین اخذ مالیات از آن ناعادلانه است.

۲- ساختار اقتصادی نامتوازن: در ایران، برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، بخش‌های مولد بازدهی کافی ندارند و نقدینگی جذب آنها نمی‌شود بنابراین فشار مالیات بر عایدی سرمایه‌ای موجب رکود بیشتر می‌شود.

۳- نظام مالیاتی غیرشفاف و تبعیض‌آمیز: بسیاری از نهاد‌های خاص مالیات نمی‌دهند، در حالی که مالیات بر عایدی سرمایه‌ای بار را بر دوش بخش اقتصادی شفاف جامعه می‌گذارد.

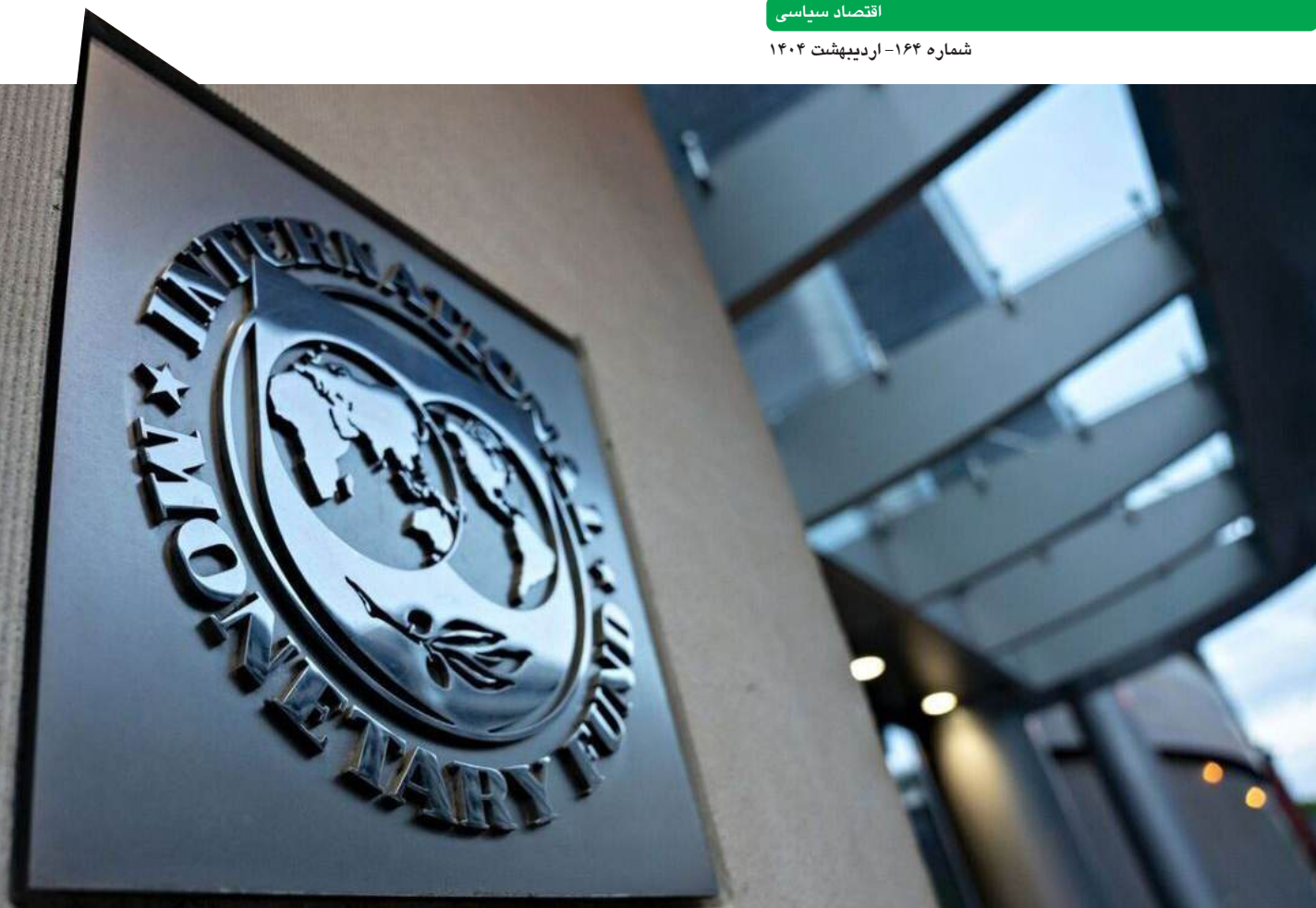
۴- ریسک فرار سرمایه: اجرای نادرست مالیات بر عایدی سرمایه‌ای به خروج سرمایه‌ها به بخش‌های غیرشفاف، حتی خارج از کشور منجر می‌شود.

۵- دولت در ایران، ریسک سیستماتیک قابل توجهی را به فضای کسب‌وکار تحمیل می‌کند و با مقررات ناهماهنگ، ناسازگار و متناقض، آن را فرسوده می‌سازد. در چنین شرایطی، انتظار دریافت مالیاتی مشابه دولت‌های دارای بوروکراسی کارآمد، انتظاری غیرواقع‌بینانه است. تا زمانی که ساختارهای حکمرانی اصلاح نشوند، مطالبه این گونه مالیات‌ها موجه نیست.

شرایط اجرای موفق: اجرای موفق مالیات بر عایدی سرمایه‌ای در ایران مشروط به چند شرط کلیدی است:

۱- تفکیک دقیق عایدی واقعی از تورم عمومی: از محاسبه عایدی باید تورم‌زدایی شود به‌گونه‌ای که تنها افزایش ارزش واقعی دارایی مشمول مالیات شود.

۲- ثبت رسمی و شفاف معاملات در سامانه‌های اطلاعاتی: تقویت شفافیت



«کارآفرین» ورود «آی‌ام‌اف» به شاخص‌های اقتصاد کلان ایران را بررسی می‌کند

صندوق بین‌المللی پول در راه ایران

مرحوم پرویز داودی، حسین نمازی و... این نسخه‌ها را تکرار تجربه‌های ناکام و مسبب بی‌ثباتی اقتصادی می‌دانند.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، پس از موافقت صندوق بین‌المللی پول با ارائه کمک فنی به ایران برای «هدفمندسازی انرژی»، بررسی سابقه مداخلات نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی در سیاستگذاری اقتصادی ایران، بار دیگر به موضوعی داغ در فضای کارشناسی و رسانه‌ای تبدیل شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز در دو دهه گذشته از برخی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی کلان در ایران حمایت کرده‌اند که پیامدهای آن امروز بیش از هر زمان دیگری خود را نشان می‌دهد. نقدی‌سازی یارانه‌ها؛ تجربه‌ای از وعده تا واقعیت

دومین سیاست مورد حمایت بانک جهانی، طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در دهه ۸۰ بود. این نهاد در گزارش‌ها و بیانیه‌های خود، بارها از «نقدی‌سازی یارانه‌ها» به‌عنوان گامی مثبت در راستای «اصلاحات اقتصادی» یاد کرده است. اگرچه در کوتاه‌مدت، اجرای این طرح باعث کاهش ضریب جینی و بهبود نسبی درآمد اقشار پایین‌دست شد اما در ادامه، به‌دلیل نبود منابع پایدار مالی و همزمانی با جهش‌های ارزی، کشور وارد دور باطل تورم، کسری بودجه و کاهش قدرت خرید شد تا جایی که ارزش واقعی یارانه نقدی امروزه به‌شدت افت کرده و اثربخشی آن تقریباً از بین رفته است. براساس گزارش رسمی صندوق بین‌المللی پول، یکی از برجسته‌ترین تبعات اجرای سیاست هدفمندی

چندروز پیش بود که نام صندوق بین‌المللی پول در رسانه‌های ایرانی بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد. دلیل اینکه رسانه‌ها به این نهاد جهانی توجه کردند گزارش ارائه‌شده صندوق از آینده شاخص‌های کلان در اقتصاد ایران بود. براساس آمار ارائه‌شده از سوی صندوق، رشد اقتصادی ایران در سال ۱۴۰۴ نزدیک به صفر خواهد شد و نیز نرخ تورم در مدار صعود قرار گرفته و به ۴۳ درصد می‌رسد. این گزارش البته آمارهایی برخلاف پیش‌بینی نهادهای ایرانی بوده و هست. «آیا آمارهای ارائه‌شده در گزارش صندوق بین‌المللی پول از سوی کارشناسان صندوق تهیه شده یا اینکه احتمال دارد از داخل ایران و به‌ویژه از سوی بانک مرکزی که با این نهاد همکاری دارد ارائه شده باشد.» این پرسش بدون پاسخ مانده است.

خبرگزاری حکومتی

درحالی‌که وضعیت سیاست خارجی ایران در این روزها آشفته است و از این منظر اقتصاد ایران در معرض آسیب جدی قرار دارد خبرگزاری حکومتی تسنیم در یک گزارش نسبتاً مشروح خبر داد که گویا کارشناسان صندوق بین‌المللی پول به ایران آمده یا قرار است بیایند و هشدار داده بود که مبادا اقتصاد ایران در تله این نهاد بیفتد.

گزارش حکومتی

در گزارش خبرگزاری یادشده آمده است: «توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول بار دیگر در سیاستگذاری اقتصادی کشور مطرح شده اما اقتصاددانانی چون

دشمنان صندوق

بررسی‌های جهانی نشان می‌دهد صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و دیگر نهادهای اقتصادی وابسته به سازمان ملل متحد که پس از جنگ دوم جهانی تأسیس شده‌اند در دنیا دشمنان شناخته شده‌ای دارند. اقتصاددانان چپ‌گرای مشهور در دنیا به‌ویژه در آمریکای لاتین به‌لحاظ نظری با این نهادهای دشمنی ویژه دارند. استدلال این دسته از منتقدان این است که صندوق بین‌المللی پول، کشورها را به سوی وابسته کردن فکری-اندیشه‌ای به اقتصاد سرمایه‌داری سوق می‌دهد و آنها را در برابر امپریالیسم ناتوان می‌کند. یک دست دیگر از دشمنان صندوق بین‌المللی پول سیاستمدارانی هستند که می‌خواهند از دخالت‌های این نهاد ر رفتار اقتصادی‌شان جلوگیری شود. این دسته از سیاستمداران به این دلیل که صندوق بین‌المللی پول خواستار شفافیت در هزینه‌کرد است و در این کار جدیت دارد، راه را برای ورود به صندوق می‌بندند. سیاستمداران باور دارند کارشناسان صندوق وابسته به قدرت‌های بزرگ هستند و اطلاعات اقتصادی کشورها را جمع‌آوری و در اختیار قدرت‌های بزرگ قرار می‌دهند. بوروکرات‌هایی که در تاروپود اقتصاد کشورها و استیلا بر روندهای اقتصادی ریشه دوانده‌اند و در واقع یک گروه ذی‌نفوذ تأسیس کرده‌اند دسته سوم از دشمنان صندوق بین‌المللی پول به حساب می‌آیند. این گروه ذی‌نفوذ که مدیران ارشد صدها سازمان و موسسه و شرکت دولتی هستند نیک می‌دانند اگر صندوق بین‌المللی پول با دعوت رسمی پایش به کشوری باز شود با دقت و سرعت ردیابی‌های پولی و ارزی را دنبال می‌کند و بر تاریکخانه‌ها نور می‌تاباند. به همین دلیل است که راه را برای ورود کارشناسان می‌بندند، روشنفکران بی‌فایده‌ای که هرگز نمی‌دانند اقتصاد سیاسی چیست و چه بلایایی بر سر مردم می‌آید نیز از دشمنان نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول می‌شوند.

ایران و صندوق

نظام جمهوری اسلامی از همان سال‌های نخست تأسیس به هر نهادی که ریشه در غرب داشت و از سوی کشورهای غربی پا به جهان گذاشته بود سر لج داشته و به مرور که آمریکاستیزی سیاست بدون بروبرگرد این نظام شد تا امروز این نهادها سر آشتی ندارند. پس از جنگ و تا زمان تأسیس دولت سازندگی این راهبر در دستور کار بود تا اینکه در دولت سازندگی با استدلال به اینکه تعامل با خارج نیازمند داشتن مناسبات با این دسته از نهادهای جهانی است راه را برای همکاری با صندوق و بانک جهانی باز کرد اما در دولت آقای خاتمی این مورد با سرزنش تندروها مواجه و در دولت احمدی‌نژاد دوباره از سر گرفته شد. این یک واقعیت تلخ است که همان چهارده ساله از دشمنان یادشده صندوق عیناً در ایران نیز فعالیت دارند. نمونه‌های آن دو گزارشی است که خبرگزاری حکومتی در این باره منتشر کرده و به دولت هشدار می‌دهد نباید با صندوق همکاری شود.



یارانه‌ها در ایران، افزایش جهشی نرخ تورم در سال ۲۰۱۱ بوده است. در این سال، نرخ تورم ۱۲ ماهه تقریباً دو برابر شد به‌طوری‌که از حدود ۱۳ درصد در ابتدای سال به بیش از ۲۲ درصد در پایان سال رسید. این افزایش شتاب‌زده تورم، طبق گزارش IMF، به‌طور مستقیم ناشی از تعدیل قیمت کالاهای یارانه‌ای، به‌ویژه غذا و انرژی بود. حذف یا کاهش یارانه‌های مستقیم باعث شد تا قیمت این اقلام ضروری که سهم بالایی در سبد مصرفی خانوارهای ایرانی دارند، به‌سرعت افزایش یابد. این مساله اثرات ثانویه‌ای نیز به‌همراه داشت که در قالب «اثر انتقالی قیمت» (pass-through) در سایر بخش‌های اقتصاد ظاهر شد. به موازات آن، شاخص قیمت تولیدکننده (PPI) که نشان‌دهنده قیمت کالاهای در مرحله تولید است، در همین دوره از ۱۲ درصد به ۳۹ درصد افزایش یافت. این افزایش شدید نشان می‌دهد که فشار قیمتی نه تنها در سطح مصرف‌کننده بلکه در کل زنجیره تولید و تامین نیز گسترش یافته و به تبع آن، قدرت خرید مردم به‌ویژه در طبقات متوسط و پایین جامعه کاهش چشمگیری داشته است. هرچند برخی اقدامات مانند پایش قیمت‌ها، ذخیره‌سازی اقلام اساسی و اعمال سیاست‌های پولی انقباضی برای کنترل فشارهای تورمی به اجرا درآمد اما این اقدامات نتوانستند به‌طور کامل مانع از انتقال شوک قیمتی به سایر بخش‌های اقتصاد شوند. این تجربه نشان داد که اجرای اصلاحات اقتصادی، به‌ویژه در حوزه‌های حساس مانند یارانه‌ها، بدون برنامه‌ریزی دقیق، منابع جبرانی پایدار و آمادگی اجتماعی و نهادی، می‌تواند تبعات گسترده‌ای در حوزه معیشت و ثبات اقتصادی در پی داشته باشد. صندوق بین‌المللی پول ایران را به‌عنوان نمونه‌ای برای اصلاح یارانه‌ها معرفی کرده است. این نهاد بین‌المللی تأکید دارد که برنامه اصلاح یارانه‌های ایران با طراحی منحصر به فرد خود، نمونه‌ای برای کشورهای دیگر به‌شمار می‌رود. در این برنامه، افزایش تدریجی قیمت‌های داخلی انرژی با مکانیزم تنظیم قیمت خودکار همراه شده تا اجرای کامل آن تضمین شود. همچنین بر ضرورت سیاست‌های کلان اقتصادی منسجم و اصلاحات لازم برای پذیرش فناوری‌های نوین و مدیریت بهتر منابع مالی تأکید شده است. یکی از دلایلی که باعث تردید بسیاری از اقتصاددانان مستقل نسبت به نهادهایی چون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول شده، وابستگی ساختاری آنها به قدرت‌های سیاسی خاص است. برای مثال، در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲، روسای بانک جهانی نه از میان اقتصاددانان مستقل بلکه از بین مقامات بلندپایه وزارت دفاع و وزارت خارجه ایالات متحده انتخاب شدند. این مساله سائبه وجود اهداف سیاسی در پشت توصیه‌های فنی این نهادها را تقویت کرده است. منتقدان می‌گویند: نمی‌توان انتظار داشت نهادهایی که با منافع ژئوپلیتیکی کشورهای خاص پیوند خورده‌اند، در ارائه راهکارهای اقتصادی به کشورهایی نظیر ایران، رویکردی بی‌طرفانه و منصفانه داشته باشند. این رویکرد مشکوک در سیاستگذاری، پیشتر در کشورهای متعددی مانند عراق، اوکراین و کشورهای آمریکای لاتین نیز مشاهده شده است.

در چنین شرایطی، بسیاری از کارشناسان معتقدند که طراحی سیاست‌های اقتصادی باید بر پایه واقعیت‌های بومی، ساختار اجتماعی و نهادهای داخلی کشورها صورت گیرد، نه براساس توصیه‌های کلی پیست‌شده از سوی نهادهای بین‌المللی که تجربه‌های ناکام فراوانی در کارنامه دارند.

صندوق فقط توصیه می‌کند

آیا صندوق بین‌المللی پول به کشورها دستور می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی مورد نظر این نهاد را اجرا کنند؟ واقعیت این است که صندوق بین‌المللی پول چنین اختیاری ندارد و هیچ ابزاری برای اعمال نظر ندارد جز اینکه این نهاد به درخواست کشورها برای کمک، مشورت دهد. البته اگر کشوری با توصیه این نهاد از بانک جهانی یا از نهادهای مشابه وام درخواست کند و بگیرد باید منابع دریافت‌شده را همانگونه که صندوق می‌گوید هزینه کند.

پروژه‌های کارشناسی و اقتصادی نشان می‌دهند

رشد اندک و خطرهای منطقه‌ای

برنامه‌رشد

محمد قاسمی، معاون سیاستگذاری و راهبری توسعه ملی و منطقه‌ای سازمان برنامه‌بودجه کشور در دویست و چهارمین نشست علمی - تخصصی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری تحت عنوان «جهت‌گیری دولت در تحقق شعار سال ۱۴۰۴ (سرمایه‌گذاری برای تولید)» به‌عنوان مدیر علمی این نشست گفت: سال‌هاست که موضوعات اقتصادی به‌عنوان شعار سال از طرف مقام معظم رهبری مطرح می‌شود. خود مقام معظم رهبری هم فرمودند که این شعارها الزاماً برای بازه زمانی یک‌ساله نیست و به معنای یک اولویت‌دهی به مجموعه فعالیت‌های دولت است. محمد قاسمی ادامه داد: پس از بیان شعار سال از طرف مقام معظم رهبری به‌عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید» دولت فعالیت‌های خود را در این راستا از همان یکم فروردین آغاز کرد و از همان ابتدا دفتر معاون اول ریاست جمهوری یک دستور کاری را راجع به این موضوع تهیه کرد.



«کارآفرین» کسب اطلاع کرد اگر اقتصاد کشور بخواهد به میانگین رشد ۸ درصد در سال مطابق قانون برنامه هفتم توسعه برسد باید سالانه ۱۷۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون انجام دهد. «کارآفرین» به این خبر دست یافته است که اگر هیچ اتفاقی در مسیر اقتصاد ایران نیفتد و همه چیز مثل حالا باشد فقط ۵۰ درصد این رقم از درون سرزمین قابل‌دستیابی است و ۵۰ درصد دیگر باید از مسیر سرمایه‌های خارجی تامین شود.

کارشناسان باور دارند اگر ایران نتواند در ۱۰ سال آینده به اندازه دیگر کشورهای منطقه مثل عربستان، ترکیه و حتی امارات عربی متحده سرمایه تامین کند در پایان ۱۰ سال باتوجه به اینکه هرکدام از این کشورها در بخش‌های گوناگون به کشور اول منطقه تبدیل می‌شوند سهم ایران از توسعه ناچیز خواهد بود.

برخی اطلاعات نشان می‌دهند در صورتی که هیچ اتفاقی در سیاست خارجی داخلی رخ ندهد و اقتصاد ایران با همین روندها حرکت کند، متوسط رشد سالانه بیشتر از ۳ درصد نخواهد شد. در این صورت نرخ میانگین تورم نیز ۳۰ درصد خواهد شد. ادامه وضعیت فعلی پیامدهایی ترسناک دارد. کسری شدید بودجه‌های سالانه، ناتوانی در سرمایه‌گذاری که به اندازه استهلاک سرمایه نخواهد بود و نیز ناترازی بزرگ در تراز تجاری از پیامدهای این وضعیت است. برخی محاسبه‌ها نشان می‌دهد اگر اقتصاد ایران با شرایط فعلی اداره شود اندازه تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۸، ۶۰۰ میلیارد دلار خواهد شد. این درحالی است که در برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده در سال یادشده باید تولید ناخالص داخلی ۷۵۵ میلیارد دلار باشد. مسوولان ارشد سازمان برنامه‌بودجه معتقدند عواملی از جمله عدم ثبات در اقتصاد کلان، نرخ تورم بالا، نبود نقدینگی مناسب تولید، تحریم‌های خارجی، جذاب بودن بازارهای غیرمولد، ارز دونرخی و عدم ورود سرمایه‌گذار خارجی را می‌توان از جمله مهم‌ترین موانع پیش‌روی تولید یاد کرد. یک مقام آگاه در سازمان برنامه‌بودجه گفته است برای اینکه بتوانیم میزان قابل‌توجهی از برنامه‌های رشد را اجرا کنیم شورای عالی رهبری برنامه ایجادشده است تا برنامه‌های تدوین‌شده در ستاد اقتصادی دولت و نیز برنامه هفتم اجرایی شوند. چند برنامه برای وضعیت‌های گوناگون آماده شده که در راس آنها سه نهاد بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سازمان برنامه‌بودجه قرار دارند.

جمله تمرکز بر تولید مولد، جلوگیری از مداخله غیر ضروری دولت، کاهش ریسک و مخاطرات، شفافیت و ثبات اقتصادی عدالت اقتصادی و توسعه متوازن و ثبات رشد از جمله اصول حاکم برای تدوین برنامه دولت در جهت رسیدن به اهداف مورد نظر در شعار سال در نظر گرفته شده است.

علاءالدین ازوجی در مورد اجرایی سازی قانون تامین مالی تولید و زیرساخت های آن گفت: اجرایی سازی قانون تامین مالی تولید و زیرساخت ها براساس قانون تامین مالی تولید و زیر ساخت ها مصوب ۱۴۰۲/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی و ابلاغی مورخ ۱۴۰۳/۲/۱۷ ریاست زیرساخت های نهاد ریاست جمهوری، تنظیم و مقررات و تکالیف متعددی بر عهده شورای ملی تامین مالی قرار داده شده است. در این راستا از زمان ابلاغ قانون، مرکز تسهیل تامین مالی تولید در وزارت امور اقتصادی و دارایی تشکیل شده است. تکالیف مهمی نیز سازمان برنامه و بودجه کشور در حوزه توسعه مشارکت عمومی و خصوصی گذاشته و دستورالعمل آن به تصویب شورا رسیده است.

ازوجی همچنین ادامه داد: از بهار سال ۱۴۰۳ تا فروردین ۱۴۰۴ تعداد ۱۳ جلسه شورای ملی تامین مالی در وزارت امور اقتصادی و دارایی (هر ماه بیش از یک جلسه) تشکیل شده است تا پایان سال ۱۴۰۳،

۸۵ درصد از پیش نویس ها تدوین، تهیه، بررسی یا تایید و تصویب شده است. ۱۶۰ مورد از آیین نامه های مندرج در قانون، معادل ۶۴ درصد از کل آیین نامه های مورد نظر قانون به تایید شورای ملی تامین مالی رسیده و جهت تصویب به هیات وزیران ارسال شده است که شش آیین نامه از ۱۹ آیین نامه باقیمانده نیز تدوین شده است که به زودی پس از اتمام بررسی در کمیته های تخصصی شورا، با تایید در شورا به هیات وزیران ارسال خواهد شد.

در ادامه نشست، محمد قاسمی معاون سیاست گذاری و راهبری توسعه ملی و منطقه ای سازمان برنامه و بودجه کشور در جمع بندی مباحث نشست گفت: اگر از رویکردهای اقتصادی که به صورت توهمی در اقتصاد ایران وجود دارد بگذریم باید به این نتیجه برسیم که جایی سرمایه گذاری صورت می گیرد که پس اندازی وجود داشته باشد و جایی پس انداز به وجود می آید که یک تولیدی مازاد بر مصرف شکل بگیرد. این موضوع از پیچیده ترین موضوعات در حوزه اقتصاد است و اتفاقی که در ایران افتاده این بود که ایران، به دلیل درآمد حاصل از نفت از درآمدهای مازاد تولید بالایی برخوردار بود. حال زمانی که نسبت پس انداز به تولید افزایش پیدا کند عملاً امکان سرمایه گذاری به وجود می آید.

وی ادامه داد: پس از دهه ۸۰ و با ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ و اجرای نامناسب این سیاست ها در کشور، موتور سرمایه گذاری و با اعمال تحریم های ظالمانه علیه کشور، موتور دوم سرمایه گذاری یعنی سرمایه گذاری خارجی نیز خاموش شد. با ادامه پیدا کردن این موضوعات تا به امروز نتیجه این سیاست های نادرست به کمبود برق، کمبود گاز و سایر معضلات منجر شده است.

محمد قاسمی در خصوص اینکه حال با وجود این شرایط چه باید کرد؟ تشریح کرد: از همان اوایل تشکیل دولت گفته شد که ما به یک برنامه اقتصادی چهارساله نیاز داریم که این برنامه باید ذیل برنامه هفتم تبدیل به عملیات شود که در نتیجه یک برنامه تحت عنوان «بهبود رشد» تدوین شد که سه دستگاه وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی را درگیر می کرد و در این برنامه گفته شد که اگر روند اقتصاد به همین شکل ادامه یابد رشد اقتصادی در طول برنامه هفتم و به شرط عدم تشدید تحریم ها، حداکثر ۳ درصد خواهد بود؛ در نتیجه نیاز به ایجاد تحول اساسی در حوزه اقتصاد است که منجر به تدوین یک برنامه با پنج بخش اصلی است که موضوع «ثبات اقتصادی» را اولین و مهم ترین موضوع در حوزه اقتصاد ایران می داند. اولویت های بعدی به ترتیب موضوعات رشد اقتصادی، رفع ناترازی انرژی، نظام رفاهی کشور و طرح های پیشران را در بر می گیرد.

معاون سیاست گذاری و راهبری توسعه ملی و منطقه ای سازمان برنامه و بودجه کشور در ادامه گفت: دومین اقدامی که در حال انجام است اینکه کارگروهی با همکاری معاون اول قوه قضاییه و ریاست سازمان برنامه و بودجه، وزارت دادگستری و اتاق بازرگانی تشکیل شده که این اعضا در حال تهیه سیاست های تقویت نقش و سهم بخش خصوصی در اقتصاد هستند تا بتوانند برخی موانع سرمایه گذاری بخش خصوصی در اقتصاد را برطرف کنند.

چارچوب فعالیت های دولت که از طرف سازمان برنامه و بودجه به سازمان های مربوطه ابلاغ شد، در همان روزهای ابتدای سال در جلسات مختلف نظرات سازمان های مختلف دریافت شد. به واسطه اهمیت این موضوع، در اولین جلسه هیات دولت موضوع سرمایه گذاری برای تولید مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در آن جلسه پیشنهاد جناب آقای رییس جمهور این بود که به دستگاه ها یک فرصت داده شود تا در مورد محورهای تحقق شعار سال پیشنهادهای خود را ارائه دهند.



در ادامه نشست، علاءالدین ازوجی، رییس امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور به عنوان سخنران در این نشست ضمن اشاره به بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت فرارسیدن نوروز سال ۱۴۰۴ و انتخاب شعار «سرمایه گذاری برای تولید» گفت: زمانی که اقتصاد در شرایط باثباتی باشد فعالان اقتصادی فعالیت واقعی خود را که سرمایه گذاری مولد باشد انجام می دهند و برعکس، اگر بی اطمینانی وجود داشته باشد بخشی از فعالان اقتصادی در کنار خانوارها، سرمایه های خود را برای سرمایه گذاری به سمت منابع غیرمولد می برند و اگر می خواهیم سرمایه مردم به سمت تولید حرکت کند در ابتدا باید یک اطمینان و فضای ثبات بخش در اقتصاد ایجاد کنیم. علاءالدین ازوجی در ادامه عواملی از جمله عدم ثبات در اقتصاد کلان، نرخ تورم بالا، نبود نقدینگی مناسب تولید، تحریم های خارجی، جذاب بودن بازارهای غیرمولد، ارز دونرخ و عدم ورود سرمایه گذار خارجی را از جمله مهم ترین موانع پیش روی تولید یاد کرد.

وی افزود: شواهد اقتصاد ایران نشان می دهد که در دوره بی ثباتی بیشتر و نااطمینانی، بازدهی در دارایی ها بیشتر از بازدهی در سرمایه گذاری مولد بوده است؛ لذا منابع سرمایه ای کمتر به سمت فعالیت های مولد سوق پیدا می کند.

رییس امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور مواردی از قبیل سیاست های ارزی، سیاست های تجاری، سیاست های پولی، سیاست های اعتباری، سیاست های بودجه ای و سیاست های سرمایه گذاری را از جمله سیاست های دولت در سال ۱۴۰۴ یاد کرد که این موارد برای مهار تورم و سرمایه گذاری و رشد اقتصادی بسیار دارای اهمیت است.

علاءالدین ازوجی در خصوص تامین مالی مورد نیاز سرمایه گذاری برای سال ۱۴۰۴ خاطر نشان کرد: براساس تصویب برنامه تامین مالی مورد نیاز سرمایه گذاری و در برنامه هفتم و به ویژه سال ۱۴۰۴ در شورای عالی راهبری برنامه هفتم پیشرفت، سرمایه گذاری مورد نیاز برای تحقق اهداف رشد اقتصادی برای سال ۱۴۰۴ حدود ۷۹۸۴ هزار میلیارد تومان است که پیش بینی می شود حداکثر بالغ بر ۴۷۱۵ هزار میلیارد تومان آن از پنج حوزه تامین مالی شود.

وی ادامه داد: برای تحقق اهداف برنامه هفتم در حوزه سرمایه گذاری بالغ بر ۳۶۹ هزار میلیارد تومان آن معادل ۴۱ درصد کل سرمایه گذاری مورد نیاز از سایر روش های تامین مالی انجام می پذیرد که مبلغ ۴۷۱۵ هزار میلیارد تومان به صورت خوش بینانه و با فرض عدم نشت به سایر بخش های غیرمولد توان تجهیز حداکثر نصف نیاز سرمایه گذاری ۸ درصدی رشد اقتصادی را دارد.

رییس امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور تشریح کرد: با توجه به شرایط اقتصادی ایران و برای دستیابی به اهداف مورد نیاز شعار سال، مواردی از



کمیسون شورای اقتصاد و نهایتاً خود شورا باید به سرعت و به صورت فشرده انجام شود، البته در صورت وجود ابهام، فرآیند قابل مستثنای شدن است اما آن هم باید با قاعده‌مندی مشخصی مدیریت شود.

رییس سازمان برنامه‌بودجه با بیان اینکه برای تسریع در اجرای پروژه‌ها، توافق شد که همزمان با ارسال طرح توجیهی به سازمان برنامه، درخواست ترک تشریفات نیز ارائه شود تا هر دو فرآیند به صورت هم‌زمان و موازی ظرف همان یک‌ماه پیگیری و نهایی شوند، گفت: این رویکرد، بخش قابل توجهی از مراحل زمان‌بر گذشته را حذف می‌کند. پورمحمدی به لزوم هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط اشاره کرد و گفت: دستگاه‌هایی نظیر سازمان محیط‌زیست، گمرک و شورای تامین مالی نیز موظف شده‌اند در یک بازه حداکثر چهار هفته‌ای نظر نهایی خود را ارائه دهند. در حال تدوین سازوکارهایی برای تسریع این همکاری‌ها هستیم. وی یکی دیگر از چالش‌های سرمایه‌گذاری را موضوع بررسی امکان تولید داخلی تجهیزات دانست و گفت: در مواردی که درباره تولید داخل ابهام وجود داشت، روند تصمیم‌گیری دچار آشفتگی می‌شد. بر این اساس، وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف شده است سازوکاری مشخص تدوین کند و به شورای اقتصاد ارائه دهد تا فرآیند تأیید یا رد امکان تولید داخلی کالاها شفاف و قابل پیش‌بینی شود.

تسهیل سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز

رییس سازمان برنامه‌بودجه با تأکید بر اینکه این اقدام‌ها صرفاً گام نخست در مسیر تسهیل سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز است، گفت: پروژه‌هایی به ارزش بیش از ۳۰ میلیارد دلار در دستور کار وزارت نفت قرار گرفته است اما نگاه ما فراتر از نفت و گاز است. در حوزه‌های معادن، محیط‌زیست، حمل‌ونقل، بنادر و حتی ایجاد شهرهای جدید نیز بسته‌های سرمایه‌گذاری تدوین شده‌اند. پورمحمدی با اشاره به نیاز کشور به توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و محیط‌زیست افزود: ایران برای توسعه به فرودگاه‌های جدید، ناوگان هوایی، حمل‌ونقل عمومی شهری، خطوط ریلی پرسرعت، بنادر جدید و احیای تالاب‌ها نیاز دارد. ما آماده‌ایم با شرکت‌های داخلی و خارجی علاقه‌مند همکاری کنیم.

رییس سازمان برنامه‌بودجه تشریح کرد برطرف شدن آشفتگی در سرمایه‌گذاری

سیدحمید پورمحمدی، رییس سازمان برنامه‌بودجه کشور با تأکید بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، تاریخی و انسانی کشور، از افزایش نرخ بازدهی پروژه‌های نفتی خبر داد.

وی با اشاره به موقعیت ژئوپلیتیک و زیرساخت‌های حمل‌ونقل کشور تصریح کرد: ایران با برخورداری از ۵۸۰۰ کیلومتر مرز آبی و قرار گرفتن در کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب، مزیتی راهبردی در تجارت دریایی و انتقال انرژی دارد. همچنین تنوع بنادر و توسعه زیرساخت‌های ریلی، زمینه را برای توسعه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و سایر حوزه‌ها فراهم کرد.

پورمحمدی با تأکید بر اینکه این پیشینه غنی می‌تواند الهام‌بخش نسل جوان برای بازسازی جایگاه شایسته ایران باشد، به مشکلات پیشین سرمایه‌گذاران در حوزه نفت اشاره کرد و گفت: فرآیندهای پیچیده و طولانی و نرخ پایین بازدهی سرمایه در مقایسه با کشورهای منطقه، از جمله موانع جذب سرمایه‌گذاری بوده است. قراردادهای گذشته معمولاً نرخ بازدهی حدود ۱۴ تا ۱۵ درصد داشتند، در حالی که موازی‌کاری بین دستگاه‌ها موجب سردرگمی سرمایه‌گذاران می‌شد. خوشبختانه امروز با همکاری سازمان برنامه‌بودجه و وزارت نفت، مسیر اصلاح این رویه‌ها آغاز شده است.

اعمال مشوق‌های مالیاتی

رییس سازمان برنامه‌بودجه کشور با اشاره به مصوبه جدید شورای اقتصاد که در آستانه این رویداد به تصویب رسید، اظهار کرد: امسال که به‌عنوان سال «سرمایه‌گذاری برای تولید» نام‌گذاری شده است، نرخ بازدهی داخلی پروژه‌ها از ۱۴ تا ۱۵ درصد به ۲۰ تا ۲۳ درصد افزایش یافته تا جذابیت بیشتری برای سرمایه‌گذاران ایجاد شود، همچنین در تامین مالی پروژه‌ها، نرخ تسهیلات صندوق توسعه ملی با افزوده شدن ۲ درصد، برای محاسبات هزینه مالی در نظر گرفته شده است.

پورمحمدی یکی از نقاط عطف این مصوبه را امکان بهره‌مندی سرمایه‌گذاران از عایدی مازاد حاصل از ارتقای فناوری و سرعت اجرا در پروژه‌ها دانست و افزود: شرکت ملی نفت ایران اجازه دارد در صورت تحقق عایدی بیشتر نسبت به مفروضات قرارداد، سهمی از این مازاد را به سرمایه‌گذار اختصاص دهد. سازمان حسابرسی نیز مکلف شده است استانداردهای لازم برای شفاف‌سازی درآمدهای آتی را تدوین کند تا سرمایه‌گذاران بتوانند با اتکا به این درآمدها از ابزارهای مالی بهره‌گیرند. وی همچنین از اعمال مشوق‌های مالیاتی در چارچوب ماده ۲۰ قانون برنامه هفتم توسعه در حوزه نفت و گاز خبر داد و گفت: این مشوق‌ها خصوصاً در مناطق کمتر برخوردار، می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری را افزایش دهد. دولت در تلاش است روند اعطای این معافیت‌ها را تسهیل و به صورت مستقیم اعمال کند.

تسهیل فرآیندهای سرمایه‌گذاری در نفت

رییس سازمان برنامه‌بودجه با انتقاد از طولانی بودن فرآیندهای اجرایی یادآور شد: برخی قراردادهای نفتی در کشور تا سه‌ونیم سال به طول می‌انجامد. براساس مصوبه اخیر، شرکت ملی نفت ایران موظف شد کل فرآیند مذاکره تا نهایی‌سازی قرارداد را حداکثر در چهارماه به پایان برساند. این چهارماه شامل دو ماه مذاکره مفهومی و دو ماه بررسی فنی و نهایی‌سازی خواهد بود.

پورمحمدی در ادامه با اشاره به اصلاح فرآیندهای اداری به‌منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های صنعت نفت گفت: در برخی موارد برای اجرای طرح‌ها، نیاز به ترک تشریفات مناقصه وجود دارد. بر همین اساس سازمان برنامه‌بودجه توافق کرد که از زمان دریافت مستندات از شرکت ملی نفت ایران تا صدور مصوبه شورای اقتصاد، کل فرآیند حداکثر در بازه زمانی یک‌ماهه انجام شود. وی افزود: در این مدت، بررسی‌های کارشناسی در دفتر تخصصی،

چشم‌اندازهای مذاکره ایران و آمریکا بر اقتصاد ایران بررسی شد

اقتصاد ایران در پرتو توافق



چسبندگی قیمت‌ها در بالا

پیش از این و به مناسبت رخداد‌های روز یادآور شده بودیم که در اقتصاد چسبندگی قیمت‌ها در بالا یک اصل تجربه‌شده است؛ به این معنی که وقتی قیمت کالاها به دلیلی در بازار به‌طور مثال ۱۰۰ درصد افزایش می‌یابد در شرایط عکس آن رخداد نباید انتظار داشت قیمت‌ها به همان میزان ۱۰۰ درصد کاهش یابند. بنابراین شهروندان نباید انتظار داشته باشند به‌طور مثال قیمت دلار با همان سرعتی که بالا رفته بود کاهش یابد. این مقوله درباره دیگر بازارها نیز جاری است و باید به این مساله توجه شود.

بخش حقیقی اقتصاد و میان مدت

با تاکید دوباره بر اینکه با فرض شروع موفقیت‌آمیز مذاکرات از روز شنبه در پیش‌رو و نیز با فرض این نکته مهم که جمهوری اسلامی و نظام سیاسی آمریکا این‌بار می‌خواهند مسائل‌شان را حل کرده و دوران تازه‌ای را در مناسبات خود پایه‌ریزی کنند می‌توان پیامدهای توافق را در میان مدت و بر بخش واقعی اقتصاد یعنی سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت بررسی کرد و با فرض بالا و با تصریح بر اینکه ایران با یک روند منسجم به‌سوی آشتی با آمریکا پیش می‌رود، می‌توان انتظار داشت اعتماد به سرمایه‌گذاری در میان مدت از وضعیت تاسف‌بار امروزی بیرون آمده و سرمایه‌گذاران به‌سوی ایران برگردند. از سوی دیگر اگر آمریکا به این نتیجه برسد که ایران قصد ندارد در میانه مذاکرات کار را رها کند و نیز اعتماد کند که مقام‌های جمهوری اسلامی می‌خواهند دوران تازه‌ای برپا کنند راه صادرات نفت ایران را باز کرده و صادرات نفت ایران به حالت عادی برگردد می‌توان انتظار داشت درآمد ارزی ایران بهبود یافته و با استقاده از درآمد صادرات نفت رونق به سرمایه‌گذاری برگردد.

مثل پس از برجام

آیا اقتصاد ایران می‌تواند در صورت ادامه گفت‌وگوها و مهم‌تر از آن پس از توافق پایدار جمهوری اسلامی با آمریکا چیزی شبیه به دوسال پس از برجام را تجربه کند؟ یادمان هست که پس از توافق برجام رشد اقتصادی ایران روندی فزاینده در رشد اقتصادی را در پیش گرفت و نیز تورم با شتاب کاهش یافت. آیا می‌توان انتظار داشت با هم این اتفاق بیفتد؟ واقعیت این است که شهروندان با توجه به مجموعه رفتارها و تصمیم‌های مقام‌های اصلی گرداننده ایران چنین امیدواری ندارند و آیا جمهوری اسلامی توانایی دارد تدریجاً ایرانی مخالف سازگاری با آمریکا را مهار کند؟ آیا روسیه با این وضعیت تازه احتمالی کنار می‌آید؟

میلیون‌ها بیننده خبرهای سیاسی در آمریکا و جهان هنگامی که از زبان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور شگفتی‌آفرین آمریکا شنیدند که ما در حال مذاکره مستقیم با ایران هستیم و مقام‌های دو کشور کار را شروع کرده‌اند چندان متعجب نشدند و خبر ارائه‌شده از سوی ترامپ را جدی نگرفتند اما ترامپ ادامه داد این مذاکرات روز شنبه برگزار می‌شود. ما یک جلسه بسیار بزرگ داریم و خواهیم دید که چه اتفاقی می‌تواند بیفتد. من فکر می‌کنم همه قبول دارند که انجام یک توافق بهتر از انجام دادن چیزهای بدیهی بوده و واضح است که من بخواهم با آن درگیر باشم، یا رک و پوست‌کنده، این نیست که اگر اسرائیل بخواهد از آن جلوگیری کنیم اما اگر آنها بخواهند از آن اجتناب کنند، اجتناب کنیم. این منطقه بسیار خطرناک است و امیدوارم که این مذاکرات موفقیت‌آمیز باشد و من فکر می‌کنم به نفع ایران خواهد بود، ما امیدواریم که این اتفاق بیفتد و گفت‌وگوهای خوبی در مورد بسیاری از چیزها داشته باشیم.

پس از اعلام رسمی این خبر از سوی بالاترین مقام آمریکایی که در حضور بنیامین نتانیاهو جنگ‌خواه بود همه چشم‌ها و گوش‌ها به سوی ایران بود که ببینند و بشنوند که آیا خبر بالا تایید می‌شود یا نه. برخلاف انتظار اما این خبر از سوی تهران تایید شد اما بر آن برچسب مذاکرات غیرمستقیم خورد. البته پژوهشگران با بیان این مطلب که «ما موضوع مذاکره با آمریکا متفاوت است؛ وقتی کشوری مثل آمریکا ما را تحت فشار همه‌جانبه گذاشته و هر روز هم تهدید می‌کند، چگونه می‌شود با او مذاکره کرد! ما به مذاکره باور داریم ولی نه با ذلت. ما با همه دنیا مذاکره می‌کنیم و با کسی دعوا نداریم اما زیر بار ذلت نمی‌رویم و به هر قیمت مذاکره نمی‌کنیم. ما دنبال جنگ، ناآرامی و بمب هسته‌ای نیستیم، دیگر چگونه به دنیا اطمینان دهیم؟ ما به دنبال مذاکره هستیم اما آنها هم باید ثابت کنند که به دنبال مذاکره هستند...» نشان داده بود که به هر حال گفت‌وگو انجام خواهد شد.

توافق یا مذاکره

با امیدواری به اینکه در دیدار عباس عراقچی وزیر خارجه ایران با نماینده بلندپایه آمریکایی، وی آسیبی نبیند، حالا بیشترین شهروندان و فعالان اقتصادی چشم بر مذاکرات دوخته‌اند و امیدوارند از این گفت‌وگوها بوی خوش به مشام‌شان برسد. کارشناسان باور دارند اما نباید در این باره بزرگنمایی صورت گیرد و باید واقعیت‌ها را قبول کرد. واقعیت این است که پیامد گفت‌وگو تا روزی که به توافقی منجر نشده است باید با احتیاط بررسی شود. کارشناسان باور دارند میان گفت‌وگو یا توافق با توجه به اختلاف‌های بنیادین دو سوی مذاکره فاصله بزرگی است و اگر براساس خواسته‌های آمریکا پیش برویم شاید جمهوری اسلامی وسط کار داستان را رها کند.

کوتاه مدت

با توجه به نکات در بالا نگاشته‌شده و با فرض اینکه گفت‌وگو انجام شده و در نیمه‌راه رها نمی‌شود باید پیامدهای آن بر اقتصاد ایران را تنها در سطح بازارهای مالی دنبال کرد؛ به این معنی که بازار ارز به‌مثابه مؤثرترین بازار بر دیگر بازارها برای آرام شدن با احتمال بیشتری روبه‌رو خواهد شد. در این صورت باید انتظار داشت دیگر بازارها مثل بازار سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران و نیز بازار سکه و طلا نیز از آشوب دور بمانند. واقعیت این است که آشوب پدیدار شده در بازارهای مالی به دلیل این بود که در روزهای پیشین احتمال جنگ هرروز بیشتر می‌شد و حالا تا روزی که مذاکرات ادامه دارد بازارها از آشوب دور خواهند ماند.

برخی لایه‌های پنهان آمارهای اقتصادی بررسی شد

آمارهای بانکی ناقص است

برخی ابتکارهای نشده

همانطور که در بالا نگاشته شد بانک مرکزی وظیفه دارد نرخ تورم را با رفتارها و استفاده از ابزارهای در اختیار کنترل کند؛ البته نهادهای بالادستی باید اجازه دهند بازار ارز و پول را کنترل کند که هر کدام از آنها به افسارگسیختگی نرخ رشد تورم منجر می‌شود. یکی از وظایف و کارهای بانک مرکزی در همین مسیر کنترل حجم پول در اقتصاد است. با توجه به اینکه بانک‌های کشور با همه ویژگی‌هایی که دارند عامل اجرای سیاست‌های پولی به‌شمار می‌آیند، بانک مرکزی بر اعطای تسهیلات یا همان اعتبارات بانکی‌ها و نیز نرخ بهره بانکی نظارت دارد و به همین دلیل بانک‌های کشور آمارهای کارکردی خود را به بانک مرکزی ارائه می‌دهند. یکی از مهم‌ترین آمارهای بانکی که در دوره‌های زمانی مختلف از سوی بانک مرکزی ارائه می‌شود «تسهیلات بانکی» است. تازه‌ترین آمار در این باره از سوی این نهاد ارائه شده و روی سایت بانک مرکزی دیده می‌شود. در این گزارش آمده است: طی سال ۱۴۰۳ مبلغ ۷ هزار و ۶۶۴ همت تسهیلات پرداخت کرده است که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل مبلغ یک‌هزار

بانک مرکزی بدون چون و چرا مهم‌ترین نهاد اقتصادی در جمهوری اسلامی به‌حساب می‌آید. این نهاد دو وظیفه اصلی و بزرگ دارد و در ذیل این دو وظیفه با حساسیت ملی باید از ابزارهای ویژه‌ای استفاده کند و برای مسائل گوناگون در سیاست‌های ارزی و پولی و نیز نگهداری ارزش پول ملی در چارچوب‌های اقتصادی و قانونی تلاش کند. این نهاد بسیار بااهمیت اقتصادی در همه سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌دلیل اینکه سیاست‌های اقتصادی در این نظام از سوی دولت و مجلس و نهادهای بالادست اینها تعیین می‌شود بیشتر از هر چیز سیاست‌های خود را بر همین اساس تعیین می‌کند. اگرچه کارنامه و برنامه هر فردی که رییس بانک مرکزی می‌شود می‌تواند در اقدام‌ها و تصمیم‌های این نهاد موثر باشد اما به‌دلیل اینکه چارچوب‌های کاری بانک مرکزی آشکار و پنهان باید در بستر تصمیم‌های حکومت باشد نمی‌توان به یک رییس بانک مرکزی نمره ۱۰۰ داد و به رییس دیگر نمره ۵۰ بلکه می‌توان به هردو یا دیگر روسای بانک مرکزی نمره ۷۰ و ۶۰ یا ۲۰ و ۱۰ داد.

اعتبارات پرداختی در سال ۱۴۰۳ نسبت به ۱۴۰۲ با قیمت‌های جاری است یا با قیمت‌های ثابت. اگر براساس قیمت‌های جاری باشد و نرخ تورم سال پیشین را لحاظ کنیم میزان اعتبارات پرداختی حتی کمتر شده است. ای کاش بشود در این باره صراحت بیشتری داشت. با توجه به اینکه قیمت دلار در سال سپری شده به‌طور میانگین ۵۰ درصد افزایش داشته میزان وام و اعتبارات باز هم نسبت به سال پیش کاهش را تجربه کرده است.

وام‌های استمهال‌شده

در آمارهای ارائه‌شده از سوی بانک مرکزی با همین شکل و ماهیت خواننده این گزارش باید دنبال این باشد که سهم اعتبارات مهلت داده‌شده را از کل اعتبارات پرداخت‌شده در جای دیگری جست‌وجو کند. بانک مرکزی با توجه به اینکه همه‌جور اطلاعات از بانک‌ها اخذ می‌کند می‌تواند به آسانی این اطلاعات را در همین گزارش گنجانده و اطلاعات کامل به شهروندان و علاقه‌مندان بدهد. وقتی چنین اتفاقی در گزارش‌دهی نمی‌افتد شهروندان و کارشناسان می‌پرسند ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی در سال ۱۴۰۳ نسبت به اعتبارات دریافتی چقدر بوده است و انتظار می‌رود در سال جدید به چه نسبتی برسد. با توجه به اینکه میزان اعتبارات امهال شده و همچنین مطالبان مشکوک‌الوصول و نیز مطالبان سوخت‌شده در این گزارش دیده نمی‌شود این آمار کلان جای شبهه دارد.

اعتبارات خانوار

در گزارش بانک مرکزی تاکید شده است سهمی برابر با ۲۲/۵ درصد از اعتبارات پرداخت‌شده از سوی شبکه بانکی اعتبارات خرد یا اعتبارات خانوار است. در این گزارش اما تفکیکی وجود ندارد که آیا وام ازدواج و وام خانوار یا وام خودرو برای مادران و دیگر وام‌های تکلیفی در این سهم نهفته است؟ اگر چنین باشد به‌نظر می‌رسد سهم خانوارهایی که در سال سپری شده توانسته‌اند از بانک وام به‌صورت جعاله یا هر اسم دیگری گرفته‌اند باید مشخص شود.

پیشنهادهای

واقعیت این است که نظام بانکی در ایران در شرایط انقلابی، دولتی و ملی شدند و از سال ۱۳۸۰ به این سو نیز بانک خصوصی تازه‌ای تأسیس نشده است. در این شرایط مدیران سیاسی و بانکی تصور می‌کردند همین که منابع پس‌اندازکنندگان را به فعالیت‌های اقتصادی می‌دهد و در برابر سود آن را می‌گیرد به آنها تسهیلات می‌دهد. حالا و در حالی که چند دهه از انقلاب اسلامی سپری شده، بهتر است به جای تسهیلات از اعتبارات استفاده شود. پیشنهاد دیگر این است که بانک مرکزی در دوره‌های کوتاه به‌طور مثال در هر فصل میزان اعتبارات سوخت‌شده، اعتبارات مشکوک‌الوصول و نیز وام‌های خرد و محل مصرف آنها را برای شهروندان روشن کند.



و ۸۹۶ همت معادل ۳۲/۹ درصد افزایش داشته است. یک‌هزار و ۶۹۸ همت از این تسهیلات به‌همراه بخشی از تسهیلات در قالب کارت‌های اعتباری معادل ۲۳/۲ درصد به مصرف‌کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته است. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، تسهیلات پرداختی بانک‌ها طی سال ۱۴۰۳ مبلغ ۷۶۶۴۳/۰ هزار میلیارد ریال است که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل مبلغ ۱۸۹۶۷/۶ هزار میلیارد ریال (معادل ۳۲/۹ درصد) افزایش داشته است. از کل تسهیلات پرداختی، مبلغ ۵۹۶۵۸/۶ هزار میلیارد ریال معادل ۷۷/۸ درصد به صاحبان کسب‌وکار (حقوقی و غیرحقوقی) و ۱۶۹۸۴/۴ هزار میلیارد ریال معادل ۲۲/۲ درصد به مصرف‌کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته است.

گفتنی است تسهیلات پرداختی سال ۱۴۰۲ مبلغ ۵۶۴۶۰/۳ هزار میلیارد ریال بوده است که با در نظر گرفتن تعدیلات صورت پذیرفته توسط شبکه بانکی به مبلغ ۵۷۶۷۵/۴ هزار میلیارد ریال افزایش یافته است.

سهم تسهیلات پرداختی در قالب سرمایه در گردش در کلیه بخش‌های اقتصادی طی سال ۱۴۰۳ مبلغ ۴۶۵۲۳/۵ هزار میلیارد ریال معادل ۷۸/۰ درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب‌وکار است. همچنین سهم تسهیلات پرداختی در قالب قرض الحسنه ضروری توسط مصرف‌کننده نهایی (خانوار) مبلغ ۱۹۹۷/۷ هزار میلیارد ریال معادل ۳۶/۵ درصد از کل تسهیلات پرداختی به مصرف‌کنندگان نهایی (خانوار) است.

سهم تسهیلات پرداختی بابت تأمین سرمایه در گردش بخش صنعت و معدن در سال ۱۴۰۳ معادل ۲۰۴۴۰/۱ هزار میلیارد ریال بوده است که حاکی از تخصیص ۴۳/۹ درصد از منابع تخصیص‌یافته به سرمایه در گردش کلیه بخش‌های اقتصادی (مبلغ ۴۶۵۲۳/۵ هزار میلیارد ریال) است. ملاحظه می‌شود از ۲۴۰۶۰/۴ هزار میلیارد ریال تسهیلات پرداختی در بخش صنعت و معدن معادل ۸۵/۰ درصد آن (مبلغ ۲۰۴۴۰/۱ هزار میلیارد ریال) در تأمین سرمایه در گردش پرداخت شده است که بیانگر توجه و اولویت‌دهی به تأمین منابع برای این بخش توسط بانک‌ها در سال ۱۴۰۳ است.

تسهیلات خرد

از کل تسهیلات پرداختی در دوره یادشده، مبلغ ۱۷۲۲۳/۹ هزار میلیارد ریال معادل ۲۲/۵ درصد به‌صورت تسهیلات خرد اعطا شده است. همچنین مبلغ ۱۰۴۵/۷ هزار میلیارد ریال نیز در قالب کارت‌های اعتباری انجام پذیرفته است که با احتساب این مبلغ، کل تسهیلات پرداختی خرد (کمتر از سه میلیارد ریال) به مبلغ ۱۸۲۶۹/۶ هزار میلیارد ریال معادل ۲۳/۵ درصد کل تسهیلات پرداختی را شامل می‌شود. شایان ذکر است با توجه به اینکه تسهیلات پرداختی در قالب کارت‌های اعتباری نیز در بخش خانوار پرداخت شده است، با این اوصاف سهم بخش خانوار از ۲۲/۲ درصد در جدول ۱، به ۲۳/۲ درصد کل تسهیلات پرداختی افزایش می‌یابد. همچنان باید در تداوم مسیر جاری، ملاحظات مربوط به کنترل تورم را نیز در نظر گرفت و همواره مراقب قدرت گرفتن پتانسیل تورمی ناشی از فشار تقاضای کل در اقتصاد نیز بود. بر این اساس ضروری است به افزایش توان مالی بانک‌ها از طریق افزایش سرمایه و بهبود کفایت سرمایه بانک‌ها، کاهش تسهیلات غیرجاری و بازگرداندن آنها به مسیر صحیح اعتباردهی بانک‌ها، افزایش بهره‌وری بانک‌ها در تأمین سرمایه در گردش تولیدی، پرهیز از فشارهای مضاعف بر دارایی بانک‌ها و ترغیب بنگاه‌های تولیدی به سمت بازار سرمایه به‌عنوان یک ابزار مهم در تأمین مالی طرح‌های اقتصادی (ایجاد) توجه ویژه‌ای کرد.

چند نقد بر سازمان آماردهی

در بالا تاکید کردیم برخی رفتارهای بانک مرکزی در پویش زمان شکل گرفته و به کارآمدی یا ناکارآمدی مدیریت ارشد این نهاد بستگی ندارد اما واقعیت این است که این آمار چند نقص دارد که مدیران آماری با هدف‌های ناپیدا آنها را بر ملا نمی‌کنند. نقد اول این است که آیا رشد ۳۲ درصدی

مجادله راهبردی جمهوری اسلامی با آمریکا بررسی شد

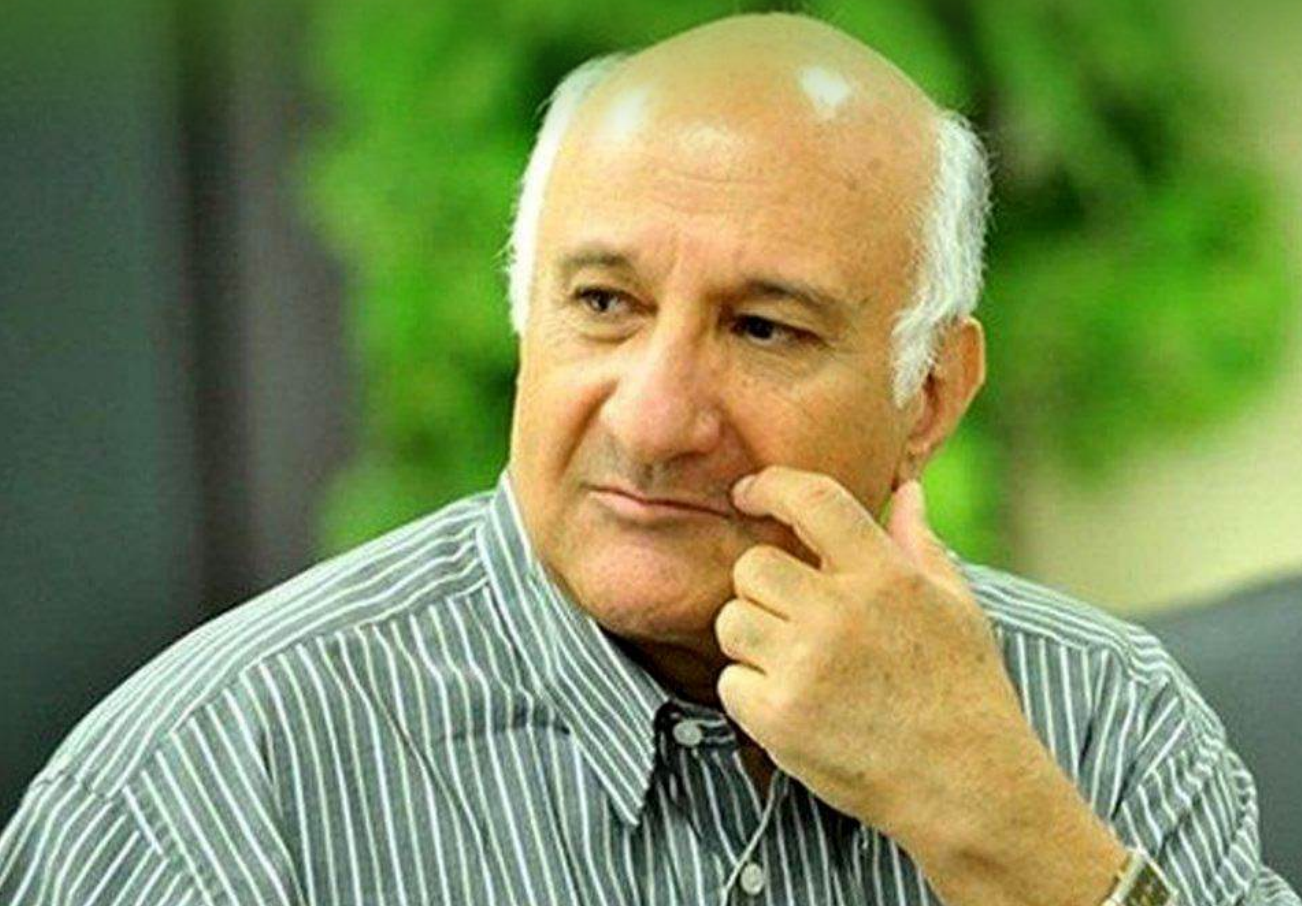
معارضه و بازدارندگی

تدوین استراتژی نظامی و دیپلماسی غرب طی جنگ سرد بسیار اثرگذار بود. شلینگ در زمان دولت آقای خاتمی سال ۱۳۸۶ توسط دانشگاه شریف دعوت و چند سخنرانی و جلسات بحث پیرامون نظرات او تشکیل شد. سخنرانی او از جمله پیرامون این بود که آیا بشر عاقبت در یک بازی معارضانة یا ضایع کردن محیط زیست به زندگی بشریت خاتمه خواهد داد یا نه. این اقتصاددان ادامه داده است: با توجه به شرایط موجود فکر کردم مجدداً سری به کتاب او بزنم. البته از هوش مصنوعی خواستم تا نظریات او را خلاصه کند که زحمت آن را کشید و کار من را راحت کرد. آنچه به دست آمد در ادامه ارائه می شود. توماس کرامپتون شلینگ (۱۹۲۱-۲۰۱۶) اقتصاددان و دانشمند علوم سیاسی آمریکایی بود که کاربرد نوآورانه نظریه بازی را در مسائل استراتژیک، به ویژه در حوزه روابط بین الملل و امنیت جهانی بنیان نهاد. آثار او، به ویژه در دوران جنگ سرد، پیوندی عمیق میان اقتصاد نظری، رفتار استراتژیک و سیاست دفاعی برقرار کرد و در سال ۲۰۰۵ جایزه نوبل علوم اقتصادی را (به همراه رابرت آومن) دریافت کرد. در ادامه برخی از نکات بسیار با اهمیت وی را به طور خلاصه می خوانید.

در همه هفته های تازه سپری شده و به ویژه پس از ارسال نامه از سوی دونالد ترامپ به جمهوری اسلامی و نیز تهدیدهای پرشمار جمهوری اسلامی از سوی رئیس جمهور آمریکا همه شخصیت های سیاسی - اقتصادی کوشش می کنند با ارائه تجربه های بشری همچنین دانش انباشته شده دانشمندان برای این مقوله راهی پیدا کنند که شاید سایه جنگ از سر ایران کوتاه شود.

دکتر محمد طبیبیان اقتصاددان ایرانی که سال ها در سازمان برنامه و بودجه فعالیت می کرد سال هایی را در موسسه نیاوران بود نیز در این باره با نگارش و خلاصه کردن نظریه توماس شلینگ راه هایی را ارائه کرده است که می تواند در این روزهای سخت به کار آید به شرطی که به کار گرفته شود. طبیبیان در صفحه تلگرامی اش نوشته است: این روزها سر و صدای تهدید و مقابله و جنگ و دفاع و ... بین آمریکا و جمهوری اسلامی بلند است. آیا این صحبت ها بلوف است، آیا برخورد اجتناب ناپذیر است، آیا عقلانیت کارساز است و نتیجه چیست؟

توماس شلینگ یک اقتصاددان است که به دلیل کاربرد نظریه بازی ها در امر معارضه بین المللی جایزه نوبل گرفته است. کتاب او استراتژی در معارضه که در سال ۱۹۶۰ منتشر شد بسیار تاثیرگذار بود. او در





۱- رفتار استراتژیک و منطق تعارض

مهم‌ترین تاثیرگذاری شلینگ در استفاده از منطق نظریه بازی در تحلیل موقعیت‌های تعارض‌آمیز است، به‌ویژه در زمینه استراتژی‌های نظامی و هسته‌ای. کتاب او با عنوان استراتژی تعارض (۱۹۶۰) اثری بنیادین محسوب می‌شود که در آن استدلال کرد موقعیت‌های تعارضی را می‌توان به‌عنوان بازی‌های استراتژیک تحلیل کرد؛ بازی‌هایی که انتخاب‌های عقلانی بازیگران به هم وابسته‌اند. برخلاف نظریه‌پردازی‌های ریاضی خشک در نظریه بازی، شلینگ بر نقش تعهدهای قابل‌باور، تهدیدها، وعده‌ها و ارتباطات استراتژیک تاکید کرد. او مفهومی به نام «حرکت استراتژیک» را معرفی کرد، مانند تهدید یا تعهدی که می‌تواند نتایج بازی را تغییر دهد، بدون آنکه ساختار آن را تغییر دهد. مثال: یک کشور ممکن است با اعزام نیرو یا حذف گزینه‌های دیپلماتیک، خود را متعهد کند تا تهدید خود را واقعی‌تر و باورپذیرتر سازد.

۲- نظریه بازدارندگی و اهمیت اعتبار تهدید

در طول جنگ سرد، خطر جنگ هسته‌ای بازدارندگی را به مساله‌ای مرکزی تبدیل کرد. شلینگ تفاوتی اساسی میان بازدارندگی (جلوگیری از یک اقدام) و وادارسازی (واداشتن به یک اقدام) قائل شد و نشان داد که موفقیت در هر دو، به اعتبار تهدید یا وعده بستگی دارد. شلینگ استدلال کرد که ابهام و لبه‌نشینی (با بحران راندن) (brinkmanship) می‌تواند به‌صورت استراتژیک برای افزایش اثربخشی بازدارندگی استفاده شود. مفهوم «تهدیدی که بخشی از آن به شانس واگذار می‌شود» از ابداعات اوست؛ در این حالت، کشورها با بالا بردن سطح تنش یا خطر، بدون اعلام جنگ، فشار روانی و سیاسی ایجاد می‌کنند. او بازدارندگی را شبیه بازی «جوجه» (جاذدن ترسوتر) (Chicken Game) می‌دانست؛ جایی که خودداری متقابل مطلوب است اما ناپایدار. کلید بازدارندگی موثر در دیدگاه او، افزایش باورپذیری تهدید است که گاهی با محدود کردن اختیارات خود یا طراحی سازوکارهای پاسخ خودکار انجام می‌شود.

۳- نقاط کانونی و هماهنگی ناپیدا

در نظریه بازی، در مسائلی با چند تعادل ممکن، مشکلات هماهنگی بروز می‌کند. شلینگ با معرفی مفهوم نقطه کانونی (که بعدها به نام او «نقطه شلینگ» نیز نامیده شد)، نشان داد که افراد چگونه بدون ارتباط مستقیم می‌توانند بر راه‌حل خاصی توافق کنند که به‌صورت فرهنگی یا

ذهنی برجسته است. مثال: اگر دو نفر قرار باشد در نیویورک همدیگر را بدون هماهنگی قبلی ملاقات کنند، بسیاری ممکن است به‌طور مستقل ایستگاه مرکزی گرند سنترال را انتخاب کنند.

این ایده کمک کرد تا روشن شود چگونه کشورها یا بازیگران استراتژیک، حتی بدون مذاکره، می‌توانند بر رفتارهای همگرا دست یابند مانند توافق‌های تسلیحاتی یا ائتلاف‌های نظامی.

۴- کنترل تسلیحات و استراتژی نظامی

شلینگ نقشی کلیدی در بازاندیشی در مورد استراتژی هسته‌ای داشت. او استدلال می‌کرد که سلاح‌های هسته‌ای برای بازدارندگی موثرند، نه برای استفاده واقعی در جنگ. تاکید او بر جنگ محدود، سیگنال‌دهی و چانه‌زنی در سیاستگذاری‌های بازدارنده و کنترل تسلیحات بسیار تاثیرگذار بود. او از حفظ آسیب‌پذیری متقابل به‌عنوان شرطی برای ثبات بازدارندگی دفاع می‌کرد. بر این اساس، توانایی پاسخ متقابل پس از حمله (second strike capability) بازدارندگی را پایدارتر می‌کرد. این منطق، اساس دکترین معروف تخریب متقابل تضمین‌شده (MAD) را تشکیل داد.

۵- تاثیرات گسترده و میراث علمی

نظریه‌پردازی شلینگ فراتر از سیاست دفاعی، به حوزه‌هایی چون درگیری‌های مدنی، پویایی‌های تبعیض و جداسازی، سیاست‌های زیست‌محیطی و اقتصاد رفتاری نیز گسترش یافت. مدل مشهور او از تفکیک محله‌ها در شهرها، نشان داد چگونه تعاملات خرد می‌توانند به الگوهای کلان منجر شوند؛ موضوعی که بعدها در مدل‌سازی‌های پیچیده و شبیه‌سازی‌های عامل‌محور توسعه یافت.

جمع‌بندی

توماس شلینگ، نظریه بازی را از ابزاری نظری به ابزاری کاربردی در تحلیل استراتژیک و سیاست بین‌الملل تبدیل کرد. مفاهیم نوآورانه‌ای که او معرفی کرد - از بازدارندگی و تهدیدهای معتبر گرفته تا نقاط کانونی و تعهدهای استراتژیک - پایه‌های نظری و عملی بسیاری از تحلیل‌های مدرن در روابط بین‌الملل، امنیت و تصمیم‌گیری را شکل داده‌اند. میراث او نه تنها در نظریه بازی بلکه در سیاست جهانی، کنترل تسلیحات و مدیریت بحران همچنان زنده است. واقعیت این است که استفاده از آنچه این برنده جایزه نوبل در باره مسائل بازدارندگی نوشته است کی می‌تواند در دستور کار مقام‌های سیاسی ایران قرار گیرد.

«کار آفرین» داستان تلخ پروژه‌های پیشران را تحلیل کرد

فرجام یک طرح خیالی

شاید اگر اقتصاد ایران روی ریلی عادی حرکت می‌کرد و توسط تحریم‌های پر شمار آمریکا محاصره نمی‌شد چنین طرح‌هایی نیز از ذهن‌های ناکارآمد تراوش نمی‌کرد. مشکل اقتصاد کلان از سال ۱۳۹۰ به بعد که آرام‌آرام داستان تحریم‌های اولیه شروع شد تامین سرمایه ارزی برای اجرای طرح‌های بزرگ به‌ویژه برای نوسازی و افزایش ظرفیت زیرساخت‌ها بود. تحریم‌های ارائه‌شده از سوی باراک اوباما و سپس دونالد ترامپ در سال ۱۳۹۷ راه ورود سرمایه‌گذاران خارجی به ایران را مسدود کرد و نرخ رشد سرمایه‌گذاری منفی و رشد اقتصادی در حد صفر باقی ماند. نرخ تورم نیز در سال‌های پس از ۱۳۹۷ به مرز ۵۰ درصد رسید و همه تعادل‌های پیشین اقتصاد کلان فرو پاشید. نرخ رشد منفی سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به‌ویژه در بخش نفت پیامدهای بلندمدتی داشت که هنوز نیز ادامه دارد. در این وضعیت بود که رییس تیم اقتصادی دولت سیزدهم به‌دلیل فقدان دانش اقتصادی و صرفاً با مدیریت چند بنگاه انحصاری کوشش کرد طرحی نو دراندازد و نتیجه‌اش پروژه‌های پیشران بود.

طرحی خیالی

واقعیت این است که دولت مرحوم سیدابراهیم ریسی به‌دنبال این بود که نشان دهد دولت یازدهم و دوازدهم فاقد نوآوری بوده و تیم اقتصادی دولت‌های روحانی نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند از همه توانایی کشور استفاده کنند و به این می‌انديشیدند که باید از سرمایه‌های جهانی برای توسعه کشور استفاده کرد. دولت سیزدهم با تصورات و توهمات خاص خود به عرصه سیاست و اقتصاد ایران وارد و ریاست تیم اقتصادی دولت به محمد مخبر که هرگز سابقه فعالیت در سطح کلان اقتصاد را نداشت سپرده شد. از سوی دیگر وزارت صمت نیز به فاطمی‌امین سپرده شد که کارنامه قابل قبولی در دولت احمدی‌نژاد در مقام معاون وزیر صمت نداشت. این دو نفر با همکاری هم و با مجبور کردن مدیران بنگاه‌های بزرگ کشور طرحی خیالی را درانداختند.

بازنشر یک نقد

مقام رهبری چندروز پیش درباره یک گزارش اقتصادی که از سوی مرحوم ریسی به ایشان داده شده بود داوری کردند و گفتند آن گزارش یک گزارش مهمل بوده است. چند روز پس از آن محمد مخبر، معاون اول و رییس گروه اقتصادی دولت سیزدهم درباره آن گزارش گفت: مرحوم ریسی می‌دانستند گزارش خوبی نیست اما جوانمردی کردند و گزارش تهیه‌شده را ارائه دادند. این سخنان عجیب محمد مخبر در فضای داغ این روزها درباره مسائل مذاکرات ایران و آمریکا بازتاب کافی نداشت اما باید درباره این رخداد برخی نکات یادآور شود تا دوباره گرفتاری برای کشور پیش نیاید.

ریشه داستان تلخ

این گزارش درباره یک طرح ارائه‌شده در دولت مرحوم ریسی بود که محمد مخبر به همراه وزیر صمت دولت سیزدهم آن را پایه‌ریزی کرده بودند. داستان این بود که این دو نفر به‌ویژه معاون اول رییس‌جمهور مرحوم می‌خواستند کاری کنند که گویا پیش از آن به فکر کسی نرسیده بود. مخبر می‌خواست با استفاده از منابع، چندین شرکت کوه‌پیکر ایرانی در بخش معدن، فولاد و نیز پتروشیمی منابع ارزی-ریالی برای اجرای طرح‌های صنعتی و معدنی در سراسر کشور پدیدار سازد و بگوید که کاری کرده کارستان که تا امروز به فکر کسی خطور نکرده است.

مخبر اما به‌دلایل گوناگون به‌ویژه به این دلیل که فاقد دانش اقتصادی در سطح کلان بود و بیشترین هنرش این بود که بنگاه‌های فرمان ستاد اجرایی امام‌خمینی(ره) را اداره کرده بود می‌خواست برای کمبود ارز به‌دلیل کمبود درآمد نفت از این محل کاری کند. مخبر اما نمی‌دانست یا قبول نمی‌کرد هرکدام از بنگاه‌هایی که برای این کار انتخاب شده بودند تعهدات خاص خود را درباره دارایی، سود و سرمایه داشتند. شماری از آنها برای سهام عدالت انتخاب شده بودند و شماری از آنها مالکیت خصوصی داشتند و نیز شماری به بانک‌های کشور بدهکار بودند. تلخی این ماجرای عجیب از جایی شروع شد که با اقتصاد کلان ایران به‌مثابه بنگاه عمل شد و معاون اول رییس‌جمهور در نقش بازیگردان این نمایش با قاطعیتی هرچه تمام‌تر نشست‌های پر شمار در این باره برگزار می‌کرد.

مشکل اقتصاد کلان





را نصیب مردم و کارشناسان نمی‌کند و تنها موضوعی که در هر یک از این جلسات مورد تاکید قرار می‌گیرد، لزوم سرعت بخشیدن به روند اجرای پروژه‌های پیشران است.

در واقع اینطور به نظر می‌رسد که دولت سیزدهم در قالب شوی تبلیغاتی برای اضافه کردن موارد مثبت به کارنامه خود، برای شرکت‌های صنعتی و معدنی بزرگ کشور نیز در دسر ایجاد کرد و بدون اینکه به فکر منابع مالی پیشرفت این پروژه‌ها باشد، آنها را ملزم کرد تا در این سرمایه‌گذاری که به تعبیر دولتمردان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری صنعتی تاریخ ایران است، مشارکت داشته باشند.

عبرت‌ها و بایدها

بررسی دوباره و چندباره یک طرح تلخ اقتصادی که ریاست آن را معاون اول دولت سیزدهم و رئیس تیم اقتصادی دولت در دست داشت بیش از هر چیز برای این است که نخست ادامه این طرح با مشکل و ماهیت تعریف‌شده پیشین تا زمان تعیین تکلیف متوقف شود و شرکت‌ها و منابع مالی آنها در امان بماند. این یک ضرورت است که اجازه ندهیم چون در قانون برنامه هفتم چنین داستانی گنجانده شده است ادامه آن ممکن شود. برخی گزارش‌ها و خبرها نشان می‌دهد شاید این طرح ناممکن را بخواهند دوباره در دستور کار قرار دهند.

اما درس بعدی که باید گرفت و آن نیاز به اقدام دارد این است که دولت چهاردهم پیش از هر کاری ریز و درشت کارنامه و برنامه طرح پروژه‌های پیشران را به صورت علمی-کارشناسی بررسی کرده و به شهروندان اطلاع دهد این طرح تا کجا پیش رفته و چه میزان منابع برای اجرای آن هزینه شده است و باید در آینده چه کاری صورت پذیرد. دولت چهاردهم نمی‌تواند و نباید با این توجیه که قصد نداریم کارهای دولت قبلی را واکاوی کنیم از بررسی این طرح دست بردارد و آن را به امان خدا رها کند.

اما شاید بزرگ‌ترین درس عبرت این باشد که یک گروه از کارشناسان و متخصصان اجازه پیدا کنند با ریشه‌یابی طرح مقصر اصلی و مغز متفکر این پروژه خیالی را شناسایی کرده و مطالبه کارشناسی کند تا برای آینده مورد استفاده قرار گیرد.

در شرایطی که طرح‌های توسعه‌ای شرکت‌های صنعتی و معدنی کشور به دلیل کمبود نقدینگی و افزایش هزینه‌های تولید متوقف شده و ادامه فعالیت در حوزه‌های مولد غیرممکن به نظر می‌رسد، دولت از طرح‌هایی رویایی پرده برمی‌دارد که بیشتر جنبه تبلیغاتی دارند و بعید به نظر می‌رسد که به مرحله عملیاتی برسند. از جمله این طرح‌ها می‌توان به ۴۸ طرح پیشران اقتصاد ملی اشاره کرد که اگرچه سال گذشته بحث آن مطرح شد اما از همان زمان هم مشخص بود که تامین مالی پروژه‌های این طرح در شرایط تحریم و بدون طرح ایده‌های جدید جذب سرمایه، شدنی نیست. البته دولت در این ارتباط پای سود انباشته کارخانه‌ها را به میان کشید و این فکر به سرش زد که از منابع مالی هلدینگ‌های بزرگ معدنی در کشور در جهت اهداف خودش مایه بگذارد؛ هلدینگ‌هایی که اگر منابعی در اختیار داشته باشند، نیازی به مشاوره و دستور دولت برای مصرف منابع مالی خود ندارند و خودشان می‌توانند در بخش‌هایی همچون معدن، فولاد، مس و پتروشیمی سرمایه‌گذاری کنند.

با این حال دولت سیزدهم با میان آوردن بحث ۱۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و الزام شرکت‌های بزرگ صنعتی و معدنی به مشارکت در طرح پیشرانان پیشرفت ایران، این وعده را مطرح کرد که ۴۸ پروژه بزرگ صنعتی تداوم رشد اقتصادی را در مناطق مختلف تضمین می‌کنند. همچنین با بیان اینکه ۴۲ پروژه از این ۴۸ پروژه، مربوط به وزارت صنعت، معدن و تجارت با مجموع سرمایه‌گذاری حدود ۷/۸ میلیارد دلار است، اینطور اعلام شد که این اقدام پاسخ مثبتی برای رفع نگرانی‌های رهبری در حوزه سرمایه‌گذاری خواهد بود اما با وجود اینکه حدود ۱۱ ماه از آغاز به کار این پروژه‌ها با حضور رئیس‌جمهور می‌گذرد، مشخص نیست پروژه‌های پیشران در کدام نقطه ایستاده‌اند و دولت گزارش دقیق و شفاف میزان پیشرفت این پروژه‌ها که حدود یک‌سال از آغاز به کار آنها می‌گذرد را به مردم نداده است.

البته در هفتمین جلسه پروژه‌های پیشران اقتصاد ملی، پیشرفت فیزیکی پروژه‌های فلزی-معدنی در دوره ۱۱ ماهه، ۲۲ درصد اعلام شد اما آنچه جای تامل دارد این است که خروجی این جلسات، اطلاعات چندانی



فراز و فرود قیمت دلار

توسط ترامپ) به سرعت تغییر مسیر داده و وارد فاز نزولی شده است. این نشان می‌دهد که قیمت در سطوح بالا به شدت به اخبار سیاسی و چشم‌انداز بهبود روابط یا کاهش تنش‌ها حساس بوده است.

شکی وجود ندارد که کاهش قیمت به خبر مذاکرات و «سازنده» خواندن گفت‌وگوها توسط طرفین ارتباط دارد؛ این عامل، انتظارات مثبتی را در بازار ایجاد کرده و باعث تقویت ارزش ریال در برابر دلار شده است. کاهش پنج هزار و ۷۵۰ تومانی در یک روز و رسیدن به پله ۹۶ هزار و ۲۱۵ تومان پس از مذاکرات، گویای تاثیر قوی این عامل است.

ادامه روند نزولی «با سرعت زیاد» و رسیدن قیمت به ۸۵ هزار و ۹۹۰ تومان پیش از شروع معاملات روز دوشنبه ۲۵ فروردین و حتی سقوط به ۸۵ هزار تومان در معاملات پشت‌خطی، نشان‌دهنده شتاب گرفتن فشار فروش و حاکم‌شدن سنتیمنت منفی بر بازار دلار است. به نظر می‌رسد فعالان بازار کم‌کم برای فروش دلارهای خود از ترس کاهش بیشتر قیمت رغبت پیدا کنند.

قیمت ۸۵ هزار تومان که در معاملات پشت‌خطی مشاهده شده، نزدیک‌ترین سطح حمایتی کوتاه‌مدت یا کف قیمتی است که بازار در حال حاضر آن را لمس کرده است.

کف واقعی قیمت در کوتاه‌مدت به شدت به ادامه اخبار مثبت یا منفی

شوک مثبت مذاکرات همچنان ادامه دارد و باعث ریزش پرشتاب قیمت طلا و ارز شده. آیا قرار است دلار را در پله‌هایی پایین‌تر از کانال ۸۵ هزار تومان ملاقات کنیم؟

قیمت دلار ۱۹ فروردین ۱۴۰۴ با رسیدن به قله ۱۰۵ هزار و ۵۵۵ تومان رکوردشکنی کرد اما اواخر هفته گذشته دونالد ترامپ خبر مذاکره با ایران را در دیدار با بنیامین نتانیاهو رسانه‌ای کرد تا این بار برخلاف معمول باعث نزولی شدن نمودار قیمت دلار در بازار غیررسمی ایران شود. دلار فردای همان روز پنج هزار و ۷۵۰ تومان ارزان شد و در پایان دور اول مذاکره درحالی‌که هر دو طرف گفت‌وگوها را سازنده عنوان کردند، به ۹۶ هزار و ۲۱۵ تومان رسید. روند نزولی با سرعت زیاد همچنان ادامه دارد و پیش از شروع معاملات روز دوشنبه ۲۵ فروردین به ۸۵ هزار و ۹۹۰ تومان رسید. با توجه به اینکه در آخرین معاملات پشت‌خطی قیمت دلار به ۸۵ هزار تومان سقوط کرده، افکار عمومی به ادامه این روند امیدوار هستند ولی سوال اینجاست که کف قیمت دلار چقدر است و بازار ارز تا کجا عقب‌نشینی خواهد کرد؟

تحلیل دلایل سقوط دلار در فروردین ۱۴۰۴

قیمت دلار پس از ثبت رکورد تاریخی ۱۰۵ هزار و ۵۵۵ تومان در ۱۹ فروردین، تحت تاثیر اخبار سیاسی (رسانه‌ای شدن مذاکره با ایران

اقتصادی در حال بهبود است. کف قیمت دلار را در این حالت بین ۷۰ تا ۷۵ هزار تومان در نظر می‌گیریم و امیدوار می‌مانیم.

شرایط تحقق: وضعیت وقتی بهتر می‌شود که اخبار جدیدی درباره توافقات اولیه یا گشایش‌های کوچک در مذاکرات اعلام شود. اگر سیگنال‌های واضحی از کاهش تنش‌ها مشاهده شود یا بانک مرکزی تصمیم بگیرد با قدرت بیشتری در بازار مداخله کند (در صورت بهبود شرایط)، این سطوح می‌تواند قیمت‌های پیش از شروع آخرین موج افزایشی شدید باشد. وضعیت کلی: میانه

سناریوی سوم: سقوط به زیر ۷۰ هزار تومان

قیمت دلار در صورتی که یک پیشرفت بزرگ و غیرمنتظره در مذاکرات حاصل شود، به شکلی که منجر به لغو بخش قابل توجهی از تحریم‌ها یا آزادسازی منابع ارزی بلوکه شود، دچار شوک خواهد شد. این امر انتظارات تورمی را به شدت کاهش داده و منجر به دستپاچگی فروشندگان در بازار می‌شود.

دلار در این حالت به کف قیمت ۶۵ تا ۷۰ تومان هزار تومان می‌رسد و حتی ممکن است به پله‌های پایین‌تر سقوط کند. البته رسیدن به این سطوح نیازمند یک شوک مثبت بسیار قوی و تغییر بنیادین در شرایط است.

شرایط تحقق: عواملی مثل توافق جامع سیاسی/هسته‌ای، رفع تحریم‌های کلیدی (مانند نفت و بانک) یا بازگشت حجم قابل توجهی ارز به کشور می‌توانند کمک کنند قیمت دلار به سطوحی بازگردد که پیش از دوره‌های اوج تنش و فشار حداکثری مشاهده می‌شد.

آیا ریزش قیمت دلار متوقف می‌شود؟

اعداد رند مانند ۸۵، ۸۰، ۷۵ و ۷۰ تومان معمولاً نقش سطوح حمایتی یا مقاومتی روانی را بازی می‌کنند. سرعت فعلی کاهش قیمت امیدوارکننده است اما در صورتی پایدار خواهد بود که با فشار فروش همراه شود.

هرگونه خبر منفی یا شکست در روند مذاکرات می‌تواند به سرعت تمام سناریوهای نزولی را معکوس کند. نقش بازارساز و بانک مرکزی در مدیریت نوسانات و تعیین سطوح حمایتی نیز کلیدی است. اگر روند نزولی ادامه داشته باشد، پله‌های ۸۲-۸۰ هزار تومان، ۷۵-۷۰ هزار تومان و در صورت وقوع تحولات بسیار مثبت، ۶۵ تا ۷۰ هزار تومان می‌توانند سطوح حمایتی بالقوه بعدی باشند.

از مذاکرات، میزان عرضه و تقاضا در بازار و اقدامات احتمالی بانک مرکزی بستگی خواهد داشت. اگر اخبار مثبت ادامه یابد و انتظارات تورمی کاهش پیدا کند، ممکن است کف قیمت پایین‌تر از ۸۵ هزار تومان نیز مشاهده شود.

با توجه به اینکه همه چیز تحت تاثیر اخبار سیاسی و روانی است، کف قیمت فعلی را باید شکننده دانست و احتمال کاهش بیشتر در صورت تداوم جو مثبت را جدی گرفت اما چشم‌انداز بلندمدت کاملاً وابسته به نتایج واقعی مذاکرات، تغییرات در سیاست‌های کلان اقتصادی، وضعیت تحریم‌ها و سایر متغیرهای کلان خواهد بود.

سناریوی اول: کف احتمالی در ۸۰ تا ۸۲ هزار تومان

قیمت دلار پس از یک دوره اوج‌گیری، به دلیل سیگنال‌های مثبت سیاسی وارد فاز اصلاحی و نزولی شدیدی شده است. کف قیمت مشخص نیست و بازار در حال حاضر در محدوده ۸۵ هزار تومان در حال محک‌زدن سطوح حمایتی است. تعیین کف نهایی قیمت در کوتاه‌مدت وابسته به تداوم و نتیجه اخبار سیاسی و واکنش بازار به آن خواهد بود.

تداوم سیگنال‌های مثبت از مذاکرات یا بهبود چشم‌انداز سیاسی/اقتصادی ایران یک احتمال خوش‌بینانه محسوب می‌شود که در بهترین حالت به افزایش فشار فروش منجر می‌شود. اگر به‌طور همزمان شاهد کاهش تقاضا برای دلار باشیم هم وضع بهتر پیش می‌رود.

اصلاح جزئی و کف کوتاه‌مدت در این حالت جدی خواهد بود؛ بازار پس از هیجان اولیه ناشی از اخبار، منتظر جزئیات بیشتر و نتایج ملموس‌تر می‌ماند. بخشی از کاهش قیمت انجام شده و ممکن است در سطوح روانی پایین‌تر، مقداری تقاضای احتیاطی یا شناسایی سود توسط فروشندگان شکل بگیرد. کف قیمت دلار در این سناریو می‌تواند بین ۸۰ تا ۸۲ هزار تومان در نظر گرفته شود.

شرایط تحقق: اگر اخبار مثبت ادامه داشته باشد اما جزئیات مهمی منتشر نشود یا بازار به یک ثبات نسبی کوتاه‌مدت برای ارزیابی وضعیت برسد، سرعت کاهش قیمت کم می‌شود.

وضعیت کلی: خوش‌بینانه برای کاهش قیمت

سناریوی دوم: احتمال رسیدن به کف ۷۰ تا ۷۵ هزار تومان

اخبار مثبت منتشرشده تا الان کارکرد مثبتی داشته‌اند و اگر همچنان قدرتمند باقی بمانند، قطعاً می‌توانند بخش قابل توجهی از افزایش قیمت‌های اخیر که ناشی از افزایش تنش‌ها یا انتظارات تورمی بالا رخ داد را خنثی کنند. تنها کافی است بازار به این باور برسد که چشم‌انداز





چرا تولیدکنندگان همیشه از کمبود نقدینگی شکایت دارند

بازار اعتبارات شکست خورده

وجود ندارد. واقعیت این است که این عامل در اقتصاد ایران به‌ویژه برای بخشی از تولید و نیز بخشی از بنگاه‌ها قابل اعتناست. به این معنی که بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌دلیل فقدان نوسازی تکنولوژیک کالاهایی تولید می‌کنند که با کالاهای وارداتی قانونی یا قاچاق نمی‌توانند رقابت کنند. البته در سال‌های تازه‌سپری‌شده شاهد کاهش قدرت خرید شهروندان بوده و هستیم و به همین دلیل آثار رکود در فروش دیده می‌شود. عامل دوم اما این است که شماری از بنگاه‌ها کارنامه روشن و دارای نمره قبولی در بانک‌ها نیستند و به دلایل گوناگون اعتبار و وام گرفته اما نتوانسته یا نخواسته‌اند وام‌های خود را پس بدهند و بانک‌ها نیز از پرداخت اعتبار به آنها خودداری می‌کنند. نگاهی به رشد شتابان وام‌های مشکوک‌الوصول و نیز اعتبارات سوخت‌شده بانک‌ها این عامل را به‌خوبی توضیح می‌دهند. در اقتصاد آشفته ایران اما دلایل دیگر و بااهمیتی وجود دارند که راه ورود نقدینگی به تولید را بسته‌اند. واقعیت این است که با توجه به شرایط فعلی و بازار آشفته پول (نظام بانکداری دستوری) می‌توان گفت بازار اعتبارات در ایران با شکست مواجه شده است.

نشانه‌های شکست

همانطور که در بالا نگاشته شد بازار پول ایران که تامین‌کننده ۹۰ درصد اعتبار و منابع برای فعالیت‌های اقتصادی است چندین دهه است که از ناکارآمدی رنج می‌برد و البته در وضعیت موجود این رنج را به دیگر بخش‌ها نیز انتقال می‌دهند. یکی از نشانه‌های شکست بازار پول در ایران پایین بودن نرخ سود است. دولت‌های ایران از دیرباز تاریخ جمهوری اسلامی باور دارند باید نرخ بهره بانکی پایین بماند

براساس برخی گزارش‌ها «تامین نقدینگی» یکی از اصلی‌ترین گره‌های تنیده‌شده بر دست و پای تولید بوده و هست. چندین سال است که تولیدکنندگان ایرانی در نظرسنجی‌ها می‌گویند تامین اعتبار برای‌شان کار دشواری شده است. به این ترتیب نارضایتی خود را از نظام تامین مالی تولید به گوش مدیران اقتصادی-سیاسی می‌رسانند. این اظهار نارضایتی از تامین نقدینگی در بخش تولید در حالی بارها و بارها بازگویی می‌شود که در کنار آن می‌خوانیم و می‌شنویم که میزان نقدینگی در اقتصاد ایران با شتابی خیره‌کننده از هزارهزارمیلیارد تومان عبور کرده است. این میزان نقدینگی در کنار نارضایتی بخش تولید از تامین منابع مالی به یک معماگونه در اقتصاد ایران تبدیل شده است. به همین دلیل است که در خبرهای اقتصادی-سیاسی منتشرشده از سوی خبرگزاری‌ها به نقل از مدیران اقتصاد، اعضای مجلس قانونگذاری و نیز سیاست‌ورزان می‌خوانیم که باید نقدینگی به‌سوی تولید هدایت شود. این گروه‌ها که شمارشان نیز قابل اعتناست از دولت می‌خواهند کاری کند که نقدینگی به‌جای اینکه به فعالیت‌های دیگر اختصاص یابد به بخش تولید بیاید و دولت را زیر تیغ می‌گیرند که چرا از این کار امتناع می‌کند.

چرا بنگاه‌ها نقدینگی ندارند؟

اقتصاددانان و در پله اول آنها آرام اسمیت نامدار از سده‌ها پیش و نیز هم‌اکنون گفته و می‌گویند که بنگاه‌ها به‌ویژه بنگاه‌های تولیدی به‌دلیل کمبود نقدینگی را تجربه می‌کنند.

دلیل نخست این است که آنها کالایی تولید می‌کنند که در بازار جاری تقاضای موثر برایش کاهش یافته یا اصولاً تقاضایی برای خرید کالای‌شان

می‌خوانیم که بانک‌ها باید شرکت‌های خود را واگذار کنند که با بی‌اعتنایی بانک‌ها روبه‌رو می‌شوند. مدیران و سهامداران بانک‌ها به‌درستی استدلال می‌کنند وقتی قیمت پول در بازار غیررسمی دو برابر نرخ بهره دریافتی از متقاضیان منابع بانکی است و سرکوب مالی رانت بزرگی نصیب دریافت‌کنندگان اعتبارات می‌شود چرا خودشان از این سفره گسترده بی‌نصیب باشند. این یک تضاد و تعارض منافع است که با وجود آشکار بودن آن، کسی برایش فکری نمی‌کند.

راهکارهای رفع شکست بازار اعتبارات

دکتر فرهاد نیلی و امینه محمودزاده در مقاله‌ای که برای یکی از سمینارهای ادواری ارائه داده بودند برخی راهکارها را برای رفع شکست بازار اعتبارات به مدیران دادند که البته جواب خوبی هم نگرفتند.

به گمان این اقتصاددانان می‌توان یک غربالگر خرد و یک غربالگر کلان برای بنگاه‌های تولیدی تعریف کرد. بانک‌ها غربالگران خرد هستند و به‌وسیله شاخص‌های مالی و عملکردی بنگاه به‌ارزیابی ریسک اعتباری مشتریان می‌پردازند. مشکل این است که بانک‌های ایران اقتدار حقوقی و توانایی فنی برای ارزیابی ریسک اعتباری بنگاه‌ها را ندارند. در عمل بانک‌ها باید قادر باشند برای مدیریت ریسک حاصل از اعطای اعتبارات نرخ بهره را آنقدر بالا ببرند که بتوانند هزینه ریسک را پوشش دهند و دوم اینکه وثیقه‌ها را گونه‌ای محاسبه کنند که با استفاده از آنها ریسک‌ها پوشش داده شود و سوم روی اعتبار متناسب با عملکرد مطمئن بنگاه سقف بگذارند.

رتبه‌بندی علمی - کارشناسانه و غیرسیاسی بنگاه‌ها از نظر اهلیت اعتباری یک راهکار مناسب است که باید در دستور کار قرار گیرد. با استفاده از این رتبه‌بندی‌ها که باید علمی - کارشناسانه باشد بنگاه‌های بد حساب به‌مرور از چرخه دریافت اعتبارات خارج شده و ریسک کمتر می‌شود.

قیمت پول

درحالی‌که به‌لحاظ فنی می‌توان راه‌هایی برای کنترل موثر در ارائه منابع بانک‌ها به بخش تولید ارائه کرد اما واقعیت این است که تا وقتی مدیران سیاسی - دولتی و نهادهای حاکمیتی معنای نرخ بهره یا همان قیمت پول را درک نکنند یا خود را به نادیدن برزند بازار اعتبارات در ایران روند درستی را طی نخواهد کرد. قیمت پول در ایران پایین است و همه چشم طمع به پس‌اندازهای موجود در بانک‌ها دارند. شوربختانه می‌توان فهمید که شماری از مدیران و صاحبان بنگاه‌های تولیدی به‌جای اینکه به بازار سهام یا دیگر بازارها مراجعه کرده و اعتبار مورد نیاز خود را به دست آورند به‌دلیل رانت موجود در بازار پول همیشه در صف تقاضای اعتبارات هستند. اگر دولت‌های ایران و نیز نهادهای حاکمیتی اجازه دهند قیمت پول - مثل قیمت کار یا کالا یا خدمات - در بازار تعیین شود و قیمت واقعی شود صف تقاضا برای دریافت اعتبارات کاهش جدی را تجربه خواهد کرد.



تا تقاضای پول از سوی سرمایه‌گذاران افزایش یابد و این راه به تولید بیشتر و تورم پایین‌تر منجر شود. به همین دلیل نرخ بهره بانکی در ایران از سوی یک نهاد اداری به نام شورای پول و اعتبار تعیین می‌شود. تجربه دهه‌های پشت سر گذاشته شده نشان می‌دهد نرخ بهره بانکی برای سپرده‌گذاران همواره پایین‌تر از نرخ تورم بوده و هست.

در چنین وضعیتی است که نسبت نرخ پس‌انداز ملی همواره به درآمد ملی در ایران پایین‌تر از استانداردهای جهانی است. وقتی نرخ پس‌انداز در سطح پایین قرار گیرد قدرت پرداخت تسهیلات یا دادن وام و اعتبارات توسط نظام بانکی کاهش می‌یابد. این واقعیت به‌ویژه در شرایط حاضر که بازارهای موازی نرخ سود و بازدهی بالاتری دارد، به خوبی دیده می‌شود. کوچ پول از بازار پول به‌سوی بازار طلا، سکه و ارز این را اثبات می‌کند.

تمرکز در دادن اعتبارات

ساختار بخش تولید صنعتی در ایران از نظر کیفیت بنگاه‌ها و نیز اندازه فعالیت‌ها نشان می‌دهد که بخش عمده تولید در فعالیت‌های گوناگون و بااهمیت در بنگاه‌های دولتی، شبه‌دولتی و خصوصی با ابعاد بزرگ تولید می‌شود. معلوم است که نظام بانکی برایش آسان و کم‌دردسر است که منابع مالی خود را به‌جای توزیع در هزاران بنگاه کوچک و متوسط به ده‌ها کارخانه و بنگاه بزرگ دهد تا دریافت پول آسان‌تر و با ریسک‌های پایین‌تر انجام شود. بانک‌های فعال کشور البته در برخی از این بنگاه‌ها سهامدار هستند و نهاد دولت نیز به آنها تکلیف می‌کند که به این شرکت‌ها اعتبارات بدهد. نگاهی به بدهکاران بزرگ بانکی که در روزهای پیش از سوی نهاد اصلی بانکی کشور منتشر شد نشان می‌دهد شرکت‌های کوه‌پیکر بزرگ‌ترین بدهکاران هستند. در این میان اما شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی نیز توانسته‌اند با ترندهای خاص سهم عمده‌ای از منابع بانکی را در اختیار بگیرند.

تسهیلات تکلیفی

دولت‌های ایران به‌ویژه در دهه‌های نزدیک‌تر به پیروزی انقلاب اسلامی منابع بانکی را در تملک خود می‌دیدند و باور نمی‌کردند این منابع برای شهروندان است. بانک‌ها به پس‌اندازهای خرد و کوچک نه‌تنها امتیازی نمی‌دادند بلکه سودی هم به آنها داده نمی‌شد. دولت‌ها با همین دیدگاه بود و نیز هست که تسهیلات تکلیفی بر بانک‌ها را برای خود یک حق می‌دانند. در این دیدگاه بانک‌ها - که بیشتر آنها دولتی بودند و هم‌اکنون نیز شماری از آنها دولتی هستند - مکلف می‌شدند و می‌شوند که برای خرید محبوبیت حکومت به فعالیت‌ها و نهادهایی که دولت می‌گوید وام دهند. این وام‌ها عموماً با بهره کمتر داده می‌شود و منابع و مصارف بانک‌ها را در شرایط نامساعد قرار می‌دهد. وام ازدواج که از چند سال پیش تحت‌فشار نهادهای حاکمیتی و قانون مجلس به کسانی که می‌خواهند ازدواج کنند با توجه به روند فزاینده مبلغ آن بخش قابل‌توجهی از منابع بانکی را به خود اختصاص می‌دهد. دولت‌های ایران به‌ویژه در دهه اخیر موظف شده‌اند وام جوانی پرداخت کنند که به مرور و با توجه به شرایط ویژه خانوارها روندی فزاینده را به خود اختصاص می‌دهد و راه ورود پول به تولید را می‌گیرد. علاوه‌بر این دولت هر سال در قانون بودجه بانک‌ها را مجبور می‌کند که اعتبارات قابل‌توجهی به اشتغال‌های خانگی اختصاص دهد که هر سال بر حجم آن اضافه می‌شود. این منابع می‌توانست در شرایط مناسب به بخش تولید یا فعالیت‌های دیگر اختصاص یابد.

وام به خود

بانک‌های کشور بسته به اینکه چه رفتاری داشته و چگونه اداره شده‌اند به مرور زمان دریافتند می‌توانند شرکت‌های اقماری در بخش‌های گوناگون تأسیس کرده و با توجه به اینکه نرخ بهره پرداختی به پس‌اندازکنندگان پایین‌تر از نرخ تورم است، منابع خود را به‌صورت اعتبارات با شرایط ترجیحی به بنگاه‌های خود ارائه دهند. این یک رخداد مهم است و هرچند بار از قول مدیران ارشد اقتصادی

تورم کلاف سردرگم اقتصاد ایران

شهروندان ایرانی ده‌ها سال است زیر بار سیاستگذاری‌های ناکارآمد و اقتصاد سیاست‌زده جمهوری اسلامی زندگی سختی را تجربه می‌کنند. تجربه نشان می‌دهد از دهه ۹۰ تا به امروز و به‌ویژه از سال ۱۳۹۷ به این سو ایرانیان با شتاب تهیدست‌تر شده و بدترین روزهای خود را سپری می‌کنند. دلیل اصلی این وضعیت نرخ فزاینده تورم است. افسارگسیختگی نرخ تورم ایرانیان را به دره مرگ می‌راند و انگار که هیچ نیرویی حریف تورم‌سازان نیست.

اگر نرخ تورم در شمار قابل‌اعتنایی از کشورهای جهان مهار نشده و در کرانه‌های ۲ تا ۵ درصد حبس نمی‌شد شاید می‌شد مدیران اداره‌کننده کشور را بخشید اما حالا نمی‌توان این بخشندگی را داشت. اداره‌کنندگان ایران راه‌های پرخطری را در جاهای مختلف رفته‌اند و حالا مردم را اسیر تورم کرده‌اند و شهروندان هم زورشان نمی‌رسد کاری کنند جز اینکه از کیفیت و کمیت سفره خود بکاهند. چرا اقتصاد ایران مهارنشده شده است؟ واقعیت این است که اقتصادسیاسی در ایران راه را بر مهار تورم بسته است. در نشست تازه‌ای که پژوهشکده پولی و بانکی برگزار کرده، کلاف سردرگم چرایی ماندگاری تورم و دلایل آن از سوی اقتصاددانان بررسی شده است.

به گزارش روابط عمومی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، نشست تحلیلی «بررسی مبادی تورم و آسیب‌شناسی سیاست پولی در ایران» از سلسله نشست‌های سی‌ودومین همایش سیاست‌های پولی و ارزی با حضور دکتر سیداحمدرضا جلالی‌نائینی عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، دکتر محمد شیریحیان معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی، دکتر محمدحسین عادل رییس کل اسبق بانک مرکزی و رییس موسسه مطالعات اقتصادی و بین‌المللی روند و دکتر محمدرضا شجاع‌الدینی صاحب‌نظر اقتصادی، روز شنبه ششم اردیبهشت در پژوهشکده پولی و بانکی برگزار شد.

انبساط تقاضا پیشران تورم نبود

در ابتدای این نشست سید احمدرضا جلالی‌نائینی در ارائه خود با موضوع مبادی تورم و آسیب‌شناسی سیاست پولی، اظهارداشت: در سال‌های اخیر بانک مرکزی سیاست‌های مختلفی را برای مقابله با تورم اجرا کرده اما همچنان شاهد تورم‌های بالا هستیم. حال سوال اینجاست که آیا بانک مرکزی ابزارها و اختیارات لازم برای کاهش تورم را دارد و آیا استفاده از سیاست‌های پولی می‌تواند در کاهش تورم موثر باشد؟ برای مشخص شدن این مساله ابتدا باید ریشه و عامل اصلی تورم را پیدا کنیم. عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی افزود: بررسی داده‌ها نشان می‌دهد جهش‌های نرخ ارز باعث افزایش قابل‌توجه نرخ تورم از روند در کوتاه‌مدت است که به آن موج‌های تورمی می‌گویند. در اقتصاد ایران وقتی نوسان نرخ ارز پایین آمده، نرخ تورم نیز کاهش یافته و باثبات مانده است اما زمان‌هایی که نرخ ارز افزایش پیدا کرده، به تبع آن نرخ تورم تولیدکننده و مصرف‌کننده نیز افزایش یافته است.

وی با بیان اینکه زمانی که ایران درآمد نفتی بالایی داشته، با اینکه نرخ رشد نقدینگی بالایی داشته‌ایم اما نرخ تورم کاهش یافته است، گفت: این نشان می‌دهد که درآمدهای ارزی و ثبات نرخ ارز در

کاهش تورم بسیار موثر بوده است بنابراین می‌توانیم بگوییم عامل دیگری غیر از نقدینگی تورم اقتصاد ایران را در دوره‌هایی ایجاد کرده است. هر زمان که نرخ ارز

انحراف از روند داشته است کمی بعد با انحراف تورم از روند مواجه شده‌ایم. جلالی‌نائینی تصریح کرد: در یک دهه گذشته انبساط تقاضا پیشران تورم نبوده بلکه انبساط اسمی بودجه و ناترازی بانکی فشارهای ناشی از تکانه‌های عرضه و انتظارات تورمی را ماندگار کرده است. در این دوره تکانه مسلط بر اقتصاد ایران تکانه نرخ ارز بوده است.

وی ادامه داد: در اقتصاد ایران تکانه‌های خارجی ابتدا موجب افزایش نااطمینانی و ریسک شده، سپس باعث افزایش تقاضای ارز و طلا و سیالیت نقدینگی و افت دارایی ریالی می‌شود و در مرحله بعدی افزایش نرخ ارز و تقویت انتظارات تورمی را خواهیم داشت. عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی اظهار داشت: وقتی سلطه مالی، تکانه ارزی، ناترازی بانکی و نارسایی در حکمرانی داشته باشیم لنگر اسمی مقام پولی تضعیف می‌شود و انتظارات تورمی به عنوان لنگر تورم

تقویت خواهد شد. در چنین شرایطی با تکانه خارجی و ارزی مجاری تسری تورم هم از کانال عرضه و هم از کانال تقاضا حرکت می‌کنند. وی ادامه داد: سیاستگذار پولی سال گذشته سیاست‌های هدفگذاری تورم، هدفگذاری نرخ رشد نقدینگی و استفاده موردی از ابزار نرخ بهره را استفاده کرد اما امسال تنها هدفگذاری نرخ رشد نقدینگی را انجام داده است. البته ابزار کنترل و مدیریت نرخ ارز نیز همواره اتخاذ شده که سیاست خوبی است. در یک دهه اخیر تکانه عمده اصابت‌شده به اقتصاد ایران از نوع خارجی - حقیقی و محرک بوده است. نوسانات ارزی در اقتصاد ایران موجب بی‌ثباتی تقاضای ریال و بی‌اثر شدن سیاست‌های مقام پولی شده است.

جلالی‌نائینی گفت: تورم مشاهده‌شده در هفت سال اخیر از نوع تورم انبساط تقاضای صرف نیست که علاج ساده کلاسیک سیاست پولی داشته باشد. بررسی مدل‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که بخش عمده فشار تورمی از ناحیه سیاست‌های بانک مرکزی نیست. بی‌انضباطی و تخصیص نامناسب منابع بودجه، سلطه مالی، ناترازی بانک‌ها، افزایش تقاضای اعتبار بنگاه‌ها کنترل رشد نقدینگی را با چالش مواجه کرده است. از طرفی سال گذشته مشاهده کردیم که استفاده از ابزار نرخ بهره موجب تقابل بسیاری از نهادها و دستگاه‌ها شد. بدون کنترل نوسانات نرخ ارز مقام پولی نمی‌تواند سیاست‌های خود را به‌طور مناسب اجرا کند. وی اظهار داشت: رویکرد دو هدف، دو ابزار پیشنهاد بنده درباره سیاست‌های مقام پولی است. ابزار کنترل رشد نقدینگی برای هدف‌گیری نرخ تورم داخلی و ابزار مداخلات کنترل‌شده ارزی برای سبک‌سازی نوسانات ارزی و اثربخشی به سیاست‌های پولی که موجب کاهش تورم خواهد شد.

تأثیر اقتصاد سیاسی بر تورم

در ادامه این نشست محمدحسین عادل رییس کل اسبق بانک مرکزی اظهار داشت: از منظر اقتصاد سیاسی تورم در کشور ما یک پدیده پولی نیست بلکه نتیجه محدودیت سیستماتیک اقتصاد سیاسی کشور است که در آن نهادهای ضعیف کشور، روابط ژئوپلیتیک و فشار سیاست‌های پوپولیستی موجب تقویت فشارهای تورمی می‌شود. عادل گفت: مدیریت سیاست‌های پولی و مالی در چنین شرایطی تقریباً ناممکن است. سیاست‌های متمرکز موجب ناکارایی سیاست‌های پولی و مالی می‌شود.

رییس کل اسبق بانک مرکزی افزود: از سوی دیگر تکانه‌های خارجی موجب نوسانات ارزی می‌شود که اولین اثر آن نااطمینانی در بازار و سرمایه‌گذاری است و بحران ارزی ایجاد می‌کند. وی با بیان اینکه مساله دیگر انحراف قیمت‌هاست، گفت: اقتصادی که در آن ابزار تخصیص بهینه و استفاده از ابزار نرخ بهره وجود نداشته باشد با چنین مشکلاتی مواجه می‌شود. رییس کل اسبق بانک مرکزی تصریح کرد: بانک مرکزی

سال گذشته هدفگذاری تورم را انجام داد و توانست در این زمینه به موفقیت‌هایی برسد و امسال نیز هدفگذاری نرخ رشد نقدینگی را در پیش گرفته است. اینها بسیار خوب است اما یک مساله مهم، کنترل تکانه‌های خارجی و نوسانات ارزی است که بعضاً در دست بانک مرکزی نیست. در روزهای اخیر شاهد این مساله بودیم که نرخ ارز با اخبار سیاسی مثبت روند کاهشی را طی کرد. این نشان می‌دهد که اثرات خارجی بر نرخ ارز بسیار بالاست. زمانی که فشارهای خارجی و سلطه مالی به آرامش برسد، کنترل سیاست‌های پولی می‌تواند موثر باشد. عادل تأکید کرد: اگر بانک مرکزی به سمت کنترل رشد نقدینگی برود، کار محتاطانه بسیار مثبتی را انجام داده است زیرا جلوی سلطه مالی را می‌تواند بگیرد که می‌تواند اثرات بسیار مثبتی داشته باشد. سیاست «دو ابزار - دو هدف»، یعنی استفاده از ابزار کنترل رشد نقدینگی همزمان با کنترل نرخ ارز می‌تواند در اقتصاد بسیار موثر باشد.

سرعت گردش پول

محمد رضا شجاع‌الدینی، صاحب‌نظر اقتصادی، در ادامه این نشست (مبادی تورم و آسیب‌شناسی سیاست پولی در ایران) اظهار داشت: سرعت گردش پول در کشور از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳ دو برابر شده و این افزایش تقاضا برای نقدینگی، یکی از عوامل اصلی تشدید تورم بوده است. وی تصریح کرد: بانک مرکزی در سال ۱۴۰۳ بیش از حد بر کنترل رشد نقدینگی تمرکز کرده و از هدف‌گذاری تورم نقطه به نقطه غافل مانده است. شجاع‌الدینی با استناد به محاسبات انجام‌شده توسط خاوری‌نژاد، گفت: سرعت گردش پول از یک به دو افزایش یافته؛ به این معنا که تقاضا برای نقدینگی به شدت بالا رفته است. این موضوع نشان‌دهنده نقش کلیدی مجموعه‌های پولی در هدایت تورم است. این اقتصاددان افزود: بانک مرکزی در سال ۱۴۰۳ دو هدف تعیین کرده بود: رشد نقدینگی حدود ۲۳ درصد



افزایش پیدا می‌کند، با افزایش نرخ تورم مواجه خواهیم شد. این دو متغیر همبستگی حدود ۸۰ درصدی دارند. وقتی به سمت شوک درمانی نمی‌رویم، تورم شاخص بهای تولیدکننده کاهش پیدا می‌کند اما تجربه نشان داده که شوک درمانی موجب افزایش تورم تولیدکننده و پس از مدتی افزایش تورم مصرف‌کننده می‌شود.

وی اظهار داشت: در نیمه دوم سال گذشته افزایش نرخ ارز در مرکز مبادله ارز و طلای ایران موجب افزایش چندین درصدی نرخ تورم تولیدکننده شد. تورم تولیدکننده از ۲۴ درصد مهرماه ۱۴۰۳ به ۳۷ درصد در اسفندماه این سال رسید. این نشان می‌دهد که نرخ ارز رسمی اثر بسیار بالایی بر تورم دارد. معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی گفت: از سیاست‌های شوک‌درمانی باید پرهیز کنیم چراکه اثرات ارتجاعی دارد. چنین سیاست‌هایی اثری ندارد و پس از مدتی به خانه اول برمی‌گردیم و این کار تنها هزینه‌ها را افزایش می‌دهد. تجربه نشان داده که در اقتصاد ایران باید تغییرات متغیرها را به صورت تدریجی انجام دهیم که بنگاه‌های اقتصادی بتوانند برنامه‌ریزی کنند. شیرجیان افزود: باید به بازارهای رسمی مرجعیت بدهیم. در شرایطی که با تحریم مواجه هستیم و با افزایش نااطمینانی خروج سرمایه رخ می‌دهد، نمی‌توان به سمت تک‌نرخ شدن ارز برویم زیرا همواره بازار غیررسمی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی باید به سمت بازار رسمی برویم و نیازها را در بستر بازار رسمی تامین کنیم. در حال حاضر بانک‌ها تامین مالی بنگاه‌ها، تامین مالی دولت و تامین نیازهای مالی مردم را انجام می‌دهند.

وی گفت: ۹۰ درصد بار تامین مالی کشور بانک‌محور است و تامین مالی بانک‌محوری که منجر به تشدید ناترازی شود، تامین مالی با کیفیتی نخواهد بود. این نحوه تامین مالی در کوتاه‌مدت بنگاه‌ها را تامین مالی می‌کند اما در بلندمدت تورم را به همراه خواهد داشت. بانک‌ها به محلی برای تخلیه ناترازی‌های بخش‌های دیگر تبدیل شده‌اند و این مساله موجب افزایش تورم می‌شود. معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی ادامه داد: متأسفانه باتوجه به شرایط اقتصاد ایران نمی‌توان از همه ابزارها از جمله ابزار نرخ بهره به درستی استفاده کرد. در چنین شرایطی که نرخ بهره پایین است، تقاضای بنگاه‌ها برای تسهیلات بانکی افزایش پیدا می‌کند و تخصیص بهینه مشکل خواهد شد. وی با اشاره به افزایش سهم خانوار از تسهیلات بانکی در سال‌های اخیر اظهار داشت: تا سه سال گذشته سهم خانوار از تسهیلات بانکی حدود ۱۱ درصد بود اما الان به ۲۳ درصد رسیده است. این مساله تامین مالی بنگاه‌ها را نیز با مشکل همراه می‌کند. در حال حاضر شبکه بانکی تسهیلات تکلیفی با سررسید بلندمدت و با نرخ پایین می‌دهد که مشکلاتی را برای نظام بانکی ایجاد می‌کند.

شیرجیان گفت: علاوه بر خانوارها در سال‌های اخیر سهم دولت نیز از اقتصاد و تامین مالی بانک‌ها افزایش یافته است. سهم بانک‌ها از اوراق دولتی در سال‌های اخیر حدود ۴۰ درصد بود اما در سال گذشته از ۴۵۰ همت اوراق دولتی منتشر شده، ۳۱۷ همت را بانک‌ها خریداری کرده‌اند. یعنی مقدار انتشار اوراق دولتی ۱۷۶ درصد رشد کرده و علاوه بر این افزایش، سهم بانک‌ها نیز از ۴۶ درصد به حدود ۷۰ درصد رسیده است. این مساله منجر به خلق نقدینگی و تورم می‌شود. حجم ریو نیز افزایش یافته و به ۴۲۲ همت رسیده که نسبت به سال پیش از آن ۱۰۷ درصد رشد کرده است.

وی اظهار داشت: تسهیلات تکلیفی منجر به تشدید ناترازی می‌شود. بانک مرکزی باید به سمت تامین مالی غیرتورمی برود و از سوی دیگر برای بنگاه‌ها نیز به سمت تامین مالی زنجیره‌ای برود تا فشار به رشد نقدینگی کاهش پیدا کند و شاهد کاهش تورم باشیم.

(با تلورانس ۲ درصد) و تورم نقطه به نقطه در کانال ۲۰ درصد. اما داده‌های بهمن‌ماه نشان می‌دهد رشد نقدینگی به ۲۷ درصد رسیده و احتمالاً در اسفندماه حتی بالاتر بوده است. این کارشناس اقتصادی با اشاره به فشارهای خارجی و نرخ ارز، تأکید کرد: نرخ ارز به‌طور قطع تورم را هدایت می‌کند اما مجموعه‌های پولی حرف آخر را می‌زنند. اگر تعریف فعلی نقدینگی (اسکناس، سپرده‌های دیداری و...) با تورم و تولید ناخالص داخلی همبستگی کافی ندارد، باید تعریف جدیدی ارائه شود. وی با اشاره به تجربه آمریکا در این حوزه گفت: تغییرات ساختاری در نظام بانکی و ظهور موسسات غیربانکی، نظارت بانک مرکزی را دشوار کرده بود و در ایران نیز بانک‌ها و موسسات مالی همواره یک گام جلوتر از نظارت بانک مرکزی عمل می‌کنند. شجاع‌الدینی با بررسی آمار ترازنامه سیستم بانکی، بیان کرد: ۹۴ درصد پایه پولی از خالص دارایی‌های خارجی، ۲۴ درصد از بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و ۱۵ درصد منفی از خالص بدهی دولت تشکیل شده است. همچنین ۷۴ درصد منابع نقدینگی از بدهی بخش غیردولتی و تنها ۷ درصد از بخش دولتی تامین می‌شود. وی افزود: آثار تجدید ارزیابی دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، نقش مهمی در افزایش پایه پولی داشته است. شجاع‌الدینی تأکید کرد: بانک مرکزی باید با بازنگری در سیاست‌های خود، تعادل بهتری بین کنترل نقدینگی و مدیریت تورم ایجاد کند.



محمد شیرجیان، معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی که از دیگر اعضای این نشست بود اظهار داشت: در یک دهه‌ونیم اخیر به دلیل شوک‌های بیرونی بر اقتصاد و تحمیل سلطه‌های مختلف دچار تورم بالا بوده‌ایم. این مسائل موجب شده که بانک مرکزی استقلال کافی در استفاده از ابزارهای مختلف را نداشته باشد.

وی افزود: در سال‌های اخیر شوک‌های سیاسی خارجی و امنیتی موجب هراس مردم و سرمایه‌گذاران شده است. این رفتار موجب تشدید انتظارات منفی و بدبینی فعالان اقتصادی نسبت به آینده اقتصاد شده است. با یک شوک سیاسی تولیدکنندگان و بنگاه‌های اقتصادی به یکباره تقاضای خود را افزایش می‌دهند و این موجب ایجاد تقاضای کاذب می‌شود.

معاون سیاستگذاری پولی بانک مرکزی با بیان اینکه از سوی دیگر مردم نیز در این شرایط تقاضای ارزی خود را برای حفظ ارزش پول بالا می‌برند، گفت: هراس، انتظارات منفی و افزایش تقاضا منجر به افزایش نرخ ارز و در نهایت موجب افزایش نرخ تورم خواهد شد. در این شرایط حجم نقدینه‌خواهی بنگاه‌ها افزایش پیدا می‌کند که منجر به رشد نقدینگی بالاتر و شکل‌گیری چرخه تورمی خواهد شد. شیرجیان ادامه داد: در کوتاه‌مدت رابطه بین نرخ ارز مرکز مبادله و نرخ تورم تولیدکننده بسیار بالاست. ۹۰ درصد واردات کشور ملزومات تولیدی است و وقتی نرخ ارز مرکز مبادله



صلح پایدار خواسته ایرانیان

شدن این دو شاخص بدبخت‌تر شدن میلیون‌ها ایرانی تهیدست و کم‌درآمد و همچنین پدیدار شدن الیگارشی‌های ترسناک و نیز نابرابری گسترده و ژرف و رشد رانت‌خواری و فساد است. از سوی دیگر اما ناتوانی اقتصاد ایران قدرت چانه‌زنی در برابر دیگر کشورها را از ایران سلب کرده است.

در چنین شرایطی که ناترازی‌ها نیز مزید بر علت شده و آسایش شهروندان از آنها گرفته شده و تولید با افت روبه‌رو است همه امید شهروندان به گفت‌وگوهایی است که به نظر می‌رسد شاید ادامه یابد.

جمهوری اسلامی نیک می‌داند برای اینکه روزگار بدتر از این نشود و شهروندان سراسیمه‌تر نشوند باید راهی برای آسایش ذهنی آنها بیابد. گفت‌وگوهای صلح که باید ادامه یابد فرصت مناسبی است که با رسیدن به یک نقطه عطف و سپری کردن دیدگاه تضاد به صلحی پایدار در حوزه اقتصاد برسیم. شهروندان بی‌تاب شده‌اند و راه‌های بیشتری برای رفتن از این مرحله به چشم نمی‌آید. برای آشتی بزرگ آماده شویم و راه تازه‌ای برای مشارکت بیشتر شهروندان در اداره کشور باز کنیم. ناسازگاری و نیز زندگی در شرایط غیرعادی آینده خوب را به تصویر نمی‌کشد.

برخی اندیشه‌ها و هواداران آنها باور دارند جنگ و خشونت را نباید یکسره نیست و نابود دانست و از ورود به آن خودداری کرد. گروهی می‌گویند آدمیان و جامعه‌ها باید برای نگهداری از جان و مال و آسایش و آرامش‌شان در برابر دیگران آماده جنگ هم باشند. برخی دیگر از اندیشمندان و بیشتر آدمیان اما باورشان این است کاش هرگز جنگی درنگیرد و شهروندان جهانی با پاسداری از ارزش‌های دوستی و آشتی بودن به بهترین روزها برسند و از ریختن آتش بر سر دیگران خودداری کنند. به نظر می‌رسد دنیای امروز با پویش از دورانی که کشورها به هر بهانه‌ای با یکدیگر ستیز می‌کردند تا اندازه‌ای عبور کرده است. شوربختانه جمهوری اسلامی ایران اگرچه پس از جنگ بزرگ و ویران‌کننده با عراق دیگر جنگ نظامی نداشته اما واقعیت این است که در جنگ اقتصادی بزرگی به سر می‌برد. مقام‌های ارشد ایرانی بارها به این مقوله مهم اشاره و تصریح کرده‌اند که جمهوری اسلامی با غرب در شرایط جنگ اقتصادی قرار دارد و در حالت نه جنگ نه صلح به سر می‌برد. نتیجه وضعیت جنگ اقتصادی این است که نرخ تورم از سال ۱۳۹۷ به این سوء افسارگسیخته‌تر شده و رشد اقتصادی نیز با بال‌های سوخته قدرت پرواز نداشته و ندارد. برآیند بدتر

تاراج ادامه دار رانت خواران



در حالی که میلیون‌ها شهروند ایرانی دلپره تامین هزینه‌های روزمره زندگی را دارند و از بی‌ثباتی رنج می‌برند و هر روز گوش خود را به رسانه‌های شنیداری و چشم خود را به رسانه‌های نوشتاری سپرده‌اند که خبر خوشی از مذاکرات نفس‌گیر ایران و آمریکا بشنوند و ببینند رانت‌خواران ایرانی همچنان سرگرم تاراج دارایی آن‌ها هستند.

رانت‌خواران هرگز دقیقه‌ای را از دست نمی‌دهند و در هر سوراخی که می‌شود از آن رانت خورد فرو می‌روند تا بر میزان دارایی خود بیفزایند و از غفلت بزرگ بهره‌برداری کنند. این اتفاق در راهروهای تاریک و تاریک و دور از چشم شهروندان و البته با آگاهی تام و تمام مدیران و اداره‌کنندگان نهاد دولت و دیگر نهاده‌ها رخ می‌دهد. نکته تلخ ماجرا اینجاست که مدیران ارشد کشور در برابر کارشناسان و علاقه‌مندان به اقتصاد سیاسی آدرس‌ها را می‌دهند و راه‌ها را نیز نشان می‌دهند که دیگری نیز به این صف‌ها پیوندند.

یکی از گرفتاری‌های بزرگ شهروندان ایرانی بیرون کشیدن سرمایه از ایران و بردن آن به دیگر کشورها از سوی رانت‌خواران است.

این اتفاق تلخ البته هرگز از چشم مدیران و کارشناسان دور نمانده است. سیدحمید پورمحمدی، رییس سازمان برنامه و بودجه و یکی از آگاه‌ترین مدیران به درزها و شکاف‌هایی که سرمایه‌ها از آن جاها نشت کرده و به بیرون از ایران برده می‌شود، در نشست تخصصی که برای بهتر شدن سیاست‌گذاری اقتصادی برگزار شده بود با صراحت اعلام کرد: روند خروج سرمایه از کشور شتاب گرفته است. یک اقتصاددان ایرانی نیز گفته است سالانه ۲۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج می‌شود. این پدیده تنها به دلیل این است که نرخ ارز چندان در کشور وجود دارد.

یک راه دیگر رانت‌خواری در ابعاد بزرگ که از زبان رییس بانک مرکزی بیان شد میزان وام‌هایی است که بدهکاران بزرگ بانکی به ملت بدهکارند و پول آن‌ها را گرفته و به بانک‌ها بر نمی‌گردانند. رقمی معادل ۶۶۵ هزار میلیارد تومان

از سپرده‌های ایرانیان در اختیار بدهکاران رانت‌خوار است. این اتفاق نیز به دلیل نرخ‌های پایین بهره بانکی و نیز نرخ تورم رخ داده است. به این عدد می‌توان بی‌ارزی را نیز اضافه کرد که سال‌هاست صندوق توسعه ملی می‌خواهد آن‌ها را پس بگیرد اما نمی‌تواند. رانت‌خواری خاموش و پنهان دیگر چیزی است که وزیر کار در جلسه علنی مجلس بر زبان آورد و از نفوذ مهره‌های بی‌صلاحیت به مدیریت شرکت‌های بزرگ وابسته به سازمان تامین اجتماعی خبر داد و گفت این افراد میلیارد‌ها تومان هزینه می‌کنند که کسی آن‌ها را از میز مدیریت دور نکند. رانت‌خواران تعطیلی ندارند و به هر بهانه کشور را غارت می‌کنند و کسی هم انگار نمی‌خواهد یا نمی‌تواند جلوی آن‌ها را بگیرد.

اقتصاد سیاسی صنعت را به دام انداخت

با این حال، ضعف در خودمختاری بوروکراتیک و نفوذ ملاحظات سیاسی در تخصیص منابع، مانع از بهره‌وری این طرح‌ها شده است. جوهاژ و لین به نمونه‌هایی مانند ژاپن و کره جنوبی اشاره می‌کند که در آن‌ها نهادهای خودمختار با استخدام شایسته‌سالار، موفقیت سیاست‌های صنعتی را تضمین کردند. در ایران، فقدان چنین خودمختاری اجرای سیاست‌های صنعتی را با مشکل مواجه کرده است.

مفهوم جای‌گیری (embeddedness) به توانایی بوروکراسی در تعامل با بخش خصوصی و کسب اطلاعات از ذی‌نفعان اشاره دارد. در ایران، این تعامل اغلب به دلیل فقدان یا کارکرد محدود نهادهای هماهنگ‌کننده مانند شوراهای مشورتی عمومی-خصوصی، محدود است. اقتصاد سیاسی سیاست‌های صنعتی در ایران تحت تاثیر محدودیت‌های سیاسی و توانمندی‌های دولت است.

با الهام از مطالعات جوهاژ و لین، ایران می‌تواند با تقویت خودمختاری بوروکراتیک، ایجاد نهادهای هماهنگ‌کننده و طراحی

سیاست‌های صنعتی در ایران تحت تاثیر محدودیت‌های سیاسی متعددی قرار دارند که انتخاب و اجرای این سیاست‌ها را شکل می‌دهند. این محدودیت‌ها به‌ویژه در زمینه سیاست‌های صنعتی و توسعه اقتصادی مشهود هستند. به دلیل تغییرات مکرر در سیاست‌ها، شرکت‌ها ممکن است به سرمایه‌گذاری‌های لازم برای رقابت‌پذیری در بازارهای جهانی اطمینان نداشته باشند.

جدا از محدودیت‌های سیاسی، توانمندی دولت یکی دیگر از عوامل کلیدی در موفقیت یا شکست سیاست‌های صنعتی است. در ایران، بوروکراسی دولتی با چالش‌های متعددی مواجه است که توانایی اجرای سیاست‌های صنعتی را محدود می‌کند.

بوروکراسی ایران اغلب با مشکلاتی مانند عدم شایسته‌سالاری در انتصابات، دخالت‌های سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها و کمبود منابع مالی و انسانی مواجه است. برای مثال، در دهه‌های گذشته، تلاش‌هایی برای توسعه صنایع دانش‌بنیان از طریق پارک‌های علم و فناوری صورت گرفته است.

میلسیو هم مسائل ایران را حل نکرد



ساعت ۲۴ - آرتور میلسیپوی آمریکایی از کارشناسان مالی ارشد در آمریکا بود که در سال ۱۳۰۱ به ایران آمد تا بر مالیه ایران ریاست کند و این بخش از اقتصاد را سامان دهد. مشهور است وقتی به ایران آمد گروهی از صاحب‌منصبان دارایی را فراخواند تا اطلاعاتی درباره وضعیت آن روز و تنگنانهایی که راه ورود او را باز کرده بودند برای شروع به کار داشته باشد. او از آن‌ها خواست تنگنانهایی مالی را بازگو کنند و خود یادداشت می‌کرد. پس از پایان حرف‌های ایرانیان، میلسیپو گفت: به‌نظر من می‌رسد که شما هر کدام‌تان می‌توانید این وزارتخانه را مدیریت کنید زیرا به مشکلات آگاه هستید.

با این‌همه میلسیپو از ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ همه‌کاره مالی در ایران ماند و با ۹ نفر از وزرای دارایی ایران کار کرد که عبارت بودند از: خلیل فهمی، میرزا حسن کمال هدایت، علیرضا بهاء‌الملک، محمدعلی فروغی، محمود جم، مرتضی قلی‌خان بیات، حسن وثوق، حسن اسفندیاری و فیروز فیروز مشهور به نصرت‌الدوله.

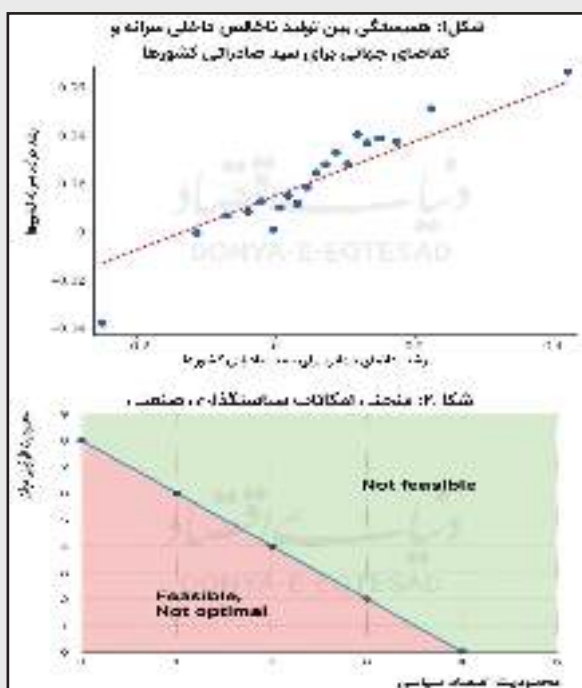
اکنون در ایران امروز می‌توان ده‌ها نشست و همایش ملی و استانی و تخصصی را دید که حاضران در بیان مشکلات و نشان دادن گره‌ها همانند کسانی که در آغاز قرن گذشته به میلسیپو گزارش دادند می‌توانند به همدیگر و به مقام‌های ارشد و به شهروندان بگویند مشکلات صنعت، بانکداری، ارزی و پولی، معدنی، تجارت خارجی و... را گزارش دهند اما دریغ از اینکه یک گره از گره‌ها باز شود.

اقتصاد ایران انبوهی از گره‌های ریز و درشت در درون خود دارد که باید روزی به آن‌ها رسیدگی شود و شاید بسیاری از آن‌ها تاریخ مصرف‌شان تمام شود. نگارنده پیشنهاد می‌کند مدیران ارشد دولت، گروهی از زبندگان مجلس و نیز نهادهای دیگر حکومتی جمع شده و اراده کنند یکی از مسائل را برای اینکه همه گیرها و گرفتاری‌هایش برطرف شود، یافته و راه‌حل‌های آن را

نیز ارائه و بدون اینکه راه‌ها بست شوند تا آخر پیش بروند.

واقعیت این است که اگر این اتفاق بیفتد در مسیر حل کردن آن گره بزرگ شماری از مهم‌ترین مسائل نیز حل خواهد شد. به‌طور مثال آیا می‌توان تصور کرد این گروه یا هر نهاد دیگر داستان نرخ ارز را در دستور کار قرار دهند و با استفاده از دانش اقتصاد و تجربه ایران و جهان این مساله را با ریختن روی دایره هر چیزی حل کنند؟

به‌نظر من می‌رسد قرار نیست در ایران هیچ مساله بزرگی به‌سوی حل شدن پیش برود زیرا منافع پنهان و تاریخی و رانتی و آلوده به فساد گروهی آشکار می‌شود و چه‌بسا همان‌ها کار را ببندند.



سیاست‌های هدفمند، به بهبود نتایج سیاست‌های صنعتی خود کمک کند. این رویکرد نه‌تنها به توسعه اقتصادی پایدار کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز تغییرات مثبت در تعادل سیاسی کشور باشد.

شکل ۲ حالتی فرضی از یک منحنی امکانات سیاست‌گذاری صنعتی است که شبیه خط بودجه در اقتصاد خرد است. کشورهای در حال توسعه با بازارهای داخلی کوچک می‌توانند از سیاست صنعتی مبتنی بر صادرات برای توسعه استفاده کنند. انتخاب صنایع با پتانسیل رشد بالا و استفاده از ابزارهای هدفمند می‌تواند ریسک شکست را کاهش دهد.

اگرچه انتخاب «برندگان» با قطعیت ممکن نیست، اما دولت‌ها می‌توانند با تحلیل داده‌های تجاری و تمرکز بر صنایعی با مزیت نسبی، ارتباط تکنولوژیک یا بازارهای رو به رشد، شانس موفقیت را افزایش دهند. بهبود حکمرانی اقتصادی و پاسخ‌گویی دموکراتیک نیز به موفقیت این سیاست‌ها کمک می‌کند. نکته دیگر که برای ایران نیز اهمیت دوچندان دارد سرمایه‌گذاری برای توسعه ظرفیت دولتی در حیطه اجرای سیاست‌های صنعتی است.

مزیت بزرگ سازگاری از دست نرود

هر گونه مدارا با کشورهای دیگر و به ویژه غرب را سرزنش کرده و آنها را از چرخه تصمیم‌گیری کشور بیرون انداخته است. مجادله نیم قرن اخیر با غرب و دوری از سازگاری با بخش نیرومند و بالنده جوان و استیلای الزام‌های نگاه تضاد سرزمین، مردم و اقتصاد ایران را به سوی نابودی تدریجی سوق داده است. ایرانیان هر روز که خبرهای تازه از نو شدن تکنولوژی تولید صنعتی در جهان می‌بینند و می‌شنوند حسرت می‌خورند که چرا از کاروان تکنولوژی دور مانده‌اند و ناگزیرند کالاهای با کیفیت پایین مصرف کنند. ایرانیان هرگاه می‌شنوند و می‌خوانند که تولید ناخالص داخلی کشور کوچک امارات از ایران کهن جلو زده حسرت می‌خورند چرا راه برای استفاده از همه مزیت‌های جهان بر کشور بسته شده است. شهروندان ایرانی وقتی خود را با کره جنوبی و ترکیه مقایسه می‌کنند تاسف می‌خورند که چرا اینقدر عقب مانده‌اند و نمی‌توانند با این دو کشور که روزگاری بسیار پایین‌تر از ایران

آدمی بر اثر گذشت زمان به این نتیجه رسید که برای زنده ماندن جز مجادله و نابودسازی دیگران راه دیگری نیز هست که آسیب آن بسیار کمتر از دوران جنگ برای زنده ماندن است. آدمی در پویش زمان نگاه سازگاری را بر نگاه تضاد برتر دانست و الزام‌ها و آموزه‌های سازگاری را به کار بست. تجربه نشان می‌دهد از روزی که این دیدگاه بر رفتار آدمی و نیز جامعه بشری حاکم شد، کامیابی انسان نیز بیشتر شده است. انسان امروز با وجود همه نابرابری‌ها میان کشورهای پیشرفته با کشورهای توسعه‌نیافته و نیز نابرابری در درون جامعه میان گروه‌های گوناگون اما وضعیت مادی بهتری پیدا کرده و نیز ضریب امنیت مالی و جانی او چه در درون سرزمین و چه از سوی همسایه‌ها بسیار بالاتر از دوران غلبه نگاه تضاد شده است.

شوربختانه جامعه ایرانی در دهه‌های تازه‌سپری‌شده در وضعیتی قرار گرفت که سازگاری را سازشکاری جا زده و

خواسته‌های مردم



اقتصاد از وضعیت فعلی چند پله پایین‌تر می‌پرد و باید با بدترین روزها روبه‌رو شویم. کارشناسان و اقتصاددانان نیز با بررسی شاخص‌های کلان اقتصاد ایران به این نتیجه رسیده‌اند اگر صلح نشود تورم و رشد اندک و سرمایه‌گذاری منفی در انتظار ایران است. اقتصاددانان نیز باور دارند تا این داستان حل نشود اقتصاد به جایی نمی‌رسد.

حالا دیگر نوبت دولت است که چشم‌انداز روشنی برای ایرانیان ترسیم کند و با ایستادگی برای محقق کردن خواست و آرزوی ایرانیان کار را به فرجام نیکویی برساند. نباید راه‌ها دوباره بسته شود. هنر سیاستمدار این است که در بدترین شرایط بهترین موقعیت‌ها را فراهم کند.

شهروندان هر جامعه پایه و اساس جامعه به حساب می‌آیند. اگر دولت و دیگر نهادهای حاکمیتی این اصل را نادیده بگیرند و خواست آنها را به هر دلیل در اولویت نخست قرار ندهند اعتماد عمومی را از دست داده و مقبولیت‌شان مخدوش می‌شود.

نکات در پیش گفته‌شده از درون سده‌های پشت سر هم و تجربه سهمگین جامعه‌های انسانی به دست آمده است. اگر دولتی به هر دلیل توانایی گفت‌وگو با بالنده با شهروندان را از دست دهد و دنبال منافع خود و پشتیبانان سیاسی‌اش باشد به آرامی از ذهن و دل شهروندان می‌رود و در این صورت نباید انتظار داشته باشد شهروندان در روز مبدا به یاری بیایند. واقعیت این است که شوربختانه جامعه ایرانی به سویی رانده شده است که شهروندان به دولت و نهادهای دیگر اعتماد ندارند. این عدم اعتماد به نهادهای یادشده در انتخابات تیرماه سال گذشته آشکار شد. همچنین اعتراض‌های پرشمار بازنشستگان، پرستاران و معلمان در گوشه و کنار کشور نشان می‌دهد دیگر به وعده‌ها باور ندارند.

شهروندان ایرانی می‌خواهند کشور از حالت جنگی خارج شده و به صلح برسد و آنها نیز با کوشش و نیز با کار آبرومندانه در آمدی قابل قبول برای زندگی به دست آورند. درست یا نادرست شهروندان می‌گویند این وضعیت جنگ اقتصادی و سیاسی با آمریکا راه را برای زندگی عادی بسته است و باید این راه باز شود.

ایرانیان اما نگران این هستند که به هر دلیل مذاکرات با آمریکا به جایی نرسد و داستان ادامه‌دار نه جنگ نه صلح و تشدید تحریم‌ها ادامه داشته باشد و کسب و کار و معیشت آنها از این هم که هست بدتر شود. شهروندان تهیدست از تورم سرسام گرفته و از بی‌ثباتی سیاسی خسته شده و آرزو می‌کنند چند سالی آرام زندگی کنند. فعالان اقتصادی نیز از بی‌ثباتی اقتصادی گلایه دارند و باورشان این است که اگر مذاکرات راه به صلح نبرد



بودند رقابت کنند. واقعیت تلخ این است که پس از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، حاکمان ایران به دلایل گوناگون که جای تشریح آن در این نوشته کوتاه نیست نگاه تضاد و تراحم با دنیا به ویژه آمریکا و غرب را جانشین نگاه سازگاری کردند و در یک فرآیند ۴۶ ساله، کشور به نقطه نامطلوبی رسیده است. حالا و پس از نزدیک به نیم قرن دوری ایران از نگاه سازگاری به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده است که برخلاف خواسته‌اش با آمریکایی‌ها گفت‌وگو کند تا شاید بشود راهی برای سازگاری پیدا کرد. اقتصاد ایران به نقطه‌ای در پایین افتاده است و اگر گفت‌وگوها به توافق نرسد وضعیت بدتر خواهد شد. شهروندان ایران انتظار دارند برای یک دوره میان مدت هم که شده است ایران با نگاه سازگاری اداره شود.

بالا و پایین شدن دلار بر اساس تئوری بال پروانه



آیا می‌توان کسب‌وکار و زندگی و معیشت ایرانیان را از پیامدهای سیاست خارجی در دنیای به شدت یکپارچه شده امروز دور نگه داشت؟ بدیهی است هر آدم یا گروهی که این آرزو را در ذهن و دل می‌پروراند یا آرزوی سیاسی اوست به بیراهه رفته و با دیدن رخدادها خشمگین می‌شود. واقعیت این است که در دنیای به هم تنیده شده و به هم وابسته، تئوری بال پروانه‌ها با مقبولیت بیشتری روبه‌رو شده است.

کارشناسان نوشته‌اند ایده کلی اثر پروانه‌ای این است که رویدادهای کوچک و به ظاهر پیش پا افتاده ممکن است در نهایت به عواقب بسیار بزرگ‌تری منجر شود. به عبارت دیگر، آنها بر سیستم‌های بسیار پیچیده اثرات غیرخطی دارند. برای مثال، بال‌زدن پروانه‌ای در نیومکزیکو می‌تواند باعث تغییرات کوچکی در فشار هوا شده و در نهایت به طوفانی در چین منجر شود. این قانون پروانه‌ای ممکن است زمان زیادی ببرد اما ارتباط بین این دو رخداد واقعی است. اگر آن پروانه بال‌هایش را در نقطه زمانی - مکانی درست به هم نزده بود، آن طوفان رخ نمی‌داد.

به صورت دقیق‌تر، تغییرات کوچک در شرایط اولیه به تغییرات شدید در نتایج منتهی می‌شود. زندگی آدمیان و جامعه‌های انسانی بازنمایی همیشگی این اصل است. حالا اگر بزرگنمایی این تئوری و دور بودن پذیرش آن از سوی بسیاری از آدمیان را کنار بگذاریم قبول نکردن بر هم شدن و درهم شدن رفتار جمهوری اسلامی و نظام سیاسی آمریکا در دگرگونی درون سرزمینی هر کدام از دو نظام سیاسی دیگر قابل قبول نیست.

در این برهم شدن‌ها اما باید قبول کرد آمریکا کمتر از نظام سیاسی ایران و شهروندان آمریکایی به مراتب بسیار کمتر از شهروندان ایرانی در مسیر تغییرات قرار می‌گیرد. اگر ایران برای زندگی عادی خود نیاز به دلار دارد، آمریکا سرزمین چاپ را داراست، اگر تجارت جمهوری اسلامی در اندازه ۱۱۰ میلیارد دلار است، آمریکایی‌ها تنها در سال ۵۰۰ میلیارد دلار از

چین کالا وارد می‌کنند و در این دادوستد اصولاً ریال ایران ردپایی ندارد. در چنین وضعیتی همانطور که دیروز در این ستون یادآور شدیم روند واژگونه تبدیل نرخ ریال به دلار را که به سوی بهبودی به سود ریال ایران بود حالا می‌بینیم. این وضعیت تازویی که تاریخ گفت‌وگوهای بعدی و نیز توافق‌های پیش از آن برای چارچوب توافق آشکار نشود ادامه خواهد داشت. نوسان‌های پرشتاب و نیز پردامنه در اقتصاد ارز می‌تواند بنیان‌های تعادل نیم‌بند فعلی را با لرزش‌های کنترل‌ناپذیر روبه‌رو سازد. مقام‌های ایرانی باید در جاده‌ای راه بروند که بن‌بست نباشد و نیز از عناصر مدارا و نرمش بهره‌مند باشد. نباید شهروندان را در پهن و سراسام رها کرد.

ایران باید بزرگ بماند



همانطور که این استاد دانشگاه بر کلی باور دارد موقعیت بسیار حساس ژئوپلیتیک ایران به اندازه‌ای اهمیت دارد که ایالات متحده و چین بالاترین کوشش‌ها را برای اینکه ایران در جبهه آنها باشد، می‌کنند. شوربختانه این موقعیت بسیار ارزشمند جغرافیایی در این سال‌ها چندان کارآمد به کار گرفته نشده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ایرانیان دلسوز به این مرز و بوم که به هر دلیل از ایران رفته‌اند سرمایه‌ای بی‌بديل برای پیشرفت ایران به حساب می‌آیند که باید بتوانند از این توانایی‌ها برای ایران ارجمند استفاده کنند. شأن ایران نیست که اقتصادش از امارات هم عقب بیفتد.

این روزها ایرانیان با بهت و دلهره چشم به دهان نماینده جمهوری اسلامی و نیز نماینده آمریکا دوخته و امیدوارند گفت‌وگوی دو نظام سیاسی که ۴۶ سال است ناسازگاری راهبردی را در برابر هم آزمایش کرده و می‌کنند برآیندی داشته باشد که به صلح و آشتی دو کشور برسد. حقیقت این است که خصومت دو نظام سیاسی در این دوره درازمدت چیزی جز آسیب به سرزمین ایران و نیز ایرانیان نداشته است. شاید برخی بگویند جمهوری اسلامی توانسته است با ایستادگی درازمدت در برابر آمریکا نام ایران را بر سر زبان جهانیان نگه دارد اما از سوی دیگر باید این واقعیت را قبول کرد که کسب‌وکار و معیشت شهروندان ایرانی و نیز زیرساخت‌های ایران کوچک شده است. این داوری همه مدیران و نیز مورد قبول نهادهای رسمی جمهوری اسلامی است که ایرانیان در سختی به سر می‌برند. شاید در چنین وضعیت غمباری این پرسش پیش آید که آیا ایران اسباب بزرگی دارد و می‌توان با رسیدن به یک حکمرانی کارآمد اقتصادی، کشور را از چاله‌هایی که در آن افتاده رها کرد؟ برخی اقتصاددانان می‌گویند شاید دیر شده باشد و سرمایه لازم برای اینکه ایران بزرگ و از جاده کوچک شدن دور شود دیگر نیست اما گروهی از اقتصاددانان و کارشناسان باور دارند هنوز ایران اسباب بزرگی دارد. دکتر ناصر کرمانی، استاد اقتصاد دانشگاه برکلی در یک گزارش از توانایی‌ها و مزیت‌های راهبردی ایران نوشته است: «ایران در دو سطح مزیت‌های رقابتی در فضای جهانی دارد؛ سطح نخست «وجود عظیم منابع هیدروکربن، نیروی انسانی متخصص در داخل و خارج کشور، موقعیت ژئوپلیتیک بسیار حساس و نیز تمدن چند هزار ساله است.» علاوه بر این ایران برای سطح دوم مزیت‌های رقابتی برای بزرگ شدن می‌تواند به «زیرساخت‌های صنعتی قوی به ویژه صنایع معدنی، پتروشیمی و قطعات خودرو، مزیت در تولید شماری از محصولات کشاورزی و دامی با ارزش افزوده بالا، توانایی صادرات خدمات فنی و مهندسی اتکا کند.»

بخش واقعی اقتصاد در سرازیری

واقعیت این است که اقتصاد ایران از ۱۳۹۰ به این سو هرگز با روزهای خوش پایدار آشتی نکرده و شاخص‌های اقتصاد کلان نیز در بدترین وضعیت قرار دارند. این روند به ویژه در بخش سرمایه‌گذاری بدترین حالت را دارد. رشد لاکپشتی سرمایه‌گذاری و رشد ضریب استهلاک موجودی سرمایه‌ها به ویژه سرمایه‌های تاریخی صورت گرفته در زیرساخت‌ها فضایی ناامیدکننده درست کرده است. قطعی برق از همین فروردین شروع شده و ناترازی بنزین و آب و گاز نیز مزید بر علت شده‌اند و به نارضایتی‌ها دامن می‌زنند. اگر قصدی وجود دارد که اقتصاد ایران از گرداب بیرون آید و شهروندان از فقر روبه گسترش دور شوند و بنگاه‌ها به سوی تعطیلی نروند مدیران جامعه باید به فکر سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و تازه باشند. روزنه‌های سرمایه‌گذاری در ۱۵ سال تازه سپری شده به آرامی تنگ و تاریک شده‌اند و اگر نوری بر آنها تابانده نشود و جلوی بسته شدن بیشتر را نگیریم به فاجعه می‌رسیم. دولت چهاردهم در این وضعیت می‌تواند و باید گزارشی کارشناسانه از پیامدهای خاموش شدن موتور رشد برای ارائه به کشور تهیه و خواستار باز شدن راه سرمایه‌گذاری باشد. با دست فرمان فعلی زیرساخت‌ها با عدم تعادل‌های ترسناک روبه‌رو خواهند شد.

راهبرد سیاست خارجی از گفت‌وگو نکردن با آمریکا به هر دلیل به گفت‌وگوهای غیرمستقیم تغییر کرده است و امروز وزیر خارجه ایران با مقام آمریکایی درباره مسائل دوجانبه و به‌ویژه درباره پرونده هسته‌ای ایران حرف خواهند زد. این گفت‌وگو که از شنبه پیش شروع شده است بازارهای سرمایه‌گذاری مثل بازار سهام، طلا و سکه و نیز بازار ارز را با تغییرات قابل اعتنایی روبه‌رو کرده است.

این داستان به‌ویژه درباره دلار که در کانون توجه بیشتری است تا جایی پیش رفته که رییس‌جمهور اسبق، حسن روحانی از دلار تازه‌ای به اسم دلار عباس عراقچی گفته است. واقعیت هم این است که وقتی عراقچی خوشحال به نظر می‌رسد قیمت دلار در سرازیری می‌افتد و در برابر ریال کم‌ارزش‌تر می‌شود اما وقتی عباس عراقچی افسردگی می‌گیرد دلار به سوی بالا می‌رود. بدیهی است روند دیگر بازارها نیز از بازار دلار تاثیر می‌پذیرند. با تصور اینکه عباس عراقچی تا چند وقت دیگر خوشحال است می‌توان تصور کرد بازارها در نقاط گوناگون آرام بگیرند اما آیا این برای عبور اقتصاد ایران از گردابی که در آن افتاده کافی است.

خصوصی سازی به بن بست رسید



در میان صدها خبری که خبرگزاری‌های رسمی و دیگر رسانه‌ها از رویدادهای ایران به اطلاع شهروندان رساندن بیشتر از همه خبرهایی که درباره پیامدهای مذاکرات ایران و آمریکا بر بازارهای دارایی‌های قابل دادوستد بود، خوانده و شنیده شد. در میان خبرهای با اهمیت که بازتابی اندک در رسانه‌ها داشت یکی هم خبری بود که منوچهر متکی، عضو ناظر مجلس شورای اسلامی در هیات واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی به بخش غیردولتی داد. او با انتقاد از عملکرد سازمان خصوصی سازی اعلام کرد: در این سازمان تنها ۸ درصد از واگذاری‌ها به بخش خصوصی واقعی انجام شده است.

خصوصی سازی یا همان واگذاری اموال دولتی به بخش خصوصی یکی از سیاست‌های کلان اقتصادی در ایران است که با هدف افزایش بهره‌وری، کاهش بار مالی دولت و ارتقای رقابت در اقتصاد، از دهه ۸۰ به طور جدی تری پیگیری شد با این حال نحوه اجرای این سیاست و نتایج حاصل از آن همواره محل بحث کارشناسان و فعالان اقتصادی بوده است. او تأکید کرده است اگرچه در ظاهر هدف از خصوصی سازی، واگذاری بنگاه‌ها به بخش خصوصی واقعی بود اما در عمل، بخش قابل توجهی از این شرکت‌ها به نهادهای شبه دولتی، صندوق‌های بان‌نشستگی، بانک‌ها یا شرکت‌های خصولتی واگذار شدند. این امر موجب شد نه تنها از حجم دخالت دولت در اقتصاد کاسته نشود بلکه ساختار مالکیت شرکت‌ها پیچیده‌تر و ناکارآمدتر شود.

واقعیت این است که نهادهای و گروه‌های پیدا و پنهانی که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ در تار و پود اقتصاد ایران آشیانه ساختند راه‌هایی برای ماندگاری مدیریتی و مالکیتی بر صدها بنگاه دولتی آفریدند و برج و بارویی رسوخ‌ناپذیر گرداگرد آن ساختند که هنوز نیز ادامه دارد. در همه سال‌هایی که در دولت‌های گوناگون داستان خصوصی سازی روایت می‌شد این گروه‌های نافوذ درون نهادهای حاکمیتی توانسته‌اند راه‌ها

را به سویی بکشند که بخش خصوصی واقعی راهی برای نفوذ در آن نیابد. نکته با اهمیت دیگر در پیرامون این روایت تلخ این است که بخش خصوصی ایران نیز هیچ اعتمادی به مدیریت کلان اقتصادی نداشته و با زیرکی خود را از ورود به ماجرای پرپیچ و خم دور نگه داشته است. می‌دانیم که شاخص اعتماد به نهادهای حاکمیتی از سوی گروه‌های گوناگون می‌تواند معیاری برای نیرومندی حقیقی و صوری رژیم‌ها و دولت‌ها باشد. نظام اقتصادی جمهوری اسلامی به مثابه بخش مهمی از نظام در این داستان نمره قبولی نگرفته است. اینگونه شده که اقتصاد ایران در دام بلا افتاده است.

روایت دلار در ایران

درآمد ارزی در ماه‌های آینده نزدیک فراخ می‌کند، فعالان اقتصادی ترجیح می‌دهند تقاضای موثر برای ارز را در روزهای آتی انجام دهند. از سوی دیگر این احتمال وجود دارد بخشی از ارز موجود در خانه شهروندان از هراس سقوط بیشتر ارزهای معتبر در صف فروش قرار گرفته باشد. این احتمال که صادرکنندگان برای جلوگیری از آسیب بیشتر، ارزهای خود را در بازار عرضه کنند نیز وجود دارد. این رخدادها بیشتر از همه جنس اقتصادی دارند اما از اقتصاد سیاسی سرچشمه می‌گیرند.

مساله بسیار با اهمیت در افت و خیز نرخ تبدیل دلار به ریال این است که مدیران اصلی کشور بدانند عرضه و تقاضای ارز به صورت روزانه یا حتی انتظارات آتی از روندها بر قیمت این کالا موثر است و به این ترتیب باید دست از غوغا سالاری‌های سیاست‌بازانی که در همین چند ماه گذشته وزیر اقتصاد را برکنار کردند که چرا قیمت دلار را افزایش داده برداشته و توجه کنند دلار هم یک کالا است و در بدترین حالت یک کالای انحصاری است. اگر می‌خواهیم دلار سرنوشت زندگی و سیاست ایرانیان را در دست نگیرد دست از سر آن بردارید.

یک جناح سیاسی در ایران که باور دارد یا در آشکار می‌گوید قیمت دلار در این سال‌ها به دلیل سیاست‌های اقتصادی دولت‌های غیراصولگرا روندی فزاینده در بازار ارز ایران را تجربه کرده این روزها از یک سو خرسند است که قیمت این پول جهانی در سرازیری افتاده، از دیگر سو می‌خواهد آن را به دیگر رخدادها پیوند بزند. واقعیت اما این است که انتظارات از بازار سیاست خارجی در همین چند روز نسبت به هفته‌های تازه پشت‌سر گذاشته شده از سوی شهروندان ایرانی و نیز فعالان اقتصادی از نگاه تیره و تار و نزدیک به جنگ دور و به صلح و آشتی نسبی نزدیک شده است. این اصل داستان است و نباید به مسائل دیگر آلوده‌اش کرد. مقام‌های اداره‌کننده کشور در جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند شاید بتوانند با گفت‌وگو خطر را از خود دور کنند و به همین دلیل نخستین گام‌ها برای کاهش تنش را برداشته‌اند.

در این فضا اما چند رخداد در بازار ارز را می‌توانیم ببینیم. کاهش شتاب تقاضا برای خرید ارز از سوی فعالان اقتصادی به امید اینکه قیمت‌ها در بازار باز هم کاهش را تجربه کند، یک دلیل مهم برای کاهش نرخ ارز به حساب می‌آید. در شرایطی که بازار سیاست خارجی راه را برای افزایش

برای تسخیر اتاق مشتاقند



مستقر نیز می‌توانند با استفاده از قدرت خود به ویژه معاونت پارلمانی و معاونت حقوقی به کمک اتاق‌های بازرگانی بیایند. نهاد دولت به ویژه دولت چهاردهم که در هر فرصت می‌گوید توسعه بدون بخش خصوصی ممکن نیست و می‌گوید که از همه ابزارها برای حمایت از بخش خصوصی حمایت می‌کند باید در این روزها به کمک اتاق بیایند. اعضای از مجلس که به هر دلیل و با استناد به برخی مسائل ناشناس می‌خواهند اتاق بازرگانی را به یک نهاد ضعیف تبدیل کنند یادشان باشد همیشه در این منصب نمی‌مانند و باید برای آینده کشور فعالیت کنند. به هر میزانی که نهادهای خصوصی تضعیف و نهادهای دولتی و شبه‌دولتی تقویت شوند به اقتصاد کشور آسیب می‌رسد. رسانه‌های ایرانی نیز می‌توانند به تشکلهای و به اتاق بازرگانی کمک کنند تا خیزش آزمندانه تازه برای تسخیر اتاق‌ها به نتیجه نرسد.

اتاق بازرگانی ایران و نیز اتاق‌های بازرگانی استان‌ها، از انگشت‌شمار نهادهای بخش خصوصی هستند که قانون داشته و به‌طور نسبی از نهادهای قدرت استقلال دارند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نهادهای قدرت به‌ویژه دولت‌ها کوشش کرده‌اند تا جایی که می‌شود استقلال این نهادها را کاهش داده و سهمی از قدرت آنها را به خود اختصاص دهند. این آزمندی نهادهای قدرت در مجلس یازدهم و دولت سیزدهم نمود عینی پیدا کرد و با استفاده از ترفندها و فشارهای خاص، ترکیب هیات‌رییسه اتاق را دگرگون کردند. با توجه به اینکه هیات‌رییسه فعلی همان روش و راهبرد پیشین را ادامه داده و این نهاد را محلی برای بیان خواسته‌های بخش خصوصی کرده است، به نظر می‌رسد خیزش تازه از آزمندی برای سهم‌خواهی در این نهاد راه افتاده است. خبرهایی از این‌سو و آن‌سو به گوش می‌رسد که قرار است قانون تازه‌ای برای اتاق بازرگانی نوشته شده و در این قانون علاوه بر تغییر در وظایف ذاتی اتاق و بخش خصوصی برخی نهادهای دیگر به اتاق افزوده شوند و از مسیر این نهاد تازه‌تاسیس که نام نظارتی بر آن گذاشته شده است، استقلال اتاق نادیده گرفته شود.

در روزهای تازه سپری شده برخی مدیران سابق اتاق و اعضای فعلی هیات‌نمایندگان درباره قانون جدید هشدار داده‌اند. به نظر می‌رسد نهاد اتاق به ویژه هیات‌رییسه اتاق بازرگانی در برابر رفتارهای آزمندانه باید هوشیار و کوشا باشند و از همین نخستین روزها راه را ببندند و با استفاده از نهادهای دیگر به هر فرد و گروه هشدار دهند که نباید استقلال اتاق نادیده گرفته شود. اعضای هیات‌رییسه اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور و نیز تشکلهای کارفرمایی عضو اتاق بازرگانی ایران می‌توانند و باید با ارائه راهکارهای کارشناسی و اعتراض‌های علمی به رفتار ناشناس برای نادیده گرفتن بخش خصوصی اقدام کنند. دولت و نهاد ریاست‌جمهوری

فراموشی‌های عجیب

برمدار سستی بوده و هست. کاش طوری می‌شد که در دوره دولت سیزدهم که گفت‌وگوها بسیار پیش رفته بود کار رها نمی‌شد تا روزگار بدتر شود. غفلت‌های مرگبار در این باره که با سیاستگذاری و حکمرانی اقتصادی ناکارآمد همراه بوده و هست راه رشد ایران در میدان‌های گوناگون را بسته و گفت‌وگوهایی که در جریان است روزنه‌هایی برای سپری کردن دوران سخت سال‌های مورد اشاره است.

اطلاعاتی که مقام‌های اصلی اداره‌کننده اقتصاد در مراکز فرماندهی می‌دهند نشان می‌دهد اگر نشود سرمایه خارجی برای اقتصاد فراهم کرد توانایی کشور برای عبور از این روزهای سخت فرسوده شدن سرمایه‌های تاریخی هم از دست می‌رود. مقام‌های آگاه می‌گویند بدون دلارهای خارجی که باید به تن اقتصاد نیمه‌جان تزریق شود نرخ تورم در بالا می‌ماند، نرخ رشد به حداقل‌ها می‌رسد و موجودی سرمایه مستهلک شده و نیست می‌شود. بدون سرمایه خارجی که به این گفت‌وگوها بستگی دارد نمی‌توان ناترازی‌های انرژی را برطرف کرد و تولید به زمین می‌خورد. دوره غفلت‌های مرگبار در اداره ایران سپری شده و ایران جان ندارد بیشتر از این با نتوانی روبه‌رو شود.

امروز و بر پایه خبرهای رد شده از کانال‌های رسمی، کارشناسان ایرانی و هم‌تایان آمریکایی‌شان دور میز گفت‌وگو می‌نشینند تا راه‌های سخت و ناهموار در رسیدن به یک سازگاری تاریخی را برای مقام‌های بالادست خود آماده سازند. آنچه از این نشست‌ها بیرون آید دستمایه مقام‌های ارشد گفت‌وگوکننده در مسقط عمان خواهد شد. شهروندان ایرانی که با بهت و ابهام خبرهای گفت‌وگو را دنبال می‌کنند آرزو می‌کنند این گفت‌وگوها همانند داستان پر از اندوه سال‌ها مذاکره در دوره ریاست محمود احمدی‌نژاد بر دولت و ریاست سعید جلیلی بر تیم مذاکره‌کننده هدر نرود. شهروندان ایرانی از گفت‌وگوکنندگان می‌خواهند از داستان برجام درس گرفته و قراردادی منسجم‌تر ببندند. ایرانیان هنوز افسوس برجام و دو سال طلایی اقتصاد ایران پس از اجرای برجام را می‌خورند و امیدوارند در گفت‌وگوهای پیش‌رو طوری عمل شود که بتوان به یک چشم‌انداز روشن مبتنی بر حقیقت و دور از دلخوشی‌های بیهوده رسید.

بررسی زندگی ایرانیان و معیشت شهروندان ایرانی به ویژه کارگران، کارمندان و پیشه‌وران خرده‌پا و دهقانان ایرانی نشان می‌دهد از شروع سال ۱۳۹۰ تا امروز غفلت‌های مرگباری رخ داده و توانایی‌های ایران



حمایت تمام‌قد بخش خصوصی از مذاکرات و تلاش برای رفع تحریم

چالش‌ها و راهکارهای بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری در ابتدای این جلسه و در نوبت اول سخنرانان پیش از دستور، مهدی صادقی، نایب‌رئیس اتاق تهران با ارائه تحلیلی از وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران بر اساس شعار سال، به تشریح چالش‌ها و راهکارها برای رفع مشکلات این حوزه پرداخت. به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، صادقی با اشاره به رشد اقتصادی کشور طی سال گذشته که بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی حدود ۲,۵ درصد برآورد شده است، تصریح کرد که برابر پیش‌بینی‌ها رشد اقتصادی برای سال جاری در حدود ۲,۸ درصد خواهد بود.

وی سپس با بیان اینکه سرمایه‌گذاری داخلی در کشور نسبت به سال ۱۳۹۰ تقریباً به نصف کاهش یافته است، افزود: در حال حاضر نرخ رشد موجودی سرمایه خالص به تدریج روند نزولی به خود گرفته و در سال ۱۴۰۲ به میزان ۱,۲ درصد و ۹ ماهه سال ۱۴۰۳ حدود یک درصد برآورده شده است. نایب‌رئیس اتاق تهران سپس با اشاره به داده‌های بانک مرکزی روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران در نخستین گردهمایی خود در سال جدید علاوه بر تشریح برنامه‌ها و اولویت‌های خود، طی بیانیهای حمایت خود از دولت، وزارت خارجه و تیم مذاکره‌کننده را اعلام کردند. نمایندگان بخش خصوصی همچنین با اشاره به شاخص‌های کلان اقتصاد کشور بر ضرورت سرمایه‌گذاری داخلی و جذب سرمایه خارجی تأکید کردند.

نمایندگان بخش خصوصی و دولتی در سه‌شنبه پایانی فروردین ماه، نخستین نشست ماهانه خود در اتاق بازرگانی تهران را برگزار کردند. در بیست‌وششمین نشست هیات نمایندگان اتاق تهران که به ارائه گزارش‌هایی از برنامه‌ها و اولویت‌های کاری اتاق تهران و همچنین برنامه تولید و تجارت صنایع عمومی وزارت صمت اختصاص داشت، حمایت بخش خصوصی کشور از تیم مذاکره‌کننده و تلاش برای رفع تحریم‌ها نیز اعلام شد.



بر ارزش افزوده، شناسایی طرح‌های نیمه‌تمام، هدایت سرمایه‌گذاران جدید به شهرک‌های صنعتی منتخب کشور، تلاش برای رفع تحریم‌ها و فعال‌سازی خطوط اعتباری اشاره کرد.

بدعت‌گذاری بانک مرکزی و افزایش قیمت دلار



داود رنگی، دومین سخنران پیش از دستور نشست بیست‌وششم هیات نمایندگان اتاق تهران، در سخنانی به آثار تأخیر در تأمین ارز واردات نهاده‌ها در قیمت ارز پرداخت.

این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران با بیان اینکه واردات نهاده‌ها، رقم بالایی از ارز کالاهای اختصاصی را به خود اختصاص می‌دهد، توضیح داد: اگر در سال‌های گذشته، ارز واردات نهاده‌ها قبل از ورود این کالاهای به کشور تخصیص می‌یافت، از سال گذشته سیاست بانک مرکزی بر آن شد که تأمین ارز مورد نیاز این بخش به بعد از ترخیص موکول شود. یعنی زمان تأمین ارز از ۱۰ روز اکنون به حدود ۷ ماه رسیده و اکنون

را طی یک دهه اخیر نزولی عنوان کرد و یادآور شد که نرخ استهلاک سرمایه‌ها از ۱۸۰ هزار میلیارد تومان در سال ۹۰ به ۲۸۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ رسیده است.

وی همچنین به افت ۵۲ درصدی تشکیل سرمایه ثابت بخش ماشین‌آلات از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ اشاره و تصریح کرد که روند عملکرد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور نیز سیر نزولی داشته است. مهدی صادقی افزود: سهم سرمایه‌گذاری جدید از ۲۵٫۶ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۰ به کمتر از یک درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده و برخلاف سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ امید به تحقق رشد اقتصادی از طریق بهره‌برداری از ظرفیت‌های خالی اقتصاد در حال حاضر کم‌رنگ شده است. او یکی از مهم‌ترین عوامل وضعیت نامطلوب سرمایه‌گذاری در کشور را عدم تأمین مالی سرمایه‌گذاری ثابت توسط بانک‌ها عنوان کرد و افزود: پیش‌بینی می‌شود که روند عدم تخصیص تسهیلات سرمایه‌گذاری ثابت در سال ۱۴۰۴ نیز ادامه یابد که این مسئله می‌تواند مانع از رشد سرمایه‌گذاری و عدم تحقق شعار سال شود. نایب‌رئیس اتاق تهران سپس تورم و افزایش نرخ ارز، تحریم‌های فزاینده، کاهش توان سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها و دولت، احتمال توقف تولید به دلیل ناترازی انرژی و کسری بودجه دولت را مهم‌ترین چالش‌های بخش صنعت در سال ۱۴۰۴ بیان کرد و به برخی راهکارها برای رفع مشکلات این بخش از جمله افزایش سرمایه بانک‌ها و کاهش ناترازی در منابع به منظور افزایش توان پرداخت تسهیلات سرمایه ثابت از ۱۱ درصد به ۳۰ درصد در سال ۱۴۰۴ الزام شرکت‌های تحت راهبری دولت به تقسیم سود حداقلی و الزام به سرمایه‌گذاری در صنایع فولاد، نفت و گاز و پتروشیمی با اولویت مناطق کمتر برخوردار، بازنگری در بسته مشوق‌های سرمایه‌گذاری کشور، اصلاح قانون مالیات

کشور و کاهش مصرف سوخت فسیلی، تدوین و به‌روزرسانی استانداردهای انرژی، تعطیلی واحدهای فرسوده، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، نظارت جدی برای توقف قاچاق انرژی، افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور، اصلاح واقعی الگوی مصرف و افزایش بهره‌وری از چاه‌های نفت و گاز قدیمی را از جمله راهکارهای حل مسئله کمبود انرژی در کشور بیان کرد.

تقدیر بخش خصوصی از تدبیر مسوولان ارشد نظام و تیم مذاکره‌کننده



رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز در ادامه این نشست با تبریک سال نو به تعیین شعار سال از سوی مقام معظم رهبری اشاره کرد و گفت: اتاق تهران از همان ابتدای سال اقداماتی را در راستای تحقق شعار سال آغاز کرده و قرار است به زودی کارگروهی برای این موضوع تشکیل شود تا راهکارهایی که به تحقق این شعار حداقل به صورت نسبی کمک می‌کند، استخراج و پیگیری شود. به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، محمود نجفی‌عرب در ادامه سخنانش از مقام معظم رهبری بابت اذن انجام مذاکرات به صورت غیرمستقیم تشکر کرد و افزود: باید از مجموعه دولت و به طور خاص وزارت امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده نیز تشکر کنیم. اتاق تهران به عنوان نماینده بخش خصوصی کشور حمایت خود از تیم مذاکره‌کننده و انجام مذاکرات برای رفع تحریم‌ها را اعلام می‌کند و در همین رابطه نیز بیانیه‌ای تهیه و تنظیم شده است که در ادامه جلسه قرائت خواهد شد. او در ادامه به موضوع بررسی لوایح مربوط به FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کرد و گفت: تا جایی که اطلاع دارم کمیسیون‌های مرتبط با این

طلب واردکنندگان از بانک مرکزی به ۳ میلیارد یورو افزایش یافته است. داود رنگی در ادامه گفت: این تاخیر سبب شده است که واردکنندگان برای تامین ارز به بازار آزاد رجوع کنند و یکی از دلایل افزایش قیمت ارز در ماه‌های گذشته همین مساله است. این سیاست بانک مرکزی منجر به افزایش تقاضای صدور کارت بازرگانی و همچنین تراکم بالای ثبت سفارش شده است. به بیان دیگر، این بدعت‌گذاری بانک مرکزی علاوه بر افزایش قیمت دلار منجر به افزایش متقاضیان واردات نیز شده و لازم است در سیاست‌های تخصیص ارز اصلاح صورت بگیرد.

ضرورت تدوین برنامه جامع انرژی



مهرداد عباد، دیگر عضو هیات نمایندگان نیز با اشاره به مسئله کمبود انرژی در کشور و تبعات آن در رشد و توسعه سایر بخش‌های اقتصادی، بر تدوین یک برنامه جامع انرژی از سوی دولت و با همراهی بخش خصوصی تاکید کرد. وی با بیان اینکه در کشور به‌رغم وجود انبوه منابع، از تهیه یک برنامه منسجم در حوزه انرژی تاکنون غفلت شده است، تصریح کرد که در کشورهای دیگری مانند چین، آفریقای جنوبی، پاکستان و هند، تدابیری برای حل مسئله انرژی و بحران کمبود و ناترازی اندیشیده و تجربه شده است که می‌توان از آنها به عنوان الگو بهره گرفت. به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، مهرداد عباد با اشاره به اینکه برخی کشورها وابستگی به سوخت فسیلی را کاهش و اجرای سیاست صرفه‌جویی را نیز در محور برنامه‌های خود قرار داده‌اند، افزود: در کشور نیاز به تدوین یک برنامه جامع انرژی داریم، اصلاح سبد انرژی



طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۲، سرمایه‌گذاری به طور متوسط سالانه ۴ درصد کاهش یافته است. در عین حال، روند استهلاک سرمایه طی سال‌های مذکور صعودی بوده و از سال ۱۳۹۸ شکاف آن با تشکیل سرمایه ثابت به صفر نزدیک شده است؛ بدین معنا که سرمایه‌گذاری سالانه، تنها به میزان جبران استهلاک دارایی‌های موجود طی هر سال است و برای رشد اقتصادی در کشور، ظرفیت جدیدی ایجاد نمی‌شود. در صورت استمرار این روند، این نگرانی وجود دارد که استهلاک سرمایه از میزان سرمایه‌گذاری هر سال پیشی بگیرد.

افزود: علاوه بر این، آنچه نگرانی نسبت به روند کاهشی سرمایه‌گذاری را تشدید می‌کند، تضعیف بیشتر سرمایه‌گذاری در بخش ماشین‌آلات نسبت به کاهش سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان است. از سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۴۰۲، به طور متوسط در هر سال، از سرمایه‌گذاری در بخش ماشین‌آلات ۵ درصد و از سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان ۳ درصد کاسته شده است. مستهلک شدن ماشین‌آلات و عدم سرمایه‌گذاری جدید، عملکرد تولید را تضعیف کرده و بهره‌وری را کاهش می‌دهد. بنابراین، مادامی که به ازای روند فزاینده استهلاک سرمایه در کشور، سرمایه‌گذاری جدیدی به ویژه در بخش ماشین‌آلات صورت نگیرد، نمی‌توان انتظار بهبود رشد اقتصادی و افزایش بهره‌وری داشت. ضمن اینکه شرایط عنوان شده در خصوص وضعیت سرمایه‌گذاری در کشور، مانع جدی برای تحقق متوسط رشد سالانه ۸ درصدی و رشد ۲٫۸ درصدی بهره‌وری کل عوامل تولید در هر سال بر اساس قانون برنامه پنج ساله هفتم توسعه است.

رئیس اتاق تهران در ادامه به موضوع جذب سرمایه‌گذاری خارجی پرداخت و گفت: بر اساس آمار آنکتابد که البته با آمارهای داخلی ما تفاوت‌هایی دارد و باید مورد بررسی قرار گیرد، طی سال‌های ۲۰۲۳-۲۰۱۱، جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران به طور متوسط سالانه ۸ درصد کاهش یافته و در سال ۲۰۲۳ به حدود ۱٫۴ میلیارد دلار رسیده است. روند نزولی جذب سرمایه خارجی در کشور از سال ۲۰۱۸ پس از تشدید تحریم‌ها شدت گرفت؛ به طوری که در سال ۲۰۱۸، حدود ۵۳ درصد کاهش یافت و پس از آن، تا سال ۲۰۲۳ نیز در یک سطح نسبتاً ثابتی قرار داشته که به لحاظ رقم مطلق در ۱۳ سال اخیر بی‌سابقه بوده است. در شرایطی که جذب سرمایه خارجی در کشور به واسطه تشدید تحریم‌ها، با محدودیت مواجه شده، کشورهای منطقه به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس، توانسته‌اند رکوردهای قابل توجهی را در جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ثبت کنند. از جمله این موارد می‌توان به رشد متوسط سالانه جذب سرمایه خارجی طی دوره ۲۰۲۳-۲۰۱۸، در کشورهای کویت (۴۸ درصد)، بحرین (۲۷ درصد) و امارات متحده عربی (۲۰ درصد) اشاره کرد.

محمود نجفی عرب افزود: استمرار روند کاهشی سرمایه‌گذاری داخلی در کشور و افت قابل توجه جذب سرمایه خارجی طی سال‌های پس از تحریم (بر اساس اطلاعات آنکتابد)، زنگ خطری برای تولید، دسترسی به منابع، دسترسی به بازار، توسعه صنایع جدید و انتقال فناوری است که باید برای توقف آن چاره‌ای اندیشیده شود. اگرچه منابع معتبر بین‌المللی حاکی از کاهش قابل توجه جذب سرمایه خارجی در کشور است، اما منابع داخلی کشور همچنان خبر از افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور به حدود ۵٫۵ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۲ می‌دهند. لذا ضروری است شفاف‌سازی در خصوص جزئیات آمارهای سرمایه‌گذاری خارجی و دلایل عدم تطابق آن با آمارهای بین‌المللی طی سال‌های اخیر صورت گیرد.

تورم بالا، عامل ایجاد عدم قطعیت و ریسک

رئیس اتاق تهران در ادامه صحبت‌های خود به مرور وضعیت شاخص

موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام لوائح پالرمو و CFT را تصویب کرده‌اند و قرار بود که موضوع چهارشنبه هفته گذشته در جلسه اصلی مجمع هم مورد بررسی قرار بگیرد ولی به دلیل کسالت ریاست محترم مجمع، جلسه به این هفته موکول شد که چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه برگزار می‌شود. انتظار ما این است که این دو لایحه تصویب شود زیرا تصویب لوائح می‌تواند یک قدم رو به جلو باشد و مسیر برخی از امور اقتصادی کشور انشاالله تسهیل شود.

کم‌رشدی اقتصاد و وابستگی به نفت

در ادامه رئیس اتاق تهران با اشاره به شاخص‌های اقتصادی چشم‌اندازی از شرایط کشور ارائه و گفت: طی ۱۵ سال اخیر، میانگین نرخ رشد اقتصادی کشور سالانه ۰٫۹ درصد بوده است. بررسی دقیق‌تر اجزای تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد بخش نفت در اغلب سال‌ها نقش قابل توجهی در رشد اقتصادی کشور داشته و در سال‌هایی که تحریم‌های اقتصادی تشدید شده، رشد اقتصادی کشور هم‌سو با بخش نفت افزایش یا کاهش یافته است. در ۹ ماهه نخست ۱۴۰۳ نیز تولید ناخالص داخلی کشور، تقریباً ۳٫۱ درصد افزایش یافته که از ارقام مشابه در سه سال گذشته پایین‌تر است. از منظر ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی، طی این مدت، حدود ۴۵ درصد از رشد اقتصادی کشور از محل استخراج نفت و گاز طبیعی بوده است. او ادامه داد: البته بررسی ارقام فصلی نشان می‌دهد رشد بخش نفت هم در حال کاهش است؛ به طوری که در پاییز ۱۴۰۳، رشد فصلی این بخش با کاهش قابل توجه به ۲ درصد رسیده که طی سه سال اخیر بی‌سابقه بوده است. رشد اقتصادی گروه خدمات که در اغلب سال‌ها بخش قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و در ۹ ماهه ۱۴۰۳ هم حدود ۴۳ درصد از اقتصاد کشور را دربر گرفته، از ۳٫۹ درصد طی ۹ ماهه ۱۴۰۲ به ۲٫۳ درصد در ۹ ماهه ۱۴۰۳ کاهش یافته است. از منظر اقلام هزینه‌ای، هزینه مصرف نهایی بخش خصوصی به عنوان یکی از اجزای مهم هزینه ناخالص داخلی، در ۹ ماهه ۱۴۰۳ رشدی نداشته و در عین حال، هزینه مصرف نهایی دولت ۴ درصد افزایش یافته است. بنابراین به نظر می‌رسد که رشد اقتصادی ۹ ماهه ۱۴۰۳ از مصرف بخش خصوصی و خانوار تأثیر نگرفته و این جزء نقشی در رشد اقتصادی کشور نداشته است.

روند نگران‌کننده سرمایه‌گذاری در اقتصاد



محمود نجفی عرب به نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و استهلاک سرمایه اشاره کرد و گفت: سرمایه‌گذاری از جمله ابزارهای بلندمدت رشد اقتصادی کشور محسوب می‌شود و به عنوان پیشران تولید ناخالص داخلی در بازه‌های زمانی طولانی مدت عمل می‌کند. در برخی از سال‌های دهه ۱۳۵۰، حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی کشور از محل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بوده که خود گویای اهمیت سرمایه‌گذاری در تحقق رشد اقتصادی کشور است، اما در بیش از یک دهه اخیر رشد واقعی این متغیر در اقتصاد ایران منفی شده؛ به طوری آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد

نفع مردم نیست. نجفی عرب در ادامه به موضوع کسری تراز عملیاتی بودجه و رشد آن در طول سال‌های گذشته اشاره کرد و گفت: یکی از شاخص‌هایی که برای ارزیابی عملکرد مالی دولت به کار گرفته می‌شود، تراز عملیاتی بودجه (تفاوت درآمدها و هزینه‌های جاری) است. این متغیر نشان‌دهنده توانایی دولت در پوشش هزینه‌های جاری از محل درآمدهای نسبتاً پایدار (مثل مالیات) است. تضعیف مداوم کسری تراز عملیاتی طی ۱۵ سال متوالی می‌تواند نشانه وابستگی بیشتر به درآمدهای ناپایدار (مثل نفت یا استقراض) یا ناکارآمدی در مدیریت هزینه‌های دولت باشد.

او ادامه داد: بر اساس آمارهای بانک مرکزی، عملکرد بودجه‌ای دولت در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۲ نشان می‌دهد کسری تراز عملیاتی در سال‌های اخیر به شدت تشدید شده؛ به طوری که از منفی ۱۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۸ به حدود منفی ۴۱۱ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۲ رسیده است. بر اساس تازه‌ترین گزارش عملکرد بودجه سال ۱۴۰۳ نیز طی هشت ماهه نخست این سال، کسری تراز عملیاتی حدود منفی ۵۴۱ هزار میلیارد تومان بوده که با فرض استمرار این روند در ماه‌های دیگر سال، انتظار می‌رود کسری در پایان ۱۴۰۳ به بیش از منفی ۸۱۱ هزار میلیارد تومان رسیده باشد. در اغلب سال‌ها، دولت برای جبران شکاف میان هزینه‌ها و درآمدهای جاری، دست به کاهش بودجه پروژه‌های عمرانی که صرف سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی می‌شود، زده است. در چنین شرایطی، بدیهی است زمینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به دلیل عدم آمادگی زیرساخت‌ها فراهم نخواهد شد. بنابراین، آثار کسری بودجه عملیاتی دولت، در بلندمدت در کاهش رشد اقتصادی کشور نیز منعکس می‌شود. همین حالا کشور با ناترازی شدید انرژی رو به روست و دولت مکلف بوده در حوزه رفع ناترازی برق، گاز و... اقدامات جدی انجام دهد که انجام نشده و این اتفاق اثرات منفی خود را در شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهد و روی رشد اقتصادی به شدت اثر می‌گذارد.

نقدینگی آخرین شاخص اقتصادی بود که رئیس اتاق تهران به آن پرداخت و گفت: طی سال‌های ۱۳۸۸ تا پایان بهمن ۱۴۰۳، حجم نقدینگی در کشور به طور متوسط سالانه ۲۸,۵ درصد رشد کرده است. بیشترین نرخ رشد نقدینگی نسبت به سال قبل، مربوط به سال ۱۳۹۹ است که رشد حدود ۴۰,۶ درصدی را نشان می‌دهد. حجم نقدینگی در

تورم پرداخت و گفت: مروری اجمالی بر روند شاخص قیمت مصرف‌کننده از سال ۱۳۸۸ تاکنون (۱۵ سال) نشان می‌دهد اقتصاد ایران در اغلب سال‌ها، تورم دو رقمی و با رشد فزاینده را تجربه کرده است. چنانچه سال‌های پس از انقلاب اسلامی را به سه دوره زمانی ۱۵ ساله تقسیم کنیم، در ۱۵ سال سوم که شامل سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۸۸ می‌شود، میانگین نرخ تورم حدود ۲۵ درصد بوده که از هر سه دوره بیشتر است. علاوه بر این، دامنه نوسانات نرخ تورم خانوارهای شهری کشور طی سال‌های ۱۴۰۲-۱۳۸۸، حدود ۳۸,۲ واحد درصد بوده است. ضریب تغییرات نرخ تورم نیز که گویای انحراف استاندارد این شاخص نسبت به میانگین نرخ تورم در این سال‌هاست، تقریباً ۵۳ درصد برآورد می‌شود که بر اساس پاره‌ای از استدلال‌ها، چنانچه این رقم، بیش از ۵۰ درصد باشد، به معنای نوسان زیاد در نرخ تورم است و فعالان اقتصادی را با ریسک بالا و عدم قطعیت مواجه خواهد کرد.

نجفی عرب با انتقاد از اتخاذ سیاست قیمت‌گذاری دستوری برای مقابله با تورم گفت: طی این سال‌ها، سیاست‌های دولت در حوزه قیمت‌گذاری دستوری نتوانسته در راستای هدف کنترل نرخ تورم و جلوگیری از نوسانات قیمت، اثربخشی مورد انتظار را داشته باشد. در واقع از ابتدای انقلاب دولت با کنترل قیمت سعی کرده است که تورم را برای خانوارها به خصوص خانوار شهری کنترل کند در حالی که در عمل موفق نبوده است. نکته مهم این است که ما به عنوان فعالان اقتصادی باید به مردم ثابت کنیم که سیاست قیمت‌گذاری دستوری به نفع آن‌ها نیست. در حال حاضر مردم فکر می‌کنند که اگر دولت در قیمت‌گذاری به صورت دستوری دخالت کند به نفع آنهاست در شرایطی که به صورت عملی می‌بینیم خلاف این اتفاق رخ داده است. اگر دولت اجازه می‌داد تا عرضه و تقاضا خودش قیمت‌ها را مشخص می‌کرد حتما وضعیت الان بهتر بود.

او افزود: سال گذشته یکی از روزنامه‌های اقتصادی کشور تحقیق و نظرسنجی از مردم انجام داده بود که نتایج آن نشان می‌داد ۷۳ درصد مردم به قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت علاقه‌مند هستند؛ نگاهی که نشان می‌دهد مردم تصور می‌کنند قیمت‌گذاری دستوری به نفع آنهاست که دیدگاه اشتباهی است و ما به عنوان فعالان اقتصادی باید آن را اصلاح کنیم و به مردم ثابت کنیم که دیدگاه اشتباهی است و قیمت‌گذاری دستوری به



اقتصادی کشور باشد، به گونه‌ای که هم‌افزایی میان بخش‌های مختلف اقتصاد را تقویت کرده و به بهبود معیشت مردم یاری رساند.

فعالان بخش خصوصی کشور با نگاه به تحقق اهداف عالی در جهت توسعه سرمایه‌گذاری در کشور برای تحقق شعار سال، امیدوارند هم‌زمان با مذاکرات خارجی، برخی اقدامات سرنوشت‌ساز داخلی مانند تسریع در تصویب لوایح دوگانه مرتبط با گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با سرعت به سرانجام مطلوب برسد. این لوایح، صرف‌نظر از نتایج مذاکرات جاری، می‌توانند به‌عنوان اهرمی برای افزایش شفافیت مالی و جلب اعتماد شرکای تجاری بین‌المللی عمل کنند.

اتاق بازرگانی تهران همچنین معتقد است که تقویت دیپلماسی اقتصادی باید به‌عنوان یک اولویت ملی مورد توجه قرار گیرد. تعامل سازنده با اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی، همراه با اصلاحات داخلی، می‌تواند جایگاه ایران را در زنجیره ارزش جهانی ارتقا دهد. بخش خصوصی از دولت و نهادهای مسئول انتظار دارد که با ایجاد بسترهای قانونی و اجرایی مناسب، زمینه را برای حضور مؤثر بخش خصوصی در بازارهای بین‌المللی فراهم سازد. این امر نه تنها به افزایش صادرات غیرنفتی کمک می‌کند، بلکه به تنوع‌بخشی به منابع درآمدی کشور و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی منجر خواهد شد. در پایان، اتاق بازرگانی تهران بار دیگر بر تعهد خود به حمایت از سیاست‌هایی که به نفع اقتصاد ملی و رفاه عمومی منجر شود، تأکید کرده و آمادگی خود را برای ارائه پیشنهادهای کارشناسی و همکاری نزدیک با تمامی نهادهای ذی‌ربط، در مسیر تحقق توسعه پایدار و شکوفایی اقتصادی اعلام می‌کند. امید است که با همدلی و تصمیم‌گیری‌های مدبرانه، بتوان چالش‌های پیش‌رو را به فرصت‌هایی برای پیشرفت تبدیل کرده و آینده‌ای روشن‌تر برای ایران و ایرانیان رقم زد.

برنامه توسعه تولید و تجارت در حوزه صنایع عمومی



در ادامه، معاون صنایع عمومی وزارت صمت و عضو دولتی هیات نمایندگان اتاق تهران، برنامه توسعه تولید و تجارت در حوزه صنایع عمومی را ارائه و طی آن، ارتقا بهره‌وری از ظرفیت‌های موجود را به عنوان اولویت نهاد تحت مدیریت خود عنوان کرد.

به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، ابراهیم شیخ گفت: بررسی سرمایه‌گذاری‌های احداث شده در کشور نشان می‌دهد که در برخی از صنایع ۳ برابر و در برخی دیگر بیش از ۲ برابر تولیدی که هم‌اکنون انجام می‌شود، ظرفیت نصب‌شده وجود دارد. برای مثال در صنعت لوازم خانگی، میزان پروانه‌هایی که صادر شده تا ۱۰ برابر میزان تولید است؛ به طوری که در این صنعت ۲۲ میلیون عدد پروانه صادر شده اما تولید در این بخش به میزان دو میلیون و ۲۰۰ هزار است. بنابراین، مهم‌ترین کار ما استفاده از همین ظرفیت‌های موجود در کشور است و تمرکز اصلی را بر نگاه‌داشت

بهمن سال ۱۴۰۳ نسبت به پایان سال ۱۴۰۲ معادل ۲۶.۲ درصد رشد داشته است. همچنین نرخ رشد ۱۲ ماهه نقدینگی در بهمن سال ۱۴۰۳ معادل ۲۷.۸ درصد بوده است که در مقایسه با نرخ رشد دوره مشابه در بهمن سال ۱۴۰۲ (۲۷.۵ درصد) به میزان ۰.۳ واحد درصد افزایش نشان می‌دهد.

محمود نجفی عرب گفت: بر اساس آمارهای بانک مرکزی، در بهمن ماه ۱۴۰۳ از منظر عوامل مؤثر بر عرضه، افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، مهم‌ترین عامل رشد نقدینگی بوده است. از منظر اجزای تشکیل دهنده نقدینگی، پایه پولی به میزان ۲۲.۵ واحد درصد در رشد ۲۷.۸ درصدی نقدینگی مشارکت داشته است که خود می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد تورم در ماه‌های آتی باشد. بررسی اجزای نقدینگی به لحاظ پول و شبه پول نیز نشان می‌دهد با افزایش سهم پول و کاهش سهم شبه پول که شامل سپرده‌های مدت‌دار می‌شود، تمایل افراد برای نگهداری وجه نقد افزایش یافته است. در پایان بهمن ۱۴۰۳، سهم شبه پول از نقدینگی به ۷۵ درصد و سهم پول به ۲۵ درصد رسیده است. یکی از عوامل دیگری که در ترازنامه بانک مرکزی حائز اهمیت است و اثرات آن می‌تواند در پایه پولی و بعد در نقدینگی منعکس شود، خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی است. در بهمن ۱۴۰۳، بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی نسبت به بهمن ماه سال قبل، ۴۰ درصد رشد داشته که این رقم به مراتب بالاتر از رقم مشابه رشد در بهمن ۱۴۰۲ است. یعنی در حال حاضر ۱۰ هزار، هزار میلیارد تومان میزان حجم نقدینگی کشور است. محمود نجفی عرب در جمع‌بندی حرف‌های خود گفت: دلایلی که باعث جلوگیری از تحقق شعار سال در طول ۱۴، ۱۵ سال گذشته شده باید به صورت دقیق بررسی و ریشه‌یابی شود. در طول این سال‌ها مقام معظم رهبری در شعار سال همواره بر موضوعات اقتصادی تأکید داشته‌اند به خصوص در سال گذشته که جهش تولید را مد نظر قرار دادند ولی طبق آمارها تنها ۴۳ درصد ظرفیت تولید کشور به کار گرفته شده است؛ اتفاقی که حتماً باید دلایل آن بررسی و ضعف‌ها به صورت ریشه‌ای برطرف شود. به اعتقاد من با توجه به وضعیت کنونی شاخص‌های اقتصادی به احتمال قوی نتوانیم به اهداف برنامه هفتم توسعه هم برسیم.

بیانیه اتاق تهران در حمایت از مذاکرات رفع تحریم

در ادامه این نشست، بیانیه اتاق تهران در حمایت از مذاکرات برای رفع تحریم‌های اقتصادی و همچنین تصویب لوایح مرتبط با FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام، توسط شهاب جوانمردی، نایب‌رئیس اتاق تهران، قرائت شد که توسط اعضای هیات نمایندگان نیز با اکثریت آرا به تصویب رسید.

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

ایران عزیز طی چندین دهه گذشته با رفتاری منطقه‌ای در جهت حفظ اقتدار و استقلال خود به تمام کشورهای جهان اثبات کرده که همواره راه و رسم دیپلماسی را برای تحقق اهداف خود پیش گرفته و اکنون جامعه بخش خصوصی ایران، نهایت احترام و پشتیبانی خود را نثار مذاکره‌کنندگان کرده و امیدوار است که این مسیر با صبوری و در خدمت منافع ایران عزیز همچنان سازنده، آرام و محترمانه پیش رود.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران آرزومند است که ادامه این مذاکرات به توافقی پایدار و متوازن منجر شود به نحوی که ضمن حفظ منافع و عزت ملی، به کاهش فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی کمک کند. چنین توافقی می‌تواند زمینه‌ساز گشایش‌های اقتصادی، تقویت تجارت خارجی و ایجاد فرصت‌های جدید برای فعالان

انتظارات بخش خصوصی از دولت، ۶۵ مورد موضع‌گیری در خصوص موضوعات مرتبط با کسب‌وکار و برگزاری ۵۸ جلسه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی از جمله اهداف محقق شده در ماموریت اتاق در بخش بهبود محیط کسب‌وکار بوده است.

وردی‌نژاد در ادامه به تشریح برنامه‌های اتاق تهران در سال ۱۴۰۴ پرداخت و با بیان اینکه توسعه خدمات نوین به اعضا، هم‌آفرینی میان اعضا، شبکه‌سازی با هدف اتاق مشارکتی، اجماع‌ساز و دیجیتال، و همچنین تلاش سازمان‌یافته برای بهبود محیط کسب‌وکار و ایجاد پیوندهای جدید با حکمرانان و دولت در زمره اولویت‌های راهبردی اتاق طی امسال است، افزود: حل حداقل یک مسئله محوری کسب‌وکار اعضا، افزایش ۱۵ درصدی سهم صادرات اعضا، افزایش تعداد اعضا به ۵۲ هزار عضو، افزایش آگاهی کودکان و نوجوانان در حوزه کارآفرینی و تجارت و کاهش زمان و افزایش رضایت از پشتیبانی فعالیت‌ها از اهداف اصلی اتاق تهران در امسال است. وی همچنین، چابک‌سازی سازمان اتاق تهران، تقویت و توسعه هم‌پویی و همراهی جمعی، تقسیم کار حرفه‌ای معاونت‌های تخصصی، توسعه صادرات، اولویت‌بخشی به امر آموزش اعضا و تدوین گفت‌وگو و توسعه ارتباط اتاق تهران با دولت، مجلس، قوه قضائیه و نهادهای حاکمیتی را از جمله اولویت‌های اتاق تهران در سال ۱۴۰۴ بیان کرد.

اهمیت بازننگری در تعرفه‌ها



در ادامه این جلسه، امین مقدم در تذکری خواستار بازننگری در تعرفه واردات مواد اولیه پوشاک و نساجی شد و گفت: در شرایطی که نرخ ارز مورد استناد گمرک برای محاسبه حقوق ورودی کالاهای وارداتی از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به ۶۸ هزار تومان افزایش یافته، تعرفه مواد اولیه نساجی ۵ تا ۱۰ درصد کاهش یافته است که این اقدام تولید داخلی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

این عضو هیات نمایندگان اتاق تهران با اشاره به اهمیت تعرفه در سرمایه‌گذاری در تولید، خواهان بازننگری در نرخ تعرفه‌ها به نفع تولید شد. رئیس اتاق تهران هم با اشاره به نام‌گذاری‌هایی که در بهمن ماه سال گذشته برای اصلاح نرخ تعرفه‌ها با مقامات دولتی داشته است، گفت: به موجب این نام‌گذاری، سازمان برنامه و بودجه پیشنهادی تهیه و به دولت ارائه کرد و نتیجه آن شد که در نرخ برخی تعرفه‌ها تغییراتی اعمال شد. با توجه به تغییر نرخ ETS و احتمال تغییر مکرر این نرخ، ضرورت دارد که نرخ متوسطی مبنای قرار گرفته و بر مبنای آن عمل شود.

نجفی عرب در ادامه به دبیرکل و قائم‌مقام شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی ماموریت داد که با اخذ نظر ذی‌نفعان، پیشنهادی تهیه کنند تا به دولت ارائه شود.

صنایع و حداکثر بهره‌وری از ظرفیت موجود نصب‌شده، گذاشته‌ایم.

وی افزود: دومین اولویت در این برنامه دستیابی به رشد ۸.۵ درصد در تولید و ۲۳ درصدی در صادرات است که هر دو هدف در برنامه هفتم پیشرفت مدنظر قرار گرفته است؛ امسال در تله رشد زیر ۳ درصدی قرار گرفتیم که البته سال‌هاست اقتصاد ایران با آن مواجه است ولی دستیابی به رشد ۸.۵ درصدی در شرایطی که فضای اقتصاد کلان و بین‌المللی را به درستی تنظیم کنیم دور از دسترس نیست چه بسا که در سال ۱۳۹۷ اعداد بالاتر از این نیز به دست آمد. معاون وزیر صمت در ادامه با بیان اینکه فعالان اقتصادی ۱۰۴ چالش را به عنوان چالش‌های صنایع عمومی معرفی کرده‌اند، ادامه داد: بر اساس مجموعه‌ای از شاخص‌ها این ۱۰۴ چالش را به ۳۱ چالش رساندیم و در نهایت با جمع‌بندی این موارد، اکنون مجموع چالش‌های صنعت در چهار دسته قابل تقسیم‌بندی است که شامل تأمین زیرساخت و انرژی، تولید و تکمیل زنجیره ارزش و زنجیره تأمین، تجارت خارجی و تأمین به هنگام ارز با قیمت مناسب برای صنعتگران و چهارمین مسئله تأمین منابع مالی است؛ متأسفانه این موضوع در ایران دشوار، گران و دیر هنگام است و بر اساس سیستم دینامیک مدل‌هایی را طراحی کردیم که برهمکنشی این عوامل را بر همدیگر به خوبی نشان می‌دهد.

او در ادامه با اشاره به اینکه مهم‌ترین مسئله صنعت ایران از زاویه بهره‌وری از حداکثر ظرفیت موجود، تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی کشور است، افزود: این مساله با توجه به جهش ارز، افزایش دستمزدها و ... که در پایان سال رخ داد اهمیت کلیدی‌تری یافته است.

او در ادامه به چالش‌های مطرح شده از سوی بخش خصوصی اشاره کرد و افزود: بعد از اینکه ۱۰۴ چالش را مورد بررسی قرار دادیم به ۳۱ عنوان برای صنایع عمومی رسیدیم که در واردات نهاده‌ها ۷ مسئله، در بازار ارز ۴ مسئله، مالیات ۴ مسئله، تولید ۳ مسئله، توزیع و فروش ۲ مسئله، زیرساخت‌ها ۴ مسئله، صادرات ۴ مسئله و سرمایه‌گذاری و مجوزها ۳ مسئله احصا شد.

ابراهیم شیخ سپس راهبردهای کلان معاونت صنایع عمومی را برشمرد و برنامه‌های وزارت صمت برای رفع چالش‌های چهارگانه صنایع عمومی را تشریح کرد.

برنامه‌های اتاق تهران در سال ۱۴۰۴

در ادامه این جلسه، دبیرکل اتاق تهران به ارائه گزارش عملکرد سال ۱۴۰۳ و برنامه‌های سال ۱۴۰۴ اتاق تهران پرداخت. فریدون وردی‌نژاد، با بیان اینکه در سرفصل برنامه‌های راهبردی اتاق تهران در دوره دهم هیات نمایندگان، توسعه تجارت بین‌الملل، توسعه خدمات، توسعه عضویت، بهبود محیط کسب‌وکار، مسئولیت اجتماعی و همچنین بهبود حکمرانی اتاق قرار گرفته است، یادآور شد که در ماموریت اتاق برای توسعه عضویت، شاهد تحقق ۹۹ درصد برنامه عملیاتی این بخش در سال ۱۴۰۳ بودیم و مجموع کارت بازرگانی و کارت عضویت اتاق تهران طی این سال به ۴۹ هزار و ۱۸۲ کارت رسید.

وی همچنین یادآور شد که در بخش توسعه خدمات نیز رسیدگی به ۷۰ هزار و ۳۷۴ پرونده حل اختلاف بیمه تأمین اجتماعی و بیش از ۴۹ هزار پرونده حل اختلاف مالیاتی محقق شد و در ماموریت توسعه تجارت نیز، تهیه ۷۰۳ پروفایل اولیه شرکت‌های توانمند صادراتی استان تهران، اعزام شش هیات تجاری و پذیرش ۱۲ هیات تجاری خارجی و انعقاد ۱۳ تفاهم‌نامه بین‌المللی در سال ۱۴۰۳ از جمله دستاوردهای این بخش بوده است.

به گفته دبیرکل اتاق تهران، تدوین چندین سند سیاستی در خصوص



مشکلات توسعه در ایران کدامند؟

تولید محصولاتی با ارزش افزوده بالا

صابر میرزایی با اشاره به برخی صنایع توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته گفت: برخی صنایع، لاجرم داخلی شد، مثل صنایع ساختمانی که بنا به ضرورت محلی کشور، در داخل توسعه پیدا کرد زیرا نمی‌شود صنایع ساختمانی را از جای دور وارد کرد اما در مورد مثلاً صنایع فناوری‌محور، به‌علت رقابت شدید، امکان توسعه پیدا نکرده‌ایم. باید به‌سمت تولید محصولاتی برویم که ارزش افزوده آن، امکان دادن دستمزدهای بالا را فراهم می‌کند. در حال حاضر، کارگر برای ۱۵ میلیون تومان حقوق تا شهریار می‌رود، خب این پول هیچی نیست؛ پس ترجیح می‌دهد در تهران پیک موتوری باشد.

او گفت: برخی اصلاحات اقتصادی که به شکل افقی انجام می‌شود، عموماً درست است، ارتباطی با زمان و مکان ندارد. در هر کشوری و در هر زمانی درست است. ما نیازمند تبعیض‌های هوشمندانه‌ای هستیم که به مصلحت اقتصاد و توسعه کشور باشد. زمانی گمان می‌کردند در سال ۱۴۰۴، ۸ میلیارد دلار فرش دستباف تولید و صادر خواهد شد. مشخص است که این امکان وجود ندارد. فرش دستباف یک اثر هنری است و جایگاه هنری دارد و نهایتاً می‌تواند بافنده خودش را تأمین کند.

آفت توسعه صنعتی

معاون پژوهشی مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری با اشاره به اهمیت شناخت صنایع بازنده گفت: مشخص کردن صنایع بازنده و هزینه‌بر، از مشخص کردن صنایع برنده مهم‌تر است. حمایت کورکورانه و

چرا اسناد توسعه صنعتی تدوین شده در دو دهه اخیر، هیچ‌گاه به سرانجام نرسید و عملیاتی نشد؟ این سوال طی سال‌های اخیر همواره پیش‌روی کارشناسان و پژوهشگران دولتی، خصوصی و حتی کارشناسان قوه مقننه در مرکز پژوهش‌های مجلس قرار داشته است. کارشناسان و صاحب‌نظران بخش خصوصی اغلب عقیم ماندن استراتژی توسعه صنعتی در ایران را به نبود اراده سیاسی لازم برای تدوین و اجرای این سند ربط می‌دهند و مساله را فراتر از مناسبات درون‌بخشی صنعت ارزیابی می‌کنند. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز با اشاره به عوامل متعددی همچون تحریم‌ها، نوسانات درآمدهای نفتی، تغییر دوره‌ای قوای اجرایی کشور و تغییر و جابه‌جایی گسترده مدیران در پاسخ به سوال یادشده اظهار کرده است که باوجود وقوع همه شوک‌های پیش‌بینی نشده‌ای که پرده‌ستار بود برنامه‌ها را با مخاطره روبه‌رو می‌کند، اساساً دستگاه بوروکراسی کشور، آنقدر شایسته نبوده است که طرحی متناسب با شرایط متحول و تهدیدات بالقوه و بالفعل کشور طراحی کند. در این حال، برخی کارشناسان وابسته به دولت علت این نقیصه را صرفاً در درون بخش صنعت و مناسبات آن جست‌وجو می‌کنند.

به گزارش تسنیم، پنجاه‌ونهمین نشست بینش‌نهادی با موضوع «آسیب‌شناسی توسعه صنعتی ایران» در خانه اندیشه‌ورزان با حضور صابر میرزایی، معاون پژوهشی مرکز همکاری‌های تحول و پیشرفت ریاست جمهوری و رضا موسایی، دبیر دفتر مطالعات راهبردی رونق تولید و کارشناس اقتصادی پنجشنبه برگزار شد.

استفاده کنیم. او با اشاره به لزوم توسعه متوازن گفت: توسعه در کشور ما بدون توجه به آمایش سرزمینی بوده است. همه چیز در تهران جمع شده. همه مزیت‌ها، شرکت‌های اصلی و... در تهران جمع شده و دیگر شهرها سهمی از مزیت‌های کشور، به آن شکل که در تهران است، ندارند. شرکت کشتیرانی در تهران است. شرکت نفت در تهران است. خب این کار اشتباه است. باید مزیت‌ها در کشور پخش باشد تا بتوانیم توسعه پایدار صنعتی داشته باشیم.

۷ مانع توسعه صنعتی

در ادامه این نشست، موسایی، دبیر دفتر مطالعات راهبردی رونق تولید با اشاره به تاریخ سیاستگذاری صنعتی در ایران گفت: شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، باعث شده است دولت‌ها برای رفع این شکاف سیاستگذاری کنند. در ایران، چهار سند توسعه صنعتی تصویب شده است. در سند اول، صنعتی شدن بحث میانی و اولویت با مساله خدمات بود. سند دوم، براساس انتقادات اصلاح و در سال ۱۳۸۵ منتشر شد. سند سوم در سال ۱۳۹۲ منتشر و سند چهارم در سال ۱۳۹۴ شد. در این سند، تبیین و آسیب شناسی وضعیت موجود مغفول مانده بود.

او از «عدم پویایی لازم در سیاست‌های توسعه صنعتی کشور»، «نبود الزامات نهادی در استراتژی‌های توسعه صنعتی»، «موانع حوزه سرمایه‌گذاری و تامین مالی»، «موانع حوزه فناوری، تحقیق و توسعه همکاری‌های فناورانه»، «ضعف در حوزه حکمرانی و تنظیم‌گری»، «چالش در سیاستگذاری و تدوین اهداف و مسائل مشخص و همچنین طراحی استراتژی» و «موانع و محدودیت در حوزه بازار محصولات» به عنوان موانع هفت‌گانه توسعه صنعتی در ایران یاد کرد و راه‌حلهایی را برای رفع این موانع ارائه داد. آنگونه که دبیر دفتر مطالعات راهبردی رونق تولید اظهار کرد، «نیاز به دولت توسعه‌گرا و بخش خصوصی تولیدگرا»، «انجام هماهنگی بین نهادهای تنظیم‌گر، حامی و ناظر با تولیدکنندگان و صادرکنندگان»، «تامین مالی زنجیره‌ای، دیپلماسی اقتصاد فعال با تعریف پروژه‌های مشترک با دیگر کشورها و...»، «تاسیس مراکز توسعه فناوری برای پشتیبانی فناورانه از توسعه زنجیره ارزش، توسعه خوشه‌های صنعتی - تخصصی مثل تاسیس پارک‌های شیمیایی»، «پرهیز از پیچیدن یک نسخه برای همه، حمایت مبتنی بر عملکرد، تضمین تاثیر حمایت‌ها، رویکرد تعامل چند ذی‌نفع»، «سیاستگذاری در باب حمایت از کدامین صنعت‌ها و عدم حمایت از کدام صنعت، گرفتن تصمیماتی که حمایت و مشارکت ذینفعان را در برگیرد و...» و «مدیریت بازیگران با توجه به صرفه به مقیاس، تکمیل زنجیره‌های ارزش، توسعه ابزارهای تجاری» راه‌حلهایی هستند که می‌توانند موانع هفت‌گانه توسعه صنعتی ایران را از پیش‌رو بردارند.



بدون نگاه عاقلانه از صنعت، آسیب‌های بزرگی به صنعت کشور ما زده است. مثلاً در بحث خودرو، باید سالانه از سیاست‌های حمایتگرانه گمرکی کاسته می‌شد تا فضای خودرو به سمت رقابتی شدن برود و صنعت خودرو در چنین جایگاهی قرار نگیرد. در آلمان، مسوولیت هدایت صنعت به عهده دو نهاد است؛ بانک صنعتی و بیمه. بیمه در آنجا می‌گوید مثلاً اگر می‌خواهی در پوشاک سرمایه‌گذاری صنعتی بکنی بکن، اما من پوشش نمی‌دهم و در آنجا وام بر صنایع قرار می‌گیرد که ذیل پوشش بیمه باشند.

او با اشاره به تنوع واردات در ایران گفت: در حال حاضر، ایران اقتصاد بسیار متنوعی دارد با کاستی‌های بسیار. در حال حاضر، دو قلم جنس واردات عمده ما را در برمی‌گیرد و آن خوراک و مواد اولیه مصرفی کارخانه‌ها است. علت اینکه به کالاهای الکترونیک اشاره نمی‌کنم، آن است که حجم زیادی نسبت به این دو قلم محصول ندارد. ما محصولات پتروشیمی وارد می‌کنیم، بعد می‌پرسند مگر خودمان صنعت پتروشیمی نداریم؟! می‌گوییم آن صنعت پتروشیمی که ما داریم، صنعت پتروشیمی توسعه‌یافته توسط وزارت نفت است و ما پتروشیمی‌ای که وزارت صنعت باید راه‌اندازی کند و محصولات پتروشیمی در آن سطح را تولید کند، نداریم.

او افزود: در ایران، بیمه، گمرک، تعرفه‌گذاری، قیمت‌گذاری و... دست‌افرا دیگری است و نهادهای اصلی عموماً دخل و تصرفی در این مسائل ندارند. وزارت اقتصاد باید در مسائل دخالت مشخص داشته باشد. مشخص نیست که بورس و بانک‌ها توسط چه کسانی اداره می‌شوند. ما نیاز به بانک‌های تخصصی داریم. مثلاً نیاز به بانک تخصصی صنایع آلیاژ فولاد داریم.

سرمایه‌گذار خارجی یا سرمایه خارجی

میرزایی با اشاره به اینکه ایران تا به حال برنامه توسعه صنعتی نداشته، گفت: ایران نیازمند سیاست صنعتی است و تا به حال کسی چنین سیاستی را تدوین نکرده است. سیاست‌های مصوب پیشین چیزهای دیگری است. اصلی‌ترین سیاستی که ترکیه برای توسعه صنعتی طی کرد، جذب سرمایه‌گذار خارجی بود و نه سرمایه خارجی. ترکیه بسیاری از شرکت‌های جهانی را به درون خود آورد تا تولید و کار کنند. ترکیه از کشورها دعوت کردند با تکنولوژی بیايند و حتی سرمایه‌گذاری و نیروی انسانی را خودشان تامین کنند؛ چین هم چنین برنامه‌ای را اجرایی کرد. ما همه چیز را برای توسعه ایران داریم، مثل سرزمین، منابع، معادن، انرژی و... یکی پول است که نداریم و دیگری بازار. ما باید با جذب سرمایه‌گذاری مشکل اول و با توسعه صادرات مشکل دوم را حل کنیم. وی با اشاره به توسعه صنعتی در چین گفت: چین از یک شرکت خودروسازی اروپایی درخواست کرد که در آنجا سرمایه‌گذاری کند، حتی به آنها وام هم داد، آن شرکت هم صنایع پیشین خودرو را به چین انتقال داد، نه صنایع نوین را اما این کار، برای چین صنعتی شدن را به همراه داشت، کار پیدا کردن کارگران و گردش اقتصادی را به همراه داشت. چینی‌ها در وضعیتی بوده‌اند که در زمین‌های کشاورزی‌شان با سطل، آب از جوی برمی‌داشتند و زمین را آبیاری می‌کردند، حتی یک پمپ برای انتقال آب نداشتند اما حالا، چینی‌ها خود دارای صنعت خودرو هستند.

بازار صنعت ایران کجاست؟

میرزایی با اشاره به اینکه بازار هدف ایران باید منطقه خاورمیانه باشد، گفت: ما باید بدانیم بازارهای صادراتی‌مان کجا خواهد بود. بازار صادراتی ما نمی‌تواند اروپا و آمریکا باشد. منظورم کالاهای لوکس نظیر زعفران و پسته و فرش دستباف نیست؛ در حوزه صنعت، نمی‌توانیم به کشورهای اروپایی یا آمریکایی صادرات داشته باشیم. بازار ما منطقه خودمان است. ما باید مزیت‌های صنعتی ممکن را بشناسیم و با توجه به آنها، تولیدات صنعتی خود را توسعه دهیم. مثلاً زمانی که در میان قطب‌های تولید لباس دنیا نظیر ترکیه، پاکستان و بنگلادش هستیم، باید مزیت نسبی خود را در تولید نخ ایجاد و از این فرصت



بازوی پژوهشی مجلس توصیه کرد:

دستمزد از خط فقر عقب افتاد

ایران نیازمند ترمیم دستمزدها در سال آینده است به گونه‌ای که اشتغال بتواند از فقر خانوار دارای سرپرست خانوار جلوگیری کند. این پدیده ضمن تضمین تقاضای از دست رفته ممکن است انگیزه‌های اشتغال رسمی را افزایش داده و محرکی برای رشد اقتصادی محدود شده در ایران باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، حداقل دستمزد بیش از آنکه روی فقر اثر داشته باشد روی غیرفقرای نزدیک خط فقر اثر دارد؛ به بیان دیگر اگرچه سیاست حداقل دستمزد در زمینه خروج فقر از محدوده فقر کارایی زیادی ندارد اما می‌تواند با احتمال بیشتری از ورود خانوارهای جدید به ورطه فقر جلوگیری کند.

تثبیت فقر ۳۰ درصدی در دهه ۹۰

به گزارش بازوی پژوهشی مجلس، اقتصاد ایران در نیمه دوم دهه ۹۰ با افزایش نرخ فقر و پایداری فقر در سطح ۳۰ درصد روبه‌رو بوده است. با توجه به بنیه تولیدی و شرایط تحریمی اقتصاد ایران در نیمه دوم دهه ۹۰ توانایی لازم برای رشدهای اقتصادی پایدار و فراگیر را نداشته در نتیجه نرخ فقر ۳۰ درصد به یک تعادل میان مدت با شاخص‌های اقتصاد کلان رسیده است. تلاطم‌های اقتصادی و تورم‌های شدید در نیمه دوم دهه ۹۰ قدرت خرید جامعه را تا حد زیادی کاهش داده و این در حالی بود که کیک اقتصادی کشور به مرور کوچک شده و در نتیجه یا شغل‌های باکیفیت و درآمد پایدار ایجاد نشده است یا درآمد و دستمزد از تورم و قیمت‌ها عقب افتاده‌اند. به همین علت، به مرور تصمیم‌گیری درخصوص حداقل دستمزد

مرکز پژوهش‌های مجلس در تازه‌ترین گزارش علمی خود به شورای عالی کار توصیه کرده است، حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۴ بیش از نرخ تورم سال جاری افزایش یابد تا بلکه تعداد شاغلان فقیر ثابت باقی بماند و جمعیت فقیر کشور گسترده‌تر نشود.

ارزیابی روند حداقل دستمزد از ابتدای دهه ۹۰ تاکنون نشان می‌دهد در پنج سال اخیر به استثنای سال ۱۴۰۱ دستمزدها از تورم عقب افتاده‌اند. کاهش دستمزدهای حقیقی به علت محدود شدن رشد اقتصادی و سطح پایین بهره‌وری در اقتصاد ایران است. روند کاهشی دستمزد نسبت به خط فقر نشان‌دهنده روند نزولی سطح رفاه خانوارهای دارای سرپرست شاغل است که به مرور باعث شده از اهمیت اشتغال در نظام تولید ایران کاسته شود.

کاهش ارزش حقیقی حداقل دستمزد همچنین باعث بروز پدیده‌ای به نام شاغلان فقیر شده که با فلسفه اولیه حداقل دستمزد در تضاد است. این نتیجه به‌ویژه در مقایسه حداقل دریافتی خانوار با خط فقر استانی نمود بیشتری دارد. در حقیقت با کاهش اهمیت اشتغال در تولید و رشد اقتصادی، اشتغال دیگر توضیح‌دهنده مناسبی برای خروج خانوار از خط فقر نخواهد بود. در نتیجه انگیزه‌های کار برای دستیابی به درآمد برای سطح رفاهی بهتر کاهش می‌یابد که شاید بتواند دلیلی برای کاهش نرخ مشارکت اقتصادی در ایران قلمداد شود. به نظر می‌رسد با توجه به تجربه افزایش حداقل دستمزد در سطحی بالاتر از تورم در سال ۱۴۰۱، اقتصاد

از رفاه است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، در ابتدای دهه ۹۰ اشتغال سرپرست خانوار توضیح‌دهنده خوبی برای تفاوت میان خانوارهای فقیر و غیرفقیر بوده است اما با شروع شرایط نامطلوب اقتصادی در نیمه دوم دهه ۹۰ که منجر به جهش فقر از سال ۱۳۹۷ به بعد شد، اشتغال سرپرست خانوار برای تفکیک بین خانوار فقیر و غیرفقیر کم‌اهمیت‌تر شده تا اینکه در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تقریباً برابر است. یکی از دلایل اصلی کاهش اهمیت اشتغال برای توضیح دهندگی فقر این است که در دهه ۹۰ عمده مشاغل ایجادشده خود اشتغالی با ماهیت کارکن مستقل بوده است. به عبارت دیگر، مشاغلی کم‌کیفیت و با درآمد ناپایدار بنابراین سطح درآمدی پایین باعث می‌شود خانوارها حتی در صورت داشتن سرپرست شاغل نتوانند هزینه‌های حداقلی زندگی را تأمین کنند. در نتیجه فقیر به حساب می‌آیند. در حقیقت با کاهش اهمیت اشتغال در توضیح‌دهندگی میزان خروج خانوار از فقر، برخی خانوارهای فقیر حتی در صورت داشتن سرپرست شاغل و درآمد حاصل از شغل نمی‌توانند خود را از ورطه فقر نجات دهند که اصطلاحاً باعث شکل‌گیری جمعیتی از شاغلان موسوم به شاغلان فقیر در کشور شده است.

گسترش استانی شاغلان فقیر

هرچند نسبت حداقل دریافتی به خط فقر به خوبی نشان‌دهنده عقب‌ماندن دستمزد از تورم است اما مقایسه حداقل دریافتی با نرخ فقر استانی نتایج بسیار جالب‌تری ارائه می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، حداقل دریافتی در استان‌های تهران البرز، قم، اصفهان، گیلان، قزوین و مازندران نمی‌تواند هزینه‌های سبد مصرفی فقر برای یک خانواده سه‌نفره را تأمین کند. ترجمه این گزاره به زبان ساده این است که در این استان‌ها برخی افراد حتی در صورت داشتن شغل رسمی باز هم فقیر محسوب می‌شوند که گویای پدیده شاغلان فقیر است. داشتن شغل رسمی یکی از اصلی‌ترین مولفه‌هایی است که کمک می‌کند افراد به ورطه فقر سقوط نکنند اما این ویژگی تا حدودی برای برخی افراد در هفت استان مذکور صادق نیست. این در حالی است که براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۱ تنها سه استان اول چنین شرایطی را در آن سال داشته‌اند. به عبارت دیگر، عقب‌ماندگی دستمزد از نرخ تورم باعث شده دستمزدها نتوانند سبد خط فقر در چهار استان دیگر را پوشش دهند و در نتیجه رفاه شاغلان در آن استان‌ها نیز کاهش یافته است.



و دوگانه‌هایی که در مورد میزان افزایش حداقل دستمزد به وجود می‌آید چالش برانگیزتر می‌شود.

شاخص نسبت دستمزد به خط فقر

برای مقایسه داده‌های حداقل دستمزد با خط فقر ابتدا باید معیار مبنای خط فقر مشخص شود. براساس محاسبات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، خط فقر مطلق برای کل کشور در سال ۱۴۰۲ برای هر فرد حدود ۳ میلیون و ۷۹۸ هزار تومان محاسبه شده است. بر مبنای بعد معادل خانوار خط فقر مطلق برای یک خانوار سه‌نفره در سال ۱۴۰۲ حدود ۸ میلیون و ۳۵۶ هزار تومان بوده است. با توجه به نرخ تورم شش‌ماهه اول در سال ۱۴۰۳، ۳۴/۲ درصد برآورد اولیه برای خط فقر مطلق کل کشور در سال جاری برای یک خانوار سه‌نفره حدود ۱۱ میلیون و ۲۱۴ هزار تومان است. سبد خط فقر در سال ۱۴۰۲ حدود ۴۹ درصد نسبت به سال ۱۴۰۱ افزایش داشته و پیش‌بینی می‌شود برای سال جاری کمی بیش از ۳۵ درصد نیز افزایش داشته باشد. این در حالی است که نرخ افزایش حداقل دستمزد در دو سال مذکور به ترتیب ۲۷ درصد و ۳۵ درصد بوده است.

یکی از اهداف اصلی تعیین حداقل دستمزد کاهش فقر در میان کارگران کم درآمد است. البته باید توجه داشت که حداقل دستمزد می‌تواند روی استانداردهای زندگی خانوارهایی موثر باشد که یک فرد از اعضای آنها شغل رسمی داشته باشد. مقایسه حداقل دستمزد با خط فقر اطلاعات خوبی درخصوص سطح رفاه خانوار دارای فرد شاغل به دست می‌دهد. در صورتی که این نسبت با عدد یک برابر باشد، به معنی تطبیق حداقل دریافتی با خط فقر است و در صورت تحقق به این معناست که تمامی کارگران حداقل‌گیر خانوار سه‌نفره روی خط فقر قرار می‌گیرند. براساس نتایج حاصل از این پژوهش، نسبت حداقل دریافتی به خط فقر برای خانوار سه‌نفره از سال‌های ۱۳۹۹ به بعد روند نزولی داشته و بعد از سال ۱۴۰۱ به زیر عدد یک رسیده است. دلیل اصلی روند کاهشی این نسبت جاماندن نرخ رشد حداقل دستمزد در مقایسه با نرخ تورم است که باعث شده سبد فقر محاسباتی با آهنگ تندتری نسبت به حداقل دستمزد رشد کند و نتیجه آن نزولی شدن نمودار در سال‌های جهش فقر در اواخر دهه ۹۰ است. براساس برآوردهای مطالعه نسبت حداقل دریافتی خانوار سه‌نفره به خط فقر در سال جاری حدود ۹۴ صدم است که همچنان کمی بیشتر از کمینه این عدد در دهه ۹۰ یعنی سال ۱۳۹۲ است. براساس داده‌های مرکز آمار نرخ تورم تا پاییز سال جاری حدود ۳۳ درصد است البته ممکن است تا انتهای سال نرخ تورم کمی بیش از این رقم افزایش یابد. با فرض یکسان بودن تورم سبد فقر با تورم کل می‌توان نتیجه گرفت، برای رسیدن به عدد یک یعنی تطابق حداقل دستمزد با خط فقر، حداقل دستمزد باید بیش از عدد تورمی سال جاری افزایش یابد.

عقب‌ماندگی مزد از تورم

بررسی‌ها نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۷ تقریباً نرخ رشد حداقل دستمزد در سطح پایین‌تر از تورم بوده و این شاهدی برای عقب‌ماندگی دستمزد در ایران است. به استثنای سال ۱۴۰۱ که حداقل دستمزد با پیشی گرفتن از تورم، رشدی نزدیک به ۵۷ درصدی را داشته در سایر سال‌ها با توجه به جهش فقر و شرایط نامطلوب اقتصادی روندی معکوس تجربه شده است. با این حال، این عدد در سال ۱۴۰۳ تا حدی به هم نزدیک شده اما همچنان برای جمع‌بندی نرخ تورم در سال جاری باید تورم کل سال را ملاک عمل قرار داد.

اهمیت اشتغال در کاهش فقر

تصور اولیه این است که اشتغال توضیح‌دهنده خوبی برای فقیر بودن یا نبودن خانوار باشد. به عبارت دیگر خانواری که دارای سرپرست شاغل است در صورتی که دچار سایر علل فقر نباشد، سزاوار سطح قابل‌قبولی



ناترازی انرژی نفس تولید را بند آورد

قطعی برق و گاز از دید فعالان اقتصادی در بهمن ماه همچنان یکی از عوامل محدودکننده فعالیت‌های صنعتی بوده و باعث شده تا بسیاری از کسب‌وکارها در ظرفیت‌های پایین تولید کنند. در همین حال، افزایش نرخ ارز موجب رشد قابل توجه قیمت مواد اولیه در تمامی صنایع شده و هزینه‌های تولید را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. رفع تعهد ارزی نیز همچنان یکی از چالش‌های کلیدی در فضای کسب‌وکار، به ویژه برای شرکت‌های فعال در حوزه صادرات بوده است. به گفته فعالان اقتصادی، با توجه به روند افزایشی قیمت مواد اولیه با وجود آنکه هزینه خرید مواد اولیه از قبل توسط تولیدکننده پرداخت شده است، در برخی از موارد عرضه‌کنندگان از عرضه آن خودداری کرده و قیمت‌ها را افزایش داده‌اند، همچنین افزایش قیمت مواد اولیه و تاثیر آن در زنجیره تولید باعث شده تا تقاضا برای کالاها کاهش یابد. در این حال به دلیل تعطیلات ماه رمضان و کمبود نقدینگی و کاهش سود شرکت‌ها، پیش‌بینی اکثر کسب‌وکارها بر این اساس بوده است که شرایط اسفندماه در بهترین حالت مانند ماه قبل خواهد شد. تعطیلات گمرک و معطلی در ترخیص مواد اولیه و تعطیلی ادارات دولتی به ویژه آن‌دسته از اداراتی که مستقیماً با کسب‌وکارها در ارتباط هستند، باعث شده تا تولیدکننده متضرر شود، بر همین اساس با توجه به مشکلاتی که ناترازی‌ها و تعطیلات برای کسب‌وکارها ایجاد کرده است، فعالان اقتصادی درخواست تسهیل و اقساطی کردن بیمه و مالیات را دارند. براساس این گزارش، با توجه به ناترازی‌های ماه‌های اخیر و افزایش شدید

آخرین اطلاعات از وضعیت شاخص مدیران خرید، حکایت از ادامه رکود در اقتصاد برای سومین ماه متوالی دارد. شاخص صنعت نیز پس از تعدیل فصلی، نسبت به ماه گذشته کاهش داشته که حاکی از رکود نسبی در بخش صنعت است. براساس شاخص کل اقتصاد، وضعیت رکود فعالیت‌ها در اقتصاد ایران تداوم داشته است. شاخص صنعت نیز پس از تعدیل فصلی، نسبت به ماه گذشته کاهش داشته که حاکی از رکود نسبی در این بخش است. براساس الگوی معمول ماهانه انتظار می‌رفت که در بهمن ماه، فعالیت‌های اقتصادی به طور قابل توجه نسبت به ماه قبل بهبود داشته باشند اما شاخص کل اقتصاد و شاخص صنعت نشان می‌دهند که شرایط اقتصادی کشور برخلاف انتظار بوده است. تداوم کمبود انرژی در شرایطی که روند صعودی نرخ ارز و افزایش قیمت نهاده‌ها ادامه دارد، موجب اخلاف در زنجیره‌های تولید و تامین مواد اولیه شده است. در این شرایط، بسیاری از شرکت‌های تولیدی در سطوحی پایین‌تر از ظرفیت خود عمل کرده‌اند و با توجه به کمبود نقدینگی و منابع مالی، برخی از آنها در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند. افزایش قیمت‌ها که منجر به کاهش بیشتر قدرت خرید مصرف‌کنندگان و کاهش تقاضای برای کالا و خدمات را به همراه داشته، باعث شده با وجود نزدیک شدن به پایان سال و انتظار بهبود در تقاضا، میزان سفارش جدید مشتریان نسبت به ماه قبل کمتر شود. عوامل مذکور منجر به کاهش حاشیه سود شرکت‌ها شده است و این مساله در کنار افزایش ریسک‌های سیاسی-اقتصادی کشور، انتظارات بدبینانه‌ای برای ادامه فعالیت شرکت‌ها در ماه‌های آتی، شکل داده است.

مشکلات از نگاه مدیران

براساس نتایج داده‌های جمع‌آوری شده از بنگاه‌های بخش صنعت، شاخص مدیران خرید بخش صنعت ایران که به صورت فصلی تعدیل شده، در بهمن‌ماه به ۴۶/۷ رسیده که به میزان قابل توجهی پایین‌تر از دی‌ماه با مقدار ۵۲/۸ است. سطح این شاخص تحت تأثیر کاهش در چهار مولفه از پنج مولفه اصلی خود قرار گرفته است. میزان تولید محصولات، سفارشات جدید مشتریان، موجودی مواد اولیه خریداری شده و میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی همگی روند کاهشی داشته‌اند و شاخص در اکثر رشته فعالیت‌های صنعت با کاهش روبه‌رو بوده است. میزان تولید محصولات بخش صنعت در ماه بهمن نسبت به ماه قبل کمتر شده است. این شاخص برای ششمین بار از ابتدای سال تاکنون کاهشی بوده است. کمبود انرژی (برق و گاز) یکی از اصلی‌ترین عوامل محدودکننده تولید بوده است. همچنین تقاضای ضعیف، هزینه بالای تامین نهاده‌های تولید به علت افزایش شدید نرخ ارز و عدم اطمینان کسب‌وکارها و مشتریان به آینده از عوامل اصلی کاهش حجم تولید بوده‌اند. براساس نتایج، میزان سفارشات جدید در بخش صنعت در ماه بهمن کاهش یافته و کمترین مقدار هفت‌ماهه اخیر را به ثبت رسانده است. شرایط نامساعد اقتصادی، نگرانی‌هایی در مورد افزایش هزینه‌ها به وجود آورده و اعتماد مشتریان را کاهش داده که این امر منجر به کاهش هزینه‌های غیرضروری توسط آنها شده، همچنین طبق شواهد به‌دست آمده از نظرسنجی، کاهش فروش خارجی و افت میزان صادرات نیز عامل دیگری است که به کاهش شدید سفارشات دامن زده است. موجودی مواد اولیه صنایع در ماه بهمن، نسبت به ماه قبل با سرعت بیشتری کاهش یافته است. در شرایطی که صنایع به دلیل فشارهای قیمتی ناشی از نوسانات ارزی با مشکلات جدی در تامین مواد اولیه مواجه شده‌اند، عدم عرضه مواد اولیه و عدم تخصیص ارز به واردات مواد اولیه نیز به مانعی در تامین مواد اولیه تولیدکنندگان تبدیل شده است. در همین شرایط قیمت خرید مواد اولیه در بهمن‌ماه یکی از بالاترین مقادیر خود را به ثبت رسانده است که به تبع آن با تداوم روند صعودی فشار هزینه‌های تولید، قیمت محصولات تولیدی در بهمن‌ماه با نرخ فزاینده‌ای افزایش یافته به طوری که شاخص قیمت محصولات تولید شده بیشترین مقدار ۳۴ ماهه خود را از اردیبهشت ۱۴۰۱ به ثبت رسانده است زیرا تولیدکنندگان به منظور تطابق با افزایش هزینه‌های خود، ناچار به افزایش قیمت‌ها شده‌اند. با این حال، به دلیل تقاضای ضعیف در بازار، شدت افزایش قیمت‌ها به اندازه افزایش نرخ ارز و هزینه‌های تولید نبوده و سود شرکت‌ها کاهش داشته و بسیاری از شرکت‌ها در آستانه تعطیلی قرار گرفته‌اند. پیش‌بینی می‌شود که در ماه‌های آینده، با توجه به فشارهای مستمر هزینه‌های تولید، شاهد افزایش بیشتر تورم در قیمت محصولات تولیدی باشیم.



هزینه‌های تولید و به تبع آن کمبود مواد اولیه مورد نیاز، در شرایطی که نقدینگی و قدرت خرید کاهشی بوده است، بسیاری از بنگاه‌ها به سمت تعطیلی رفته‌اند یا در سطوح بسیار پایین درآمدی فعالیت می‌کنند. در همین حال برخی شرکت‌ها با کمبود در دسترسی به نیروی کار حرفه‌ای روبه‌رو هستند.

کاهش فعالیت‌های اقتصادی

شاخص مدیران خرید کل اقتصاد در بهمن‌ماه ۱۴۰۳، پس از تعدیل فصلی معادل ۴۶/۴ محاسبه شده و برای سومین ماه متوالی روند رکودی داشته است. نرخ کاهش در این ماه نسبت به ماه قبلی اندکی بیشتر بوده و نشان‌دهنده کاهش در سطح فعالیت‌های اقتصادی است. اطلاعات منتشر شده از سوی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران نشان می‌دهد در بهمن‌ماه شاخص «میزان تولید محصول از ارائه خدمت» کل اقتصاد، پس از تعدیل فصلی معادل ۴۶/۲ محاسبه شده و نسبت به ماه قبل کمتر شده و شاخص «میزان سفارشات جدید مشتریان» در بهمن‌ماه، نسبت به ماه قبل با شدت بیشتری کاهش داشته است. بررسی‌های حاکی از این است که شاخص «موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده» در بهمن‌ماه هم کاهشی است. شدت کاهش این شاخص نسبت به ماه گذشته اندکی کمتر بوده است. قیمت مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده و قیمت محصولات تولید شده یا خدمات ارائه شده در بهمن‌ماه بیشترین مقدار ۲۲ ماهه خود را از فروردین ۱۴۰۲ به ثبت رسانده‌اند. در بهمن‌ماه شاخص «میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی» نسبت به ماه قبل افزایش داشته است. این شاخص بیشترین مقدار چهار ماهه اخیر را ثبت کرده است. شاخص مدیران خرید بخش صنعت در بهمن‌ماه، پس از تعدیل فصلی معادل ۴۶/۷ برآورد شده است. این شاخص کمترین مقدار هفت‌ماهه اخیر از مردادماه سال جاری را ثبت کرده، همچنین مقدار تولید محصولات در بهمن‌ماه، پس از تعدیل فصلی معادل ۴۷/۳ محاسبه شده و در مقایسه با ماه قبل کمتر شده است. این شاخص برای ششمین بار از ابتدای سال تاکنون کاهشی بوده است. موجودی محصول نهایی در انبار یا کارهای در حال تکمیل نسبت به ماه قبل کاهش داشته است.

شاخص مدیران خرید ترکیبی کل اقتصاد

براساس آخرین نظرسنجی انجام شده درباره شاخص مدیران خرید در اقتصاد ایران که معیاری از شرایط کلی کسب‌وکار است و پس از تعدیل فصلی همچنان در ناحیه رکود باقی‌مانده است. مقدار این شاخص در ماه بهمن به ۴۶/۴ رسید در حالی که در دی‌ماه ۴۶/۶ بود و نشان‌دهنده ادامه رکودی است که از آذرماه در جریان است. تداوم کاهش این شاخص در بهمن‌ماه تحت تأثیر روند کاهشی چهار مولفه از پنج مولفه اصلی خود قرار گرفته است. میزان تولید محصولات یا ارائه خدمات، میزان سفارشات جدید مشتریان، سرعت انجام و تحویل سفارش و موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده، همگی کاهشی بوده در حالی که میزان استخدام و به‌کارگیری نیروی انسانی روندی افزایشی داشته است.

در بهمن‌ماه، میزان تولید محصولات و ارائه خدمات نسبت به ماه قبل کمتر شده است. قطعی‌های برق و گاز، موجب اختلال در روند فعالیت و توقف فرآیند تولید شده است. علاوه بر این، مجموعه‌ای از عوامل از جمله نگرانی از کاهش درآمدهای ارزی ناشی از تشدید تحریم‌ها، افزایش نرخ ارز، رشد تقاضای خرید ارز برای تامین کالاها و رفع تعهد ارزی صادرکنندگان، نوسانات شدید افزایشی در نرخ ارز را به همراه داشته که در نتیجه، فعالیت بسیاری از کسب‌وکارها با روندی کاهشی مواجه شده است.

افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی به دنبال افزایش شدید نرخ ارز، منجر به افزایش هزینه تولید و قیمت نهایی کالاها شده است. این افزایش قیمت، کاهش بیشتر قدرت خرید مصرف‌کنندگان و در نتیجه کاهش تقاضای موثر برای کالا و خدمات را به همراه داشته به طوری که با وجود نزدیک شدن به پایان سال و انتظار بهبود در تقاضا، میزان سفارش جدید مشتریان نسبت به ماه قبل کمتر شده است.

افت اغلب شاخص‌های صنعت



شکست دولت در حمایت از تولید

آن پرداخت. او ضمن اشاره به چالش‌های ساختار صنعتی ایران، تأکید کرد که این مسائل تازه نیستند و به مدت دو دهه است که کشورهای مختلف به زنجیره‌های ارزش توجه دارند.

به گزارش روابط عمومی اتاق بازرگانی تهران، افسانه شفیعی در ابتدا به تحلیل پیشرفت‌های صنعتی ایران پرداخت و گفت: کشور ما در رتبه‌بندی رقابت‌پذیری کالا در بازارهای جهانی از رتبه ۶۱ به ۵۷ رسیده اما بهبود حاصل شده، به دلیل جابه‌جایی رتبه‌ها در سطح جهانی است و نمی‌توان آن را یک پیشرفت به معنای واقعی در نظر گرفت؛ چرا که امتیاز شاخص رقابت‌پذیری ایران تنها ۶ صدم بود.

او در ادامه به شاخص تولید صنعتی اشاره کرد و گفت: در سال ۹۰، شاخص تولید صنعتی ایران به عدد ۱۰۷ رسید، اما در سال‌های اخیر این شاخص نشان‌دهنده ضعف در بخش‌های صنعتی است و به طور مستمر از قوت آن کاسته شده است.

او همچنین به بررسی ساختار پایه صنعتی ایران پرداخت و تأکید کرد: صنعت ایران در گذشته بیشتر به بخش کشاورزی وابسته بود و مواد اولیه خود را از این بخش تأمین می‌کرد.

اما در طول زمان، این وابستگی به منابع هیدروکربنی و منابع زیرزمینی منتقل شده است. هنوز هم صنعت ایران بر پایه منابع هیدروکربنی تکیه دارد، که این موضوع یکی از چالش‌های اساسی در ساختار صنعتی کشور است.

در نشست بیستمین کمیسیون صنعت و معدن اتاق بازرگانی تهران که با حضور ابراهیم شیخ، معاون صنایع عمومی وزارت صمت برگزار شد، فعالان بخش خصوصی نقدهایی جدی به سیاست‌های اقتصادی دولت مطرح کردند و خواستار اصلاحات اساسی در بوروکراسی و روندهای اداری تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات و مواد اولیه شدند. نمایندگان بخش خصوصی بر این باور بودند که رشد تولید در شرایط فعلی امکان‌پذیر نیست و بدون تغییرات اساسی در ساختارهای کلان اقتصادی، اهداف دولت در حمایت از تولید تحقق نخواهد یافت.

اعضای کمیسیون صنعت و معدن اتاق بازرگانی تهران در نشست بیستم خود به بی‌ثباتی اقتصادی، نابرابری رقابت‌ها، و موانع اداری به‌عنوان عوامل اصلی تضعیف تولید داخلی اشاره و از عملکرد وزارت صمت و نظام بانکی انتقاد کردند؛ چرا که به گفته آنها، نه‌تنها حمایتی از بخش خصوصی نکرده، بلکه بسیاری از تصمیم‌هایشان در تضاد با بهبود تولید بوده است. نمایندگان نهادهای دولتی نیز در واکنش به این انتقادات، تأکید کردند که بدون یک نقشه راه عملیاتی و ایجاد هم‌افزایی میان سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی، شعارهای دولت در حمایت از تولید تنها در حد حرف باقی مانده و به ثمر نخواهد رسید.

مرور چالش‌های صنعتی ایران در ابتدای این نشست، افسانه شفیعی، دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، به تحلیل ساختار صنعتی ایران و چالش‌های

خاطر نشان کرد که بدون اصلاحات اساسی در بخش‌های مختلف، به‌ویژه در تأمین منابع انرژی و بهبود سیستم‌های توزیع کالا، نمی‌توان به توسعه پایدار دست یافت.

او گفت: در حال حاضر یکی از راه‌حل‌های مهم برای مقابله با مشکلات اقتصادی، توجه ویژه به برنامه‌های حمایتی از بخش خصوصی است. این برنامه‌ها باید با نظرات کارشناسان و فعالان اقتصادی تنظیم شود تا بتواند مشکلات موجود را کاهش دهد و در عین حال، پایداری و رشد صنایع مختلف را تضمین کنند. شفيعی به ضرورت تحکیم زنجیره‌های ارزش اشاره کرد و گفت: باید در جهت ارتقای این زنجیره‌ها و کاهش وابستگی به واردات گام‌های جدی برداشته شود. در این مسیر، باید از ظرفیت‌های داخلی و نیروی انسانی ماهر بهره‌برداری بیشتری شود تا بتوان به اهداف بلندمدت صنعتی دست یافت.

خود انتقادی یک مقام دولتی

در ادامه نشست کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران، جواد وهاب‌زاده که از طرف معاونت صنایع عمومی وزارت صمت در این جلسه حاضر شده بود، اعلام کرد که رشد تولید در شرایط فعلی اقتصاد کشور، یک شعار غیرواقعی است و بدون اصلاح ساختارهای کلان اقتصادی، جهش در بخش تولید ممکن نخواهد بود. به گفته او اگرچه در سال‌های اخیر شعار «حمایت از تولید» به‌صورت مکرر مطرح شده، اما نه‌تنها برنامه مشخص و قابل اجرایی برای این هدف وجود ندارد، بلکه بسیاری از تصمیم‌ها و سیاست‌ها در عمل به تضعیف تولید انجامیده است. در این نشست تأکید شد که بخش خصوصی نه‌تنها زبان مشترکی با دولت ندارد، بلکه در بسیاری از موارد از تصمیم‌گیری‌ها کنار گذاشته شده است. وهاب‌زاده با بیان اینکه ریشه بسیاری از مشکلات تولید به ساختارهای رانتی و حمایت‌های نادرست بازمی‌گردد، تصریح کرد: بخش قابل توجهی از منابع کشور، از جمله انرژی، ارز، زمین و تسهیلات بانکی، به جای آنکه به تولید واقعی اختصاص یابد، به رانت‌جویان رسیده است.

نابودی بخش خصوصی با تصمیمات غیرکارشناسی

رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق بازرگانی تهران نیز با انتقاد از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور به‌ویژه در دو دهه گذشته تأکید کرد که هیچ‌یک از نهادهای مسئول، به‌ویژه وزارت صنعت، معدن و تجارت، تصمیماتی درست برای حمایت از بخش خصوصی اتخاذ نکرده‌اند و نتیجه این وضعیت، تضعیف و تخریب مستمر فعالان اقتصادی بوده است. به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، هروی یک یاريجانیان با اشاره به فشارهایی که بر تولیدکنندگان وارد می‌شود، گفت: تولیدکننده‌ای که ناچار است محصول خود را با نرخ‌های غیرواقعی و زیان‌ده عرضه کند، توان ادامه فعالیت ندارد. خودرویی که باید با دلار ۸۰ تا ۹۰ هزار تومانی فروخته شود، ممکن است با زیان به بازار عرضه شود و این سیاست‌ها در نهایت، تولیدکننده را به مرز ورشکستگی می‌کشاند. چه کسی به وضعیت کشاورزانی فکر می‌کند که نسل‌اندنرسل در این سرزمین کار کرده‌اند و حالا به دلیل سیاست‌های اشتباه، قادر به تأمین هزینه‌های خود نیستند.

او تصریح کرد: در این سال‌ها، تصمیمات اتخاذشده نه‌تنها ساختارمند نبوده بلکه اساساً هیچ‌گاه با هدف واقعی‌سازی نقش بخش خصوصی تدوین نشده است. تنها چیزی که در این مدت دیده شده، شعارهایی در حمایت از تولید بوده؛ درحالی‌که در عمل هیچ حمایتی از این بخش صورت نگرفته است. رئیس کمیسیون صنعت و معدن اتاق تهران همچنین به عملکرد نظام بانکی کشور انتقاد کرد و گفت: امروز در خیابان بهشتی تهران در هر یک

تله کالاهای واسطه‌ای

شفيعی همچنین به کالاهای واسطه‌ای به عنوان یکی از مشکلات عمده در ساختار صنعتی اشاره کرد و توضیح داد: کالاهای واسطه‌ای به‌خودی‌خود بد نیستند، به‌ویژه پس از دهه ۲۰۰۰ که دولت با شتاب برای توسعه قراردادهای بخش خودرویی و نیروگاهی وارد عمل شد. اما مشکل زمانی ایجاد می‌شود که این کالاها در فرآیندهای تولیدی به‌جای استفاده در کالاهای پیشرفته، تنها به عنوان مواد اولیه مصرف می‌شوند.

او افزود: در حال حاضر، بیشترین صادرات و واردات ایران مربوط به کالاهای واسطه‌ای است. این وضعیت باعث ایجاد تله در تولیدات صنعتی کشور شده است. واردات و صادرات کالاهای واسطه‌ای از تولیدات نهایی بیشتر است، که نشان‌دهنده ضعف در عمق صنعتی کشور است.

شفيعی همچنین بر لزوم توجه به فناوری و افزایش عمق صنعتی تأکید کرد و گفت: برای پیشرفت واقعی صنعت ایران، باید به توسعه فناوری‌های نوین و بهبود بهره‌وری توجه بیشتری شود تا ایران بتواند در رقابت‌های جهانی به‌طور مؤثرتر عمل کند.

دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ادامه داد: در کشور سهم تولیدات پایه‌ای فرآوری‌شده از ۲۶ درصد به ۴۳ درصد افزایش یافته و این تغییر نشان‌دهنده رونق روبه‌رشد در این بخش است. از طرف دیگر، سهم صنایع مهندسی پایه که ۱۰ درصد بوده، کاهش یافته است. کاهش این سهم به دلایل مختلف از جمله عمق کمتر تولیدات و ضعف در بخش‌های واسطه‌ای رخ داده است.

او همچنین به آمارهای رسمی که در سال گذشته پیرامون غیرفعال بودن حدود ۲۷ هزار بنگاه اقتصادی منتشر شده بود؛ اشاره کرد و گفت: مهم‌ترین دلایل این عدم فعالیت عبارتند از نبود نقدینگی و عدم تأمین مواد اولیه داخلی، عدم ثبات اقتصادی و ناتوانی در رقابت با کالاهای وارداتی و محصولات قاچاق. کمبود منابع مالی و مشکلات بانکی و گمرکی موجب شده است که بسیاری از بنگاه‌ها نتوانند به درستی به فعالیت خود ادامه دهند. شفيعی تأکید کرد که این مشکلات در کنار چالش‌های مربوط به بدهی بانکی و مالیاتی، همچنان در بسیاری از بخش‌ها به‌ویژه در صنایع مادر و تولیدی موجب بحران‌های جدی شده است. وی بیان کرد که به‌رغم تلاش‌های زیادی که در جهت حل این مشکلات صورت گرفته، هنوز بنگاه‌ها با مشکلات جدی دست و پنجه نرم می‌کنند.

این پژوهشگر حوزه صنعت همچنین به موضوعات ساختاری و بلندمدت‌تر اشاره کرد و گفت که در شرایط فعلی، بسیاری از مشکلات مربوط به کمبود قطعات و ماشین‌آلات اساسی برای صنایع همچنان ادامه دارد. مشکلات مربوط به قوانین و مقررات مختلف و عدم هماهنگی میان سیاست‌ها نیز وجود دارد که این مسائل همواره مانع پیشرفت و توسعه در صنایع مختلف کشور بوده است.

افسانه شفيعی سپس به مشکلاتی مانند ناکافی بودن زیرساخت‌های صنعتی، چالش‌های فنی، ناترازی در زنجیره‌های تأمین و ضعف در سیاست‌گذاری‌های کلان، نقایص مربوط به نیروی انسانی ماهر و حرفه‌ای و کمبود مهارت‌های تخصصی در صنعت اشاره کرد و این موارد را از دیگر دلایل بحران در بخش تولید دانست.

او در ادامه به چالش‌های مربوط به قیمت‌گذاری در بخش‌های مختلف و مشکلات حمل‌ونقل اشاره کرد. وی به‌ویژه از مشکلات بخش حمل و نقل بار سخن گفت و افزود: سیاست‌گذاری‌های نادرست در این حوزه باعث مشکلات زیادی برای بنگاه‌های تولیدی شده است.

شفيعی در ادامه تأکید کرد که برای حل این مشکلات، ابتدا باید به اصلاح زیرساخت‌ها و فراهم‌سازی منابع مالی و فنی پرداخته شود. وی



مشخص و باثبات است. به گفته او، نظام چنددولتی ارز، نبود سیاست‌گذاری هدفمند در بانک مرکزی و اولویت‌ندادن به اهداف توسعه‌ای کوتاه‌مدت، همگی به مانعی برای رشد اقتصادی تبدیل شده‌اند.

انصاری تعدد سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی را یکی دیگر از موانع توسعه دانست و اظهار کرد توسعه بخش خصوصی همواره در سخنرانی‌ها مطرح شده، اما در عمل، اجرای سیاست‌ها در این حوزه ناقص بوده و نتوانسته به نیازهای مردم و تولیدکنندگان پاسخ دهد. او همچنین به چالش‌های قیمت‌گذاری مواد اولیه اشاره کرد و گفت قیمت این مواد، از جمله محصولات پتروشیمی و فولاد، روز به روز افزایش می‌یابد و تولیدکننده باید با هر قیمتی این مواد را تهیه کند، در حالی که در فروش محصول نهایی، دستش بسته است. انصاری خواستار بررسی دقیق و کارشناسی این مسائل در مجلس و سایر نهادهای تصمیم‌گیر شد و تأکید کرد برای خروج از وضعیت فعلی، باید با رویکردی استراتژیک و مبتنی بر اعتمادسازی، به اصلاح سیاست‌های اقتصادی پرداخت.

انتقاد صریح از پیچیدگی‌های بوروکراسی

علی‌صدری، نایب‌رئیس کمیسیون، نیز با ابراز نگرانی شدید از مشکلات و موانع موجود در فرآیندهای اداری و اجرایی، به بیان دغدغه‌ها و مشکلات ساختاری اقتصادی پرداخت و تأکید کرد که روندهای موجود در تأمین مواد اولیه و دریافت مجوزها با تأخیر و پیچیدگی‌های بی‌دلیل مواجه است که باعث اتلاف زمان و منابع شده است.

عضو هیئت مدیره خانه صنعت، معدن و تجارت استان تهران با اشاره به عملکرد سامانه بهین‌یاب برای خرید مواد اولیه گفت: فرآیند دریافت مواد اولیه با تأخیرهای طولانی روبه‌روست؛ به طوری که اگر درخواست خرید مواد اولیه از طریق سامانه انجام دهیم، حداقل ۱۴ ماه طول می‌کشد تا این درخواست‌ها عملیاتی شود. این تأخیرها به ویژه در شرایط اقتصادی سخت، مشکلات زیادی را برای تولیدکنندگان ایجاد می‌کند.

صدری به مشکلات موجود در تعاملات با دستگاه‌های اجرایی استان تهران اشاره کرد و افزود: درخواست‌های ما از طریق سامانه‌های مختلف به استان‌ها ارسال می‌شود، اما مراحل تأیید و بررسی در سطح استان‌ها با پیچیدگی‌های فراوانی روبه‌رو است. فرآیندهایی که باید ساده و سریع باشند، گاهی ماه‌ها طول می‌کشد تا فقط یک مجوز صادر شود. همچنین

قدم یک ساختمان از یکی از بانک‌ها دیده می‌شود، اما این بانک‌ها به جای آن که در خدمت تولید باشند، به بنگاه‌های معاملات ملکی تبدیل شده‌اند. حتی بانک‌هایی که نام صنعت را یدک می‌کشند، تاکنون کوچک‌ترین نقشی در پشتیبانی از صنعتگران نداشته‌اند و فعالان اقتصادی عملاً از این بانک‌ها نفعی نبرده‌اند.

او با اشاره به ورود بانک‌ها به بازار خودرو، این اقدام را یکی دیگر از مصادیق آسیب‌رسانی به تولید دانست. به اعتقاد او، اینکه بانک‌ها به پیش‌خرید خودرو می‌پردازند، نه تنها نقشی در بهبود وضعیت تولید ندارد بلکه باعث تشدید آشفتنگی و تنش در بازار می‌شود.

هرویک یاریجانیان گفت: بخش خصوصی امروز در مسیر نابودی قرار دارد و دلیل این وضعیت، تصمیم‌هایی است که نه تیمی اتخاذ می‌شود و نه ساختارمند است. تصمیم‌گیری‌ها عمدتاً فردی است و افرادی خاص در حال جهت‌دهی به سیاست‌های اقتصادی کشور هستند بدون آنکه سازوکار مشخص یا پاسخگویی روشنی در این فرآیند وجود داشته باشد.

با اقتصاد دولتی نمی‌توان کشور را نجات داد

حبیب‌الله انصاری از اعضای کمیسیون نیز با اشاره به اولویت‌های اقتصادی کشور تأکید کرد که اکنون زمان آن رسیده است که درباره برخی مسائل کلیدی به نتیجه رسید. او یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که کشور با آن مواجه است را اقتصاد سیاست‌محور و دولتی دانست و آن را ساختاری خواند که به جای برنامه‌ریزی بلندمدت، مبتنی بر سیاست‌های مقطعی عمل می‌کند و مانعی جدی برای تفکر بنیادین در اقتصاد به شمار می‌رود. او گفت: در حال حاضر واردات بر تولید اولویت دارد و همین رویکرد موجب شده تا اجرای قوانین مهم نیز به صورت ناقص پیش برود. قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار که در سال ۱۳۹۰ تصویب شده، براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تنها حدود ۲۰ درصد آن اجرایی شده است. انصاری همچنین به ضعف‌های ساختاری در اجرای سیاست‌ها اشاره کرد و موضوع قاچاق را یکی از معضلات اساسی اقتصاد کشور دانست. او گفت: هرچند فرماندهی مقابله با آن تعیین شده، اما نتیجه ملموسی حاصل نشده است.

او از نبود دیپلماسی اقتصادی در کنار دیپلماسی سیاسی نیز انتقاد کرد و تأکید داشت که جذب سرمایه‌گذاری در کشور نیازمند برنامه‌ریزی

دارد. خطوط تولید، زیرساخت‌ها و دانش فنی مهیاست، اما نقدینگی حلقه مفقوده زنجیره تولید است.

شیخ در ادامه با انتقاد از نظام تأمین مالی کشور تصریح کرد: امروز ۹۲ درصد تأمین مالی کشور از طریق نظام بانکی انجام می‌شود، در حالی که این عدد در بسیاری از کشورها بسیار پایین‌تر است و بازار سرمایه نقش پررنگ‌تری دارد. بانک‌های ما هم دیگر توان و تمایلی برای تأمین مالی تولید ندارند، چراکه بخش بزرگی از منابع آن‌ها صرف تسهیلات تکلیفی و خرد می‌شود. او همچنین به ساختار اجرایی ناکارآمد و فرسوده کشور اشاره کرد و گفت: بوروکراسی سنگین و نظام تصمیم‌گیری کند باعث شده بخش خصوصی نتواند ظرفیت واقعی خود را به کار بگیرد. در بازدیدهای میدانی از واحدهای صنعتی متوجه شدم که بخش خصوصی در بسیاری از موارد جلوتر از دولت حرکت می‌کند، اما به دلیل ضعف ساختارهای اجرایی دچار محدودیت است. معاون صنایع عمومی وزارت صمت در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر اهمیت مشارکت راه‌حل‌محور بخش خصوصی گفت: متأسفانه در جلسات، عمدتاً وقت صرف گلابیه و بیان مشکلات می‌شود و تنها ۵ درصد به راهکار اختصاص می‌یابد. برای خروج از وضعیت فعلی، ما به راه‌حل‌های اجرایی نیاز داریم که از دل تجربه فعالان اقتصادی بیرون می‌آید.

او یکی از اقدامات مؤثر دولت را در زمینه تسهیل ترخیص کالا از گمرک برشمرد و افزود: در جلسه‌ای با حضور سران قوا، پیشنهاد ترخیص ۹۰ درصدی کالاها با ضمانت‌نامه بانکی به تصویب رسید که مانع از ایجاد بحران در بندر شهید رجایی شد. اگر این اقدام صورت نمی‌گرفت، انباشت کالاها در بندر زنجیره تأمین کشور را با خطر مواجه می‌کرد.

شیخ همچنین از تعدد سامانه‌های دولتی که به صورت جزیره‌ای عمل می‌کنند انتقاد کرد و گفت: تولیدکنندگان باید وقت زیادی را صرف ورود اطلاعات در سامانه‌های مختلف کنند. ما به یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و حذف موازی‌کاری نیاز داریم تا فرآیند تولید تسهیل شود.

او در پایان پیشنهاد کرد که کمیته‌ای مشترک از کارشناسان دولتی و بخش خصوصی برای بازنگری در سامانه‌های موجود تشکیل و نتایج آن در قالب بسته‌ای سیاست‌گذاری به دولت ارائه شود.

به برخی رفتارهای غیرشفاف در این فرآیندها اشاره شد و گفته شد که برخی از مدیران استانی مجوزهای صنعتی را بر اساس سلیق فردی و بدون در نظر گرفتن دستورالعمل‌های مشخص صادر می‌کنند، که این امر باعث ایجاد نارضایتی و بی‌اعتمادی در بین فعالان اقتصادی می‌شود.

صعوبت واردات ماشین‌آلات صنعتی

یکی دیگر از مسائل مورد توجه در این نشست، مشکلاتی بود که فعالان صنعتی در واردات ماشین‌آلات به‌روز و تجهیزات صنعتی با آن مواجه هستند. به گفته این فعالان، باوجود اینکه واردات خودروی خارجی آزاد شده، واردات ماشین‌آلات صنعتی و تجهیزات با محدودیت‌های زیادی روبه‌روست. آنان این سیاست را غیرمنصفانه دانسته و معتقدند که از این طریق، امکان نوسازی و به‌روزرسانی خطوط تولید داخلی که برای رقابت در بازار جهانی ضروری است، از دست می‌رود.

فعالان صنعتی همچنین خواستار بازگشت معافیت‌های گمرکی برای واردات ماشین‌آلات صنعتی شدند تا تولیدکنندگان بتوانند با تجهیز کارخانه‌های خود به فناوری جدید و به‌روز، کیفیت محصولات خود را ارتقا دهند و به استانداردهای جهانی نزدیک‌تر شوند. به اعتقاد آنان، عدم دسترسی به ماشین‌آلات پیشرفته و نوسازی نشدن خطوط تولید داخلی، سبب می‌شود که محصولات تولیدی قادر به رقابت در بازارهای جهانی نباشند.

بازار سرمایه، راه‌حل افزایش تولید

معاون صنایع عمومی وزارت صنعت، معدن و تجارت، در نشست کمیسیون صنعت و معدن اتاق بازرگانی تهران با اشاره به ظرفیت‌های خالی در بخش تولید کشور گفت: با وجود ماشین‌آلات، خطوط تولید و مجوزهای لازم، بنگاه‌ها به دلیل کمبود سرمایه در گردش قادر به بهره‌برداری کامل از این ظرفیت‌ها نیستند.

به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، ابراهیم شیخ با بیان اینکه ظرفیت اسمی تولید در کشور بیش از ۷۰ درصد است، اما در عمل میزان بهره‌برداری کمتر از ۴۰ درصد است، افزود: اگر تنها سرمایه در گردش بنگاه‌ها تأمین شود، امکان دو برابر کردن تولید کشور وجود



بخش خصوصی محور سرمایه‌گذاری‌ها باشد



است. چنین به نظر می‌رسد که در این شرایط تنها دولت می‌تواند سرمایه‌گذاری کند و راه سرمایه‌گذاری خارجی نیز مسدود است. از طرفی، ورود بخش خصوصی به حوزه سرمایه‌گذاری مولد نیز مستلزم اصلاح بنیادین نظام بانکی است.

ضرورت اصلاح زیربناها برای جذب سرمایه‌گذاری رضا پدیدار، رئیس کمیسیون توسعه پایدار، محیط‌زیست و استاندارد اتاق ایران، نیز طی سخنانی به این نکته اشاره کرد که آنچه هم‌زمان با شکل‌گیری مذاکرات اهمیت یافته، موضوع تحول است. او در این باره توضیح داد: شکل‌گیری تحول نیز نیازمند پایه و اساس و ساختار مناسب است و میان جریان تحول و مذاکرات نوعی فاصله وجود دارد. برای مثال اخیراً نمایندگان بانک VTB روسیه در که نشست کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق تهران حضور یافته بودند و از تمایل خود برای سرمایه‌گذاری ۲۵۰ میلیارد دلاری در ایران صحبت می‌کردند. در حالی که پیش‌شرط جذب چنین سرمایه‌ای اصلاح زیربناهاست. در عین حال، اگر قرار است سرمایه‌گذاری صورت گیرد باید با محوریت بخش خصوصی باشد و افزود: بررسی‌های جدید حکایت از آن دارد که در ترکیب سبد مدیریت کشور، دولت ۹۰ درصد سهم دارد و ۱۰ درصد در اختیار تعاونی‌ها و بخش خصوصی است و از این ۱۰ درصد، سهم واقعی بخش خصوصی معادل ۷,۲ درصد است. حال آنکه وزن بخش خصوصی در اقتصاد ملی معادل ۵۶ درصد برآورد می‌شود.

پدیدار در ادامه با اشاره به برخی گمانه‌زنی‌ها از رشد تولید نفت ایران پس از شکل‌گیری توافق میان ایران و آمریکا عنوان کرد که دستیابی به تولید ۵,۸ میلیون بشکه نفت در دورنمای ۵ ساله به عنوان پیش‌بینی‌ها مطرح شده است اما به طور کلی، جایگاه و حقوق مالکیت بخش خصوصی در فرآیند سرمایه‌گذاری از سوی اتاق تهران باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. اکبر افشار که به نمایندگی از انجمن شرکت‌های مهندسی و ساخت در این

اعضای کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران در نخستین گردهمایی خود در سال ۱۴۰۴ با نیم‌نگاهی به روند مذاکرات ایران و آمریکا و تحلیل آن، درباره راهکارهای تحقق سرمایه‌گذاری در تولید نیز به بحث و تبادل نظر پرداختند. نقطه مشترک اظهارنظرها درباره این مسائل، نگرانی و تردید از جایگاه بخش خصوصی در تحولات احتمالی پیش‌روست؛ اینکه بخش خصوصی به سیاق دهه‌های گذشته در حاشیه خواهد بود یا با تغییر رویکرد دولت به متن اقتصاد ایران عزیمت خواهد کرد؟

در نشست بیست‌ونهم کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق بازرگانی تهران، علاوه بر بحث و بررسی موانع و الزامات سرمایه‌گذاری در تولید، بررسی پیشنهاد فدراسیون صنعت نفت ایران برای رفع ناترازی برق در فصل تابستان و همچنین راهکارهای افزایش تعامل میان بخش خصوصی و سازمان حفاظت محیط زیست استان تهران مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

ابتدا رئیس این کمیسیون به تحولاتی که طی هفته‌های اخیر در حوزه سیاست خارجی کشور رخ داده اشاره کرد و به طیف اظهارنظرها درباره توافق ایران و آمریکا پرداخت و با بیان اینکه اتاق تهران درباره مذاکرات و رفع تحریم‌ها موضع‌گیری و از آن حمایت کرده است، ادامه داد: به طور حتم موضوع سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز ایران نیز جزوی از مذاکرات است. اما فارغ از آنچه در فضای بین‌المللی در حال وقوع است، سرمایه‌گذاری برای تولید نیز به عنوان شعار سال ۱۴۰۴ برگزیده شده که تحقق آن مستلزم رفع موانع موجود است. به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، سعید تاجیک ادامه داد: آنچه طی یک دهه اخیر منجر به منفی شدن نرخ خالص سرمایه‌گذاری شده، ناپایداری اقتصادی، تورم بالا و ضعف امنیت سرمایه‌گذاری بوده است. نظام بانکی نیز همراه سرمایه‌گذاران نبوده و تسهیلات بانکی عمدتاً به تسهیلات تکلیفی، شرکت‌های دولتی و شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها اختصاص پیدا کرده است. منابعی هم که به بخش خصوصی پرداخت شده، عمدتاً به سرمایه در گردش اختصاص یافته

برای هماهنگی تولید و مصرف برق است که برای انجام آن فناوری‌های ذخیره انرژی اهمیت می‌یابد. این شیوه ذخیره در جاهایی که گرمای بسیار زیادی تولید می‌شود و بیشتر در نیروگاه‌های خورشیدی حرارتی برای ذخیره انرژی در روز و برای تولید انرژی در ساعاتی که تابش وجود ندارد یا ذخیره انرژی گرمایی که در نیروگاه‌های حرارتی یا فرآیندهای صنعتی هدر می‌رود، کاربرد دارد. افزوده: سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی از انرژی ذخیره‌شده در باتری‌ها (BESS - Battery Energy Storage Systems) برای پیک‌زدایی استفاده می‌کنند و شامل باتری، مدیریت باتری، اینورتر و سیستم مدیریت و کنترل هستند.

عابدینی با اشاره به چالش‌های گسترش سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی گفت: در آینده با توجه به روند رو به رشد استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، تقاضا برای سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی به طور قابل توجهی افزایش خواهد یافت. باتری‌های لیتیوم آهن فسفات (4LifePO) که نوعی از ذخیره‌سازها هستند با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود در زمینه عمر طولانی، ایمنی بالا و پایداری در شرایط محیطی مختلف، نقش کلیدی در این سیستم‌ها ایفا خواهند کرد. با کاهش هزینه‌ها و پیشرفت تکنولوژی‌های ذخیره‌سازی، در آینده‌ای نه چندان دور، استفاده از این سیستم‌ها در تمام مقیاس‌ها از خانگی گرفته تا صنعتی به امری رایج تبدیل خواهد شد. در ادامه این جلسه، مقرر شد که جزییاتی از کارکرد این فناوری، حدود هزینه‌ای و بخش‌هایی که این نوع ذخیره‌سازها قابلیت استفاده در آنها را دارد طی نامه‌ای به کمیسیون ارائه شود تا گام‌های بعدی برای بهره‌گیری از این تکنولوژی طراحی شود.

در ادامه موضوع استخراج اولویت‌های واحدهای صنعتی در حوزه محیط زیست در راستای افزایش تعامل بین‌بخشی و رفع موانع تولید مورد بررسی قرار گرفت و زهره عبادتی، معاون نظارت و پایش سازمان حفاظت محیط زیست استان تهران، در این باره گفت: ما می‌پذیریم که در برخی موارد قوانین و مقررات محیط زیست موانعی را در برابر کسب و کارها ایجاد می‌کند اما رویکرد سازمان حفاظت محیط زیست، رعایت ضوابط براساس آمایش سرزمین و حمایت از توسعه متوازن است. او ادامه داد: استان تهران از لحاظ بارگذاری جمعیتی و صنعتی در حالت اشباع قرار دارد و در حوزه مقابله با آلودگی هوا و آب، کم‌آبی و مدیریت پسماندها لازم است دولت و بخش خصوصی همکاری‌های متقابلی را رقم بزنند. برای تحقق چنین همکاری‌هایی نیز هم‌اندیشی و برگزاری جلسات مشترک می‌تواند راهگشا باشد. عبادتی سپس توسعه صنایع بازیافت، توسعه زیرساخت‌های استحصال انرژی‌های تجدیدپذیر، بهره‌گیری از ظرفیت پسماندها برای تولید بیوگاز و سرمایه‌گذاری در سیستم‌های تصفیه فاضلاب را به عنوان پیشنهادات سازمان، روی میز گذاشت.

امین صدرنژاد، دبیر اتحادیه بازیافت، نیز از برخی محدودیت‌ها نظیر شعاع استقرار برای ورود بخش خصوصی به این حوزه‌ها سخن گفت و به این نکته نیز اشاره کرد که شرکت شهرک‌ها نسبت به اختصاص زمین در شهرک‌ها برای ایجاد تصفیه‌خانه امتناع می‌کند.

عبادت‌ی نیز توضیح داد که ایجاد صنعت بازیافت در سه شهرک شمس‌آباد، عباس‌آباد و چرم‌شهر از دهه ۱۳۷۰ دارای مصوبه هیات وزیران است و بخش خصوصی تاکنون از این مصوبه استقبال نکرده است.

در ادامه این جلسه، رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست استان تهران با اشاره به عضویت رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در هیات نمایندگان اتاق تهران گفت: عضویت معاون نظارت و پایش سازمان حفاظت محیط زیست استان تهران در کمیسیون انرژی نیز می‌تواند مسیری جدید برای حل مسایل زیست محیطی استان تهران باز کند.

سعید تاجیک همچنین از عبادتی درخواست کرد که اولویت‌های سرمایه‌گذاری سازمان محیط زیست استان تهران را در جلسه آینده کمیسیون ارائه کند تا مورد بررسی قرار گیرد.

نشست حضور یافته بود، از ضرورت بررسی علل شکست توافق برجام سخن گفت. او همچنین لزوم پذیرش بخش‌های باقیمانده از ضوابط FATF را برای اثربخشی رفع تحریم‌ها مورد تاکید قرار داد.

آیا درکی از سرمایه‌گذاری وجود دارد؟

نایب‌رئیس کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران هم سخنان خود را با این سوال آغاز کرد که آیا اساساً در کشوری با تورم ۴۰ درصدی که نرخ بهره رسمی در آن ۲۳ درصد است و بیمه و مالیات چالش‌هایی جدی برای سرمایه‌گذار ایجاد می‌کند، درکی از سرمایه‌گذاری وجود دارد؟

به گزارش روابط عمومی اتاق تهران، مهدی مسائلی با بیان اینکه مشکلات و راهکارهای توسعه سرمایه‌گذاری در کشور مشخص است، ادامه داد: ظاهراً این بخش خصوصی است که باید نسبت به سرمایه‌گذاری اقدام کند اما قواعد دستوری از سوی دولت به این بخش تحمیل می‌شود و زمینه‌سازی برای تامین نهاده‌های تولید نیز در اختیار دولت است. بنابراین توسعه سرمایه‌گذاری در گرو رفع ریشه‌ای این مسایل خواهد بود.

حمیدرضا صالحی، عضو کمیسیون انرژی و محیط زیست اتاق تهران، نیز با اشاره به راهکارهایی که بخش خصوصی طی این سال‌ها برای رفع مسایل اقتصادی ارائه کرده است، گفت: سال‌هاست که به حاکمیت می‌گوییم رویکردهایش را تغییر دهد تا بخش خصوصی بتواند مسایل بر زمین مانده را حل کند اما تغییری در این رویکردها حاصل نشده است.

او با بیان اینکه برخوردها با بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران شایسته نبوده است، ادامه داد: ما نگران آن هستیم که در تحولات پیش رو نیز بخش خصوصی نادیده گرفته شود. از این رو باید مانیفستی برای این دوران تهیه کرده و حتی در مذاکرات نیز در کنار دولت باشیم تا راهکارهای خود را ارائه کنیم.

تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه اکتشاف و تولید

در ادامه این جلسه فریدون اسعدی، دیگر نایب‌رئیس کمیسیون انرژی محیط زیست اتاق تهران، از برگزاری جلسه‌ای در شورای اقتصاد با حضور نمایندگان انجمن شرکت‌های ایرانی اکتشاف و تولید با محوریت اتاق تهران خبر داد و گفت که توافقاتی برای ورود و تسهیل سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها در توسعه میادین حاصل شده است. او با بیان اینکه این توافق، افتخار بزرگی برای اتاق تهران محسوب شده و رافع نگرانی‌های بخش خصوصی خواهد بود، ادامه داد: در این جلسات، تصمیم‌هایی در حوزه منع رقابت و رفع انحصار اتخاذ شد و به تایید شرکت ملی نفت و سازمان برنامه و بودجه نیز رسید. در ادامه این جلسه، مقرر شد که جزئیات این توافق طی نامه‌ای به کمیسیون و سپس به رئیس اتاق تهران ارائه شود.

استفاده از فناوری‌های ذخیره‌ساز برای جبران ناترازی برق

در بخش دیگری از این جلسه، آرژ نجفی، رئیس فدراسیون صنعت نفت، با ارائه توضیحاتی، پیشنهاد این فدراسیون برای رفع ناترازی برق در فصل تابستان را مطرح کرد و گفت: این طرح مبتنی بر شیوه‌ای از ذخیره‌سازی برق است که از طریق تجهیزات ذخیره‌ساز انجام می‌گیرد.

نجفی با اشاره به اینکه این طرح عمدتاً در بخش خانگی کاربرد خواهد داشت، افزود: این شیوه ذخیره‌سازی مقرون به‌صرفه بوده و بخشی از ناترازی برق را از طریق ذخیره‌سازی در شب‌ها و استفاده در روز جبران می‌کند. در حال حاضر کشور سوئیس در استفاده از این ابزار برای ذخیره‌سازی برق پیش‌تاز است. پس از آن، حمیدرضا عابدینی که از فدراسیون صنعت نفت در این جلسه حضور یافته بود، در گزارشی به معرفی و کارکرد فناوری‌های ذخیره‌سازی انرژی پرداخت و گفت: پیک‌زدایی یا آنچه به انگلیسی Peak shaving نامیده می‌شود تلاش

ناترازی و عدم امنیت سرمایه‌گذاری در ایران



وضعیت اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴ چگونه خواهد بود و چگونه می‌توان مسیر بهبود را طی کرد؟ این مقاله را بخوانید.

عباس آرگون، عضو هیئت‌رئیس اتاق تهران:

۱- سال ۱۴۰۴ با عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید» نام‌گذاری شده؛ شعاری که اهمیت کلیدی سرمایه‌گذاری در رشد اقتصادی کشور را نشان می‌دهد. این نام‌گذاری بیانگر آن است که ساختار تصمیم‌گیری کشور، سرمایه‌گذاری را به‌عنوان موتور محرک تولید و توسعه اقتصادی به رسمیت شناخته است. مهم‌ترین مسئله برای افزایش سرمایه‌گذاری، «امنیت سرمایه‌گذاری» است؛ بدون امنیت، سرمایه‌گذاران تمایلی به سرمایه‌گذاری در بخش‌های واقعی و مولد اقتصادی ندارند. امنیت باید در دو سطح فیزیکی و حفظ ارزش پول برقرار باشد، زیرا تورم می‌تواند به کاهش ارزش سرمایه‌ها منجر شود. بنابراین، برای جذب سرمایه‌گذاری لازم است که شرایط اقتصادی کشور قابل پیش‌بینی باشد.

ناترازی انرژی یکی از بزرگ‌ترین موانع پیش‌روی سرمایه‌گذاری است که موجب شده بسیاری از ظرفیت‌های موجود در کشور غیرقابل استفاده بماند. رفع این ناترازی‌ها به‌ویژه در صنایع حساس مانند فولاد و سیمان می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را بازگشت‌پذیر کرده و به رشد اقتصاد کمک کند. افق روشنی برای رفع تحریم‌ها در پیش نیست و فشارهای خارجی به اقتصاد کشور همچنان جاری است، تورم و ناترازی‌ها دو چالش اصلی اقتصادی است. اگر ناترازی‌های موجود، به‌ویژه ناترازی انرژی، حل نشوند، بخش‌های تولیدی کشور با بحران‌های بزرگی مواجه خواهند شد. این ناترازی به‌طور مستقیم بر اشتغال، تولید ناخالص داخلی، صادرات و دیگر ابعاد اقتصادی تأثیر خواهد گذاشت.

۲- ثبات در قوانین و مقررات نیز یکی دیگر از پیش‌نیازهای مهم برای جذب سرمایه‌گذاری است. تغییرات پی‌درپی در قوانین می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش دهد و سرمایه‌گذاران را به سمت بازارهایی با ریسک کمتر مانند طلا و ارز سوق دهد. بازار سرمایه به‌عنوان یکی از بهترین گزینه‌ها برای جذب منابع خرد مردم و هدایت آن به بخش‌های مولد اقتصادی مطرح است مشروط بر این که از دخالت‌های دولت و قیمت‌گذاری دستوری جلوگیری شود. چه از نظر اجرا و چه از نظر نظارت این دولت‌ها هستند که با سیاست‌هایشان فضا را برای فعالان اقتصادی تنگ کرده یا درصد ایجاد فضایی مناسب برای کسب‌وکار هستند.

۳- ثبات اقتصاد کلان، امنیت و آزادی اقتصادی! شاید مهم‌ترین خواسته‌هایی باشند که هر فعال بخش تولیدی خواستار حاکم شدن آن بر شرایط اقتصادی است. به راستی منظور از ثبات اقتصاد کلان و امنیت اقتصادی چیست؟ به زبان ساده، ثبات اقتصاد کلان یعنی ایجاد شرایطی پایدار و به دور از عدم قطعیت و نااطمینانی در اقتصاد که فعالان و بازیگران اقتصادی به دور از پرداخت هرگونه هزینه ریسک ناشی از این عدم نااطمینانی‌ها، تصمیم‌گیری کنند و به طور خاص در اقتصاد به طور معمول پنج شاخص؛ نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ بهره، وضعیت مالی دولت و در نهایت ترازپرداخت‌ها معیارهایی اقتصادی برای اندازه‌گیری میزان ثبات اقتصادی یک کشور هستند. ثبات اقتصاد کلان مبنای رشد اقتصادی است. زمانی که یک تولیدکننده به دنبال سرمایه‌گذاری است باید چشم‌انداز روشنی نسبت به وضعیت آینده اقتصاد داشته باشد زیرا هرگونه عدم اطمینان نسبت به شاخص‌های اقتصادی برای او همراه با ریسک (نااطمینانی) است و افزایش ریسک جریان مالی و تولیدی بنگاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع شاخص‌های بالا زیرمجموعه‌ای از شاخصی وسیع‌تر به نام امنیت اقتصادی هستند. امنیت بالاتر یعنی کاهش هزینه ریسک تصمیم‌گیری.

۴- امنیت و پیش‌بینی‌پذیری به‌عنوان دورکن‌کلیدی جذب سرمایه‌گذاری‌های مولد مورد تأکید است. سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در جستجوی اطمینان از امنیت سرمایه خود و پیش‌بینی‌پذیری وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور هستند. امنیت سرمایه‌گذاری تنها به مفهوم حفاظت فیزیکی و حقوقی محدود نمی‌شود، بلکه به تأمین امنیت اقتصادی نیز مربوط می‌گردد. این به معنای وجود قوانین و مقرراتی است که مانع از به خطر افتادن سرمایه و سود سرمایه‌گذاران

نگردد. پیش‌بینی‌پذیری هم به معنای وجود ثبات در سیاست‌های اقتصادی، مالی و ارزی کشور است. سرمایه‌گذاران باید توانایی پیش‌بینی آینده بازار و شرایط کسب‌وکار را داشته باشند تا بتوانند بر اساس اطلاعات عینی و دقیق، تصمیم‌های حساب‌شده‌ای بگیرند.

۵- افزایش نرخ ارز در سال ۱۴۰۴ باعث خواهد شد، تراز تجاری کمتری نسبت به سال ۱۴۰۳ داشته باشیم. واردات و صادرات در سال جدید به موضوعات متعددی مانند تحریم و فشار بستگی دارد. تثبیت نرخ ارز، قطعاً به صادرات آسیب می‌زند اما اگر متناسب با شرایط تورم، نرخ ارز تبدیل شود به نوعی به رونق صادرات کمک می‌کند. برای همین باید اقرار کرد که شرایط کشور نسبت به سال ۱۴۰۳ بهبود قابل توجهی نخواهد داشت. اگر فشارها و تحریم شدیدتر شود، شاید مشکلات بیشتری هم بوجود بیاید. امیدواریم تحریم‌ها که مانع اساسی در تجارت خارجی کشورمان است رفع شود تا بتوانیم با یک روال عادی با دنیا کار کنیم.

۶- برای توسعه کشور باید به سمتی حرکت کنیم که هر روز شاهد توسعه جایگاه بخش خصوصی باشیم. کشورهای توسعه یافته، کشورهایی هستند که بخش خصوصی آنها توسعه پیدا کرده‌اند. باید دولت در تصمیم‌گیری خود به نظرات بخش خصوصی توجه کند. متأسفانه دولت بوروکراسی خاص خود را دارد و در نهایت تصمیم می‌گیرد که به چه سمتی حرکت شود. باید بخش خصوصی میدان دار شود و دولت در جایگاه قانون‌گذاری، نظارت و کنترل باشد نه اینکه بخش عمده‌ای از اقتصاد، وابسته به نهادهای دولتی باشد.

۷- تورم و نیاز روزافزون بنگاه‌ها به تأمین مالی بیشتر، و ناترازی انرژی و مشکلات ناشی از آن در حوزه تولید و اشتغال تأثیر زیادی بر اقتصاد کشور دارد. سرمایه‌گذاری برای پیشرفت ضروری است و باید بررسی شود که چه مقدار از سرمایه‌گذاری‌های موجود به نتایج ملموس منجر شده است. آمار نشان می‌دهد که بیش از نیمی از سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌های ایجاد شده، بلااستفاده مانده‌اند. در این سال‌ها میزان سرمایه‌گذاری در تولید نه تنها رشد نداشته، بلکه به سمت منفی حرکت کرده است.

۸- باید برای سرمایه‌گذاری‌ها به مطالعات آمایش سرزمینی و اولویت‌بندی در سرمایه‌گذاری‌ها توجه شود. بدون داشتن برنامه‌ریزی مناسب، سرمایه‌گذاری‌ها ممکن است منجر به هدررفت منابع شوند. لذا شناسایی اولویت‌های کشور از اهمیت خاصی برخوردار است.



حمل و نقل تاریک و تحریم‌های نفتی

اما از واردات ارزان تر نفت از چین بهره می برد که رشد رکودی ضد تورمی را به همراه دارد. اتحادیه اروپا، به عنوان یک واردکننده خالص، با افزایش هزینه های انرژی روبه رو است اما از تقاضای چین بهره می برد که منجر به گسترش تورم می شود. چین با استفاده از نفت تخفیف خورده، تولید صنعتی خود را افزایش می دهد که منجر به انتشار شوک های اقتصادی جهانی می شود. محققان نقش مرکزی حمل و نقل نفت از طریق کشتی های تاریک در بازسازی بازارهای نفت و پویایی های کلان اقتصادی را نمایان می کند.

کشتی های تاریک - غیرفعال سازی عمدی دستگاه های AIS (سیستم شناسایی خودکار) که موقعیت، مسیر، و سرعت کشتی را برای فرار از شناسایی به اشتراک می گذارند - در سال های اخیر به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته، عمدتاً به دلیل تحریم های غربی که حمل و نقل نفت از ایران، سوریه، کره شمالی، ونزوئلا و روسیه را محدود کرده است. این تحریم ها با هدف فشار بر کشورهای تحریمی از طریق محدود کردن درآمدهای نفتی آنها وضع شده (به استثنای کره شمالی که هدف محدود کردن واردات است) و این تحریم ها باعث شده که تولیدکنندگان نرخ های بالاتری به اپراتورهای تانکرها بدهند که نفت را به طور پنهانی حمل می کنند، ارائه دهند که این امر موجب افزایش حمل و نقل نفت از طریق کشتی های تاریک شده است. با وجود اینکه حمل و نقل دریایی بیش از سه چهارم نفت خام

مقاله ای به قلم شی ون بای (Xiwen Bai)، خوزه فرناندز-ویلاورد (Jesús Fernández-Villaverde)، ییلیانگ لی (Yiliang Li)، لی شو (Le Xu)، فرانچسکو زانتی (Francesco Zanetti) تحت عنوان «نتایج (غیر) مورد انتظار تحریم های نفتی از طریق حمل و نقل تاریک نفت تحریمی» در فوریه ۲۰۲۵ در مرکز ملی تحقیقات اقتصادی ایالات متحده منتشر شده که نتایج و بررسی های آن به شرح زیر است.

در این تحقیق محققان به بررسی افزایش پدیده «حمل و نقل نفت از طریق کشتی های تاریک» (کشتی هایی که دستگاه های AIS خود را غیرفعال می کنند تا از شناسایی فرار کنند) در شرایط تحریم های غرب علیه ایران، سوریه، کره شمالی، ونزوئلا و روسیه پرداخته اند. آنها با استفاده از یک مدل خوشه بندی کشتی مبتنی بر یادگیری ماشین، جریان های تجارت نفت خام حمل شده به صورت تاریک در سطح جهانی را دنبال و انتقال های غیرمجاز کشتی به کشتی را شناسایی کرده اند. مطابق محاسبات آنها، از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳، کشتی های تاریک به طور تخمینی ۷/۸ میلیون تن نفت خام ماهانه حمل کرده اند که معادل ۴۳ درصد از صادرات نفت خام دریایی جهانی بوده و چین ۱۵ درصد از این مقدار را جذب کرده است. این جریان های تحریمی کاهش های ثبت شده در صادرات جهانی نفت را جبران می کند اما تغییرات اقتصادی متفاوتی ایجاد می کند. ایالات متحده به عنوان یک صادرکننده خالص نفت، با کاهش قیمت نفت روبه رو می شود



اقتصادی و تجاری آن ایجاد می‌کند.

در این مقاله محققان این چالش‌ها را با معرفی یک مدل خوشه‌بندی کشتی مبتنی بر ویژگی‌های چندگانه بررسی می‌کنند که از یک فرآیند طبقه‌بندی سفر سه سطحی جامع برای شناسایی کشتی‌های تاریک استفاده می‌کند. مدل آنها به‌طور منحصربه‌فردی مجموعه‌ای گسترده از ویژگی‌ها را ادغام می‌کند، از جمله ویژگی‌های خاص کشتی، دینامیک‌های حرکت و اطلاعات سطح سفر از داده‌های AIS که امکان تحلیل ناوگانی از فعالیت‌های حمل‌ونقل تاریک را فراهم می‌آورد. با انجام این کار آنها نه تنها تشخیص را بهبود می‌بخشند بلکه چارچوبی برای اندازه‌گیری صادرات و واردات نفت تحریمی و ارزیابی پیامدهای تجمعی آنها ارائه می‌دهند.

آنها اذعان می‌دارند که یکی از دستاوردهای کلیدی رویکرد آنها ساخت دو معیار متمایز است که احتمال حمل مستقیم نفت از کشورهای تحریمی یا انجام انتقال‌های مشکوک کشتی به کشتی را ارزیابی می‌کند. اولین معیار بر نزدیکی کشتی به بنادر کشورهای تحریمی در طول شکاف‌های AIS تمرکز دارد در حالی که دومین معیار احتمال انتقال‌های مشکوک کشتی به کشتی را با بررسی مواردی که دو کشتی از نظر جغرافیایی نزدیک هستند و شکاف‌های داده‌ای آنها همپوشانی دارند، ارزیابی می‌کند. برای شناسایی انتقال‌های کشتی به کشتی تاریک، آنها یک روش نوآورانه پیشنهاد می‌کنند که از مختصات جغرافیایی، مسیر حرکت و اطلاعات زمان‌مهر از داده‌های تاریخی AIS استفاده می‌کند، حتی زمانی که کشتی‌ها دستگاه‌های AIS خود را خاموش کرده باشند. با تحلیل نزدیکی کشتی و الگوهای حرکت آنها در طول شکاف‌های AIS، رویکرد آنها یک روش جایگزین برای شناسایی انتقال‌های غیرمجاز کشتی به کشتی بدون تکیه بر منابع داده‌ای اضافی مانند تصاویر ماهواره‌ای ارائه می‌دهد.

نتایج شناسایی آنها تفاوت‌های قابل توجهی در ویژگی‌های خاص کشتی‌ها،

جهانی را تشکیل می‌دهد، محققان اظهار می‌دارند که عدم نظارت سیستماتیک مانع از درک جامع تاثیر آن بر تجارت جهانی، قیمت‌ها و دینامیک‌های کلان اقتصادی شده است.

شناسایی کشتی‌های تاریک چالش‌برانگیز است. هنگامی که یک کشتی دستگاه AIS خود را غیرفعال می‌کند، موقعیت، مسیر و سرعت آن برای سیستم‌های ردیابی جهانی نامرئی می‌شود که این امر ایجاد شکاف‌های داده‌ای را به دنبال دارد که حرکت آن را پنهان می‌کند. کشتی‌های تاریک معمولاً از این شکاف‌ها برای حمل نفت از کشورهای تحریمی یا انجام انتقال‌های غیرمجاز کشتی به کشتی در مناطق دریایی با نظارت ضعیف استفاده می‌کنند؛ مناطقی مانند آب‌های بین‌المللی نزدیک به سوئدا، سواحل جبل الطارق و غرب آفریقا. به همین دلیل، شناسایی کشتی‌های تاریک نیازمند چیزی بیشتر از ردیابی داده‌های AIS است و این نیازمند یک رویکرد جامع است که ویژگی‌های مشکوک خاص کشتی‌ها، احتمال انجام فعالیت‌های فراری در طول شکاف‌های داده‌ای و ناهنجاری‌ها در الگوهای ناوبری را ادغام کند.

با اینکه تلاش‌های مختلفی برای شناسایی کشتی‌های تاریک انجام شده است، بسیاری از آنها ناکافی بوده‌اند. روش‌های موجود اغلب به داده‌های ناقص تکیه می‌کنند، معیارهای روشنی برای تمایز حمل‌ونقل تاریک از عملیات‌های روتین دریایی ندارند، یا بر کشتی‌های فردی یا گروه‌های کوچک کشتی تمرکز دارند که در نتیجه قادر به شناسایی ناوگان بزرگ تانکرها نیستند.

علاوه بر این برخی روش‌ها به شدت به منابع خارجی مانند تصاویر ماهواره‌ای و داده‌های اختصاصی در مورد ساختار مالکیت و وضعیت بیمه تکیه دارند که ممکن است غیرقابل دسترسی، غیرقابل اعتماد، پرهزینه یا مستعد خطا باشند. نبود رویکردهای ناوگانی برای شناسایی کشتی‌های تاریک شکاف‌های قابل توجهی در درک مقیاس کامل این فعالیت پنهانی و پیامدهای وسیع‌تر

تولید خود را به دلیل کاهش هزینه‌های نفت گسترش داده است- این اثر را جبران کرده و منجر به افزایش خالص تولید همراه با تورم تقاضا در قیمت‌های تولیدکننده می‌شود. برای چین دسترسی به نفت ارزان‌شده به‌طور قابل توجهی تولید صنعتی را افزایش و دینامیک‌های اقتصادی در ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

آنها اشاره می‌کنند که کشف این حقایق برای سیاستگذاران ضروری است زیرا آنها باید پیامدهای (غیر) مترقبه تحریم‌های نفتی و حمل‌ونقل تاریک نفت را پیش‌بینی و کاهش دهند، به‌ویژه اگر رژیم‌های تحریمی تغییر کنند. بدون درک کامل از حمل‌ونقل تاریک و پیامدهای گسترده‌تر آن، طراحی تحریم‌های کارآمد و موثر همچنان یک کار غیرممکن خواهد بود.

آنها اظهار می‌دارند که تحلیل آنها به رشته‌های مختلفی از تحقیقات مرتبط است. اولاً، این تحلیل براساس مطالعات اخیر است که از داده‌های ماهواره‌ای با فرکانس بالا برای تحلیل الگوهای حمل‌ونقل جهانی استفاده کرده‌اند، از جمله رفتار مراجعه به بندر، جریان‌های ترافیک دریایی و پاسخ‌ها به اختلالات زنجیره تامین و ورودادهای ژئوپلیتیکی. علاوه بر این، مطالعات اخیر از یادگیری عمیق و تصاویر ماهواره‌ای برای شناسایی انتقالات غیرمجاز بین کشتی‌ها استفاده کرده‌اند. با این حال، این رویکردها اغلب با محدودیت‌هایی مواجه هستند زیرا به داده‌های ناقص AIS یا نیاز به تصاویر ماهواره‌ای اختصاصی پرهزینه وابسته‌اند. در مقایسه با این ادبیات، محققان اذعان می‌دارند که یک مدل خوشه‌بندی کشتی چند ویژگی‌ای توسعه داده‌اند که تنها به داده‌های AIS متکی است و رویکردی کلی برای شناسایی کشتی‌های تاریک و کمی‌سازی جریان‌های تجاری نفت تحریمی ارائه می‌دهد.

دوم، کار آنها به ادبیات بررسی تعاملات بین صنعت نفت و دینامیک‌های کلان اقتصادی ارتباط دارد که از مدل‌های ساختاری خود همبستگی برداری برای تخمین تاثیر شوک‌های تقاضا و عرضه بر قیمت‌های نفت و اقتصاد واقعی استفاده می‌کند و از داده‌های خرد برای بررسی تحولات صنعت و پیامدهای تجمعی آنها و مدل‌های ساختاری برای تجزیه و تحلیل کانال‌هایی که از طریق آنها شوک‌های نفتی در اقتصاد گسترش می‌یابند. مشارکتی که این محققان در تحقیق خود اذعان می‌دارند این است که در این ادبیات، کمی‌سازی صادرات نفت تحریمی که از طریق کشتی‌های تاریک حمل می‌شود و شناسایی اثرات علی دینامیک حمل‌ونقل تاریک بر قیمت‌ها و تولید در اقتصادهای ایالات‌متحده و اتحادیه اروپاست.

سوم، مطرح می‌کند که مطالعه آنها به ادبیات تجارت بین‌الملل و دینامیک‌های کلان اقتصادی که توسط تحریم‌ها، به‌ویژه تحریم‌هایی که پس از حمله روسیه به اوکراین علیه این کشور اعمال شد، تحریک می‌شود، کمک می‌کند. در حالی که مطالعات موجود به نقش حمل‌ونقل تاریک در حفظ اقتصاد روسیه با حفظ درآمد نفتی آن با وجود تحریم‌های غربی اذعان دارند. عدم شفافیت تجارت نفت تحریمی مانع از ارزیابی‌های کمی تاثیر آن بر تجارت جهانی نفت، قیمت‌ها و شرایط کلان اقتصادی شده است. مشارکت آنها توسعه یک چارچوب مقیاس‌پذیر است که نه تنها حمل‌ونقل تاریک را در سراسر ناوگان‌ها شناسایی می‌کند بلکه صادرات و واردات نفت حمل‌شده به‌وسیله کشتی‌های تاریک را کمی‌سازی کرده و ابزاری برای سیاستگذاران فراهم می‌آورد تا پیامدهای اقتصادی تحریم‌ها را ارزیابی کرده و طراحی تحریم‌ها را بهینه‌سازی کنند.

این مقاله مدل جدیدی از خوشه‌بندی کشتی‌ها با ویژگی‌های چندگانه را برای شناسایی فعالیت‌های حمل‌ونقل تاریک نفت تحریمی معرفی می‌کند. با یکپارچه‌سازی ویژگی‌های خاص کشتی‌ها، رفتارهای فراری در فواصل زمانی بدون سیگنال AIS و ناهنجاری‌های ناوبری، محققان مطرح می‌کنند که مدلشان به شناسایی فعالیت‌های مخفی در ناوگان کشتی‌های نفتی جهانی

الگوهای سفر و دینامیک‌های حرکت بین تانکرهای احتمالی که درگیر رفتارهای مشکوک هستند («تاریک») و آنهايي که کمتر درگیر هستند («سفید») نشان می‌دهد. در مقایسه با کشتی‌های سفید، کشتی‌های تاریک تمایل دارند که قدیمی‌تر باشند، توسط اپراتورهایی با کشتی‌های کمتر مدیریت شوند و تحت پرچم‌های مبهم ثبت شوند. علاوه بر این، کشتی‌های تاریک سطوح بالاتری از مشکوک بودن سفر و الگوهای حرکت نامنظم از خود نشان می‌دهند، از جمله بیکاری‌های بیشتر، تغییرات بیشتر در سرعت و انحرافات مکرر از مسیرهای معین. به‌طور تقریبی، ناوگان کشتی‌های تاریک طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳ به طور میانگین شامل ۵۵۸ تانکر بود که تقریباً یک‌چهارم ناوگان جهانی تانکرهای نفت‌خام را تشکیل می‌دهد. اندازه ناوگان و دینامیک‌های زمانی کشتی‌های تاریک به‌دقت تغییرات عمده ژئوپلیتیکی و اقتصادی در طول دوره نمونه‌گیری را پیگیری می‌کند.

این محققان با استفاده از مدل خوشه‌بندی خود، سه حقیقت تجربی در مورد تحریم‌های نفتی و حمل‌ونقل تاریک نفت تحریمی را اثبات کرده‌اند. نخست، از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳، به‌طور میانگین ۷/۸ میلیون تن نفت‌خام در هر ماه از طریق کشتی‌های تاریک از ایران، سوریه، ونزوئلا و روسیه صادر شده که معادل تقریباً ۴۳ درصد از کل صادرات نفت خام دریایی جهان بوده که در داده‌های UN Comtrade ثبت شده است. ایران و روسیه به‌عنوان مهم‌ترین صادرکنندگان ظاهر می‌شوند به‌طوری که حمل‌ونقل غیرمجاز نفت پس از تحریم‌های کلیدی غرب، مانند خروج ایالات متحده از برنامه جامع اقدام مشترک (JCPOA) در سال ۲۰۱۸ و تحریم‌های نفتی و سقف قیمت‌هایی که در اواخر ۲۰۲۲ بر نفت روسی اعمال شد، افزایش یافته است. به‌ویژه، پس از اینکه کشورهای گروه هفت در دسامبر ۲۰۲۲ سقف قیمتی ۶۰ دلار برای هر بشکه نفت خام روسی وضع کردند صادرات نفت‌خام جهانی ثبت‌شده به شدت کاهش یافت. با این حال، صادرات نفت تحریمی از طریق حمل‌ونقل تاریک بیش از دو برابر شد و بسیاری از کاهش عرضه را جبران کرده و فشار کاهشی بر قیمت‌های جهانی نفت وارد کرد.

دوم، چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت‌خام است که از کشورهای تحریمی از طریق کشتی‌های تاریک به آن حمل می‌شود. بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳، واردات چین بیش از ۹۷ میلیون تن بوده که معادل ۱۵ درصد از کل صادرات نفت تحریمی است. واردکنندگان برجسته دیگر شامل کره جنوبی، هند، مصر، ترکیه و خود روسیه هستند.

سوم، محققان این پژوهش آثار اقتصادی گسترده تحریم‌های غرب و حمل‌ونقل تاریک نفت تحریمی را بر ایالات‌متحده، اتحادیه اروپا و چین با استفاده از پیش‌بینی‌های محلی تحلیل کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد که افزایش شدت تحریم‌های نفتی، صادرات نفت‌خام جهانی را کاهش می‌دهد در حالی که صادرات نفت تحریمی از طریق حمل‌ونقل تاریک افزایش می‌یابد. این تغییرات پیامدهای اقتصادی متمایزی برای ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا ایجاد می‌کند که از موقعیت‌های تجاری نفتی آنها و به‌ویژه از نقش آنها در زنجیره تامین جهانی که چین در آن حضور دارد، شکل می‌گیرد.

برای ایالات‌متحده، به‌عنوان یک صادرکننده خالص نفت، افزایش عرضه نفت تحریمی قیمت‌های نفت را کاهش داده و باعث انقباض تولید در کوتاه‌مدت در بخش‌های انرژی و غیرانرژی می‌شود. با این حال، ایالات‌متحده همزمان از کاهش قیمت واردات کالاهای چینی بهره‌مند می‌شود- که هزینه‌های تولید آن در چین با نفت ارزان‌تر حمل‌شده به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابد- که رشد مبتنی بر عرضه‌ای را با فشار کاهش قیمت‌ها و افزایش تولید تحریک می‌کند. برعکس برای اتحادیه اروپا، به‌عنوان یک واردکننده خالص نفت، قیمت‌های بالاتر واردات نفت به دلیل تحریم‌ها تولید صنعتی را کاهش می‌دهد. با این حال، تقاضای رو به افزایش برای محصولات اتحادیه اروپا از سوی چین- که

سیاست‌های تجاری ترامپ در بوته نقد برندگان نوبل اقتصاد

تعرفه‌های ترامپ در بوته نقد

اقتصاددانان مطرح آمریکا علیه سیاست‌های تعرفه و تجارت دولت ترامپ بیانیه‌ای صادر کردند که تاکنون به امضای هزار نفر از اقتصاددانان از جمله برندگان نوبل اقتصاد رسیده است. در متن این بیانیه که در واقع نوعی گزارش کارشناسی محسوب می‌شود، آمده است: رفاه آمریکا امروز، همانطور که همیشه بوده، ریشه در اصول کار آفرینی و مبادله اقتصادی داوطلبانه دارد. ایالات متحده آمریکا برای ۲۵۰ سال به جهان نشان داده مردمی که آزاد گذاشته شوند تا نوآوری کنند و برای خود و برای همه کسانی که با آنها تجارت می‌کنند تولید کنند، از وفور فزاینده، استانداردهای زندگی بالاتر و امنیت بیشتر هم از نظر اقتصادی و هم از نظر نظامی برخوردار خواهند شد.

با این حال دولت ترامپ از زمان روی کار آمدن در سال ۲۰۲۵، تعرفه‌های حمایتی سنگینی را از طریق دستورات اجرایی یکجانبه اتخاذ کرده است. این اقدامات از طریق نرخ‌های به شدت نوسان کننده و دستورات دائماً در حال تغییر، عدم اطمینان و هرج و مرج را به اقتصاد جهانی تزریق کرده است. مجموعاً، آنها بزرگ‌ترین افزایش مالیات بر تجارت را تقریباً در یک قرن گذشته اعمال می‌کنند. طرفداران تعرفه‌ها این اقدامات را به عنوان اعمال «آزادی اقتصادی» به تصویر می‌کشند. در عوض، تعرفه‌ها اصولی از آزادی را که عصر آزادی و رفاه بشر به رهبری آمریکا رقم زد، وارونه می‌کنند. در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: پدران بنیانگذار آمریکا اعطای امتیازات سیاسی و تحمیل مرکزیت‌لیسم را رد کردند. توماس جفرسون در دستورالعمل‌های خود به نمایندگان ویرجینیا در کنگره قاره‌ای در سال ۱۷۷۴، از آنها خواست تا از حق مستعمرات آمریکایی برای اعمال تجارت آزاد با تمام نقاط جهان دفاع کنند. دو سال بعد، اعلامیه استقلال دلایلی را برشمرد که آن مستعمرات را به انقلاب سوق داد، از جمله اعتراضی علیه شاه جورج سوم به دلیل قطع تجارت با تمام نقاط جهان. در همین رابطه امروزه، ما با مجموعه‌ای از اقدامات اجرایی مبتنی بر ادعاهایی روبه‌رو هستیم که تاریخ ملت ما را به اشتباه تفسیر می‌کنند، وضعیت اقتصادی فعلی ملت ما را اشتباه درک می‌کنند، ماهیت بیماری‌های اقتصادی ملت ما را اشتباه تشخیص می‌دهند و اصول اقتصادی دیرینه و به طور گسترده پذیرفته شده را رد می‌کنند لذا ما امضاکنندگان بیانیه، ضروری می‌دانیم که مشاهدات اصلاحی زیر را در مورد مبانی رفاه آمریکا که بر اساس اصول صلح، تجارت و دوستی صادقاته با همه ملت‌ها بنا شده است، ارائه دهیم.

اصول اصلاحی اقتصاددانان

اقتصاددانان آمریکایی درخصوص اصول اصلاحی خود، تصریح می‌کنند: شواهد اقتصادی فراوان نشان می‌دهد که آزادی تجارت با درآمد سرانه بالاتر، نرخ رشد اقتصادی سریع‌تر و افزایش کارایی اقتصادی مرتبط است.

در حالی که اقتصاد آمریکا یک اقتصاد جهانی است که تقریباً دوسوم واردات خود را به عنوان نهاده برای تولید داخلی استفاده می‌کند، تعرفه‌های دولت فعلی ناشی از درک اشتباه از شرایط اقتصادی پیش روی شهروندان عادی آمریکایی است. در نتیجه ما پیش‌بینی می‌کنیم که کارگران آمریکایی بار اصلی این سیاست‌های گمراه‌کننده را به شکل افزایش قیمت‌ها و خطر رکود خودساخته متحمل خواهند شد.

علاوه بر این، برخلاف ترس‌های گسترده، کسری تجاری ایالات متحده نشانه افول اقتصادی ایالات متحده یا شیوه‌های تجاری ناعادلانه در خارج از کشور نیست. در واقع این کسری‌ها به اقتصاد ایالات متحده آسیب نمی‌رسانند و برعکس، کاملاً درست است. زیرا کسری تجاری ایالات متحده منعکس‌کننده اعتماد بالای سرمایه‌گذاران جهانی به اقتصاد ایالات متحده است و این سرمایه‌گذاری‌ها، به نوبه خود، اقتصاد مولد و تقاضا برای دلار آمریکا را بیشتر تقویت می‌کنند. از سوی دیگر، نرخ‌های تعرفه متقابل که توسط ایالات متحده بر کشورهای دیگر تهدید و اعمال می‌شود، با استفاده از یک فرمول اشتباه و بداهه و بدون هیچ مبنایی در واقعیت اقتصادی محاسبه می‌شود. این محاسبات از روش‌های تثبیت شده برای محاسبه تعرفه‌های متقابل، همانطور که در بخش ۳۰۱ قانون تجارت

سال ۱۹۷۴ مشخص شده است، منحرف می‌شوند. بنابراین سیاست‌های حمایتی دولت اشتباهات فاجعه‌بار تعرفه اسموت-هاولی سال ۱۹۳۰ را تکرار می‌کند که با مخالفت ۱۰۲۸ اقتصاددان روبه‌رو شد. این دانشمندان درک می‌کردند که تعرفه‌های حمایتی باعث

می‌پردازد. یافته‌های آن نشان می‌دهد که کشتی‌های تاریک بخش قابل توجهی از ناوگان را تشکیل می‌دهند و تجارت نفت تحریمی را تسهیل می‌کنند. بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳،

به طور متوسط ماهانه ۷/۸ میلیون تن متریک نفت خام، معادل ۴۳ درصد از صادرات جهانی نفت خام به صورت رسمی ثبت شده، از طریق کشتی‌های تاریک حمل شده است. براساس این یافته‌ها، سه نکته کلیدی تجربی استخراج می‌شود: اول، افزایش صادرات نفت تحریمی با تخفیف از طریق کشتی‌های تاریک، کاهش صادرات نفت جهانی ثبت شده ناشی از تحریم‌ها را جبران کرده و قیمت‌های جهانی نفت را پایین‌تر می‌آورد. دوم، چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت تحریمی حمل شده توسط کشتی‌های تاریک از کشورهای تحریمی است. سوم، تحلیل‌های مقاله نشان می‌دهند که تشدید تحریم‌ها باعث افزایش صادرات نفت تحریمی از طریق کشتی‌های تاریک می‌شود که اثرات نامتقارن ایجاد می‌کند. به عنوان یک صادرکننده خالص نفت، ایالات متحده از کاهش قیمت‌های وارداتی چین بهره‌مند می‌شود که باعث فشارهای انقباضی و رشد عرضه‌محور می‌شود، با وجود کاهش درآمد برای تولیدکنندگان داخلی. در مقابل، اتحادیه اروپا به عنوان یک واردکننده خالص نفت با افزایش هزینه‌های انرژی مواجه است اما از افزایش تقاضای چین بهره می‌برد که منجر به تورم و رشد تقاضا می‌شود. در این میان، دسترسی چین به نفت تخفیف‌خورده باعث افزایش تولید صنعتی می‌شود که تأثیرات اقتصادی تحریم‌ها را گسترش داده و دینامیک‌های اقتصادی در ایالات متحده و اتحادیه اروپا را شکل می‌دهد.

چند مسیر امیدوارکننده برای تحقیقات آینده وجود دارد: اول، مدل‌سازی اقتصاد جهانی با پیوندهای داده-ستانه و بازار نفت بین‌المللی مبتنی بر خرد می‌تواند دیدگاه‌های عمیق‌تری در مورد واکنش‌های متمایز ایالات متحده و اتحادیه اروپا به شوک‌های تحریمی نفت فراهم کند. گسترش تحلیل برای بررسی شبکه‌های تولید می‌تواند به تعیین اینکه آیا تفاوت‌های جغرافیایی تأثیر تحریم‌ها عمدتاً ناشی از نزدیکی فضایی، هزینه‌های بالاتر تجارت یا هم‌افزایی‌های تولید است، کمک کند. دوم، سیاست‌های مقابله‌ای می‌توانند رژیم‌های تحریمی جایگزین را ارزیابی کرده و اقداماتی را برای کاهش پیامدهای غیرمطلوب بررسی کنند، مانند فشار تورمی اتحادیه اروپا ناشی از هزینه‌های بالای انرژی و تقاضای رو به افزایش چین. در نهایت، ادغام تصویربرداری ماهواره‌ای می‌تواند اعتبارسنجی را بهبود بخشد، به ویژه در شناسایی انتقالات کشتی به کشتی و دقت مدل را افزایش دهد. محققان اظهار می‌دارند که برنامه دارند که برخی از این گسترش‌ها را در تحقیقات آینده دنبال کنند.



که اصول اقتصادی، شواهد تجربی و هشدارهای تاریخ بر اسطوره‌های حمایتی لحظه غلبه کند.

ما به عنوان اقتصاددانان و پژوهشگران در زمینه‌های مرتبط، از مردم آمریکا و در واقع مردم جهان دعوت می‌کنیم تا در رد این مسیر گمراه‌کننده آسیب ناشی از تعرفه‌ها به ما بپیوندند. در عوض ما تعهد خود را به اصول اساسی که توسط جورج واشنگتن در سخنرانی خداحافظی خود بیان شده است، تکرار می‌کنیم: هماهنگی و روابط آزاد با همه ملت‌ها، براساس سیاست، انسانیت و منافع توصیه می‌شود اما حتی سیاست تجاری ما نیز باید با دستانی برابر و بی‌طرفانه عمل کند؛ نه به دنبال امتیازات یا ترجیحات انحصاری باشد و نه آنها را اعطا کند؛ بلکه به روند طبیعی امور توجه کند؛ جریان‌های تجارت را با وسایل ملایم گسترش و تنوع بخشد اما هیچ چیز را تحمیل نکند.

جنگ تجاری تلافی‌جویانه می‌شود و به این ترتیب همان رکود بزرگ را که هدف آن حل آن بود، تشدید می‌کند. در واقع نرخ‌هایی شبیه اسموت-هاولی بر اقتصاد جهانی به مراتب یکپارچه‌تری تحمیل می‌شود و خطر یک نتیجه مشابه ویرانگر برای شهروندان عادی آمریکایی را به همراه دارد.

در شرایطی که قدرت وضع و جمع‌آوری مالیات، عوارض، حقوق گمرکی و مالیات‌های غیرمستقیم طبق قانون اساسی به کنگره به عنوان نمایندگان مستقیم و صریح مردم اختصاص داده شده است، تعرفه‌های ۲۰ آوریل بدون رضایت آن نهاد و بدون هیچ اصلی، راهنمای قابل درک اعمال شده است. در عوض، قضاوت و قدرت برحق اختصاص داده شده به کنگره و به مردم، با دستورات اجرایی یکجانبه که با ادعاهای پداهه اضطراری تحت قانونی که حتی مجوز تعرفه را پیش‌بینی نمی‌کند، جایگزین شده و این یک غصب قدرت غیرقانونی است.

در نتیجه می‌توان گفت، فرصت برای

معکوس کردن این سیاست‌های

ناسازگار و آسیب‌زا در حال

از بین رفتن است. با این

حال، ما همچنان

امید داریم



مدیر مرکز روابط آمریکا و چین در انجمن آسیا تحلیل کرد جهان چین یا اروپا



وابسته بودند، حتی اگر گاهی با تحقیر به سادگی و ناپختگی آن نگاه می‌کردند، حالا خود را تنها می‌یابند، بدون جاذبه و مجبور به رویارویی با رهبری آمریکایی که نهایت پستی و نادانی را به نمایش می‌گذارد. اکنون که نظم ژئوپلیتیکی قدیمی لغو شده است، چین و روسیه آماده‌اند تا وارد خلأ شوند و نسخه خود از نظم را ایجاد کنند اما یکی رژیم مارکسیست-لنینیستی ریشه‌کن‌شده‌ای است با انبوهی از تجهیزات نظامی، جغرافیا و منابع طبیعی اما اقتصادی کوچک‌تر از کانادا و دیگری یک دولت تک‌حزبی لنینیستی احیا شده با اقتصادی عظیم، رهبری حساس و یک مرکز فناوری جهانی پویا. آیا اروپا واقعا جهانی را می‌خواهد که برای خودکامگی امن باشد؟

اروپا اکنون، به جای اینکه مانند چین پس از دوران سلسله‌ها که سون یات‌سن آن را یک ظرف شن پراکنده توصیف کرده بود باقی بماند، نه تنها باید صنایع نظامی خود را برای دفاع از خود تقویت کند، بلکه باید در پی بازگرداندن حداقلی از نظم دموکراتیک جهانی نیز باشد. به هر حال، اروپا فاقد منابع مهمی که بتواند با دیگران به اشتراک بگذارد نیست. زرادخانه هسته‌ای فرانسه و بریتانیا وجود دارد که می‌تواند به چتری بازدارنده برای قاره تبدیل شود؛ تولیدکنندگان تسلیحاتی مانند راین‌متال آلمان؛ تخصص فناوری پهپادی اوکراین؛ شرکت بی‌ای‌ئی بریتانیا؛ ایرباس فرانسه؛ و شرکت ASML هلند، با انحصار خود بر فناوری EUV (لیتوگرافی فرابنفش شدید) که برای تولید میکروچیپ‌های پیشرفته ضروری است. اما اروپا هنوز تلاشی برای پذیرش ساختار اتحادی که ایالات متحده اکنون کنار گذاشته آغاز نکرده است. با برقراری ارتباط با ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین، تایوان، نیوزیلند و استرالیا اروپا می‌تواند به چین نشان دهد که جهان بدون رهبری ایالات متحده متعلق به آنها نیست. با

اورویل شل، مدیر مرکز روابط ایالات متحده و چین در انجمن آسیا و یکی از ویراستاران مشترک (همراه با لری دایموند) کتاب «نفوذ چین و منافع آمریکا: ترویج تعامل سازنده» در گزارشی که به‌تازگی برای پروجکت سیندیکیت نوشته آورده است: اکنون که نظم ژئوپلیتیکی قدیمی لغو شده است، چین و روسیه آماده‌اند تا وارد خلأ موجود شوند و نظم جدیدی ایجاد کنند. اگر اروپا تلاشی برای پذیرش ساختار اتحادی که ایالات متحده اکنون کنار گذاشته است آغاز نکند، خود را در جهانی خواهد یافت که برای خودکامگی امن شده است.

امروز ما در یک دوران هستیم و فردا در دورانی متفاوت خواهیم بود. رئیس‌جمهور دونالد ترامپ با صدای بلند از باغ رز کاخ سفید اعلام کرد، در حالی که تعرفه‌های ایالات متحده را به بالاترین سطح خود از سال ۱۹۰۹ افزایش داد. هیچ‌کس کاری شبیه به این انجام نداده است! این درست نیست. در اول اکتبر ۱۹۴۹، رئیس‌مائو بر فراز تیان‌آن‌من، دروازه ورودی شهر ممنوعه پکن ایستاد و «روز رهایی» چین را اعلام کرد. از آن پس، حزب کمونیست چین قرن بیستم را به دو دوره تقسیم کرد: «پیش از رهایی تحت رهبری چیانگ کای‌شک و پس از رهایی تحت رهبری مائو زدوئنگ، که چین را به سه دهه آشوب سیاسی و اقتصادی فرو برد. حالا «روز رهایی» ترامپ نیز نوید آشوب و اختلال مشابهی را می‌دهد اما در مقیاس جهانی.

نظم ژئوپلیتیکی قدیم لغو شده است

برای اروپایی‌ها، به‌ویژه، گویی خورشید ناگهان خاموش شده است: نظام ژئوپلیتیکی انسجام و پیش‌بینی‌پذیری خود را از دست داده و سیاره‌ها از مدارهای خود خارج شده‌اند. اروپایی‌هایی که زمانی به ایالات متحده

ساخت‌وساز شود؛ یعنی مامای زایش یک نظم جهانی جدید غیرمتمرکز بر آمریکا. اما اروپایی‌ها نباید فراموش کنند که ایالات متحده پیشتر استراتژی سازش را امتحان کرده بود، نه تنها با روسیه پس از فروپاشی شوروی، بلکه با چین نیز. زیرا ۱۰ رییسی‌جمهور از سال ۱۹۷۲ (از جمله اولین دولت ترامپ) نسخه‌های مختلفی از «تعامل» با دولت پکن را حمایت کردند. افسوس که این تلاش‌ها همگی شکست خوردند زیرا رهبران حزب کمونیست چین همچنان به این باور پایبندند که ایالات متحده اساساً مصمم به سرنگونی حاکمیت تک‌حزبی آنهاست، صرف‌نظر از آنچه روسای جمهور آمریکا می‌گویند. آنها مرتباً یادآوری می‌کنند که جان فاستر دالس، وزیر امور خارجه رییس‌جمهور دوایت آیزنهاور، در سال ۱۹۳۲ اعلام کرد که «رهایی» از حاکمیت شوروی ممکن است بهتر از طریق «فرآیندی کوتاه‌تر از جنگ» رخ دهد؛ یعنی از طریق فشارهای داخلی مسالمت‌آمیز که «به‌طور حتم ماهیت رژیم‌های کمونیستی را تغییر می‌دهند» و در سال ۱۹۵۸، دالس به دیپلمات‌های آمریکایی توصیه کرد که از طریق ابزارهای مسالمت‌آمیز تکامل در بلوک چین-شوروی را تسریع کنند.

تاکتیکی بسیار فریبنده

مائو از آنچه «تکامل مسالمت‌آمیز می‌نامید به‌شدت نگران بود. او آن را «تاکتیکی بسیار فریبنده‌تر» از جنگ آشکار می‌دانست زیرا هدفش فساد و در نهایت سرنگونی نظام کمونیستی چین بود. شی جین‌پینگ نیز همیشه ایالات متحده را به‌عنوان یک «نیروی خارجی متخاصم غیرقابل تغییر درک کرده است. بنابراین، اروپایی‌ها نباید خود را درباره چین فریب دهند. بهترین تضمین صلح در جهانی پر از خودکامگی‌های جسور، بازدارندگی از طریق قدرت نظامی، اتحاد در ائتلاف‌ها و نفوذ اقتصادی است. با توجه به اینکه ایالات متحده دیگر مایل به رهبری دموکراسی‌های جهان در این تلاش نیست، اروپا باید قدم پیش بگذارد. هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند.

توجه به خصومت ترامپ با ناتو، اروپایی‌ها و آسیایی‌هایی که به دموکراسی و نظم جهانی اهمیت می‌دهند، باید به خطرات وابستگی نظامی خود به ایالات متحده و وابستگی اقتصادی به چین آگاه شوند و انواع جدیدی از شراکت‌ها را میان خود و کشورهای هم‌فکر ایجاد کنند. هند که همیشه حساسیت‌های خاص خود را دارد، قطعاً با این موضوع موافق است و می‌تواند شریکی همکاری‌کننده شود.

چنین ساختار جدیدی دقیقاً همان چیزی است که شارل دوگل زمانی برای فرانسه خواستار آن بود. در دهه ۱۹۵۰، پس از پیوستن فرانسه به ناتو، دوگل نگران بود که اگر اتحاد جماهیر شوروی حمله کند و ایالات متحده به کمک اروپا نیاید حتی صراحتاً به آمریکایی‌ها گفت شک دارد آنها حاضر شوند نیویورک را برای دفاع از پاریس فدا کنند.

بنابراین، دوگل نیروی هسته‌ای مستقل فرانسه، موسوم به «نیروی ضربه‌زن» (force de frappe) را توسعه داد و سپس در سال ۱۹۶۶ از فرماندهی نظامی ناتو خارج شد (هرچند فرانسه همچنان عضو این اتحاد باقی ماند). در آن زمان، بسیاری حرکت دوگل را صرفاً لجبازی تلقی کردند اما منطق او اکنون ناگهان دوراندیشانه به نظر می‌رسد.

اروپا در برابر چین و روسیه

مذاکرات بیشتر، گفت‌وگو، توافق‌نامه‌های تجاری، تبادلات فرهنگی و دیپلماسی عمومی – ابزارهای معمول سیاست خارجی اتحادیه اروپا طی دهه‌ها – نمی‌توانند افرادی مانند شی جین‌پینگ، رییس‌جمهور چین، یا ولادیمیر پوتین، رییس‌جمهور روسیه را تغییر دهند. آنها به دنبال شریکانی برای تضمین صلح و ثبات جهانی نیستند؛ آنها می‌خواهند جای ایالات متحده را در صدر نظم جهانی بگیرند و سپس خود آن نظم را تغییر دهند.

مائو زمانی اعلام کرد: «بدون تخریب، ساخت‌وسازی وجود نخواهد داشت و در این ضرب‌المثل حقیقتی نهفته است. ترامپ نیز عاملی برای تخریب است اما اگر اروپا بتواند از این فرصت استفاده کند، ترامپ ممکن است به‌صورت پارادوکسیکال، با وجود خواست خود عاملی برای



اقدام جسورانه خاویر میلی برای عبور از بحران

محمدرضا ستاری - به جای صحبت درباره مدل رشد چینی، جهان به زودی از رشد به سبک آرژانتینی صحبت خواهد کرد. خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین است که چند روز پیش در یک برنامه تلویزیونی با افتخار بر روی آن تاکید می‌کرد. علاوه بر این وزیر اقتصاد او نیز به تازگی برنامه ۲۰ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول (IMF)، کاهش کنترل‌های سرمایه‌ای و انتقال به نرخ ارز انعطاف‌پذیرتر را تشریح کرده بود. با این حال، همه در آرژانتین این پیروزی را جشن نمی‌گیرند. زیرا در هفته گذشته بلافاصله پس از انتشار خبر توافق با صندوق بین‌المللی پول، یک اعتصاب عمومی از پیش برنامه‌ریزی شده علیه کاهش هزینه‌های دولت، کشور را فلج کرد؛ به طوری که فرودگاه خورخه نوبری در بوئنوس آیرس، خالی ماند، رفت و آمد متروها کمتر شده و زباله‌ها از سطح شهر جمع‌آوری نشد. دلیل چنین اعتصابی این است که بسیاری از آرژانتینی‌ها از توافق با صندوق بین‌المللی پول نگران هستند؛ زیرا ۲۲ توافق قبلی آرژانتین با این نهاد مالی عمده‌ت‌ها به فاجعه اقتصادی ختم شده است.

کارنامه میلی؛ اعتبار میلی

با این حال عملکرد خاویر میلی تاکنون نشان داده که می‌شود به متفاوت بودن همکاری جدید دولتش با صندوق بین‌المللی پول خوش‌بین بود؛ زیرا او در دسامبر ۲۰۲۳، با میراثی از هزینه‌های دولتی بی‌حدومرز، تورم افسارگسیخته و پیچیدگی وضعیت سرمایه‌گذاری و نرخ ارز مواجه بود اما بلافاصله توانست، همزمان با کاهش هزینه‌ها، تورم افسارگسیخته را نیز تا حد زیادی کنترل کند. به همین دلیل است که اکنون بعد از گذشت کمتر از دو سال، آرژانتین از رکود عمیق به وضعیت رشد قوی اقتصادی رسیده است. به طوری که نرخ فقر که در اوایل ۲۰۲۴ به ۵۳ درصد رسیده بود، اکنون به ۳۸ درصد کاهش یافته است. حالا او ضعف اصلی برنامه اصلاحی خود یعنی کنترل سرمایه و ارزشگذاری بیش از حد پزو را هدف گرفته است. به طوری که به گفته تحلیلگران، میلی هرگز به این اندازه به تبدیل آرژانتین به یک اقتصاد عادی نزدیک نبوده است.

دورنمای چالش برانگیز

با این حال به گفته کارشناسان، آشفتگی‌های جهانی اقتصاد، اصلاحات او را تهدید می‌کند. به عنوان مثال او تاکنون کنترل سرمایه را حفظ کرده و نرخ ارز را نیز هر چند به صورت شکننده، تثبیت کرده است. یعنی ماهانه حدود ۲ درصد از ارزش پزو در مقابل دلار را کاهش داده است. این موضوع هر چند تورم را کاهش داده اما سرمایه‌گذاران خارجی را دلسرد و صادرات را نسبت به کالاهای داخلی گران‌تر کرده است. در همین راستا بود که بانک مرکزی آرژانتین از اواسط اسفندماه گذشته، حدود



خطر اصلی برای میلی

به گفته تحلیلگران اقتصادی، خطر اصلی برای میلی این است که اصلاحات گسترده به تورم بیشتر و بی ثباتی بینجامد. زیرا در حالی که کاهش ارزش پزو به طور قطع تورم را افزایش می دهد، شاهد بودیم که نرخ تورم ماهانه از ۲/۴ درصد در فوریه به ۳/۷ درصد در ماه مارس رسیده و پیش بینی می شود به حدود ۵ درصد هم برسد.

از آنجا که کاهش تورم پایه محبوبیت میلی محسوب می شود، اگر قیمت ها افزایش یابد، ممکن است نارضایتی ها از او بیشتر شود. در واقع هر چند او توانسته در یک معجزه اقتصادی، تورم افسار گسیخته ماهانه بالای ۶۰ درصدی را به زیر ۴ درصد برساند اما افزایش تورم چرخه معیوبی از کاهش محبوبیت، نگرانی بازار و تشدید مشکلات اقتصادی را ایجاد می کند.

همزمان خاویر میلی تحت فشار سیاسی نیز قرار دارد. زیرا حدود دو هفته پیش دو نامزد او برای دیوان عالی رد شدند و کمی بعد مجلس سلفی آرژانتین تحقیقات درباره تبلیغات رییس جمهوری در مورد یک ارز دیجیتال مشکوک را آغاز کرد. با این حال بررسی ها نشان می دهد که با وجود کاهش محبوبیت میلی از ابتدای سال جاری میلادی، همچنان میزان رضایت از او ۴۵ درصد بوده و بازارها نیز منتظر نتایج انتخابات منطقه ای و میان دورای به منظور رصد احتمال بازگشت پرونیست ها هستند.

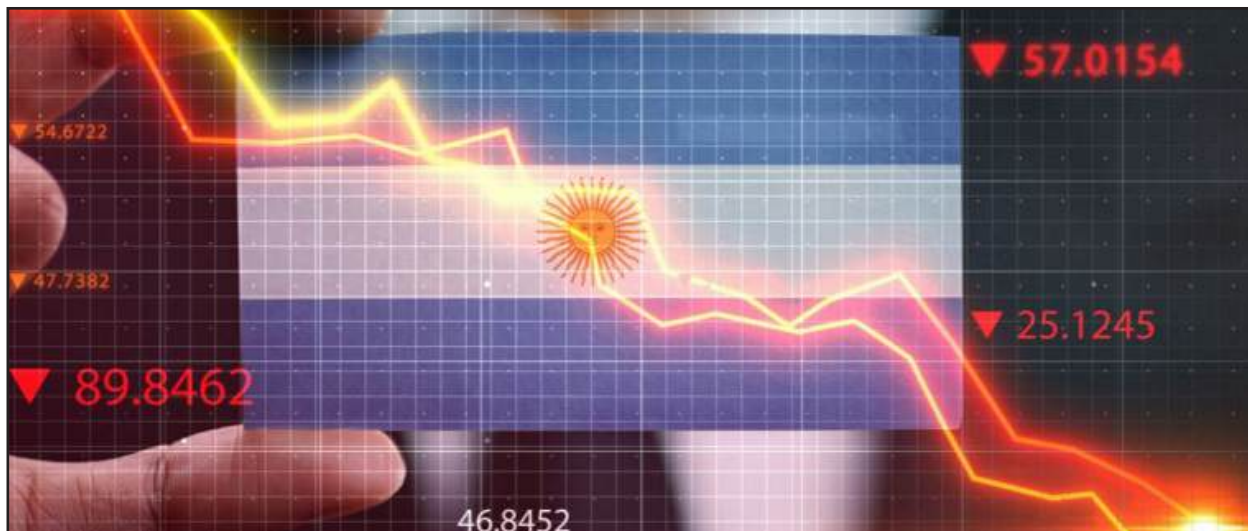
در همین رابطه و در حالی که تحلیلگران معتقدند، هیچ اصلاح ساختاری برای آرژانتین مهم تر از حذف سیاست های اقتصادی رادیکال پرونیست ها نیست اما مشکل اینجاست که خاویر میلی متحدان سیاسی اندکی دارد. در واقع هر چند او عمدتاً با حزب مائوریسیو ماکری، رییس جمهوری پیشین راست میانه، همسو است اما وقتی صحبت از ائتلاف می شود، میان آنها اختلافات زیادی وجود دارد. در نتیجه این امر ممکن است راه را برای پیروزی پرونیست ها در انتخابات شهر و استان بوئنوس آیرس باز کند؛ امری که قاعدتاً باعث ترس بازارها خواهد شد. در همین رابطه طبق گزارش مجله اکونومیست، حتی اگر انتخابات میان دورای به خوبی پیش برود، قدرت مورد نظر میلی را تامین نمی کند. زیرا حزب او که تنها ۱۵ درصد کرسی های مجلس سلفی و کمتر از آن در سنا را در اختیار دارد. البته خبر خوب برای میلی و حامیان او این است که پرونیست ها درگیر اختلافات داخلی بر سر رهبری هستند و در نتیجه او بیش از هر زمان دیگری دستش برای ایجاد تحول اقتصادی بیشتر در آرژانتین باز است.

۲/۵ میلیارد دلار برای حمایت از نرخ ارز هزینه کرده و تا هفته پیش ذخایر ارزی آن حدود ۷ میلیارد دلار کسری داشت. در چنین شرایطی توافق میلی با صندوق بین المللی پول با تزریق ۱۵ میلیارد دلار، به دولت وی کمک می کند تا نظام نرخ ارز انعطاف پذیرتری را حفظ کند. ذخایر ارزی همچنین با ۱/۶ میلیارد دلار وام از بانک های خارجی و خط مبادله ۵ میلیارد دلاری با چین تقویت می شود. به همین دلیل نرخ رسمی ارز اکنون بین ۱۰۰۰ تا ۱۴۰۰ پزو به دلار شناور خواهد بود و اگر قیمت بر روی ۱۴۰۰ پزو تثبیت شود، دولت میلی می تواند ارزش پول ملی را تقویت کند.

در همین رابطه به گفته کارشناسان، این استراتژی جسورانه و در عین حال پرریسک است. زیرا چند روز قبل ارزش پزو با ۱۲ درصد سقوط به ۱۲۳۰ پزو به دلار رسید. با این حال، طبق گزارشی که مجله اکونومیست منتشر کرده، شرکت مشاوره ای کپیتال اکونومیکس معتقد است این نرخ همچنان پزو را بیش از حد ارزش گذاری می کند. همچنین طبق گزارش این مجله، دولت کنترل های سرمایه ای را کاهش داده تا خروج پول از آرژانتین آسان تر شود. این اقدام جذب سرمایه خارجی را تسهیل می کند، اما خطر خروج ناگهانی سرمایه را افزایش می دهد. به همین دلیل، برخی محدودیت های کلیدی از جمله کنترل بر سود سهام خارجی بلوکه شده هنوز پابرجاست.

به گفته تحلیلگران، این اصلاحات باید به بانک مرکزی کمک کند تا ذخایر ارزی خود را افزایش دهد. زیرا آرژانتین برای هر گونه شانس دسترسی به بازارهای سرمایه جهانی، به این ذخایر نیاز دارد. آن هم در شرایطی که حدود ۱۹ میلیارد دلار از بدهی ها در ۲۰۲۶ سررسید می شود.

با این حال نشانه های اولیه مثبت است؛ زیرا اوراق قرضه بین المللی آرژانتین در معاملات اولیه حدود ۳ درصد رشد کرده که نشان دهنده تایید بازار از این برنامه است. البته در این میان، آشفتگی های جهانی، اجرای اصلاحات را برای خاویر میلی دشوارتر می کند. در واقع هر چند که میلی به میزان زیادی به دونالد ترامپ دل بستگی دارد، اما جنگ تجاری آمریکا باعث کاهش شدید قیمت نفت و تهدید قیمت محصولات کشاورزی شده است. این موضوع درآمد دو صادرات کلیدی آرژانتین را کاهش داده و افزایش ذخایر ارزی را سخت تر می کند. همچنین چنین وضعیتی سرمایه گذاران را نگران کرده است. شاید به همین دلیل است که وزیر خزانه داری آمریکا این هفته به آرژانتین سفر کرد تا حمایت ضمنی دولت ترامپ را از او اعلام کند.





«شی» از تعرفه‌ها هم سود می‌برد

که نشان می‌دهد، این کمپین جذابیت و آسیب در حال نتیجه دادن است. به طوری که در ۲۲ آوریل گزارش شد که به زودی نخست وزیر ژاپن قصد طرح خود را برای حفظ روابط تجاری و پایدار با چین به شی‌جین‌پینگ ارائه خواهد داد. به گفته تحلیلگران به نظر می‌رسد برای شی، آنچه مهم‌تر است، تصویر داخلی است. به گفته یک مقام ارشد سابق اطلاعاتی آمریکا، روابط با آمریکا و جهان در صدر فهرست چیزهایی نیست که ممکن است او را شب‌ها بیدار نگه دارد زیرا بخشی از این محاسبات مربوط به پیامدهای اقتصادی جنگ تجاری در داخل چین است اما جنبه دیگری هم هست که هر چند کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد ولی بسیار حیاتی است. اینکه دقیقاً زمانی که اقتصاد در حال مبارزه با بادهای مخالف جدی است، کمپین شی برای ریشه‌کن کردن فساد و اعمال وفاداری در رده‌های بالای حزب کمونیست، تلاطم ایجاد می‌کند. به عنوان نمونه، مقامات چینی از داده‌هایی استفاده می‌کنند که نشان دهد، کشور در مقابله با تعرفه‌های ترامپ مقاوم است. مثلاً در

چندان نگرانی‌ای از سوی آنها مشاهده نمی‌شود. به عنوان مثال یک سرمایه‌گذار ۳۶ ساله می‌گوید که تعرفه‌های ترامپ نشانه‌ای از این است که آمریکا از ظهور چین احساس خطر می‌کند. او می‌گوید: قدرت آمریکا در حال کاهش بوده و دستیابی به هژمونی بین‌المللی برای این کشور بسیار دشوار شده است.

ماشین تبلیغاتی تعرفه‌ها

در واقع این روزها در چین، همه جا می‌توانید جنگ تجاری را مشاهده کنید. رسانه‌های دولتی دائماً در حال پخش این خبر هستند که رییس‌جمهوری این کشور از چندجانبه‌گرایی و رعایت قوانین بین‌المللی حمایت می‌کند. به عنوان مثال روزنامه‌ها اینطور وانمود می‌کنند که شی در سفر به جنوب شرقی آسیا در مواجهه با طرح اول آمریکای ترامپ، در حال ایجاد فرصت‌های جدید توسعه و ادغام اقتصادی منطقه‌ای است. علاوه بر این چین به‌تازگی به سایر کشورها هشدار داده که اگر در برابر فشار آمریکا برای اعمال تعرفه بر چین تسلیم شوند، تلافی خواهد کرد. در نتیجه شواهدی وجود دارد

محمدرضا ستاری - تشدید جنگ تجاری از سوی دونالد ترامپ هر چند پیامدهای مهمی برای اقتصاد بین‌الملل خواهد داشت اما نکته مهم این است که نباید از جنبه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی این موضوع به خصوص جنگ تجاری ایالات متحده با چین که قابلیت تبدیل شدن به یک جنگ سرد اقتصادی را دارد، غافل ماند. به عنوان مثال تنها در یک مورد، برخی شواهد و گزارش‌ها نشان می‌دهد که شی‌جین‌پینگ رییس‌جمهوری چین در بحبوحه جنگ تجاری با ایالات متحده و در حالی که تقریباً تمامی رهبران بین‌المللی و کارشناسان نگران زنجیره تامین و رشد اقتصاد جهانی هستند، به دنبال بهره‌برداری از این موضوع جهت تثبیت قدرت سیاسی و همچنین پاکسازی نیروهای مسلح کشور است. در همین رابطه گزارشی که اخیراً مجله اکونومیست منتشر کرده، جالب توجه است. طبق روایت اکونومیست در پکن، گرمای بهاری مردم را به سمت رستوران‌ها و فضای باز کشانده است. مراکز خرید شلوغ هستند و وقتی از مردم در خصوص تعرفه‌های تجاری سوال می‌شود،



در واقع همزمان با اینکه در طول دو سال گذشته علاوه بر وزیر خارجه، وزیر دفاع، فرمانده واحد موشکی ارتش و برخی دیگر از مقامات نظامی از سمت خود برکنار شده‌اند، در ماه مارس گذشته هم شاهد بودیم یکی از اعضای دفتر سیاسی نیز از انتظار عمومی ناپدید شده است. این فرد شخصی نیست جز ژنرال هی ویدونگ، یکی از دو معاون رییس کمیسیون مرکزی نظامی (CMC) و نفر سوم در سلسله مراتب نظامی چین که گفته می‌شود اگر برکنار شده باشد، بالاترین مقام نظامی خواهد بود که در دفتر سیاسی از سال ۱۹۶۷ به این سو برکنار شده است. این موضوع به گفته تحلیلگران نشان می‌دهد که پاکسازی‌های نظامی شی به پایان نرسیده است زیرا همانطور که گفته شد، علاوه بر لی شانگفو، وزیر دفاع وقت که در سال ۲۰۲۳ مورد هدف قرار گرفت، میاو هوا، دربارید مسوول اجرای وفاداری به شی در ارتش آزادیبخش خلق در سال ۲۰۲۴ تحت بازجویی قرار گرفت. همچنین در ماه مارس، یک عضو ارشد واحد ضد فساد کمیسیون نظامی یعنی سپهبد تانگ یونگ، شغل خود را به عنوان مشاور مجلس ملی از دست داد. در نتیجه می‌توان گفت: تعامل بین پیامدهای اقتصادی جنگ تجاری و نشانه‌های آشفتگی در راس حزب برای درک وضعیت امروز چین بسیار مهم است. در یک سناریو، جنگ تجاری پکن را مجبور به آزادسازی اقتصاد، تقویت مصرف به جای سرمایه‌گذاری دولتی و آزادی عمل به کارآفرینان و فعالان اقتصادی می‌دهد. اما سناریوی بعدی می‌تواند یک محور ملی‌گرایانه‌تر برای بسیج مردم باشد. امری که در حال حاضر قابل مشاهده است و در ۱۵ آوریل، چن یی شین، رییس سازمان اطلاعاتی چین هشدار داده که کشورش باید قاطعانه در این جنگ تجاری پیروز شود. به همین دلیل کارشناسان معتقدند آنچه احتمالاً برای شی مهم‌تر است، موقعیت و میراث خود اوست. این موضوع در سال ۲۰۲۷ در کنگره بعدی حزب، تعیین خواهد شد، زمانی که بسیاری از تحلیلگران انتظار دارند او برای بار چهارم به عنوان رییس حزب انتخاب شود. در نتیجه چند سال آینده ممکن است بزرگ‌ترین آزمون او باشد.

۱۶ آوریل، آنها در حالی که هدف‌گذاری اولیه‌شان برای رشد اقتصادی ۵ درصد بوده، رشد سه ماهه اول سال جاری میلادی را ۵/۴ درصد اعلام کرده‌اند. این رقم با محرک‌ها و پیشی گرفتن از صادرات قبل از تعرفه‌ها تقویت شد؛ به طوری که حجم کانتینرهای حمل‌ونقل پردازش شده در هفته منتهی به ۲۰ آوریل ۱۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت.

اقتصاددانان چه می‌گویند؟

با تمامی این احوال اقتصاددانان انتظار کاهش شدید رشد را برای چین دارند زیرا از یک سو شاخص‌های فعالیت با بربری نشان می‌دهند که کاهش در راه است و از سوی دیگر قبل از اعمال تعرفه‌های ترامپ در حالی که رشد ۴ درصدی پیش‌بینی شده بود اما برآوردها حاکی از رشد ۳/۴ درصدی برای سال جاری میلادی است.

در چنین شرایطی است که رهبران حزب کمونیست، نسبت به ثبات اجتماعی بدبین هستند و شخص شی نیز به خوبی از پیامدهای کاهش صادرات و رشد صنعتی برای ضربه زدن به اعتماد عمومی آگاه است. در واقع هر چند در گفت‌وگو با مردم در کوچه و خیابان بسیاری موضوع تعرفه‌ها را چندان جدی نمی‌دانند اما نظرسنجی اخیر از سوی مورگان استنلی پس از افزایش تعرفه‌ها در این ماه نشان می‌دهد که ۴۴ درصد از دوهزار پاسخ‌دهنده در سراسر چین نگران بودند که خود یا اعضای خانواده‌شان شغل‌شان را از دست بدهند. در همین رابطه است که موضوع مذاکره با آمریکا جهت توافق تجاری از اهمیت مضاعفی برخوردار می‌شود. به عنوان مثال در شرایطی که خود ترامپ و اعضای دولتش مانند وزیر خزانه‌داری اعلام کرده‌اند که مایل به توافق و کاهش تعرفه‌ها علیه پکن هستند اما شواهد نشان می‌دهد که دولت شی به دنبال ارائه محرک‌های بیشتر جهت حمایت از مصرف‌کنندگان است.

در نتیجه جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست که قرار است طی روزهای آینده انجام شود، احتمالاً خروجی استراتژیکی را خواهد داشت. زیرا نه تنها اقدامات بیشتری برای تقویت مصرف و تولید داخلی در دستور کار قرار می‌گیرد، بلکه به گفته برخی از کارشناسان، احتمال دارد شی از این فرصت جهت یک پاکسازی اساسی در نیروهای مسلح خود نیز استفاده کند.



انجمن مدیران صنایع به عنوان شکل کارفرمایی غیردولتی با نقش میانجیگری بین دولت و بخش خصوصی و جلب مشارکت فعالان بخش خصوصی به عضویت در انجمن و ارائه خدمات به اعضا در راستای تأثیرگذاری بر سیاستها از طریق طرح مشکلات، ضرورتها، موانع و وضعیت بنگاه ها در شاخه های مختلف کسب و کار در عرصه عمومی تلاش میکند.

بر این باوریم مادامی که نیازها و خواسته های ما در حوزه های مختلف در گستره عمومی در منظر سیاست گذاران قرار نگیرد و اهمیت آنها مورد پذیرش واقع نشود در دستور کار نیز نخواهد بود. انجمن تلاش میکند با تغییر قوانین، سیاستها و تصمیمات اتخاذ شده در راستای بهبود محیط کسب و کار و پیگیری حقوق اعضای خود قدم بردارد.

به جمع ما بپیوندید
۸۸۸۱۳۰۴۷-۸۸۳۰۴۰۷۰
۰۹۱۲۰۷۰۲۰۳۶
www.amsiran.com